

سپاوون

شماره اول حمل ۱۳۶۸ مطابق اپریل ۱۹۸۹ مطابق
رمضان المبارک ۱۴۰۹ - سال دوم شمار مسلسل ۱۱



مورکیشیہ

صدای

جاودانہ

سدها

۲۰ لیلا، لیلا نوروز است

۲۲ خدا یاد دنیا دوروز است

۲۶ ۱۳۶۸ سال ولی دژر مار کال بولی؟

لکی فایف



۵۵۵

دعوت کما حقہ
و شخصہ مخصوصہ و شیر خوار شہرانیہ لاجنس صورتہ بگزار می نماید سالانہ
لکے فایف ہمیشہ بکوشش اپنا خاطرہ خواہد بود

آدرس: شہر نرنگہ مقابل مسجد جامع شیرپور • تیلیفون: ۲۰۴۱۰



یمار امین ویدیو کست

بعترین فلمعای ویدئوی گلچین (پښتو، دړی، هندی وایرانی) آماده فروش دارد. • فلمبرداری از محافل خوش شمعای یدیرفته میشود. • ادرس: منزل اول فروشگاه بزرگ افغان ۲۱۷۷۶-۲۰۷۰۴

عکاسخانه هروی

عکاسخانه هروی عکاسی محافل خوشرو سرور شمارا به بدترین وجه برگه از مینماید (همچنان تیبویو یوسی)

اکسرس، چهار راه سردار
تق برفخانه
جمهوریت

خوراکه فروشی انوش

خوراکه فروشی انوش تازه به فعالیت آغاز نموده انواع خوراکه باب را به قیمت های مناسب عرضه میدارد. • مشتری دایی خوراکه فروشی انوش باشید. • همچنان مجلات و جراید مورد علاقه تانرا ازین خوراکه فروشی دستیاب کرده میتوانید.

اکسرس، چوک قلع فتح شه

سباوروس

اعلان تان شمسار با شرایط بهتر نشه
میرسانه

خوراکه مورد نیاز شمارا به فروش میرساند. • همچنان بلوزهای بهاری هندی ولباس -

جین از قبیل براهن، دامن، جیسرهای زنانه، طفلانه و دخترانه ساخت وطن را با قیمت های نازل بدسترس مراه جمعین محترن ترارمیدهد. • شما میتوانید مجلات و نشریه های مورد علاقه تانرا نیز بدست آرید.

اکسرس، سرکت ۶ قلع فتح شه تق برفخانه برادران هوس

خوراکه فروشی سباوروس

قرطاسیه فروشی سید احمد شاه

جدیدترین لوازم تحریر کلاسوف معارف.

اقسام کتاب و کتابچه، انواع قلم های خودکار خود رنگ و ده ها قلم اجناس دیگر مورد ضرورت تانرا به قیمت های مناسب و رضایت بخش دستیاب نمایید. • ادرس منزل اول فروشگاه بزرگ افغان. • نمبر تلفون ۲۱۷۷۶

قرطاسیه فروشی اخبارک

کتاب، قرطاسیه، مجلات و کارتهای تریکی ارزان و خوب. اکسرس، منزل اول فروشگاه بزرگ افغان

قرطاسیه فروشی دوست

انواع قرطاسیه، جراید و مجلات دخواهتان را عرضه میدارد. • ادرس توجه نمایید. • مکتبته مکر و باغ کهنه

ضروری: در شماره یازدهم سال ۶۷ مجله سباوروس در شرح عکسهای مرسوط به استعدادهای ثروت ملی ما، نام محترن قاری فاخره قاری و قاری تصحیح شوند.

شماره اول حمل ۱۳۶۸ سال دوم
شماره مسلسل نهم

سپاروون



نعیم پوپل

یلا

نوروز

است صفحه (۲۵)

صفحه (۳۵)

فاجعه



صدای گمشده
جاودانه‌سدها

صفحه (۲۰)

درسهای موسیقی

صفحه (۸۴)

پاستی

سیرین

مخ (۸۷)

آیاتاسی دخیل

کوزیر

از مود تا سینما

صفحه (۵۴)

علی فاضلی بسمل
پروما جبرایلی را ایلک
دنیال عشق خود از
سرگرد شتاند

چون در این بیستی
صفحه (۲۲)

از گپها که ما خبر شدیم
صفحه (۴۴)



صفحه (۵۸)

۱۳۱۶ ساله بودی در زمان زکای بون
مخ (۲۷)

زن ۱۳ ساله بی تهمرد

صفحه (۴۰)



چارلی در صد سالگی
صفحه (۳۲)

مدیرمسول: د. کورژا هرطنین
تلفون: ۶۱۹۵۲
معاون: محمد اصف معروف
تلفون: ۶۲۷۵۲
سویچورد: ۶۱۸۷۸
ارتباطی: ۳۹ - ۴۸ - ۵۴



نشریه اتحادیه ژورنالستان
جمهوری افغانستان

زیر نظر هیأت تحریر:
بارق شفیعی
محمد حبیبی
عبدالله شادان
لطیف ناظمی
رهنورد زریاب
شفیق وحدان

ارتزگرافیک: محمد طیبی و
وحمید سمور
مطالعی: کبیر امیر
عمی نامی
معمول: محمد گل
نگار: شریف لطیفی و
شاپسون

اداره مجله در تصحیح و تدقیق مطالب دست ازاد دارد. مضا مین
وارد در صورت نشر یا عدم نشر مسترد نمیگردد. نظریات ارایه شده صرف
نظر نویسندہ میباشد.

مصیبت‌هاست

مباحثه: حسینا حافظ

امروز در نیای ماینس و تکالوژی، متاسفانه مواردی وجود دارد که نمی‌شود آن را با این همه مسایل و تکالوژی بیشتر-فته تدایو کرد. هیچ اندازه هم برای وابستگی انسانهای عصر ما به مواد مخدر معین شده نمی‌تواند. شبکه‌های وسیع برای کشتن انسانها توسط مواد مخدره فعالیت میکند. مافیا امروز در هر کجایی شاخ و پنجه زده است. تاجران مرگ با وسایل گوناگون داروی مرگ را عرضه میدارند. این تاجران هیت‌های مختلف دارند، در هر کشوری سرولگه‌شان پیدا است، به قیمت جان هزاران جوان آنان زنده کسی آبرومندان و شاهانه می‌نمایند چرا اعتماد از بین نمیرود؟ چرا نیروی جوان و فعال کشورهای جهان سوم عمدتاً و انسانهای کشورهای پیشرفته به حلقه‌های معتادین کشانیده میشود؟ برای اینکار بازی‌های تجارتهی وسیع است. ادامه دارد. و اما اعتماد و وضع اعتماد در کشورها چگونه است؟ مجله ما از کار این برایم نمیتواند به ساده‌گی بگذرد. چنانچه در شماره‌های قبلی خویش نیز در مورد نوشته‌هایی داشتم و اینک در این شماره با هم با دکتر عبدالسلام آثم رئیس بخش صحت روانها حبه‌ی ترتیب داده و توجه خواننده‌گان را به آن جلب میدارم و تقاضا دارم آنرا تا اخیر بخوانید.

س: اعتماد دوا بی‌چی مفهومی دارد؟



ج : وابستگی دوايي که به عوض کلمه اعتياد دوايي يا معتاد شدن از طرف سازمان صحت جهان پذيرفته شده است عبارت از مجموعه عوارض جسمي و زکامی و سلوکي ميباشند اين عارضه در اثروابستگی به مواد الکولي يا مخدر وجود مي آيد که حالات مختلف ميباشند باشد البته وابستگی دوايي يا سوء استعمال دوايي فرق دارد .

س : اعتياد يا وابستگی به مواد مخدره در کشور ما چيزي تازه نيست ولي در اين اواخر تعداد زيادي از جوانان به مواد مخدر معتاد گردیده اند به علت چیست ؟

ج : علل و اسباب مختلف ميتواند وجود داشته باشد . ناپاسامانی شخصيت ميباشد ثباتی عواطف و احساسات شخصي موجود است خانواده هاي پراکنده هاي نم انگيزه فشار اجتماعي هم نشيني با دوستان معتاد وغيره . همچنان کنجکاري پراي در رفتن اسرار مرز مواد نشه اور و بعضاً هم بخاطر فراموشي نم و نگرانی به صورت موقت و بايد علل عده را در تبليغات فرهنگي قاچاقچيان مواد مخدره دريافت که جوانان و نوجوانان کم تجربه به دامشان مي افتند . علل هاي ديگر روانسي نيز وجود دارد مثلاً افاده خود کامگی و نوع بندي و باري نسبت به خانواده و محيط .

س : در شرايط کشور ما اعتياد نوع از خود بيگانگی است يا لذت بردن ؟

ج : به موضوع دلچسپي تما مي گرفتيد در کشورهای مختلف حالت اعتياد نه تنها در شرايط جنگ بلکه در همه حالات وجود ميباشد باشد چنانکه امروزه در کشورهاي مختلف جهان اين امر به مشاهده ميرسد که بنا بر تجربی جوانان بتزليل افکاره

بي اراده می ويوارد ديگر که قبلاً ذکر نموديم حالات اعتياد بروز ميکند . برخی از معتادان فکسر کرده اند که گويابنا بردن بيه مواد مخدره و مشروبات الکولي آن هارا به عالم ديگر برده و در چنان حالت ميتوانند نفس راحت بکشند حالانکه در نتيجه اين حالت زنده می آنها به تباهي مواجه شده و واقعيت هاي زنده می همانطور بچامی ماند .

در مورد لذت بردن که شما از آن ياد کرديد در اوایل خوشی هاي گذرا و کاذب به وجود می آيد بعداً حالت نشه غمناک وغير قابل تحمل می باشد و از سوي ديگر انسان معتاد در يك ناگهري قرار می داشته باشد به مصداق همان شعر :
نشه صهبانمی ارز به تشويش
خسار
در گذر امروز عذاب که فردا
آتش است

س : ارتباط معتاد بين بخصوص جوانان با امراض روانی چگونه است ؟

ج : نزد معتادان تشوشات روانی بملاحظه ميرسد گاهی پيشوار است که فهميده شود که ايا اعتياد باعث تشويش روانی شده است يا تشويش روانی باعث اعتياد .

به هر صورت تاثيرات اين دوا لاي هم متقابل است در نتيجه پناه بردن به مواد مخدر انسان بي اراده شده مسووليت هاي اجتماعي و اخلاقي را کمتر درک می کند . استدلال و منطق نزد معتاد از بين رفته احساسات عجز و کوتاه نظري شود کم حوصلگی و شک بردن بيچنان نسبت به همسر و دوستان در او تقويت يافته چنين تلقينات قضاوتش را متاثير می سازد به تدریج نفرت و دوستان و خانواده اش را نسبت

به خود بيشتري سازد و گاهی هم از شخص معتاد فقط بايد انتظار انسان زنده را داشت که مشابه به يك مجسمه است .

س : بيشتري معتاد بين درجا معه ما کيها اند و از کدام ميوا د استفاده بعمل می آورند ؟

ج : در حالاتيک فعاليت قاچا قبران و تجاران مواد مخدر مساعد تر باشد خطر اعتياد وسيعتر می شود مخصوصاً در کشورهایمانند کشور ما دشواري هاي زنده می مصيبت هاي جنگ و بيسوادي و عواملی از ينگونه اين مصيبت را افزايش ميدهد در کشور ما در برخی مناطق از تريا ک بحیث داروي آرام کننده سرفه و تسکين درد اعضا و دواي خواب آور استفاده می شود از تريا ک و چرس گاهی براي درمان و معالجه قلع ها کار می گيرند در برخی از ولايات ما در طبابت هاي محلی و غنچهوي حتی براي اطفال نيز اين مواد را توصيه ميکنند . حالانکه توصيه اين مواد صد فيصد از کودکی اعتياد را به بار می آورد . در بخش هاي ديگر کشور ما که کشت و توليد تريا ک و چرس و تنباکو رايج است از لحاظ اشتغال افراد با اين مواد وابستگی هاي دوايي را بوجود می آورد . بد بختانه در سال هاي اخير هيروئين در بين جوانان جامعه بازار يافته است . متاسفانه زماني دختران و پسران جوان مصاب به آن به مشاهده ميرسد که البته کار وسيعی و مبارزه عليه آن ادامه دارد .

نمونه هاي از مواد ديگر مثل ماند رس ، مخ و بنگ آب و بعضی ادويه ديگر هم وجود دارد چنانچه می گويند : در يکی از مناطق ولايت بدخشان پيغمردی بود که مدت درازی تريا ک دود می کرد

و به آن وابستگی داشت زمانیکه او چشم از جهان می پوشد در فضاي کلبه موصوف ديگر دود تريا ک نمی پيچيد و چندي بعد يکتعداد موش هاي مرده در بين اتاق محقر پير مرد متوفی ديده می شود . دليل آن اين است که حتی موش هاي موجود در سوراخ هاي خانه نيز به تريا ک وابستگی پيد کرده بودند که با قطع دود تريا ک و تبا نيواردن بيترک آن مرده و زمين اتاق آن پير مرد افتاده اند .

تاجاييکه از خود ما بين وابسته به هيروئين معلومات حاصل شده هيروئين نيز در کشور ما برخلاف کشورهای ديگر از طريق دود کردن به مصرف ميرسد .

س : تعداد معتاد بين به مواد مخدره در شهر کابل آيا معلوم است ؟

ج : آماري وجود ندارد يک احصائيه تشييت يکصد هزار مصاب وابسته به تريا ک در بدخشان است که مربوط بيک دهه قبل است . رياست صحت روانی وزارت صحت عامه در نظر دارد تا به همکاري مالی اداره سازمان صحت جهان و مساعدت هاي ارگان هاي ذيربطه احصائيه مصابين به مواد مخدره و مشروبات الکولي در شهر کابل وسپس در ولايات را بدست آورد . باتاسف بايد گدک تعداد اين اشخاص افزايش يافته است و ايجاب توجه جدي را می نمايد .

س : برنامه تدبيريه چگونه است ؟

بقيه در صفحه (٧٤)

دواي مرگ و تاجران مرگ



بیه میگویند



مهر و وفا

توجه



دختر آرزو



دوست و ادمه

هیله منده م هغه کسان چی به تحینو عقل نار وغیواخته
دی ژر تر زره شفا و موسی او د عقلی او هو بنیابر سترگی بی روی شی
خبره داسی ده چی تحنی بی احساسه اوس مسوولیته نارینه
د خیل ژوند بدی او د نیستی و روی چی لومړنی بنخی ورسره
به ورین تندي کاللی چوره یاده باسی حتی د خیل بیه نسو
اوشعرت شخه تیر یزی او د دوهم واره بند و بست کوی که شه هم
چی د موضوع نوی نه ده ولی به ۶۲ کال کی بی د سارن ناروغی
بته تحانته نیولی او د پروکسانوته بی سرایت و کړ امید واره یس
مسبز کال د اد کورنیو درنگید و ناروغی له منعه ولاړه شی .

لطیفا پرد اد بیتون پوهنځی فار التحصیل



پاکي و صفایي

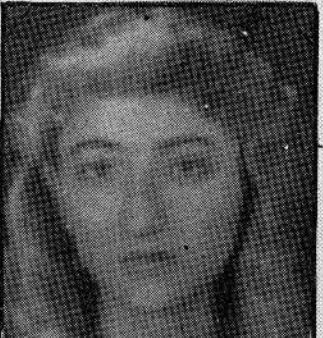
عزیز آقا سرزاز
دل بستگی خاصی به پاکي و صفایي د اد ، آرزو مند صاحب خان
مکروریان شم ، آنجا به متری شود پاکي و صفایي راتا مین کرد .
- اگر با دخترین هم سفر زنده کی شوید که ا و چند ان توجه
به پاکي نداشته باشد در آن صورت چه خواهید کرد ؟
- خدای ناخواسته باشد که این چنین شود ، ورته کار زار می شود
با آنم اگر چنین دخترین سرد چار نسدم انوت اورا به روحیه
خود تربیه میکنم .



نظام و د سپلین در سرویس ها

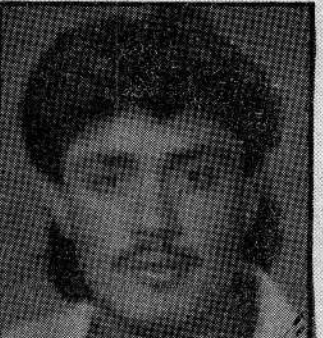
عضوکلان خانوادہ ام میاشم .. آرزو د ان خواهران و برادرانم
به آرزوهای دلشان نایل آیند .
همچنان آرزو مندم که بعضی از همشهریان مانظم و د سپلین
اجتماعی را در سرویس های ملی بس جد ا رعایت نمایند ، و نگرانان
محتس هم درین زمینه از خود سی تفاوتی نشان ندهند ، بعضی
از مردان به بالا شدن از د روزه اوس سرویس هلات مندی بسیار
نشان میدهند وقتی برایشان گفته شود که یک کی دور شوید و یا
به اخل سرویس پیش بروید میگویند : ((برو بی جان تو چقه
خود می سازی ، ما از خود خوار و مادر داریم . . .))

مصرفاتیکان در نشان فار از صواب ۱۲



میخواهد هنرمند سینما شود

محمد فرید محصل سال د م پوهنځی هنرهای زیبا :
در رشته تیاتر و سینما مصروف تحصیل استم ، با سلم عشق
میورن و دوستش میدانم ، و همین ام هر نقشه که برایم سپرد شود
میتوانم آنرا به خوبی اجرا نمایم ، ولی باتا سف چند باریکه به
اداره فلم های هنری و مستند مراجعه کردم خود را پشت در بسته
یافتم و جواب رد شنیدم ، آرزو مندم که امسال آرزو هام برآورده
شود و بتوانم در فلم ها کار نمایم .



پایند حاضری خانه

پایند حاضری خانه



روهینا محسن پوهنځی ژورنالینم :
 تصمیم د ارم اسمال باشخوړمورد نظم ازدواج تمام 'آرزو د ارم
 که د زمینه فامیل مخالفت ننماید .
 آرزو مندم بعد از عروسی شوهرم مراخیلی دوست بد اړدوسه
 وقت معین خانه بیاید ' یعنی آن تسمیکه باید حاضر د دفتر
 میاشد ' باید ' باید حاضر نزد من نیز باشد .

وفادار و پولدار



روزیا ونا کارمند وزارت امور عودت کننده . کان :
 آرزو د ارم باخوانی د ارم تحصیلات عالی ، وفادار و پولدار
 ازدواج تمام ' پولدار به خاطر اینکه میخوایم ماه غسل رادرخان
 از کشور سوری تمام .
 - اگر باخوانی د ارم چنین صفات آشنا نشدید در آن صورت ؟
 - در آن صورت باهی کس را دواج نخواهم کرد .

در آرزوی ثروت و شهرت



محبوبه کارمند نشرات سنا :
 د رزنده کیام سه آرزوی بزرگ د ارم که به حقیقت بیوستن آن
 خیلی مشکل و باهم دوزار امکان است ، نخست آرزو د ارم خیلی ها
 نروتمند باشم ، آندر که حسابش را کم ، دوم اینکه یک ورزشکار
 ورزیده به سویه جهانی باشم و در مسابقات ورزشی جهانی همیس
 موفقیت ازان من باشد و سن اینکه میخوایم به ایالات متحده
 امریکا سفر تمام .

بنیاست او اخلاق



خیال محمد سرراز :
 زما بیواچینی هیله داده چی سرکال د ترخیر د اخیستلو -
 ورسته د ژورنالینم به پوهنځی کی شامل شم . ارم د ژوند ملگري
 چی بنیاست او اخلاق ولري پیدا کي .
 - د د ی خصوصیاتو لرونکو انجلی سره که بیسواده وراشناسی
 عنده انتخابوي ؟
 - لومړی کوشس کم چی د ژوند ملگري می باید باسواده وي
 او که نه وه نویایی د مبارزه با بیسواده . کورس کی شاملم او خپله هم
 شپه اوون ور سره سبی وایم ترخو با سواده شی .



چهارمین جشنواره شعر دانشجویی

مباحثه از کلامه حبیب

وقتی شعری را زمزمه میکند چنانست که گویی دریایی از نسور در رگهای جانانت جاری میشود . صدایش آنچنان برجذب و نوازشگر و لطیف است که وقتی میشنوی تنهایی در وجودت میشکند، زیرا که در صدایش وسعت رویش و پایش است .

سیما شادان از زمزمه دیکلماتورانی است که میتوان گفت در بخش زنها چون او زیاد نداریم و اگر هم است انگشت شمار . وقتی عقب میکروفون قرار میگیرد ، وقتی شعری را از بیدل زمزمه میکند آنچنان با احساس میخواند ، آنچنان شعر را جان میبخشد که گویی این خود شاعر است که در نزد یکی ات نفس میکشد . بادنمایی از پرسشها بدیدنش میرود تا توشه بی برای مجله تهیه دان ، مانند همیشه آنچنان که است با لطف همیشه کسی اش که خمیر وجود اوست با خوبی و مهربانی یک زن رو بروم می نشیند . هر چند که در برخورد هایش صمیمی است اما در گفتار خود نهایت جدی و دقیق است .

من بعد از سکوت کوتاهی از روی میروم :

- وقتی اولین بار عقب میکروفون قرار گرفتید واهمه نداشتید ؟
- البته که واهمه داشتیم ، حتی صدای قلم رامیشنیدیم بخصوص که آنروز عبدالله ((شادان)) همراه با من اخبار رامیخواند .
- و آیا غلطی نکردید ؟

- نه همه اخبار را بدون غلط خواندم .

- شما علاوه بر آنکه نطان خوب و ورزیده استید اشعار را نیز دیکلمه می کنید، آیا اتفاقی افتاده که اشعار را غلط بخوانید ؟
- چرانه حتماً غلط خوانده ام زیرا گاهی همان لحظه یعنی در آخرین لحظات شروع پروگرام شعر را بمن سپرده انده بخصوص وقتی شعر از مولانا و بیدل بوده طبعاً که بدون غلطی نبوده است .
- شما وقتی اولین باری که شعر را دیکلمه میکردید خواستید مانند چه کسی دیکلمه کنید چون فریده انوری یا کسی دیگر و یا خودتان ؟

- چون زنده گی من با عبدالله شادان است من از او آموختم ولی تا اکنون از کسی تقلید نکرده ام . بودن عبدالله شادان نطق ورزیده که دوبار جایزه اول دیکلمه شعر را گرفته است ، فکر میکنم برای کافی است .

- شما اکثراً هنگ ها را نیز کارگردانی می کنید همینطور است ؟



پونتم در نیمه های شب به چه فکرمی کند

ترجمه علی اشرف

س- اگر بیگانه پس با شما تماس میگیرد و یا کسی دست شمارا میگیرد و یا دستانتان را در ورگوشه های بیخود پس احساس به شما دست میدهد ؟

ج- در چنین حالات خود را تا راحت احساس میکنم و از این آشنایی ها خوشم نمی آید. اگر یک دوستم ، مادرم و یا کسی را که دوست دارم مرا به اغوش میکشند البته که قشیه کاملاً جداست از چنین چیزها. و در راحتی خیلی به دورتم میدارم و اگر ضرورت بیفتد بگویم. پشت مورد آزار (پس میزنم) در چنین حالت خیلی با قاطعیت و در جلو چشم همه عکس العمل نشان میدهم. خیلی میزنم و یا خنجر را میدرم. با آنهم در زنده گی حقی لسته پس هم خودم را تنها میدون دوست احساس نکرده ام.

س- لطفاً در مورد بوسه نشستن تان وارک و راست بگوید ؟

ج- من هرگز مردی را در ملاقات نخست نمی بوسم. اگر راست بگویم به چنین ملاقاتهایی دم نرفته ام. فراموش نباید کرد که مادر خند بوسه بهم نه در آمریکا ، در ایران ، دختران را به بیرون رفتن دعوت میکنند. زودتر از این زمان دعوت صورت نخواهد گرفت. بران هفتیسه سهنا آستم و دعوت هفتیسه جرات بیشتر با داران. روانه کسی مراد دعوت کند. تمام باید بده دیده در این باشد. بنابراین موافقت زنده میزنم اما راست به بوسه نمیزنم

س- در نیمه های شب وقتی همه خوابند شما درباره چه فکر میکنید ؟

ج- فکر ، فکر ، درباره چه فکر میکنم ؟ این مربوط میشود به اینکه چگونه روزی را گذرانم.

س- در روز بدی را گذرانده باشم ، از زرد میباشم و در بستم ((لوتک)) میزنم و اما امروز خوبی برایم بوده باشد و حال میباشم به بالشت میزنم و باید لبخند خواب میروم ، این مهم نیست که من چه ساعتی بخانه بر میگردم چهار صبح یا شش صبح ، من خواب سنگین ندارم. روانه تلفون در یکی از اتاق های دور هم زنگ بزند آنرا می شنوم و فوراً بر میخیزم. اما شب زنده دارن حار زیاد هم داشته ام و آن وقت بوده که یا ناراحتی روسی یا اختناق نشوری با مادر و خواهر داشته ام و عاشقی میخواسته خواب شود. س- وقتی به اغوش کشیده شدند اید عکس العمر تان چه بوده است ؟

وای ! وار خدا جان ! این دیگره است؟ بعضی حال این مربوط می شود به کسی که مراد اغوش میگیرد.



چونان نسل نوبی حد پیرو و اراد است و درین مسورد چسارت کرده با والدین شان حرف میزنند ، اما در مورد من صدق نمیکند چه من تراورده دهسه (۸۰) نیستم ، از تنو تا اندازه یی مسافنه کار استم و عذرت میخواهم البته در آینده پیراز کسی اوقات نرم در زمینه صحبت خواهم کرد ، به عقیده من جوانی جو دارد درین مورد ابراز ندرند که از لسا نورو به پختگی بنیه در صفحه (۶۰)

بوسیدن یک امر طبیعی است و وسیله انتقال احساس دوستی و محبت تلق میشود. س- خوب اجازه میدید کسی جلو بروم و بوسه بدهد ؟

میخواهم زنی باشم عاشق با خدا دوستی یک با یک مرد میتوانم بعد گسترده تری از سکس داشته باشم



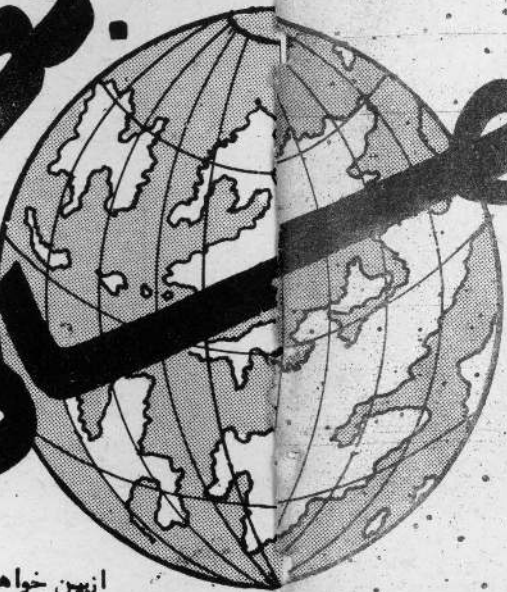
ترجمه: انجنیر حلیم

تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و سردی و متلاطم درجه حرارت خواهد بود

تأثیر عمده جنگ

ذروی سقوط ناگهانی و سردی

و متلاطم درجه حرارت خواهد بود



بگذارد نوح کیم حادثه غیر قابل تصور وقوع پوست...
 سیمای جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد بود؟
 از پاسخ این سوال میتوان نهایت مشابهت را قاطع
 در برابر وجودیت (۵۰۰۰۰) سرگوله ذروی فعلی جهان کار گرفت.
 در کفرانس های دانشمندان ذروی در سیکو و واشنگتن شهرهای
 دیگر نماینده گان جامعه ملی جهان به آخرین مسائلات و تحقیقات
 شان پیروان اینک جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد
 بود توجه جدی مبدول داشته اند. تنهاسه سال قبل دانشمندان
 ذروی این مفکوره که اگرچه وضع جهان بعد از جنگ ذروی خیلی ناچهار
 انگیز و ناگوار خواهد بود، ولی موجودات زنده به ناچار مانند کیم
 کیم نخواهند شد، کار کردند. این دانشمندان اکنون بعد از دست
 یافتن به حقایق تازه و اینکه برای همچو ((جوشینی)) استدلال ضعیف
 وجود دارد، تغییر عقیده داده اند.

پس اینجاست سیمای بعد از فاجعه ذروی از نگاه دانشمندان
 زمانیکه سناریوهای گوناگون جنگ ذروی در معرض آزمایشات دقیق
 و تجارب مودل های کمپیوتر قرار گرفت، چه قدرت محض انفجار
 (۱۰۰) میگاتن یا (۵۰۰۰) میگاتن (کمتر از نصف زیاد خانه میجرسی
 ذروی جهان) باشد، همه به این نتیجه رسیدند که
 موجب انفجارات ذروی نسبت به تاثيرات مستقیم آن (امواج تکان
 دهنده، جریان حرارت یافتند باد حرارتی و تشعشع) بمراتب وحشت
 ناکثر و کشفند تر است.

مودل های اقلیمی که لغز طرف دانشمندان شوروی و امریکایی یعنی
 تیم ساگان در پوهنتون کورنل، مشخصین و دانشمندان مرکزی ایالات
 متحده برای تحقیقات اتموسفری که مستقیماً در رأس آن قرار دارد
 ولادیمیر الکساندروف و گیورگی ستنچیکوف از مرکز ریاضی اکادمی علوم
 شوروی، گیورگی گولیتسین و الکساندر گمنزوی از انستیتوت نیک اتموسفر
 مستقلانه طرح شده است تصویر مشابهی را از سیمای جهان بعد از
 جنگ ذروی ارائه میکند. تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و
 سریع و متلاطم درجه حرارت خواهد بود، ظرف چند روز محدود جهان
 از سردی یقیناً به اندازه سردی قطب شمال دچار سرما خوردگی می
 شود.

خواهد شد و حداقل برای یکسال ادامه خواهد یافت.
 آفت ایکولوژیکی سرتاسری!

هفته ذروی بعد از انفجار ((زمنستان)) همراه با تاریکی تقریباً
 مطلق فرا خورد. صدها هزار تن خاکستر و دود آتش های شعله ور شد
 در سرتاسر قاره ها پرده غیر قابل نفوذی را بر روی آسمان خواهد کشید.
 شکل نورمال اتموسفر با هوای گرم در بالا و هوای سرد در پایین حالت
 معکوس را بخود خواهد گرفت.
 طبق نظریه ولادیمیر الکساندروف، درجه حرارت اتموسفر در
 ارتفاعات بین (۱۰۰۰۰) و (۱۵۰۰۰) متر تا حد درجه سانتیگراد
 خواهد رسید در حالیکه در سطح زمین درجه حرارت در حدود پنج
 درجه پایین تر از نورمال کاهش خواهد یافت. با این کار واکنش زنجیری
 از حرکت بازمی آید و منتهی به آفت ویدیخی ایکولوژیکی سرتاسری
 میگردد.

ناپودی عجات بصورت کل

مودل سرد بعدی های درود آنها یکی اتحاد شوروی از اقلیم جهان
 تاثیرات جانبی وحشت انگیز زمستان ذروی را ارائه میکند، طوری که
 تفاوت نهایت زیاد درجه حرارت بین قاره ها و اقیانوس (هوای خیلی
 آهسته تر بر روی اقیانوس) منتهی به تند بادها و توفانهای شدید
 در نواحی ساحلی خواهد گردید که این به نوبه خود چنان بر فباری
 های شدیدی را بدینال خواهد داشت که حیات را بصورت کل نابود
 خواهد ساخت. علاوه بر آن تغییرات اتموسفری سببیکل های در ولوتیکی
 را کاملاً از بین خواهد برد و خشکسالی و نواذوری را بر قاره های وسیع
 بندگان و بدون خورشید حکمفرما خواهد ساخت.

بعبارت دیگر، هراتیه که از صمیم آتش جان سلامت برده،
 سردی یا خشکسالی آنرا از بین خواهد برد. یخبندان ناگهانی و وسیع
 که الکساندروف ستنچیکوف آنرا پیش بینی کرده، برای جنگلات در ارتفاعات
 متوسط تها کن و کشفند خواهد بود. جنگلات مناطق حاره و نیمه حاره
 بی که تقریباً نیمی از کله خشک زمین را در بر میگیرد، یعنی طوری
 خواهد شد.

از این خواهد رفت زیرا این جنگلات حتی در برابر تغییرات جزئی درجه
 حرارت یمانور نمیتوانند مقاومت کنند.

صریخندگان دیگر!

الکساندروف معتقد است که تقریباً یکسال را در بر خواهد گرفت تا
 جهان باردگر تلاشگر روز روشن باشد، این چه چیزی را اشکار میسازد
 یا توضیح میدهد؟ جنگلات وسیع به صحرای صحرای تبدیل خواهد شد
 البدی (یا قدرت انعکاس نور) سطح زمین دوچند یاسه چند خواهد
 گردید که در نتیجه آن نور خیلی کمتری از خورشید جذب خواهد شد و
 بدین ترتیب تمام سیستم اقلیمی جهان دستخوش تغییر خواهد گردید.
 این نشاندهنده امکان پیدایش یک صریخندگان دیگر است.
 ملازمت الکساندروف و ستنچیکوف محاسبه کرده اند که در حدود (۸) ماه
 بعد از درگیری ذروی، هوای گرم بر روی ساحات تپت و بعضی نقاط دیگر
 موجب خواهد شد تا برفها و یخبندانهای ساحات مذکور آب گردیده و
 در نتیجه آبهای خیلی زیادی بر روی قاره ها سرانبر خواهد شد، بار
 دگر سبب عظیمی توأم با درجه حرارت قطبی همه جا را فرا خواهد
 گرفت.

تمام این ((سناریو)) ها تصور میکنند که فاجعه ذروی در صورت وقوع
 در نیم کره شمالی رخ خواهد داد، چون کله های هوای سرد و نیم
 کره در اثر مانع اقلیمی غیر مرئی خط استوا از هم جدا شده اند، انسان
 میتواند تصور کند که بازماندگان این فاجعه نهایت در نیم کره جنوبی
 پناه گزین شوند.

زمستان ذروی بر تمام مناطق تا نور خواهد انگند!

بدبختانه به چنین امدها و آرزوها بخود دل بسته اند، طبق
 نظر الکساندروف این مانع را تفاوت های درجه حرارت بین دو نیم کره
 از بین خواهد برد.

این فرضیه که هیچ منطقه بی بر روی کره زمین از این فاجعه در
 امان نخواهد ماند، بصورت تحقیق مستقل دیگری تأیید شده است.
 کارل ساگان دانشمند امریکایی و گولیتسین و گمنزوی دانشمندان

شوروی در مطالعات و تحقیقات شان پیروان تغییرات ممکنه در اتموسفر
 بعد از جنگ ذروی به چیزهای تازه و مشخصی دست یافته اند، آنان
 توانهای خاکی را که بر سطح کره میخ بر وقوع می پیوندد بعنوان مثال
 می آورند.

طبق نظر گولیتسین، خاکتوده هایی که از کره میخ در آسمان
 تابستان بلند میشود، تمام کره میخ را در ظرف چند هفته در بر
 میگیرد و درجه حرارت کره میخ را بصورت کلی تغییر میدهد، سطح کره
 سرد میشود در حالیکه اتموسفر بسوی بالا گرم است و به شکل متناقض
 جهان پیدا میکند، همچو چیز مشابهی بر روی سطح کره زمین نیز اتفاق
 خواهد افتاد، بر طبق تخمین های نهایت مستطانه، بی که بعمل آمده
 آلوده کی اتموسفر ناشی از جنگ ذروی در تمام کره زمین از شدت شمعاع
 خورشید که به سطح زمین میرسد ظرف چند هفته در حدود (۱۵۰) -
 مرتابه خواهد کاست.

مودل های اقلیمی ایالات متحده و اتحاد شوروی نشان میدهد که
 بعد از انفجار ((صرف)) ۱۰۰ میگاتن ((معادل ۸۰۰۰ هیروشیما))
 کره زمین برای زندگی انسان یا هر ارگانیسم زنده دیگر جایی مناسبی
 نخواهد بود.

یک شب طولانی و خاموش

بر طبق نظر پال ایرلیج، دانشمند بیولوژی در پوهنتون ستانفورد
 کالیفرنیا، هر بخش از جهان زنده که از فاجعه ذروی در امان مانده
 باشد در هر صورت محکوم به فنا خواهد بود، علت ساده آن اینست
 که فوتوسنتز، این پایه و اساس زنده گی نجات در تاریکی غیر ممکن
 خواهد بود و بدون زندگی نجات تمام حیوانات بازمانده از فاجعه از این
 خواهد رفت.

حتی اگر تصور کنیم که شرایط نجات شکل ارتجایی بخود بگیرد،
 در آن صورت جهان با خطر دیگری یعنی تشعشع قوی ماورای بنفش مواجه
 خواهد شد.

تشکیل مقادیر نهایت زیاد نایتروجن اکساید در ساحه اطراف قشر
 اوزون اتموسفر طبق نظریه اسرائیل صو، اکادمی علوم اتحاد شوروی
 بقیه در صفحه (۲۲)

اگر نوعیت و احوال کونی زنده می یابد مرد کتیبه اراد هر عمل بین اوست بر اراد ۳۱ انه و غیر کونی او بیاسیر بیعی می تواند آید او را شکل ن مد و حتی جریان حسان حارن او را نیز تغییر دهد ۱۰

از حکایات باستانی هند
مترجم: ع. فرحسوی
مترجم: مثنی دانی

شب شور و سرور بود چون شاه
بایستی که بر این آرزای شده
بود شادمان گردیده بود شاه
و ملکه بخاطر دست یافتن به این
الذفات و بخشش شماری از شعایر
و مراسم را بر پا آورد و ریاست های
بسیاری کشیده بودند از سر
آنها از زمان از دواج شان در
دوازده سال قبل تا این زمان
کودکی بدنی نیاورده بودند
ملکه از سوی همه نزد یکان و
عزیزان تهنیت گفته شده بود
کودک خوشدل و زیاده رکاب او
لمیده بود و هنگام نیمه شب از
همه تقاضا شد تا بخیرد اخلسی
کاخ را ترک گویند تا ملکه
که خدمه ها در بیرون از اتاق
نگهبانی اثر میکردند خواب
را حسی داشته باشد و جراحها
خاموش شدند
ملکه ساعتی خوابید اما ناگهان
بیدار شد و بدظن رسید که نوری
در نزدیکی سرش ظاهر شده است
چشمهاش را گشود تا به منبع نور
نگاه کند آنچه را دید او را به
شگفتی واداشت آنجا یک موجود

نورانی ایستاده بود و دست
را ستر به سوی سرکودک نوزاد
کشیده شده بود چون ملکه به
آن نگریست موجود نورانی
دستش را عقب کشید و لبخند زد
ملکه بر حایر نشست و گفت
من نمیدانم تو کیستی اما یقیناً
تو پدیده خود آسمانی هستی
چون نورانی خاموشی گردید این
کار ملکه را شگفت زد ساخت
ملکه گفت
برا شما گفتمی زیند
و موه بانه افزود
آیا شما یک موجود آسمانی
نیستید
رب النوع سرنوشت گفت
بلی استم اما من رب النوع
سرنوشت ایتم و یگانه و شیخه من
اینست تا آنکه را در زنده کسی
برای یک نوزاد فراهم شده
است در پیشانی او بنگسیار
من نمیتوانم چیزی را بیشتر از آنچه
(کارما) برای یک کودک مقرر
داشته است از زخم من در رختها
تولد هر کودکی را مقرر میسوم اما
مردم مرا نمیتوانند ببینند اینکه

توانستی مرا ببینی بیانگر عفت
خاص و بدانی بی است که تو
یداری با وجود آنکه خود از آن
آگاهی نداری
ملکه در برابر رب النوع خم شد
و پرسید
آیا آنکه را در پیشانی کودک
من نباشته است برای من آشکار
نخواهید کرد
رب النوع سرنوشت گفت
من نمیتوانم آشکارا تمس
اگر اینکار بکنم برای توست
ندارد از سوی دیگر اینکار
بدون هیچگونه تزیین با عفت
شمرانی تو خواهد شد
شما همین الان نیم از آن به
را آرزو داشتید بدانم برایم
گفتید چنین به نظر میرسد که
هیچ چیز خوبی در سرنوشت
بسم وجود ندارد شما باید تمام
حقیقت را برایم بگویید در غیر این
شمارا نخواهم گذاشت که بروید
اگر با جبر بروید من خود را
خواهم کشم
ملکه این جمله ها را با صدای
نرم ولی مضم اشعار کرد
مباحثه بین ملکه و رب النوع
ساعتی ادامه یافت بالاخره
رب النوع مجبور شد تا برای ملکه
اشکار سازد که بر او زنده می
خواهد گرد و دراز کاخ در
جنگلی خواهد زیست
ملکه دریا را میرومید میگریست
اما بخورد جرات داد تا از
رب النوع خوشبختی تقاضا کند
که اندکی بارید بختی بپوش
را کاهش دهد
رب النوع گفت
خوب من تضمین میکنم که او
هر روز توانایی شکار یک آهو را

داشته باشد و این امر بزرگی از
سرنوشت او خواهد بود بیشتر
ازین تازی کرد نمیتوانم
و سرانجام سخن ها رب النوع
ملکه را ترسید
روزها سپری شدند ملکه در
و وسواس خود را در دل نگهداشت
یک سال بعد شاه بیمار شد و
در گذشت وزیر سیمه کار او
تا شاهی را به بهانه اینکه
شهرزاده خرد سال است تمسب
کرد و در پیشان سعی کرد تا ملکه
و شهرزاده را بکشند اما ملکه با
شهرزاده کویت به موقع فرار
کرد و در جنگلی پناه گزید
پیش گویی رب النوع مرگ بسمه
و ا قعیبت پیوست هر گام ملکه
حال های را در گوشه و کنار جنگل
می گسترانید و صبح بعد آهویی
را در یکی از جال های یافت
ملکه آهو را به یکی از جنگل نینان
میداد و او آنرا در شهر می فروخت
و بهایش را به ملکه می سپرد
به این ترتیب سالها سپری
شد بزودی شهرزاده نوجوان
به یاری مادر شتابید در عین
حال شهرزاده به شاکردی یک
تارک دنیا رفت بنوشتن و خواندن
و فلسفه را اموخت
روزی شهرزاده در اندیشه بی
با خود میگفت
بسیار شگفتی آور است که
هیچ گاهی بیشتر از یک آهو در روز
شکار نمیکنم در حالی که هر روز در
پنج محل جال میگذارم و بسیار
عجیب ترین که هیچ روزی را بدون
یک آهو شکار شده سپری نمیکنم
مادرش که این سخنها را
شنیده بود گفت
این بخاطر است که شکار یک

آهو در یک روز جزئی از سرنوشت
توست
به این ترتیب ملکه بخشی از
راز را آشکار ساخت شهرزاده
اصرار ورزید تا بداند که مقصود
مادرش چیست و ملکه مجبور شد
تا همه چیز را به یک به او بگوید
شهرزاده نشست و در سکوت
تزیینی فرورفت پس از سکوت
طولانی گفت
مادر! من سرنوشت خود را
تعمیر خواهم داد
بسم چگونه اینکار را میتوانی
بکنی کی میتوانی سرنوشت خود
را تغییر دهی
شهرزاده نوجوان گفت
اگر من مسؤول سرنوشت کونی
خویشم به خاطر اعمال خود در
زنده می قبلی است بسم من
میتوانم اینکار را بکنم
شهرزاده ساعت طولانی بسمه
اندیشه فرورفت و بعد با چهره
مغمم برخاست
روزی دیگر او به عور پنج جال
فقط یک جال را در گوشه بی از
جنگل گسترانید و در نور یک
پیشینی کرده بود یک آهو را
در جال یافت
روز بعد به عور اینکه جال را
روی زمین بگستراند آنرا در
شاخه بی از درختی آویخت
با وجود آن صبح روز بعد آهویی
در جال گیر مانده بود
بعد جال را در بلندترین
درخت آویخت و همین سان گرد
گرد درخت آتشی بزرگی افروخت
نیمه شب از خواب بیدار شد
و موجود نورانی بی را در کنارش
یافت
شهرزاده پرسید

آیا عارب النوع سرنوشت
استیسه
رب النوع خشمگین گفت
بلی من استم منظور تو از
آویختن نیال در درخت بلند و
افروختن آتس پیرامون آن چیست
آیا تو میدانی با وجود یک من یک
رب النوع است در نیای عینی
من خلاف قوانین طبیعی نمیتوانم
کار بکنم نمیدانی که بسردن
آهوه بالای درخت تازی است
دنیار
شهرزاده گفت
اما شکار یک آهو در هر روز جزئی
از سرنوشت من است اینکه
چگونه آنرا در جال من گیر
میاندازی کار توست
رب النوع گفت
آیا باید بخاطر خوشبختی
که برای تو تضمین کرده ام مزا
حم من شوی
شهرزاده آهسته گفت
اگر کار تاز نواری ساختم
تو در برابر من ظاهر نمیشدی
اما تو چرا میخواهی که من در
برابر تو ظاهر شوم
تا آنکه آنچه را در پیشانی من
نوشته بی و مرا محکم به زنده می
در تبعید میکند از جبین من
بزای رب النوع سرنوشت
سکوت کرد شهرزاده چشمانش
را بست و با حرارت و اشتیاق ملهم
از یک سرنوشت تو گردید لحظات
طولانی سپری شد شهرزاده
احساس کرد که دست رب النوع
از پیشانی او میگذرد بعد
چشمانش را باز کرد
رب النوع سرنوشت گفت
با اراده و آرزوی خود تو قادر
بودی تا سرنوشت را عوض کنی
و افزود
احسان و بخشش من با تو
خواهد بود
و آنکه نابدید شد
روز بعد خوب شکی خوبی
قیام در کاخ سلطنتی را به شهرزاده
و مادرش آورد قاصد تخت و
تاچ که مستبد و مستغربه بود
از سلطنت خلع گردید بود ملکه
و شهرزاده بزودی به سوی کاخ
رفتند همه کس ملکه را شناخت
چشم و سرور بزرگی بخاطر اعاده
تاچ به وارث حقیقی آن برپا شد
و شهرزاده به حیث شاه تاچ پسر
سرها



مراسم یک تدفین

امپراتور

از آنجاییکه پیرامین ۶۲ سال مراسم تدفین امپراتور توری صورت می پذیرد، حکومت جاپان با مصلحت دبلوماسی رویرو بود؛ چگونه مثال، چطور میتوانست یقین حاصل نماید که جورج بوش مجبور نشود که تارسیدن نوبت الفبایی کشورش، جهت ادای احترام در برابر تابوت امپراتور، قریب سه ساعت انتظار نکند. اعضای کمیته موظف در وزارت امور خارجه جاپان تا ساعت ۲ یا ۳ شب روی حل همجو مسائل مصروف کاری بودند. قرار معلوم وزارت خارجه کشوری از وزارت خارجه جاپان تقاضا به عمل آورد، بود تا وقت مواصلت رئیس دولت متبوعش، به منظور رفع احتمال آماج گیری از طرف قاتلان سری نهداشته شود. حکومت دیگری خواسته بود که در مورد شاه کشورش ((که نهایت مغرور است)) توجیه بخصوصی میندول گردد. جورج بوش در نخستین مسافرت خارجی خود بحیث رئیس قوه اجراییه کشور، با سران دولتی زیادی از جمله روسای جمهور فرانسوا میتران، از فرانسه، کورازون اکیانو از فیلیپین، حسنی مبارک از مصر، خواهد پیوست. روهامرفته از جمله پیناز ۱۴۰ هیات ملی شرکت کننده در مراسم در ۵۲ سران دول قرار داشتند.

درین مراسم جاپان بایست پلوما

سی امنیت سنن هبی بهم می میخت

قرار اظهار یک ما مورسابقه در جاپان مراسم تدفین امپراتور، از نگاه دبلوماسی، به مقایسه با بازهای اولمپیا ۱۹۶۴ و کنفرانس عالی اقتصادی ۱۹۸۶ در توکیو، شخصیت های برجسته (VIP) زیادی را در برهم آورد. بود. هزاران ژورنالیست مطبوعاتی و تلویزیونی در شهر سرازیر گردیدند. اگرچه مواظبت و تغذی این همه مهمانان کار ساد موهلی نبود، در هلهوی آن حکومت صدراعظم جاپان بایست آنانرا از حملات تروریستی معشون نگه میداشت و مراتب معمول تشریفات بین المللی را با مراسم سنن شنتوننن می ساخت. در حالیکه همه اینها خود را به بهترین وجهی در ذهنیت عام داخلی تبارز میدادند.

در واقعیت امر، توجه از متونی به مهماندار، یعنی خود جاپان، معطوف گردیده بود. هیرو-هیتوئه تاریخ ۷ جنوری درگذشت، مگر جسد وی مبرولاک در بین چند تابوت چوبی سلسله، با یک شمشر تشریفات برسران - به منظور اجرای یک سلسله مراسم پیش از مراسم اصلی در کاخ امپراتوری نگهداشته شد. با وصف پیشینی ها، که مرگ امپراتور احساسات ملی و انتحارهای سنتسی هب گریبان دست راستی را برخواهد انگیزخت.

مردم جاپان بر سازمانتداری رسمی در روزه به زندگی عادی بی نشان برداختند حتی چین غزا در آری بعضیها احساس مینمودند که با درگذشت امپراتور آخرین نشانه بیوندشان با جگه جهانی دم، با رسمولیت ازد و شرفشان برداشته شده است. مراسم تدفین میرفت که مصیبت های هنریت و انشال پیرامین را به دست تاریخ بیسار. ازان نگاه، بعضی ها آنرا به جهت تجلیل تبار جاپان بمثابه نخستین بر قدرت غیر نظامی جهان تلقی میکردند، به همین علت حتی کشورهایی که در جنگ جهانی دم از تحسار و جاپان آسیب دیده بودند، مانند چین و کوریا، ی جنوبی، به اعزاز ما موران عالیرتبه شان برداشته بودند، که در آنجا هنوز احساسات غمگین

جاپانی ناشی از بد رفتاری با اسرای جنگی باغ خود باقی است، به اعزاز شهزاده فلیپ بسنده کرد. اتحاد شوروی، با وصف وجود اختلاف نظر هساروی تلتک جزایر شمال جاپان، انا تولی کولیا توف، معاون رئیس جمهور را گسیل داشت.

مینی برگشته های خانی، که در جوار پارک تعیین شده برای برگزاری مراسم تدفین به سسر میبرد، مقامات امنیتی جاپان، به منظور جلوگیری از ورود تروریست های افراطی، اعضای ارتش سرخ مخالف سیستم امپراتوری، و مواد انفجاری سه توکیو، ۲۲۰۰۰ پولیس شد تروریستی را بسج نمود. بود تا به تلاشی مسوئرها و اموال تجارتی زمینی و هوایی در نقاط مختلف مرکز و همیه شهر ببرد از بند. موضوع پارسی که در تنظیم مراسم در نظر گرفته شده بود آشتی دادن و نقش متضاد امپراتور بود؛ نقش سنتی پیشوایی مذ هب شنتوننن نقش ریبر دولت فیریند هبی، باین معنی که تاجه حدی در مراسم مذ هب و تاجه حدی تشریفات دولتی مراعات میگردد چه ماده ۲۰ قانون اساسی جاپان مشعر است که هیچ سازمان مذ هبی نه از امتیازات دولتی ونه از صلاحیت سیاسی بهره مند شده میتواند. دست راستی های شنتوننن دانستند که مراسم باید کاملاً مذ هبی باشند و استدلال شان روی این واقعیت استوار بود که مراسم تدفین سران تمام کشور و جاپان چوب سنن مذ هب شخصی ویا فامیلی شان صورت میگردد. برای رسیدن به یک تفاهم از عناصر مذ هبی مراسم تاحد زیادی کاهش بعمل آمد و لوکه بحدی نبود که موجبات تقاعد حزب کمونسنت جاپان را، که قصد تحریم شرکت در مراسم را داشت، فراهم سازد.



بعضی از مهمانان خارجی، مخصوصاً وقتی که هوا سرد باشد، حسرت تحریم کننده گان مراسم را میخوردند. بارک شنجو کوکون، که باشکوه های گیلان خود شعرت دارد، به نسبت آماده سازی برای مراسم تدفین، بروی مردم مسدود بود و رانجا یک سالون مراسم، که دارای پت دروازه چوبی سه ارتفاع ده فت بود، ساخته شده بود. در مراسم مذ هبی سه ساله امپراتور نقش مهماندارو - رهبران مذ هبی شنتوننن برقرار کننده رسمی مراسم را ایفا نمودند. در پایان مراسم مذ هبی بیانییه های از طرف صدراعظم و دیگر ما موران جاپانی - ایزاد گردید و بند عوین در برابر تابوت ادای احترام نمودند و سپس تابوت به گورستان واقع در تبه های نرین توکیونقل داده شد.

از آنجاییکه هوای فیروری توکیوسرد بود حکومت جاپان تاحد ممکن در وقت مراسم کاهش بعمل آورد تا مهمانان خارجی را هوای سرد آن پت نمایسد. البته صرف سمعی و معارف زیاد وقتی رضایت بخش تلقی میشود که خوشی خاطر مهمان را فراهم ساخته بتواند. د پلوما سنن زیگانه غالب اوقات سننسی حکومت و مجید مشکلات جاپان را در خارج کشور بهتر جلوه داده است و حکومت موجوده جاپان نیز به چنین امری احساس نیازمندی من نمود. به این نسبت صدراعظم جاپان تاحاییکه ممکن بود شخصاً از مهمانان رسیده گئی نمود، اما نظریه کی وقت و تعداد زیاد مهمانان عالی مقام او ده دقیقه وقت را برای هر عیانت تخصص داده بود، امپراتور جدید و خاتمش از روسای جمهور و شاهان شخصاً رسید گئی نمودند و یاز پیران ملاقات گروین بعمل آوردند.

زخم معده یک مریضی

نویسنده: کورون الله روحیان

مکروبیست

کشف مکروب کامیابلو بکتیر پیلور (Compylobacter pylori) در سال ۱۹۸۲ تغییر فاحش را در طرز تشخیص و اسباب گستریته های مزمن و فرخات خماساز همی بوجود آورد. تقریباً ۱۰ فیصد مرخصان قرحه اثنا عشری ۷۰ فیصد فرخات معده، مکروب پیلوری را در معده شان حمل نموده و محو همین ارگانیم از وجود بافت صحت و ترمم گستریته ها و فرخات میگردد.

سابق تفکر در مورد اسباب فرخات یاز خم معده اکثراً به اساس تغییر توازن بین ترشح اسید معده و مقاومت میکروبی جدار معده فکسر میشد که تدای هم به همین اساس بیان میشد ولی در این اواخر فلنا بالای فکتور های که باعث تنزیل مقاومت جدار معده میگردد، تدفین نموده یک علت معده همین مکروب پیلوری را در یافتند که مکروب یک قدرت خاصی در تغییر محیط معده و محافظه موضعی معده و میکروبی آن را داشته و مکروب در جدار معده توصل نموده و باعث نابودی قشر محافظی میکروبی معده میگردد. اکثراً ۲۰ فیصد انسانها در یک وقت، صاحب این مکروب میباشند. و افرادی که این مکروب را دارند ۲۰ مرآتیه اماتف تراز مریمان نورمال خطر تشکیل فرخات را دارند، هر انسان ممکن در طول زندگی ۱-۲ بار به این مکروب صاحب گردند و نسبت بلشد بودن مقاومت فردی یا استعمال آنتی بیوتیک که ممکن به هدف دیگری خورده شود، این مکروب از صابین آن نابود میگردد.

در سابق گستریته ها و فرخات را مرتبط به قلوی اثنا عشر - تشوش روحی، سکر و مسواد مخزش مثل الکول، مرچ، غذای تند، اسپرین و یا خانوادہ آن میساختند. ولی این مسواد فقط میتواند یک سرخی و تخریش و معما تخریب جدار معده را تولید کند ولی نمیتواند باعث التهاب مزمن گردند ولی در صورتیکه قرحه موجود باشد باعث تشدد آن میگردد.

مکروب پیلوری یک مکروب گرم منفی شکل S مانند که یکانه مکروبی است که میتواند در جدار معده، کولونی های تشکیل داده و خود را از اسید معده توسط یک قشر پیلو از با کار بزیست و میوکشن محافظه کند. و اکثر این مکروب در رواجی که باعث ترشح میکوشن میگردد، تراکم نموده و در ضمن برای محافظه اسید مکروب، یک قدرت خاص فعالیت میتا بولیکی و تولید یوزیا هارکتالیزها را داشته که باعث تولید امونیم باي کار بزیست از یوزیا میشود که مشابهت با مکروب های نوع سیا سیرولایا هاداشته و از همین سبب ممکن این مکروب در ابتدا از حیوانات به انسان انتقال کرده باشد.

برای اولین بار در ۱۹۳۸ Doenges

بقیه در صفحه (۹۰)

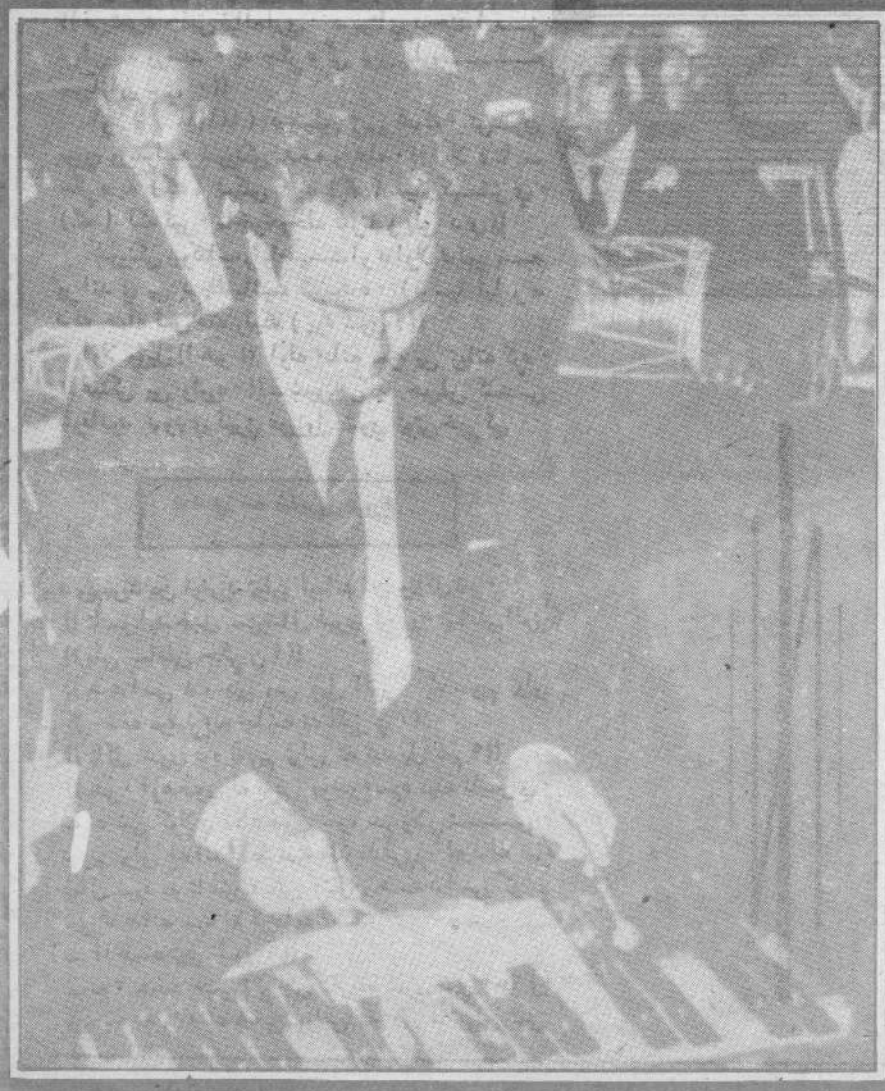


صدای

جاودانه سده ها



ترجمه: علی ائیسر



به‌مینگونه موکیش درین قام کردن ریکارد از لحاظ کمی آهنگهایش نبود. برای او یک آهنگ ارزشناکی این را وقتی داشت که احساساتش را در آن انعکاس دهد. به‌عین دلیل هم است که وقتی هزار آهنگ به‌جامانده او را در آن‌ها مردم بد آوری می‌گیرند پاسخ مساعد گرفته می‌شود. بسیاری آهنگهایش ملو از روح هنرموسیقی است. گدایان و شراب - نمند آن آهنگهایش بطور همگون حفظ می‌شوند.

موکیش چاند متور، همانند دیگر موسیقی (وسانت دیسای) باورهای بازگشتن و آرد نیای سینما شد ولی نتوانست در بیشتر از چهار فیلم ظاهر شود. شکست او در بازیگر شدن به‌عنوان خوانی این نیز تا "تیر منق" بحا گذشت. حتی نخستین آهنگ غیر فلیش این را که به اساس یکی از آهنگهای ((بنکچ ملک)) سرود چنگی به دلها نزد همانطور که نخستین سه آهنگ فلیش این سرود توجه قرار نگرفت. او تا گریه در یک مکان بدون برداشتن یک کلمه مدتها باقی ماند تا اینکه در ۱۹۴۵ ((کشف)) شد.

عقیده عمومی بر این است که ((انیل بیسواس)) یکی از موسیقی‌دانان مشهور فلیش، برای اینکه از او یک آواز خوان بسازد موکیش را با سیلی زد. اما خود بیسواس این انسانه را زد کرده میگوید: ((شاید برای هر خواننده تازه کار در عصر موکیش عشق بوزیدن به آواز سیگل مود بود. من خوبی خرابی داشتم وقتی موکیش از ناتوانی این در سرودن آهنگ حزن بمان آورد. تهدیدش کردم که در جلو ارگستر -

لک و کوش خواهم کرد.))
بقیه در صفحه (۷۸)

موکیش

گفته میشود وقتی شاهان می‌میرند خسوف رخ می‌دهد و طبیعت به عمیان بر میخیزد. ولی وقتی شاهان دنیای موسیقی - سیگل، موکیش ورنی - مع مردند چنین چیزهایی واقع نشدند و در عوض نوت‌های ناموزون از سفوتی زندگی بگوش رسید. وقتی موکیش ((الوداع)) گفت اکثریت مردم ضایعه عظیمی را احساس کرده‌اند زیرا موکیش صمیمیت خود را به مردم عادی با آمیختن آرزوها و رویاهای آنها در لایه‌های آهنگهایش تبارز داده بود.

به اساس کار ((هنر رهنوش)) که به‌عهد گرفته است تا تمام آهنگهای موکیش را در یک کتاب جمع و انتشار دهد، موکیش در طول ۳۰ سال کار هنری اش مجموعاً هزار آهنگ دارد. یعنی بطور اوسط در هر سال ۲۸ آهنگ سروده است. از نگاه کمیت البته که تعداد قابل ملاحظه نیست، اما کمیت صرف تعداد و ارقام را بیان میکند نه قلم تسخیر شده هنری را.

بطور مثال سیگل در تمام حیات هنری اش صرف دو صد و پنجاه آهنگ سروده ولی اینکه او چه سرود با ارزشتر است تا اینکه به چه تعداد در سرود! سیگل این امتیاز را داشت که آهنگها کمپوزیتورهای را خواند که انعام درین سودجوی نبودند ولی موکیش در آثارهای عنکبوتی سینمای تجارتن گیسر - مانده بود که بعضاً با وجود عدم تطابق برخی از کمپوزها با صدایش بطور لایه‌ای می‌بایست آنها را می‌سرود، با وجود آنهم غالباً انسان - آوازین آهنگهای بدیعترین عارای ساخت. طلعت محمود یادداشتن ششده آهنگ شاید در انتخاب کمپوزها سختگیرانه برخورد کرده است.



یک هزار آهنگ در ۳۰ سال کار هنری

ته بی ارتقا کړي تر یوې اندازې ضعیف شوي

دي نه پوهیږم هغه تل انضباط درلود
- الرزکونښ وکړي له ټولې سره جوړ شي هسه
سربازان به روزلي دي او سورشال موهم ليري
کړي (پوه شوي؟)
- هو ښاغلي جگړن
- اوپام کوي چې سربازان د سگرت خوکولوبه وخت
کې احتیاط وکړي کله چې غشي وپشتونکې دغه
د شپې خلیلونکې چېنچې وینې چې له یوې خوا نه
بلې خوا ته یې گوتې یې خاړت کوي
په تیره اونۍ کې پنځه کسه سربازان په سروندو
باندې په گولی ولگیدل ، ښه پاملرنه وکړي
پوه شوي
- هو ښاغلي جگړن
دوم برید من الرزکله چې د ټولې په لوړ روان

لیکونکي : ولکانګ پورشرت
ژباړونکي : ماسون

هره اونۍ یوه سه شنبه
یو کال پنځوس سه شنبه
اوچکره ، پيري سه شنبه لري

د دې سه شنبه په ورځ

په ښوونځي کې یې د القاد لویو تورو مشق کاوه
د ښوونکي په سترگو ، پېلې ښېښې لرونکې عینکې
وي . عینکې جوگانه نه درلود اولنونه یې هغو
مړه پېل ووچې سترگی یې په سختی لیدل کیدي .
دوه څلویښت نجونې د توري تختې و پراندي
ناستی وي اونه غټو تورو لیکل :
(فریتس د خپلې بیاله لري . د برتاني د خندا غمز
تیارسه ورسید . په جگړه کې ټول پلرونه
سربازان دي .)
اولا (۱۱۱۵) د خپلې ژبې خوکو . ترسزي
پوري ورسوله . ښوونکي هغه ووهله . (اولا تا -
جگړه په (گ) لیکلې . په (گ) لیکل کېږي .
(گ) لکه گور . ماخوځوله درته وپلې دي))
ښوونکي یو کتاب راواخیست او د اولا د نوم په
وړاندي یې د چلیانته کینود . (د سبا لپاره
دغه جمله لس ځله ولیکه (پوه شوي؟)
اولا وویل ((هو)) اوله ځانه سره یې زیاته کړه :
(عینکې یې وگوره .) د ښوونځي په حویلي کې
کارخانود پوډي ليري غوړول شوي ټوټې خورلې .

د دې سه شنبه په ورځ

دوم برید من اولرز ټولې قوماندان وټاکل شو .
(تاسو باید خپل سورشال ليري کړي . ښاغلي الرزک
(پلې ښاغلي جگړن ؟)
(هداس ده چې ویی ویل الرزک په دوم ټولې
کې دغه موضوع په چاښه نه لگزي .)
(ټاکل شوي ده دوم ټولې ته تبدیل شم ؟)
(هو . او هغوي له دغې موضوع سره ښه نلري .
ته نه شي کولای له هغوي سره سم ولاړ شوی .
دوم ټولې له انضباط سره عادت کړي . له دغه سره
شال سره په تاسوونه مني . تونن هسه داسې کوم
شي له ځانه سره نه گرځاوه .
(هسه ټی شوي ؟)
- نه هغه خبر راکړ چې ناروغه شوي دي ، حال
یې ښه نه و ، له هغې ورځې نه چې د تونن رښې

پینلې سورین وویل : ((هو ، هغه کولای شي))

د دې سه شنبه په ورځ

تونن هسه یې په تسکړه کې له حشراتو سره د
مجادلی کوټې ته وپوړ . د ننوتو د روزي پر سره
یوه ټابلو داسې لیکل شوي و : ((که جنرال یې
که سربازي ، دلته باید خپل وپښته وڅیړي))
د هسه وپښته یې وڅیړل . د نرس اوز د پاونې
گوتې د غښ لاسواوښوته ورته وي .
د بند وپوشاوغواي لږ سره ښکاریدله .
هسه ته یې په کم شي باندې چې د رملتون
پوي یې درلود مالش ورکړ . ترس په خپل غښ پوله
لاسونو د هسه ښوونځي او وروسته یې په پوي پېلې
کتابچې کې داسې ولیکل : ((تودوخه ارا ، نهښ

د دې سه شنبه په ورځ

۱۱۱۶ یې هونه ، په قوي گمان تیفوس)) او
کتابچه یې وتر له د کتابچې پر وین لیکل شوي و :
(د سمولنسک د ساري ناروغیو روغتون)) ا سه دي
کړنې لاندې : ((یوزرا وڅلورسوه بسترې))
موظفینود هسه تسکړه پورته کړه . په زینه کسې
سر له پر ستنې څخه د باندې وتلې و اوله یوې خوا
نه پلې خوا ته په حرکت کې و . وپښته یې ورته
څیړلې و .
د تسکړې یوه وړونکې ریزش کړي و .

د دې سه شنبه په ورځ

میرمن هسه د گاوندې د کورنیکه وواژه . کله چې
د روازه خلاصه شوه . هغه لیک یې چې په لاس کې و
ونوراوه . میرمن یې تونن شوي و .
په هغه بڼه کې د سر ودرجه صفرلاندې څلور
پښتوه اودغه لیک نه ورځې په لاره کې و .
د پاکت بروخ لیکل شوي و : ((میرمن تونن هسه ته
دې ورسيزي))
میرمن هسه لیک جگړه نیولې و څوگاوندې یې هغه
نه لید .

څلویښتو درجې ساره او تر شونډولاندې یې زمزمه
کړه : ((بیچاره سربازان))

د دې سه شنبه په ورځ

د سمولنسک د ساري ناروغیو د سارایې روغتون
رښې د روغتون له سرطیبې څخه پوښته وکړه .
(هره ورځ خوکسه . . .)
(پنځه شپږ کسه . . .)
اوربیس وویل : ((نفرت پارونکې ده . . .)
سرطیبې یې په خواب کې وویل : ((هو . نفرت
پارونکې ده . . .)
او هېڅ یوه د پل سترگوته ونه کتل .

د دې سه شنبه په ورځ

د ((جاد ویر فلوت)) قطعه یې غزلسه . میرمن
هسه خپلې شونډې سري کړي وي .

د دې سه شنبه په ورځ

نرس الیزابت خپل مور او پلار ته داسې ولیکل :
(د خندا ایله مرستی پرته استقامت نه شي کیدای .)
خوکله چې اسپستان ورنژدې شو . له خایه پورته
شوه . اسپستان لکه چې د نرې د پوي وچې نیمه
برخه یې پر شا پاروي د سالون له منځه په کړ وپسه
ملاتیر شو .

الیزابت له هغه پوښتنه وکړه : ((هغه ته باید
کم شي ورکړم . . .)
پاکر خواب ورکړ ((نه)) دغه کلمه یې هومره
ورو ویله چې تابه ویل له خپله ځانه شرمیزې .
اوروسته یې تونن هسه د باندې ولید داوه . د پا -
ندی زیات غالمغال اوږدل کیده . چا وویل : ولسی
مړي په ارامې سره پر ځمکه نه زږدي . هر چل هغوي
له پاسه خوشې کوي او غالمغال جوړ یزي . . .)
اسپستان له یو بسترنه بل ته یې هره ورځ اوهره
شپه .

اوپ دې ورځې اود شپې په اوز د وکی . لکه د هغه
چا غوندې چې د روند باری بر اوږد وي . کس و پ
د سالون له منځه تیرید .
د باندې . دوه کسه چې تشه تسکړه یې وړله
سره خپې راوړلیدل . یوه یې وویل : ((څلورم
نمبر ریزش کړي و .))

د دې سه شنبه په ورځ

د شپې . اولا په خپله کتابچه کې په غټو تورو -
داسې لیکل :
(په جگړه کې پلرونه سربازان دي .
په جگړه کې ټول پلرونه سربازان دي . . .)
اولا دغه جمله په غټو تورو لس ځله ولیکله . اوچکره
یې په (گ) لکه گور .

صاحبزادگان

لیلا، لیلا نو روز است خدا یاد دنیا کو روز است



نعیم پوپل چگونه مجبور شد وطن را ترک گوید



زنده گان را در یوتلوزین از طرف شما ازین غذا محروم اند علت چیست؟

— شما واقعتاً را گفتید من صرف در عروسی ها و محافل خوشی دوستان میروم و من.

— در یاد یوتلوزین چرا؟

— این چرا را باید از خود اینها بپرسید، از بد بريت موسیقی را در یوتلوزین که زنده باشند در روز های مایوس را بروی من کشود اند. همین حالام در حد و د (۵) پارچه برای بهار تعبیه د پده ام. انرا در طلوع سوزنیت ثبت میکنم بعد از از زبانی اگر خدا بخوهد که بد پرفته شود انرا لبسنگ خواهم کرد.

— خوب نفهمید من کلام را از موسیقی آغازیدم ولی شما ما بوس گله و شکوه به خورد من داد پس یعنی چه؟ بیایید از سالهای دور صحبت کنیم از سال ۹۶ که همکاری تانرا باراد یواغز کردید از همسان اهنگ نخست او از تان برای اکثریت پند پند برنده بود و است. پس بیایید در قدم اول از سرینش های هنری تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا کو روز است

همچنان اهنگ: قدح را سرگرم شب را سرگرم. از اهنگهاییست که در انوقت ها زیاد سزبانها افتاده بود.

— ای این اهنگ ها از مرحوم احمد ظاهر نیست؟

— اول نعیم پوپل انرا خواند. بعد مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه او را در کست خوانده است.

— اولین اهنگ من: نگاهت راز من برگیر و بگذر.

— در انوقت چند سال داشتید؟

— در حدود ۱۹ سال داشتم.

— برای چه کسی انرا خوانده بودید؟

— از شعران خوشم آمده بود.

— گویند تان که واقعتاً فقط همین بود.

— انرا برای کسی که فعلاً شریک زنده گی من است خوانده بودم.

— یاد راول هاهم از طرف راد پور مشکلات داشتید.

— بلی: اولین اهنگ راد راد پور با بسیار مشکلات ثبت کردم.

— در مجموع چند پارچه اهنگ در تقریباً ۷ پارچه.

— با آواز مقبولی که دارید ۷ پارچه خیلی کم نیست؟

— چه باید کرد کسی به راد پور تلوزین راه نمیدهد.

— علت انرا میدانید؟

— بلی میدانم. انانیکه از زبانی اهنگ ها را به عهده دارند نمیتوان خواست شانرا بر آورده به سامان اقتصاد من خیلی خراب است.

— فقط همین علت است.

— یک گپ دیگر هم است من نکایی بقیه در صفحه (۸۵)

گروه خودش قرار دارد. ازین هنر مند موفق در حدود (۱۵) - پارچه اهنگ در ارشیف راد موجود است.

از اهنگهای خیلی به نام او که در انوقت ها زیاد سزبانها بود اهنگ لیلا، لیلا نوروز است و اهنگ (قدح را سرگرم شب را سرگرم) میباشد که بعداً مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه انرا در کست خوانده است.

... و این همه راولی پوپل برام قصه میکند.

ولی پوپل آواز خوان خوش صدا را که سالهاست بروی پرده تلوزین بین زنده ام در یکی از عروسی ها بالای ستر من بینم. او میخورد اند ((نگاهت راز من برگیر و بگذر که دیگر تاب دیدارت زدم ام)) این اهنگ را چنان با احساس میخواند که با کف زدهای مستند استقبال میکردم. مگره او را درین جا غیر مترقبه بیدار کرده ام از او دعوت میکنم تا به دفتر مجله بیاید که به قولش من ایستد و می آید.

شماره مشکل بیدار کردیم چرا انرا در یوتلوزین میگزینیم؟ علاقه مندان او از تان چی دارند؟ میگویند موسیقی غذای روح و زبان و احساسات است ولی تا جایی که دیده میشود بیننده گان و شنو-

بمیانند کشور ترک کد او نخست به ایران رفت. در انجا با گوشتوش خواننده پرواز به ایران اهنگهای د و گانه اجرا کرد. حتی زمزمه بین وجود داشت که با گوشتوش رابطه عشق قائم نموده و با هم از نواج میکنند. بعداً از انجای فرانسه رفت و فعلاً در کالیفورنیا زنده گی میکند.

نعیم پوپل هنگامیکه کشور ترک مینمود متاهل بود او خانم افغانسی داشت که فعلاً هم با هم از زن و فرزندانش زنده گی مینماید.

ولی در انجا فعالیت گسترده هنری دارد گروه او بنام ((گروه کامپین)) نامیده میشود که در راه بین وقت میخواند ام احساس من کرد صدایش چون رودی در رگ های جان جاری میشود.

وقت او میخواند فضا بسوی گلبرگهای شسته شده میداد.

وقت میخواند تو میگفتی گلها میشکند و شاخه های خشک درختان شکونه میزند.

در بریت که آواز خوش نعیم پوپل آواز خوان جوان و خوش صداشنیده نمیشود زیرا که او در کشور پیرو برای مردم د پگسر میخواند.

نعیم (پوپل) در سال ۵۴ جبراً روی یک سلسله مسایل و قضا یا مجبوری ترک کشور کردید و قضیه ازین قرار است:

د دختری که به یکی از خانواده های بانام انوقت منصوب بود به نعیم پوپل چنان دل باخت که وقت متوجه عشق یک طرفه خویش گردید دست به خود کشی زد ولی نجاتش دادند. خانوادها دختر تصمیم گرفت تا بخاطر نجات دختر شان از انشی که تنها خودش در ان میسوزد نعیم پوپل را مجبور

ولی پوپل درباره برادرش سخن میگوید

مرزهای دانش

آزون دفاع میخواید

ترجمه از فریدون

آزون مدتها در ساحه پاييس سراسر (موسفیر) جزمین در ارتفاع ۲۰-۳۰ کیلومتر سطح زمین منتشر است، هرگاه آن از دیگر ترکیبات اتموسفیر جدا ساخته شود قشری با ضخامت تقریباً ۳ ملی متر را تشکیل خواهد داد، در حالیکه ضخامت مجموعی هوای ترمال به تقریباً ۸ کیلومتر میرسد، آزون را دیواکتیف ماورای بنفش خورشید را جذب نموده، مانع ضرر به پلوتیکی بالایی سطح زمین و مانع تغییرات حرارت در اتموسفیر میگردند.

آزون پس از جذب شعشعات ماورای بنفش خورشید کسب حرارت نموده و سپس آنرا در هوای محیط پخش و انتقال خواهد داد. آزون با جذب شعشعات گرم سطح زمین بر اقلیم اثر افکند و درجه حرارت آنرا کمتری میکند. از جمله دشمنان عمده آن فنون رون و محیط بحرکات مشترک کاربن و فلور و کلور میباشند، از ۶۰ سال است که در میخان ها و کولرها به شکل مانع مورد استفاده قرار میگیرد. این ماده زهر آلود نبوده، تو با فرار آن کم میباشد، در ارتفاعیکه انتقال میکند کاربن را آزاد می نماید، یک اتم آزون را تخریب کند.

برعکس فنون کاربن همان ۱ کساید ازوت و دیگر موادیکه تعداد آنها به تقریباً ۳۰۰ میرسد، قشر آزون را تخریب می نمایند. برای از دیداد معلومات خوانندگان محترم نقل گفتگوی خبری -

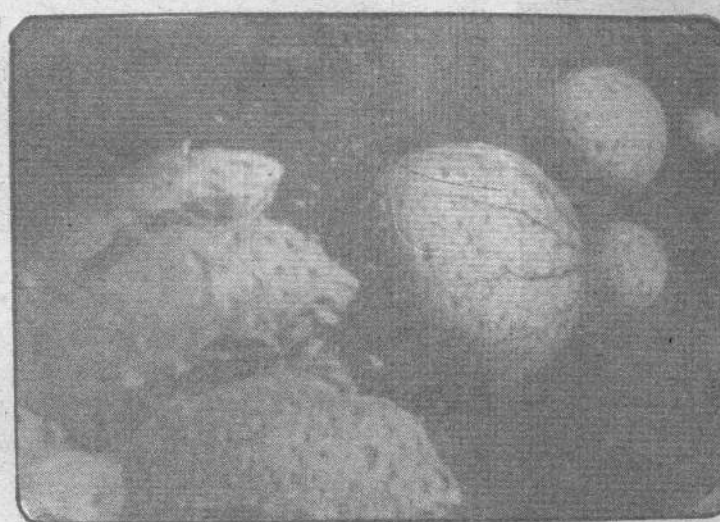
نگار روزنامه از ویستیا با پروفسور ولادیمیر زخاریف نماینده اتحاد شوروی در کنفرانس مونتهال که پیرامین اتخاذ تدابیر دروقیه قشر آزون از تخریب بعمل آمده تامله شدیم میشود:

۱- آهنگ تخریب قشر آزون به چه پیمانها بست و ازین نگاه در سده ۲۱ چه چیزی را انتظار ماست. - در دهه ۲۰، که تا شعرات مواد مخرب بر آن زمین مورد مطالعه قرار گرفت، چنین پیش بینی بعمل آمده که در پایان سده جاری ۲۷ فیصد آزون کاهش خواهد یافت، مگر خوشبختانه این پیشگویی به حقیقت نرسیده است. قرار مساجات علمی، در صورتی آهنگ تخریب شدت موجود را حفظ کند، تا نیمه سده آینده از ۶ تا ۷ فیصد پیش محافظت خود را از دست خواهد داد. مقدار کم آزون اتموسفیر هیچگاه به یقین معلوم نبوده است، در اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ مقدار آن صدمه دیدند رفت ولی در اوایل دهه ۶۰ فیصدی آن دوباره پایش آمد و پس از ده سال نسبت به دهه ۵۰ باز بلند رفت و از نیمه دوم دهه ۷۰ دوباره پایش آمد، فعلاً قشر آزون ۳ فیصد نازک شده است. - کاهش قشر آزون برای انسان چه تهدیدی را در قبال دارد؟ - لزوم نیست از حجم آنتاب ناماد تشویق داشت، چه لباس مادی - بپوشد (صفحه ۷۵)

آیاتصادم زمین بکدام ستاره ممکن است؟

فنا این دنیای آهنگهای اطراف ما، که بانجم و کواکب مریخ گردیده، نمایشگاهی را مانند دران هزاران هزار کواکب سیاره پرتو افشانی می کنند. زمین که مراتب این اجسام جویانگرمات در نظام شمسی است چندین بار از تصادم حتی سیارات دیگر که در مدار خود و اطراف آنتاب دور میمانند، نجات یافته است.

چه مشاهده خواهیم کرد - اگر یکی از ستاره های جدار زمین تصادم نماید، علمای اظهار می دارند این کار در فاصله زمانی پنجماه و هفت سال بعد امکان دارد. بنا بر این در خلدت این امکان به میسر میسازد.



تحقیقات علمی در قرون وسطی این را پیشکش میکنند که آیا امکان دارد تا دم یک سیاره با سیاره دیگر سبب انفجار گردد؟ ۱۰۰۰ علی الرغم اینکه نظریه بالا تکمله جوانب وسیع موزع در میان علمای قرون وسطی نمود ولی عده بسیار طایفه آن صریحاً انهم ضمنی تسمیر این احتمال میکنند:

علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره دیرمز با زمین تصادم کرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰۰۰ میگردد مواد منفجره بوجود می آید، سیر عالم که ما آنرا می شناسیم تغییر مییابد. زمین با بحرانات شدید از وی، امواج غبار و بخار آب، مواجه میگردد. این گونه تصادم ولو گرد آب یا خشک به وقوع می پیوست تا شیرات ن سالها سال در هوا باقی میماند. طبیعت زمین را تغییر میدهد که منجر به وفيات موجودات و خرابی کاینات میشود. کواکب چگونه فعالیت می نمایند؟

بقیه در صفحه (۷۴)

در جستجوی نقطه مرگ و طول عمر

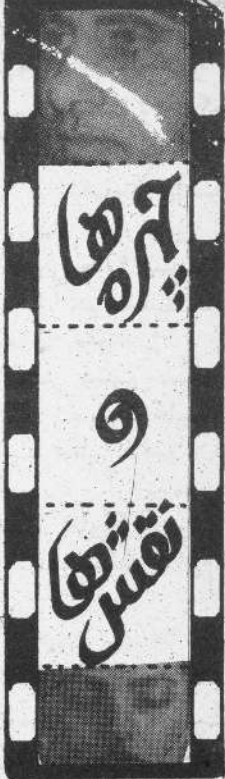
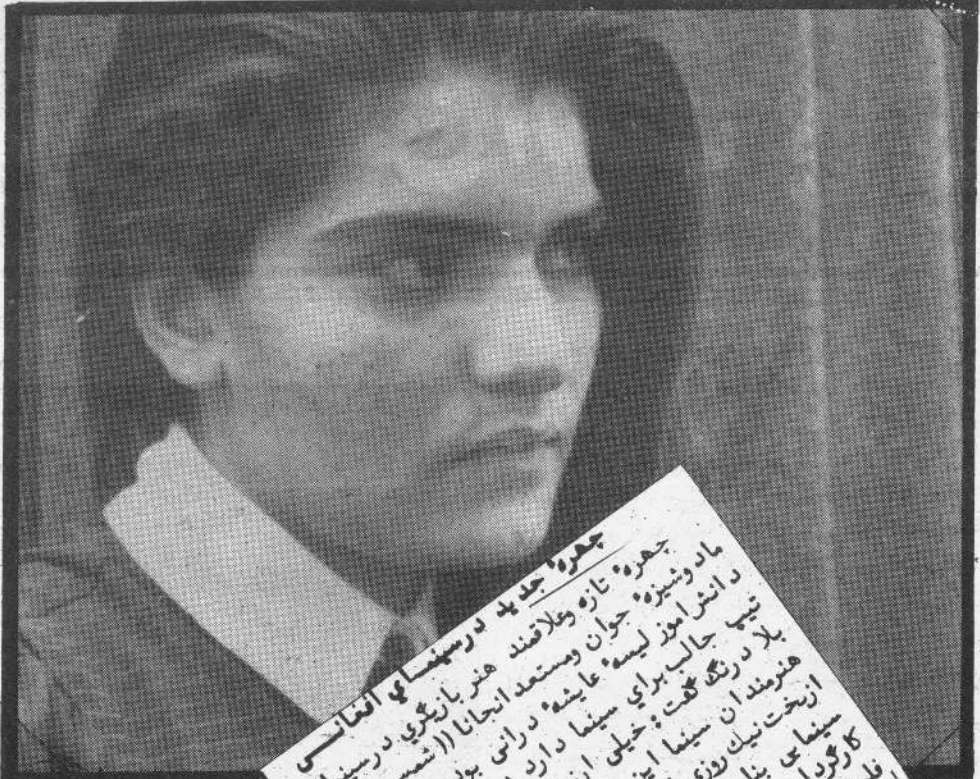
طبایط سوزن، یکی از شاخه های سنتی ولی مهم طبایط خاور دور، در کشورهای کم رشد و فقیر از نگاه کاهش مبارک ارزنده تلقی شده می تواند اینگونه طبایط باید در کنار طبایط عمومی مورد بهره گیری قرار گیرد، برای نشان دادن ارزش آن مقاله زیرین ترجمه و تقدیم میگردد:

از چه شکایت دارید؟ بدین ترتیب پرسش اکثر آغاز می یابد. - ارچه؟ از همه چیز، سر درد میکند، خواب ندادن، اشتها ندان، یابیس از حد معین غذا میخورم، تکالیف عصبی دام، بابت عالم اندیشه ها و تعاسیم به خواب میزنم ولی فردا باکس خالی از خواب بیدار میشوم. قهقهه میریزم تا خود را تشکیس دهم، از دواهای مسکن استفاده می کنم، معده ام کس میشود، استفراغ دام و...

با وجود ائینان به محبت مندی - ام همه این تکالیف را دان. در اخیر بیماری به داکتر میگردید که بازنگی سازش نمی تواند. داکتر هرنگ میداند که امریز تقریباً همه کس به همچو تکالیف سرد چاراست. - پس شما را از نقطه زندگی تان، که در نایف نیست، فدای میگویم. داکتر بابت بیچارگی تریف در ارای سوزن موماندنی به نایف مریض نزدیک تر میگردد، جاییکه تقریباً همه از دست زدن به آن به تشکیلی می آید، درین اثنا داکتر در حانیکه سوزن بیچارگی را داخل ناف میسازد، بسوای انگیزن احساس لذت بخشی میشود. در بیمارستان را بالا نهانگا

در بابتخت جمهوری مردم کوریا نظریات خود را بپیرامون طول عمر، که از هنده سان بدین سو بر مبنای تدابیر مریضان و نتایج فنانع بخش آن قایم ساخته بیان میکند. علین ا عبارات وی طب سوزن عموماً در تداوی سیستم تنفسی، نفس تنگی، تکالیف جگر و تکالیف ناشی از حساسیت ضرر واقع میشود. شیوه داکتر هرنگ عمر را طولی میسازد، این طول عمر بوعلاوه از فریاد شدن سالهای زندگی شامل افزایش فعالیت و احساس لذت از زندگی نیز میگردد، نکات مهم معده کسار داکتر هرنگ است که وی، بعکس محقق و امرانستیتوت طول عمر

طب سنتی، بجای سوزن زدن با انهم نمیتوانند که اسباب رطل را از زمین بپیرند و یا از قایع بعدی جلوگیری کنند، به نظر موموف علامت اساسی بیرون ها - رتد از بهم خوردن سیستم تنفسی، عدم گفای بدن در تنفس اکسیژن، کاهش تدریجی انرژی عملیات، بهم خوردن سیستم حرکتی بدن مخصوصاً در مفاصل و استخوانها، از یاد لذتی و از یاد شحمیات در خون، پیدایش نقصان در سیستم دفاعی بدن، سکتها قلبی، تشعیف قدرت جنسی و فعالیتها جگر و دواهای جلوگیری کنند، از بیرون، که بنام چیانگ سو ۲۳۰ در زبان بقیه در صفحه (۷۵)



چهره تازه و علاقتند هنر بازیگری در سینمای افغانستان

مادوشیزه جوان مستعد انجانا (انسی) - د انتر اموز لیسسه عایشه درانی بوده است او که تپها جالب برای سینما دارد در برابر پرستی بلا درنگ گفت: خیلی ارزوداشتم تا روزی در میان هنرمندان سینما این هنر ظریف و جالب قرار بگیرم ازینخت نیک روزی اطلاع یافتم که کار تهیه فیلم سینمایی بنام ((سفر)) در دست تهیه است و کارگردان فلم در جستجوی کاکترهای بوده که برای فلسفیه انتخاب گردد. همانا بنا بر علاقتندی که برای در سلسله توضیحات در جواب فلم مورد نظر انداخت اجرا کنند ه نقش (هیروئین) (نقش مرکزی) بنام فلم برادرش میاید کاندید شدم . البته نقش را به کک برای کارگردان سعید اندکزی دیدم . امیدوارم (د رزده پورا) اجرا کردم و ما مجله زیبای روزی (عاصی) از خانواد ه ما همچنان در فلم نیز منجیت هنرمندان ساخته های موسی را در متن نیز منجیت هنرمندان همان نقش داشتیم . امیدوارم در رشته عادی سینمای افغانستان با هم همکاری و سینماگران گامهای مشترکی در اینده برداشته باشیم .



لیزا بیوی پرده

دوشیزه ایله ازمن شش سالگی بامادرش که ازجمله هنرپیشه های مستعد سینما وتلوویزیون است ، بنا بوتشویق پدرش راهی هنرتمثیل شد وگام بگام صحنه این راه ، راپیمود و کون در سکوی موفقیت قرار دارد . او دوشیزه لیزا است .



لیزا در برابر پرستی افزود: اولین مرتبه ایکه در برابر کمره فلمبرداری قرار گزفتم ، دلم شور و هیجان خاصی داشت ، خوشنود بودم که من روزی مثل مساد (خورشید) هنرپیشه شوم و این فلم (گناه) نام دارد از ساد خته های انجنیر لطیف ، باردی به فلم سینمایی (گام های استودار) به کارگردانی توریالی شفق بعداً به فلم سینمایی نواز - بقیعد صفحه (۷۱)

تصویر بردار

این جوان مرم ویر تلاش زمزی ((سخی)) یکن از تصویر برداران خوب تلوویزیون است . او در زمینه کارش حرفهای دارد که باهم میخوانیم .

قبل از آنکه رشته تصویربرداری را پیشه کنم نهایت علاقتند زیبایی های طبیعت و خوانش اشعار بودم ، همه زیبایی ها را در ذهنم تصویر میکردم . بدین

علاقتندی تلاش ورزیدم تا در مورد دسترس پیدا کنم هماناد رسال ۱۳۶۲ بدینسو به هنر فلمبرداری تلوویزیون رو آوردم که در مجله پروگرامهای اخباری روز موه را - فلمبرداری نموده بعداً برنامه های اداره هنر و ادبیات کارگرن و جامعه ، جوانان ، اطفال و پیشه وران را نیت و تصویر برداری بقیه در صفحه (۶۱)



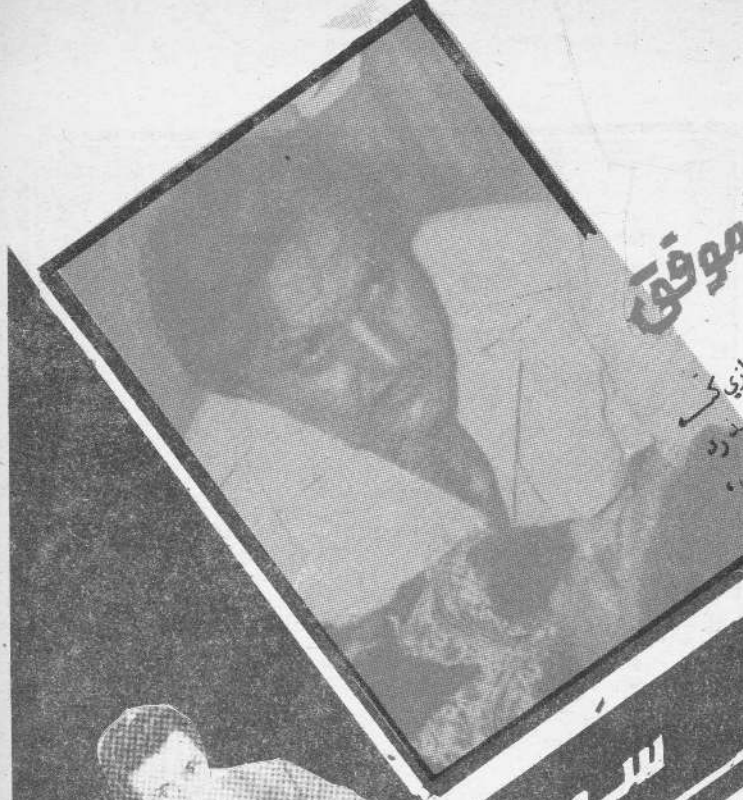
پیرین چوپیره جهیره موفق

یکی از هنرپیشه‌گان برنده رتبه
سینمایی عند که به تالیفاتش
نقش‌های درخشان را در فیلم‌ها
و در هشتاد و نه سالگی، بلکه از
زندگی میسازد، بریم جو پروا است.
هنرمندی او (مردانگی) تجلی
می‌باشد، بریم جو پروا است.
از جمله دست‌اندرکاران
سه‌دهه صنعت فیلمسازی کشور
میکراند در جهان بر زن و سرون
زوقیت‌هایی هنرمندان پیشگی
هنرمند هم توانسته نیروی برتران
شمار بود.

مرد خشن با سهیلین تیگو



اوزنده گی را دوست دارد -
شت و برای حقیقت وانعکاس
از واقعیت‌ها در کرکترهای
خشن نومیرت و عاطفه و انسان
دوستی را با تمام جسارت در قید
تمثیل آرایه میداد. این ستاره
سینمایی امریکا یک نام شناخته
(جان واین) که نام اصلی آن
ماریون میخاییل مورسین کبترایخ
۲۶ می ۱۹۰۲ از پدر مهاجر
اسکاتلندی و مادر ایرلندی است
در ونیترسا (ایوا) امریکا
متولد شد، میاشد.
(جان واین) در ابتدا اعلا -
تمند بود تا آنسر نوای هوایی و -
چندی در مکتب دریا نوردی -
تدریس دید و پس از آن به کارهای
متنوع با زندگی رابدوش کشید.
در سال ۱۹۲۸ جان واین
به استدیوئی نوکس در شهر لانس
انجلس مراجعه کرده و در آن جا



سید خاموش شد

و چنان
رفته بود که سینما
گری برای همیشه
چشم از جهان سینما
و سینماگری برینده و افرینشگری
جاودانه دست از قلم‌زنی برگیرد.
آن که میخواست از سناریوهای نوشته
اش فلم و سریالی و نمایشنامه‌ها از ستر سپید
کاغذ به پرده سپید سینما صفحه تلویزیون - سخن
ستیز راه یابد و جلو آخرین گردد. ولی دریح که دست بمسرد
مرگ آرزوهایش را به انجماد و کرختی کشانید بقیه در صفحه (۹۰)

در کارهای صحنه سازی فلم‌ها
آموزش دید و به امور تهیه فلم
اشتغال پیدا کرد.
نخستین چانس خود را در فلم
(خط بزرگ) ((بیک تریل)) به
دست آورد، پس از آن نزد بیک
ده سال در فلم‌های ارزان قیمت
وسترن (کاوبای) نقش‌های را
ایفا کرده و بزرگترین چانس طلایی
آب در سال ۱۹۳۹ به فلم جالب
کاوبای بنام ستیگ کوچ (وضع
کادی چهار اسب) میاشد.
در سال ۱۹۶۹ به گرفتن نقش
کاوبای در فلم ((مارشال)) جایزه
اسکار را بدست آورد. درخشند -
گی او در چنین نقش‌ها برای -
سالیان متعددی در زمره ستاره
های ممتاز سینمای امریکا، او را
از دیگر هنرپیشه‌گان متمایز
می‌گرداند، به تایید این گفته
هفده فلم اوسالهای زیبا دی
بهترین ارقام احصایوی تما -
شاگران سینما را بخود منحصر -
ساخت. پس از آنکه جلو توشد
به رشته کارگردانی و تولید فلم
پرداخت ولی درین زمینه
موفقیت چشمگیری بوجود نیارود.
بقیه در صفحه (۹۱)

نقش جدید من امین رحیمی صحبت می‌کند



نقش جدید من در فلم هنری رنگه ۳۵ میلی
متری بنام سفر میاشد که سناریست و کار -
گردان آن محترم سعید ورکری میاشد.
بقیه در صفحه ۹۳

آرها

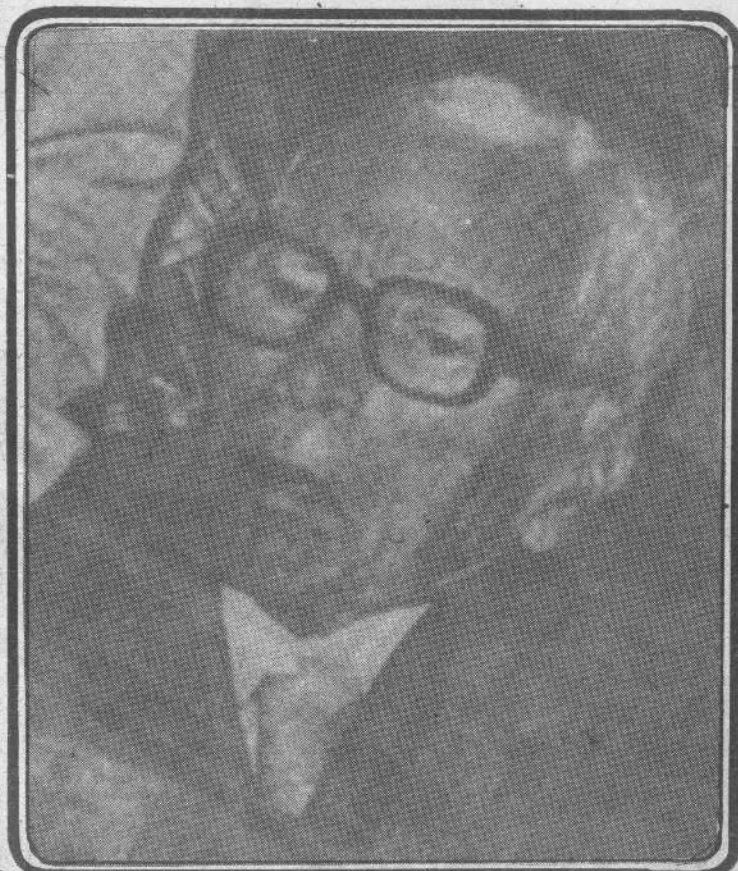


تفصیلات

قافیه و قیافه

کوچک

درسیمای یک مرد بزرگ.



در صد سالگی

چارلی

استعداد و شهرت افسانه‌ای
چارلی در سراسر جهان
معرفی است

شخصیت خالص که در زمان
حیات خود به شهرت و محبوبیت -
افسانه بین میرسند بسیاری انگشت
شمارانند ، بخوبی کسانی چون
چارلی چاپلین که برای مدت زمان
شواری محبوبیتی پایان ناپذیر در
میان مردم جهان داشته باشد .
چارلی چاپلین بزرگ که در این
روزها در سراسر جهان با حرمت و -
ارادت نهاد به مقام والا او ، صد
سالگی تولدش را جشن گرفتند -
استعداد این شهرت آسانوی در
ضمیمه همین گردیده بود .
دو سال پیش از ظاهر شدن چارلی
برای نخستین بار روی پرده ، هر
خانواده از ناض آگاه بودند -
موسکها ، اسپا بازی ، کودکان و حتی
مسابقاتی به نام چارلی چاپلین
مسی گردید ، مردم رقص شبیه راه
رفتن چاپلین ابداع کردند ، ناض
ورد زبان اطفال بود ، حتی در فلما
مقاله چاپلین پدیدار گردیدند .
چاپلین سیمای جاودانه شخص
را در دل پرده سینما خلق کرد که
همه مردم جهان ، خورد و بزرگ از
دیدن آن شادمان میگردد و کیف
میبرند ، کیدیهای او حکایتگر
نابسامانی های تجسم کننده تب
های معین روزگاران فلماهای
صامت و فلماهای ناطق ، روزتا روز
کسب اهمیت و اوج مینماید ، بهترین



است که این بزرگ مردسینما
 همیشه ، کارگردان ، کمپوزتور و
 پرودیسور را از زبان خودش شناخت .
 - چه کارهایی که نکردم ؟ روز-
 نامه فروش ، شاگردی حروف -
 چینی ، شیشه سازی ، ساختن
 بازیچه ، اطفال ، نوکر داکتر و غیره .
 مگر در تمام این مدت مصروفیت به کار
 های جانبی هرگز هدف غایی اکتور
 شدن را از یاد نبردم .
 تازه مانیک تغییر حرفه میدادم هر-
 نر از جلادادن بوتها ، شانه کردن
 موها ، پوشیدن پیراهن پانک و از
 رفتن گاه و بیگاه به تئاتر (بلیسک
 هاور) ابانه ورزیدم .
 - درستدیوی کمینی که مستون مک-
 سنت ، سه بیونت حروف کار بودند ،
 من هم طلمس بلهاس فادی در جای-
 ایستادم تا مک سنت مرا خوبتر ببیند
 اودر حالیکه آخر میگاش را میجهسد
 وگرم تماشا ی دیکورسالن هوتل بود ،
 ناگهان رهش را جانب من نموده گشت ،
 اینجایک چیز جالب ضرور است خود
 را بگونه کمید بینی میکاژکن ، هرچه
 میل داری بیوت ، هرچه نکر کردم
 عقلم قدنداد که چکونه خود را میکاژ
 کنم ، از میکاژ ولباس را پورتر خوشم
 نی آمد ، در حالیکه جانب العاری
 روان شدم بفکر آمد که پتلون گشادی
 رابه تن و بوتهای کلانی رابه پا کنم
 کلاه شیوی خوروی بسرو کنم و صای -
 چوبین در دست بگیرم ، میخواستیم
 که همه چیز باهم در تضان باشند ،
 پتلون گشاد ، کرتی تنگ ، کلاه خود
 و بوتهای کلان ، تعیدانستم که جوان
 مینمایم یا من بخاطر نبودن مک سنت
 مرا بزرگتر تصور میکرد ، اندیشه کردم که با
 ایزاد بیروت بزرگتر معلوم میشوم ، تبسم
 هنوز بر ایم روشن نبود ، مگر وقتی که
 لباس ها را پوشیدم و میکاژ کردم ، نسا-
 گهان معلوم گردید که چه نوع تپین
 دارم ، ناظا هر شدن برور ستیژ
 تپ من در ز هنم جان گرفت و مکمل شد ؛
 همینکه در برابر سنت قرار گرفتم با
 تپیم کاملاً سائیز کرده بودم ، در -
 برابرش به جست و خیز و قدم زدن -
 پرداخته و صایم را حرکت میدادم ،
 در ز هنم حرکات کهدی و شوخی
 هان نهادی شکل میگرفت .
 بقیه در صفحه (۱۴)

تعیین کننده صادق

۳۵

حکایت

قالت



مادر سراسیمه میدود تا فرزندانش را نجات دهد

چگونه در برابر چشمان مادری پسرش را به قتل رسانیدند

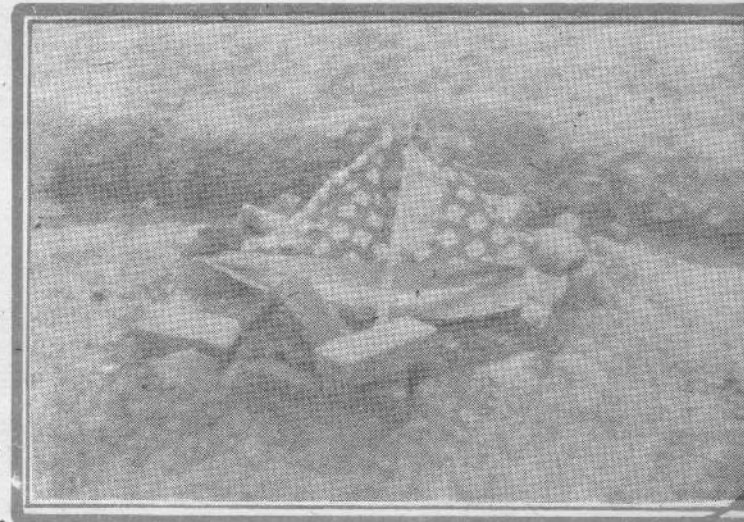
این حادثه چگونه اتفاق افتاد؟

مادر هر لحظه به پسر جوانش می‌اندیشید که نخل جوان قامت او چه بیهر همانه بین چشمانش از بیخ قطع شده و بزمین غلتید. مادر در خوابهایش، در بیداری اش، در اندیشه اش و در خیالش فقط او را میدید که بین چشمانش بخود می‌پیچید و هوا را چنگ میزد، دست و پیا میزد و بعد رفته رفته سست میشد و دراز به دراز بجای می‌انسد. آنوقت مادر سراسیمه و نسا آرام فریاد میزد و اندوهی بزرگ بر قلبش می‌نشست.

مرگ منتظر قاتل است

تقسیم دیواری ۱۱ حسرت سال ۶۶ را نشان میداد، عقربه های ساعت از عدد ۷ گذشته بود. نسا هنوز رنگ شیرین داشت که مردم کارته نوسراسیمه رو - حشترده با نیرهای پیچ گلگله های که از دهانه تنگچه بی که پانگشتان یک جوان عاصی و قهر آلود فشرده شد از خانه هایشان به بیرون ریختند.

لذا برای مادر زیستن به اوج درد خود رسیده بود، روز ها گرسنگی کشید، تشنه گی دید یکسال از اداره بی به اداره دیگر رفت و از محکمه بی تا محکمه دیگر قضیه را تعقیب کرد تا بالاخره بتاريخ ۱۱ اردیبهشت ۶۷ برای اطلاع داده شد که قاتل پسرش به اشد مجازات یعنی اعدام محکوم گردید.



یاد بود مرگ جاوید در کوچه منزل شان

۳۴

داد: در سال ۶۶ راضیه دختر را که کارمند وزارت مالیه است با نعمت الهه نامزد کردم هفتوز سه ماه از نامزدی آنها نگذشته بود که بین آنها مخالفت آغاز گردید، یکبار بتاریخ ۵ نور دختر را در محل و خیفه اش لت و کوب کرد. بود بعد او را از موهایش گرفته به دفتر کارمن آورد و گفت: (بگیر دخترت را، چله سرا پس بده) در جوابش گفتم: معامله مادر خانه بوده من و تو در خانه گپ میزنیم.

بعد بتاریخ ۱۸ نور سلامت ۲۱ بعد از ظهر خانه ما آمد میخواست دختر را سینما ببرد ولی راضیه که همان لحظه از رختشویی خلاص شده بود نمیخواست سینما برود. وقتی شوهرم داخله کرد، نعمت الله بالای شوهرم تنگچه کشید مرمی که از تنگچه او خارج شد به ستون سقف - انه فرو رفت که مو ظفین حوزة ۸ امنیتی هم از

مومن آگاهی دارند، در آنروز هم بدختر گفتم: ((چله مریس بده)) دختر در جواب گفت: من دختر افغان استم اگر چله را دادم پس نمیگیم. دختر به اندازه آخر توهین و تحقیر شده بود بخصوص وقتی پدر من او پیش چشمانش تعدید شد نتوانست تحمل کند لذا نامزدی خود را با اوفسخ کرد.

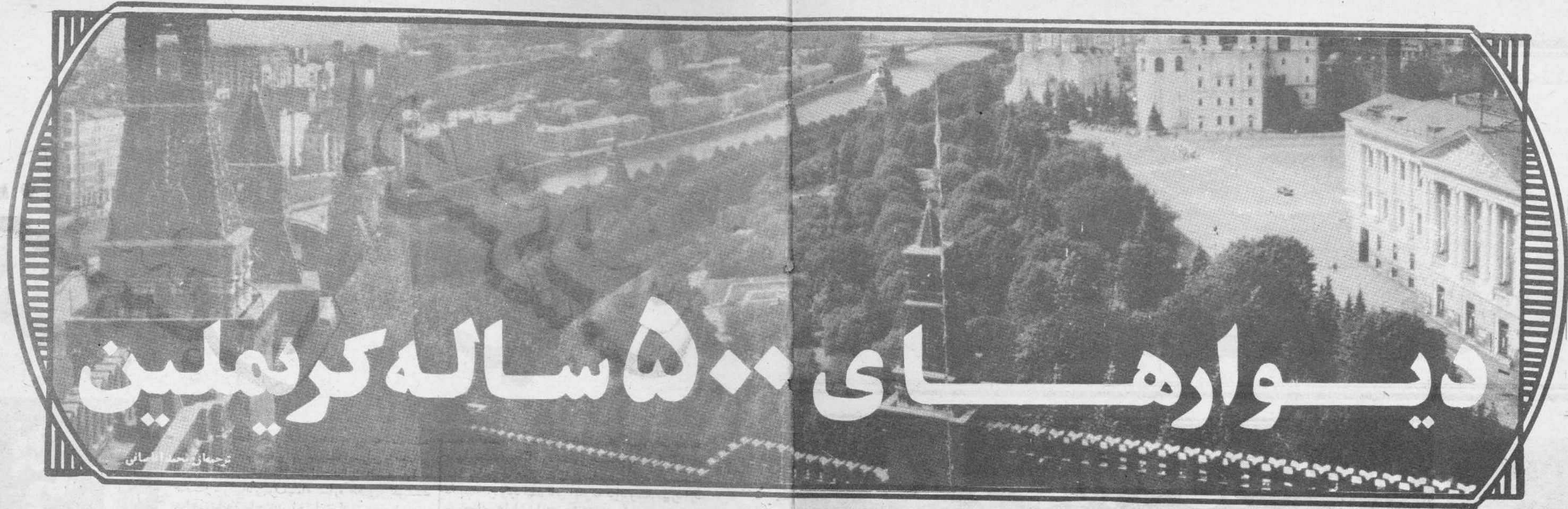
با وجود آنکه دختر نامزدی خود را با اوفسخ کرده بود بتاریخ ۲۵ اسد وقتی از وظیفه بخانه می آمد باردیگر در نزد یکی خانه او را تعدید کرد و بالای اش چاقو کشید که با مداخله مردم و کوچگی ها دختر بخانه آمد. - آیا آندو قبل از نامزدی همدیگر را میشناختند؟ - نه شناخت قبلی بیین آنها وجود نداشت شوهر دختر کلانم با شوهر خواهر نعمت الله دوست بود و این وصلت به مشوره آنها صورت گرفت، نعمت الله

دختر دیگری را در نظر داشت که باید با او نامزد میشد و لسی نامیش رعایت نداشتند. وقتی با دختر من نامزد شده دختر همه ما زیاد خاطر او را میخواستیم اما او از همان نخستین روزهای نامزدی با دختر سر ناسازگاری را گذاشت، هرگز نظر دختر و خاطر دختر را نمیخواست.

بقیه در صفحه (۸۷)



خواهر جاوید نیز درین حادثه زخم می بردارد



دیوارهای ۵۰۰ ساله کرملین

کاخ کرملین ، که یکی از بزرگترین بناهای دولتی تانچی به شمار می رود و وجهیات شکفتی تماشاگران را فراهم می آرد ، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امیر بزرگ روسیه ، ایوان سوم ، بدست معماران روس و بدستیاران استادان سنگ کار روس اعمار گردید . به این کاخ عظیم بنظر اربابیان به نظر معمول نظم و نیرومندی دولت روس نگاه می کردند .

انگیزه اعمار کرملین را احداث شهر مسکو تشکیل می دهد که در سال ۱۱۴۷ میلادی توسط امیر روسیه یوری دولگه رویی ، پادشاه تپه کنار رود مسکو صورت می پذیرد چه در آن روزگاران اعمار شهر معنی ساختن قلعه را داشت و کرملین قلعه می بود که به معنی شهر مسکو بناگذاری شد . از آن زمان به بعد شاهان روس ، یکی پس دیگری ، به منظور دفاع شهر از بیوش های بیگانگان ، به ساختن و تکمیل و تجدید استحکامات شهر پرداختند .

کاخ کرملین مشتمل از برجها ، دیوارها و کلیسا های است که در دوره های شاهان مختلف ، مخصوصاً دوره ایوان سوم ، ساخته شده است . در گام نخست بدور قلعه ابتدایی ، مخصوصاً در قسمت های غیر مسکن ، به اعمار برجها توجه مبذول گردید ، این برجها ، که تعدادشان به بیست رسید ، هر کدام سیمای مهندسی و نام منحصربه فردی دارد ، نخستین برج طوری ساخته شد که تحت آن چاه عمیقی حفر گردیده بود ، این چاه انیسک راه مخفی یا رودخانه ارتباط داشت تا کرملین در صورت محاصره از زمین طریقی اکیال شود ، بروج گردید . به همین سبب به ماینسنگ به معنی بعد ها ، در اوایل سده شانزدهم ، در فاصله های بین برجها ، دیوارهای محافظتی بدور کرملین

بناهای تاریخی کرملین
ایوان سوم
دیوارهای ۵۰۰ ساله کرملین

اعمار گردید ، این دیوارهای دو کیلومتری ، با در نظر داشت شکل اراضی منطقه ، شکل خط منکسور را داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند .

دیوارهای اولی کرملین ، بصورت کل ، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت ، در سال ۱۵۳۸ دیوار های دومی آن ، بدور دیوارهای اولی یا مثلث اولی ، که میدان سنخ را احتوا می نمود ، ساخته شد ، قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید ، در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سهزمتوش شده در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهرن جهان ، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده بدست ساختمان سپرده شده در سده های ۱۹ و ۱۸ بجای آن باغ حلقوی مسکو عرض وجود نمود . کلیسای ترویتسکی نه رود ، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و معمول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیا بلاتنوه معروف است ، در میدان سنخ جلب توجه میکند .

بدین ترتیب ، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکیال رسید . برجها و دیوارهای کرملین از سخت های خوب تشکیل شده سنخ ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد ، معموره چلیپا مانند از بیج و آهک ساخته شده که عملاً دیوارها را محفوظ نگاه داشته است .

اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتش سوزی ها ، نبرهای تپ ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنابراین نایمان بزرگی ندیده است . در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است .

دیوارهای کرملین ، در واقعیت امر ، به یک مخزنه مسیولیک گسسته معنوی آثار هنری استادان بزرگ مبدل گردیده است ، از همین نگاه است که سالانه منسومان رشته های گوناگون هنر ، شعرا و مساحان پیشعاری پروانه وار بدوران گردی آیند و از تماشاای آن حظ وافری برند .

دیوارهای کرملین مسکو ۵۰۰ سال عمر دارد

دیوارهای کاخ کرملین که ۵۰۰ سال عمر دارد معمول دولت روسیه گردیده است ، در فصل کرملین روزگاری جنگل انبوه قرار داشت که نام مثل تپه پرویتسکی از آنجا گرفته شده است ، در سال (۱۱۴۷ م) امیر روسیه (یوری دولگه روی) در این تپه در کنار رودخانه مسکو اساس شهر را گذاشت ، اعمار شهر در آن زمان معنای ساختن قلعه را داشت ، معلومات کسی در باره دیوارهای باستانی مسکو حفظ گردیده است ، نخستین استحکامات چوبی که در سال (۱۱۵۶ میلادی) ساخته شده بود ، طبق معلومات در اشر حملات تاتارها طعمه حریق گردیده و این دیوارها با زحمات بیشتر تجدید ساختمان گردیدند و در زمان امیر روسیه (ایوان کالیست) در آغاز قرن (XIV) چهاردهم در مدت پنج ماه به استحکامات دیگر قدری قوی تر از آن تعویض گردیدند ، اما معرانهام بیشتر از ۵۰ سال طول نکشید ، در نیمه دوم قرن چهاردهم (روس دیمتری دومسکی) تصمیم گرفت تا استحکامات جدید سنگی اعمار نماید .

در قرن XV یا نوزدهم تحت رهبری شخص امیر بزرگ روسیه ایوان سوم و معماران ایتالیایی (انتسون فنانین ، مارکو روجو ، پیوتره انتونیوسولاری ، الیگز فنانین ، میلانتس) به همکاری استادان مسکو سنگ کاری روس ساختمان یکی از بزرگترین بناهای

جهان را آغاز نمودند . اعمار برج ها ، اعمار برج های اساسی ، دیوارها و کلیسا های کرملین که در مدت زمان ده سال توسط ایوان سوم انجام یافت ، حتی امروز موجب شکفتی جهانیان می باشد ، چنین ساختمان بزرگ را در آن زمان حتی اروپای غربی هم نمیدانست ، در نظر اروپاییان کرملین مسیول نیرومند دولت مسکو محسوب میگردد .

اعمار استحکامات کرملین به ترتیب معین صورت گرفت ، در محلات نامحفوظ دفاعی در قدم اول برج ها و بعداً دیوارهای بین برج ها را اعمار نمودند . اولتر از همه برج (تائیسیتکا یا) اعمار گردید ، تحت برج مذکور چاهی را حفر نمودند ، بودند که در نیمه یک راه مخفی به رودخانه مسکو متصل میگشت تا در مواقع محاصره کرملین از راه آب اکیال کرد ، بنا برین برج بدین نام (تائیسیتکه یا) مسمی گردید . در اوایل قرن شانزدهم در اطراف کرملین شروع به اعمار دیوارهای جدید نمودند ، در سال (۱۵۳۸ م) تحت رهبری معتمد سراتالوی (پتروک) دیوار دومی مسکواعمار گردید ، قسمت اعظم این دیوارها در دهه ۳۰ قرن حاضر تخریب گردید .

در سال (۱۵۸۵ م) دیوارهای شهر سفید (که در آخر سده هژدهم جای آنرا حلقه خیابان سرسیز عوض کرد) ، اعمار گردید ، این یک امیل مقبول مسکو بود که توسط معمار روسی (نیویرکون) ساخته شد و در سال ۱۵۹۲ در مدت زمان ششماه بزرگترین دیوارهای شهر در جهان ، دیوارهای یانزده کیلو متری چوبی که در محل آن بین قرون (هژدهم - نوزدهم) باغ حلقوی مسکو ایجاد گردید .

دیوارهای جدید یکجا یا قلعه در قرن یانزدهم تا سیمیل واحدی را تشکیل داد ، بدین صورت در زمان چیزی بیشتر از ده سال استحکامات نهایی مرکز روسیه اعمار شده اساس آن - دیوارهای -

کرملین اهمیت و مفهوم این کار در چیست ؟

دیگی از انسانه های باستانی در باره آغاز مسکو که تا به امروز معلوم نیست با رجوع به امپروسیه پیشگویی نموده بودند که درین مثل شهر بزرگی ایجاد میگردد ، یک قلعه مثلثی اعمار خواهد شد (سلطنت سه بعدی) .

و درین شهر اهالی بیشتر از قبایلی مختلف گرد هم جمع میشوند ، واقعاً دیوارهای کرملین عیناً به شکل مثلث متساوی الاضلاع ساخته شده است .

الساو خط دومی استحکامات کرملین با دیوارهای کرملین یک مثلث بزرگ دیگری را تشکیل داد که شامل میدان اساسی پایتخت - میدان سنخ - میباشد . کلیسای ترویتسکی نه رود ، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و معمول ((سلطنت سه بعدی)) در میدان سنخ گردید ، (که امروزه نام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیا بلاتنوه معروف است) که در اواسط قرن شانزدهم توسط ایوان کوزنوه - بنخاطسز - تجلیل از پیروزی - برخانی قزاق ها ساخته شد .

قرن (شانزدهم و شانزدهم) عصر وسعت سهیج استحکامات سرحدات دولت جوان مسکو ، روابط وسیع تجارتی بیرون آمدن اودر صحنه سیاست جهانی - مانند دول بزرگ اروپایی میباشد .

در زمان ایوان سوم جهت دفاع از حملات اجانب قلعه های یکی پس دیگری مانند قلعه نیوگ - دیوار - ایوان - گورد ، کولونو و غیره احداث گردید .

در آن زمان مکتب شهر سازی روس ها به اوج بیشتر خود رسیده اما با انهم جهت اعمار دیوارهای پایتخت روسیه معماران ایتالیایی دعوت گردیدند .

بقیه در صفحه (۸۶)

فروشنده‌های سبزه‌ها و امیران در آمیزش با امیران

فروشگاه آثار هنرهای زیاده را دارند
بزرگترین فروشگاه جهان

سخت اعتماد دارند * متخصصان کارآموده هر هفت
دیارتنت فروشگاه به منظور جستجوی اشیای گران
بها و نادیده هر گوشه و کجای دنیا سفر میکنند * با
علاقه‌مندان و گردانندگان آثار به داد و ستد میزند از
و در حراج‌ها اشتراک می‌روند *

انتونی سبزه ۶۹ ساله * امر در بیارتنت
نقاشی * همین تماشای سالون فروشات اکتفورد به
اثری بنام منظره انبار صحرایی عهد ویکتوریا * که
به صورت رنگه آبی کار شده است * برخورد به آن -
چنان علاقه‌مند شد که به همکاری و وظیفه داد تا در
حراج آن شرکت جوید * این اثر هنرمندی گمنام از طریق
مزایده به قیمت (۶۰۰۰) پوند به سبزه تعلق
گرفت * چه سبزه حد سرزده بود که این اثر از -
نایفه رویایی قرن نوزدهم سامویل بالمر است * بعد
ها آنرا به ۴۰۰۰۰ پوند به فروش رسانید *

انتونی گاردنر * مسؤول آثار هنری جنوب شرق
آسیا * ضمن دیدار از توکیو یک اثر برونزی با ارزش
تاریخی را با آنکه خیلی خورده هم شده بود خرید
و ترسیم نمود *

بعد ها معلوم شد که برونز منجوسری * یکی از مر -
یدان بود * از موزیم میانماتی بنگله دیش آمد *
است * او میگوید * (احتمالا این برونز رزمیان
حک هند و پاکستان به سرقت برده شده باشد * ما
کاملا آماده ایم آنرا با گردانیم مشروط بر اینکه مقامات
بنگله دیش تعهد بمانند که آنرا در موزیم ایالتس
بدون امنیت نگذارند ((

باغاده * مجدد برونز * سبزه مبلغ (۵۰۰۰۰)
پوند قیمت بازار را از دست داد و این گذشتی است که
گاردنر آنرا چنین توضیح میدهد * ((آنچه را که ما
انجام میدهم عبارتست از حفظ آثار برای نسلهای
آینده است))

در حمله آثار افغانی مجسمه‌هایی از گندها را
که از نظر مضمون بودایی و از لحاظ شکل یونانی بود *
و میراث فتوحات قرن سوم قبل المیلاد سکندر کبیر
بشمار می‌رود * نیز در این فروشگاه وجود دارد *
گاردنر میگوید که تا این اواخر آثار هنری و مناظر

سلطان در تدارک هدیه بی به ملکه
انگلستان از جواهر فروشی سبزه و سران واقع در
لندن * که (۳۰۰) سال قدمت دارد * استمداد
جست * شرکت در ظرف یکماه ستاره طلایی و گلوند
جواهرنشانی ساخته و را اختیار شد گداشت *

این شرکت برای بیش از (۷۰) کشور جهان و
همچنان برای ملکه * شعزاده فلیپ و شعزاده ویلز
مدال ها و زیورات طرح و ساخته است که همین امر
موجب شهرت جهانی آن گردیده است *

این فروشگاه به عنوان مخزن آثار هنرهای زیبا
سالانه بیش از (۳۰) میلیون پوند ستارنگه داد و ستد
دارد * هرگاه بهترین را می‌خواهید * همینجا است
گزانبهاترین آثار در همینجا است *

تلفورد شوت * امرا در این فروشگاه اظهار
داشت * (این فروشگاه در سطح جهانی جالب
ترین نوع خود است.))

نمایشگاه‌های سه منزله و گالری‌های آن از -
مجسمه‌های شرقی * منسوجات * نقره * باب * نقاشی -
ها * جنی * باب * مسکوکات * کتب * مدال * و تعداد
زیادی از اشیاء و احضار برانگیزند و جالب آنگند *
است * جالبترین بخش آن قسمت آثار چینی و جا -
بانی است که یکجا با دیگر بخش‌های شرقی منبع
ثروت درآمد شرکت را میسازد * اجناس ترتیبی
از قبیل عاج * برونز و جنی باب چنان با نظم و شکوه
خاصی در آنجا چیده شده است که کویلا خان
میتوانست آنرا به شرکت و خویش در خاناد و انتقال
دهد *

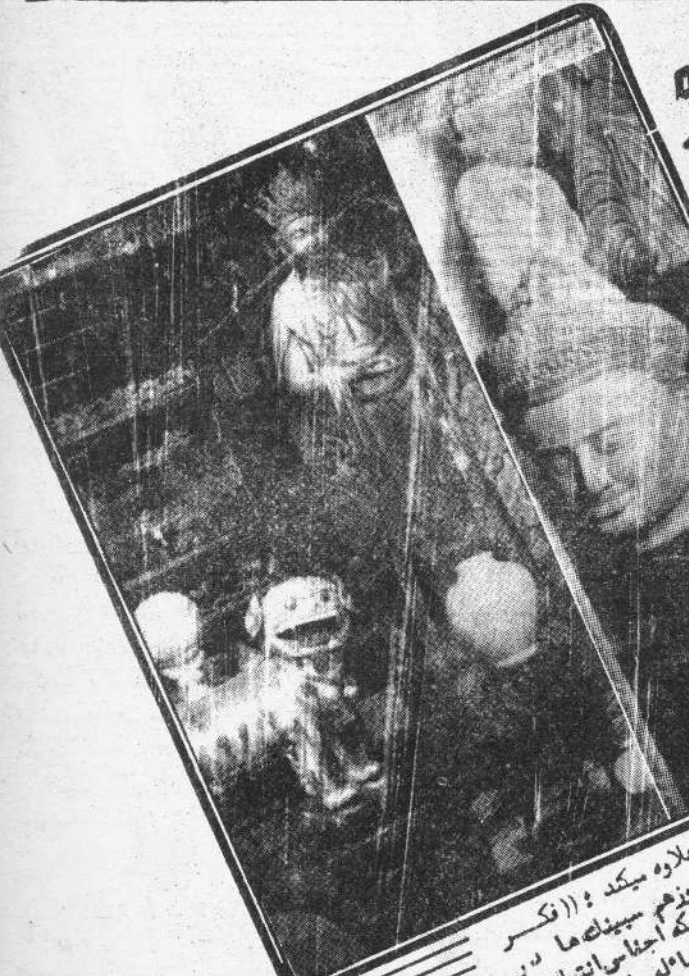
فروشگاه در این اواخر قار شده است که ۴۰۰۰
لباس کلاسیک شبانه را که مربوط به سال ۱۹۵۰ -
است و روی آن شلنگ نقره‌ای که منقوش با جعره ملکه
سکات میباشد * در برابر ۵۰۰۰ پوند به دست آمد *

داشتن همجو اجناس در لکتر توجه علاقه‌مندان
ماورای ابحار را بخود جلب نمود * است * یک امریکایی
سخت علاقه‌مند است تا در برابر دست‌آوری مجسمه
های سنگی هندی هر چه بیشتر پول مصرف کند *
مشتریان خصوصی و موزیم‌ها به فروشگاه سبزه

مغازه های لندن



میکایل سپینک، ۳۱ ساله، کارشناس ماهر هنر های اسلامی گفت: ((حتی در دوره مقدساتی مکتب می دانستم که به شرکت می پیوندم)) هنگامیکه نامبرده از رشته تاریخ و تاریخ هنر در کالج فاین اوت تحصیل کردید از طرف صوفا پیش در امرتجا



رئی شرکت پذیرفته شد. او علاوه میکند: ((فکر میکنم خوش استند از اینکه تا هنوزم سپینک ها در شرکت وجود دارند. برای آنانیکه اجناس انتیکه را جمع آوری میکنند، شاید این مسأله پیکار رشته ارتباطی دیگری باشد که ما باشد.))

جنوب شرق آسیا کمتر بوده و ناچیز شمرده شده است. ولی از آنجاییکه این آخرین تمدن بزرگ بشری است چیزهای زیادی را میتوان از آن گردآوری کرد. قیمت تثبیت شده هر پارچه آن تاکنون در حدود چارمیلیون دالر بوده که با این پول به مشکل میتوان نرسید. از رینویرا خرید، هنوزم بزرگترین آثار این مناطق را میتوان در بدل (۵۰۰۰۰) بوند بدست آورد.

دیپارتمنت نقره می که موند لیرد کلاویز مسولیت انرا به عهده دارد، برای من نیست به تازه می رونق پیدا کرده است، خریداران در جستجوی متاع خوب اند و داد و ستد نقره باب ناد بازار خوبی کسب نموده است. بیاله می مربوط به الهیزابت که ده سال قبل مبلغ ۱۰۰۰۰ بوند ارزش داشت، اکنون بهای آن به بیش از ۱۰۰۰۰۰ بوند رسیده است.

در حال حاضر، کلاویز لندن را به مثابسه مهمترین بازار نقره میشناسند، در این تازه گی ها، مالک یگانه یادگار بیروزی مسابقه اسپ دو انی چیز دو م یعنی قاب باستینگ ستون در سال ۱۶۸۸ اطرفی کلان نقره پی که به سیک جینایی ترین یافته میخواست انرا به فروش برساند، این شخص به فروشگاه سپینک مراجعه کرد و آنها مشتری اروپایی را پیدا کردند که حاضر شد مبلغ (۲۵۰۰۰۰) بوند در برابر آن بپردازد.

باتا، سیرد دیپارتمنت مسکوکات در سال ۱۸۲۰ - سپینک نخستین قدمی را برداشت تا حیثیت یکی از بزرگترین معامله گران هنرهای زیبا را در جهان کامی کند. در حال حاضر باتریک فینن مسولیت این

دیپارتمنت را بعهده دارد، نامبرده یاد آور میشود که مسکوکات کلاسیک روسی و یونانی از جمله مسکوکاتی است که در سطح جهانی طرفداران و علاقمندان زیادی دارند ولی معامله گران بر تانوی مسکوکاتی را که در انگلستان ضرب زده شده اند ترجیح میدهند. زمانی انگلستان بیش از (۷۰) صرا - بخانه انگلوساکسون ونورمان را دارا بود و بعضی از علاقمندان تا که میتوانستند سکه جمع آوری کرده اند، برخی دیگر صرف سکه های طلا یا سکه های بزرگ پنج شلنگی را جمع آوری کرده اند، در این تازه گی ها، سپینک، سکه پنج شلنگی گوتیک عهد ویکتوریا را به مبلغ ۱۲۴۰۰۰ بوند بمزاید گذاشت و ریکارد جهانی را قایل کرد.

معامله داران شرکت شامل کسانی همی شوند که مایلند اشیای خود را به فروش برسانند چنانچه زنی در باغچه شهری تازه بیل زده شده سکه کوچکی را دریافت، فینن با تشخیص اینکه این سکه یکی از سکه های اولی انگلوساکسون دوران شاه (اوسا) در قرن هشتم است آنرا به مبلغ ۳۰۰۰ بوند خرید و وانزن خوش شد. بقیه در صفحه (۸۹)



زندگی استعساله کی

از سلسله کشت زار سوخته

تعبه کننده صباح الدین رهش

اوراد یکی از شعبات جنایی خازند وی میباید . شوهرش به جرعت
اعتیاد و فروش هیرویین در اینجا توقیف است .
نگاه های وحشی و روسپیانه دارد . به خنده های بی معنی و -
لحن بی ادبانه عادت کرده . بیان عربان دارد و شیطان از گشته
هایش نمیشود . به مشکل موفق میشوم که قصه اش را از خود نریشتم ،
میگوید : ((ما قصه میکم به شرطیکه تو او را چاپ کنی که کل دنیا
غم مریه بفانم و فغانم که چی دل کلانی دارم و دگر مریه ملامت نکن و
نگوین که مریه به دل خودم زن هر جایی شدم و ...))
قبول میکم و او با زسان خود قصه می کند و من با زبان خود می
نویسم :

شاید در آن زمان نمیدانستم که چه سرنوشت شومی - آنگاه
باشم وی عفتی انتظام را خواهد داشت ، هنوز سالهای ده هم
عمر بود که درد مرگ مادر مانند هر طفل بی مادری رخنه سوزند می
در من پدید آورد ، فضای هرات زمین (زادگاهم) برایم تنگ شد
بود - همیشه بیاد مادرم میگیرم ، بیاد مادرم که مرا (گل بی بی)
خطاب میکرد ، گلی که بر پرشند - گلپیکه یارای ایستاده می در برابر
نسم صبح نداشت - در تلاطم یک توفان از سرزمین برکه ها و لجن -
زارها در میافتد . مدت کوتاهی از مرگ مادرم میگذرد که پدرم به
فکر همسر دگری میافتد و اما هیچکس حاضر نیست تا با مرد کلان سن
که پدر یک دختر هم است ازدواج کند و سرانجام خانواده بی از قضا
مردمان عیش و هوس حاضر میشود تا دخترشان را به عقد نکاح پدرم در -
بیارند ، به آن شرط که من باید الی رسیدن به سن بلوغ و قانونی پانزده
پسر جوان آن فامیل گردم و ایام نامزدی را به خدمت در آن خانسه
گماشته شوم ، آنها در شعر کابل زنده می میکنند و بعد از آنکه پدرم
شرط را میدهد ، من به کابل انتقال داده میشوم - حالا دیگر برایم
جزیاد های از مادر به ارمان نرسیده ام ، چیزی وجود نداشت . او مرد
و مرا با کوله باری از اندوه و آشک - تنهایی و بی خانه گی در این دنیای
بزرگ برای گریستن و کوچک برای شاد خندیدن ، تنها گذاشت - من
طفل بودم - شاید هنوز از راست و چپ چیزی نمیدانستم - هم
خانه هام همه مردمانی بودند که تازه با آنها آشنا شده بودم ، -
تازه د شناسمایشان نگاههای گوشه رانواز میداد - من تا حال
از سکوی بلندی دست و پا زانان برتاب شده بودم - هنوز به زمین
بخورده بودم - شاید در نهایت نفسهای تنگ ، در یک شب سیاهتر
از هر سیاهی به زمین خوردم و دره - دره چون فریاد هایم با شنیدم .
آنشب در دست شیی بود که نکته های از آغاز مرگم بر صفحه زنده گی ام
نقشه شد . من آنشب مردم و تا حال بر طومار آن مرگ رنج زنده گی
دور از عفت رامیسم - آنشب نامزد جوانی می بروم مانند چند یسن

شب دیگر به بستر آمد - به بستر دختر دوازده ساله ای که از کسالت
کار بام تا شام میخواست آرام گیرد - من از بوسه هاود ست بازی -
هایش جز آزار چیزی دگری رانمیافتم - شب مرگم به نیمه اشرنرسیده
بود که با چینی خود را غرق دیدم ، و من آنشب چرکین مردن را فرا
گرفتم - دیگر دختر باکره بی نبودم - من دیگر (گل بی بی) مادر
نه - زن دوازده ساله بی بودم .
و شبهای سیاه یکی بی دیگری مانند لحظات آنگاه از توهین و ظلم
بر من گذشتند - در سیزده همین سال عمر آنقدر خود رانانتهوان
فزون یافتم که ناگزیر از خانه وهم خانه ها فرار کردم .

فرار - این بزرگترین دروغ - این بی بنای ترین واژه در انبوهی
از آدمها و آدم نماها چه کنی میتوانست به من انجام دهد ؟ به خاطر
دارم که راهروهای کارسرت کارت ، سه کابل را با گریه و فریاد به
استقبال یک شام بی مکان میشتافتم - چشمهایم من میدیدند و شاید
تنها برای همان لحظه تا صبح به حال میگردند .

در حالیکه سخت میگیرم بیرونی با مهربانی دست به سرم کشیدو
چنانیکه باید به گریه طفل سیزده ساله بی ارزش داده شود ، دلیل
ناراحتی ام را بر سید تنها همینقدر گفتم که در خانه فامیلم برایم
حای زنده گی نیست و پدر و مادر ندانم - خانم بیومراره خانه خود
دعوت کرد و گفت میتوانم دخترش باشم . زن سیزده ساله بییکه سرگردان
یک سرنوشت شوم در کوچه های شهر نادیده بی بود ، زیاد از این
تعارف چه میتوانست بخواهد ؟ چه میتوانست از روز کند ؟ و من بدون
هیچ پرسشی پذیرفته در حالیکه دست بیروزن رادریین موهسای
چرک لمس میکردم و لطف غرض آلودی را احساس میکردم ، راهی منزلش
شدم ، در خانه محقر بیروزن یک پسر جوانش نیز با او زنده گی میکرد که
از همسرش جدا شده بود و در یکی از اولین شبهای زنده گی در این
خانه محکم به پذیرایی وهم آشوش او گردیدم - ناگزیر به اطاعت بودم
بخصوص حالا که از کیف بردن نیز کم بهره داشتم زنده گی در این
خانه نیز عمر کوتاهی داشت هنوز کسالت از زنده گی ام در این خانه
نگذشته بود که یکروز همیستم گفت : ((کالایته جمع کوکه تریه به جایی
میسوم)) و من نمیدانستم که کجا و به چه مقصدی میرم ، صبح وقت
سوار سرویس سفیری شده بازم قند ها گردیدم . رفتن از شهری به
شهری حالا دیگر برایم مفهم نداشت چه من از خود نبودم - شاید
اگر صاحبان نمیخواستند به زنده گی کردن نیز اجازه نمیدانستم .
در قند ها مردم در یوریکه در انتقال مال تا جران از یک شهر به شهر
دیگر کار میکرد ، مراد ریدل بول - بولیکه قیمت من بود و تا حال اندازه -
اش را نمیدانم از نزد صاحب قبل ام خریدم . (بخاطر آمدن بود که -
زمانی پدرم مرفی را خریدم بود و از دوا ایژان تا خانه آورده بود و من
فکر میکردم که با پاسغ قیمتش را خواهند دانست هرگز) .
من حالا دیگر یک زن نوجوانی بودم که کمتر میتوانستم از سرنوشت

آگاه باشم - در زمانیکه شاید سرنوشت
راه نامش نمیدانستم ، زمانیکه خود را غشته
به نجای میدیدم ، نمیدانستم که چسرا
باید محکم به زنده گی شوم و اینبار
تقدیر مرا دوباره به کابل آورد -
نمیدانستم که اینبار چگونه مصدر
خدمت به ماحم خواهم شد ، وقتی
به کابل در خانه بی انتقال داد ،
فکر میکردم شاید در اینجا تنها
یک مانت داشته باشم ، اما -
دریغ که اینبار هر شب و یا چند
شب بعد مالکهای موتقی را
باید پذیرایی میکردم -
باعین این آدم نماها
خود را برایشان سرویس
کتم ، در دستهای
قهار و وحشی شان
بلوتم و دره دره -
وجود را ، وجود
کوچک را برایشان
تعارف نمایم
صبح ها
از کسالت
شیله .
بخواب

تعبه کننده صباح الدین رهش (۸۶)

سر
گذشت
یک
زنده گی
بر باد رفته

ازهریسی



پسر بچه ارمنی عملیات بسیار نادر را گذراند

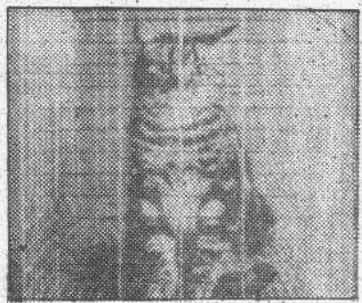
وقتی زلزله فاجعه آورده شهر سیتاک ارمنستان را تکان داد، قارن- قاجاریان مانند هزاران طفل ارمنی دیگر در مکتب بود، مادر وی برای نجات پسر نه ساله خود به مکتب شتافت اما ساختمان زلزله خاکی شده یافتند. خوشبختانه قارن با عده معدودی زنده ماندند اما چشم چپ و دست راست خود را از دست داده بود. فقط عمل جراحی بسیار مغلو او را نجات داده می توانست. دکتران شوروی که برای زنده نگهداشتن مریضی های بسیار و خیم زحمت می کردند به پدر و مادر او توجه کردند طالب کمک از دکتران امریکایی شوند.

قارن و پدرش در اوایل فبروری به امریکا رفتند و از کمک های معسره مند شدند که به منظور مساعدت طبی به آنها رسیدگان زلزله ارمنستان تدارک دیده شده بود، قارن به شفاخانه اطفال در فلادمینا در ایالت پنسیلوانیا برده شد.

دکترول، وسترمان دهن شفاخانه پسر از معاینه پسر بچه گشت دو انگشت پای چپ قارن را به دست راست او پیوستند و زنده ایمن عملیات که دو انگشت را از پای او بدر آورده و دست راستی بجه زدند چهارده ساعت را در هرگزوت، دکتر وسترمان یک وید دست قارن را نیز با وید ساژ او تمهیز کرد.

وقتی عملیات بسر رسید، دکتر متوجه شده خون در بخش تازه پیوند حورده جریان ندارد و چندین ساعت دیگر برای جریان دادن خون صرف شد، این عملیات بسیار مغلو نیز مایکروسکوپ انجام شد و نتیجه آن قناعت بخش است.

قارن یکی از ۳۸ طفل ارمنی است که برای تداوی به ایالات متحده فرستاده شدند و با این احساس معجزه سیامگدان از دکتران امریکایی به وطن بر میگردند که خوش هایش را به او باز گشته اند.



ازهرده پیشک اروپایی، یکی مصاب مرض ایدس است

دانشمندان آلمان غرب تخمین می کنند یکی ازهرده پیشک اروپایی یکی مصاب مرض است که شبیه ایدس میباشد. پیشک یا معمولاً این مرض را از جمله می کشد مگر می کنند. ماهیان هارزینک بروفیسور هالندی میگوید تا چهل درصد پیشک ها در اروپا این مرض را با خود انتقال میدهند اما این مرض به انسان سرایت نمی کند. آزمایش روی انسانها به یک با چنین پیشک ها در تماس بوده اند ثابت می سازد که آنها دچار این مرض نشده اند.

پولیس دریایی سگرت کشان

مقامات مانه لادرسات عامه سگرت دود کردن را ممنوع کرده اند و ۲۰۰۰ پولیس فلیمین در تعقیب آنان گماشته شده اند که مقررات را نادره بگیرند، واکسیر چنین شخصی بدست پولیس یافتند از ۲۰۰ پوسوتا ۹ دالر جریمه داده روز زندان، جراحی خواهند دید. طبق این مقررات هیچ شخص اجازه ندارد در سینماها، همها های شهری، رستوران ها، هتل ها، مکتب و دفاتر رسمی سگرت بکند و اما مخالفین این اقدامات داهیل میاورند به غیره و مقامات مانه لادرتو گردش موترهای بیملی میس را ممنوع می کردند که ستونهای از دود غلیظ را به هوا بلند می کنند و آلودگی محیط را بازمی آورد.

لیزتا یلورا با قانون گلا ویز شده

مایکل ویلینگ جونیر، پسر لیزتا یلورا با اصرار به عدم بازگشت به سرش به انگلستان حکومت ایالات متحده را به چشم آورده است. از دست داد. سناتور جان ورنر، شوهر پیشین لیزتا، میخواست از مقررات مشخص مخدر گردید. بود خود که از قوانین سختگیرانه این حکومت، طبق قانون امریکا بیامون مهاجرت طاهره رفته ایالات متحده، سبب می شود که است زاین امر منجر به ایحسان وی حق سکونت دائمی خود را در سرودهای در آن کشور گردید و آن کشور از دست دهد.

بخطرات جلاوگیری از قمچین کاری پدرش را گشت

در ایالت میسیسیپی آمریکا، متعلی پدرش را به قتل رسانید که میخواست او را نسبت اخسند نمرات خرابش تنبیه کند.

مسول بخش رکی بانکر میگوید: والدین این پسر بخاطر تنبلی واخذ نمرات پایین او را ملامت کردند و پدرش خواست او را با کمر بند ی لت و کوب کند، اما حاجی دانیل ۱۷ ساله پدر ۴۴ ساله اش را - پیش از توسل به قمچین کاری با ضرب گلوله از یاد آورد.

قاتل به انتظار محاکمه در زندان به سر می برد.



یک سگ ایرلندی به اسم سیتلوریتا در اوایل بهار ۲ نوزاد را بد نیا آورد که رحمت عمه نوزاد - دان خوب میباشند. خوردترین نوزاد که وزن آن از عمه نوزاد آن کم است به نیتا میباشند که بحالست

عادی نموی نماید و در تداوی و تربیه این نوزادان مالک آن توجه جدی میدون داشته و تحت نظر داکتر جوانان تحت معالجه قرار دارند. سیتلوریتا بعد از دو سال نوزادان را بد نیا آورده

خانه جی هـ ۱۲

تهیه کننده: حسن نیر

آتش سوزی در ستدیوی تلویزیون میسور ۲۰ نفر را هلاک ساخت

حین فلمبرداری یک سریال تلویزیونی در شهر میسور هندسه آتش سوزی ۲۰ نفر را کشته و ۲۵ نفر را زخمی ساخت.

آتش سوزی در ستدیوی رخ داد که سنجی خان، هنریشهر دایرکتر، سریال ۵۲ قسمتی ((شمسیر تپوسلطان)) را تهیه میکرد، علت حریق هنوز معلوم نشده و سنجی خان به نسبت حراحتیکه برداشته در بیمارستان بستری گردید. همکوران گفتند که خطری جدی زنده می اورا تهدید نمیکند.

قرار بود این سریال از ایرسل آیند و در تلویزیون هند به نمایش گذاشته شود، در این سریال سنجی نقش تپوسلطان، پادشاه انسانوی قرن ۱۸ را به عهد داشت.

از هر کجا

اکیهیت و سالیانه دو میلیون دالر

میگیرد



اکیهیتو، امپراتور جدید جاپان سالانه ۲۵۷ میلیون (معادل ۲ میلیون دالر آمریکایی) به عنوان معاشر دریافت خواهد نمود. این درست همان مقدار پولی است که پدرش هیرومیتو بدست می آورد.

انژون بران، ۲۵ میلیارد (۲۰ میلیون دالر) دیگر هر سال به صیغه مصارف دربار به وی پرداخته میشود.

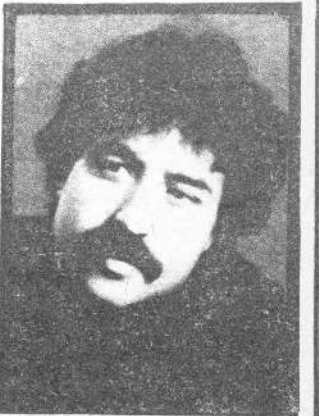
همه حیوانات از خود حقوق دارند

اختلاف نظر درباره حقوق حیوانات نهاد است و سازمان و اشخاص اصلا ذهن زمینیه چیزی نهادند.

تعداد نهادی به این عقیده اند که تجارب فراوان به شمول غیر انسانی روی حیوانات صورت میگردد که همواره در هر کجایا سنجی های علمی بنیضور بهبود زندگی بشر نیست. آنها به ضرورت رفع شرایط خرابی که این حیوانات نهادار میشوند و نیز قطع تجارب روی حیوانات مذکور تاکید دارند و میگویند همه حیوانات بنهاد این اصل ساده که زندگی بدون توجه به اینکه چگونه میگردد، زیبا و دلپذیر است حقوقی دارند. بحث انسان این وظیفه ماست که زبان این بی زبانان و نگهبان این بیگناگان باشیم.

از گپ های که ما خبر شدیم

آیا معشر لاف زده نبود؟



دهد، که این حرف به اصطلاح به رنگ نیرت یک عده دیگران نوازنده گان خورد و بیرون بردند بالایی معشر در تلویزیون که چرا چنین گفته ای، معشر در و ساره در مباحث خود یاد رفتن جوانان گت: حاج مع سابقه بد هم و شرطی عم نام منو بر اینکجه اگر در مسابقه بره از من نبود بنجهد هم ارادمانی می خواهم، اگر با حتم می بردن، کسرت مسابقه حاضرند سسرت را بید یون.

شخصی حاضرند و گت منتقم معشر واحد مسابقه نهدن من با برنده مسابقه، دست و پنجه نرم میکنم.

وقتی از معشر پرسیدیم، حالا سخن از چه فرار است؟ گت: گمشکو بیاد رشت ای گپ نگردد که بوی خون از منی آید و من ندانستم آیا معشر به اصطلاح لاف زده بود؟ طرفش جندی بود؟ و بالاخره بخبر من کیست که به گپ خوب مردم ما قاپو داده نشست تا بگوید که عیچکدام آن ستار نواز نیست جزمی! به عزمورت قبول معرب: باد شوه باران نسوه خدا مراد خوشه چین بته، و ما و ما هم که اگر ستار علاقه دارم یک مسابقه جالب دیدنم راتناشا خواهیم کرد.

جندی قبل معشر معسار نواز با استعداد کنورد و صاحب خود در برنامه هزارویک گپ تلویزیون و در رفتن جوانان گت: حاضر نیست تاده سان آیند، جاب هنری این راه کسی دیگر

صد قسم برای یک بوجی آرد

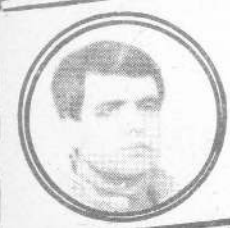
در سیاه سنگ منایل نقلیه ار دو نزد یک دکان لالا غفور بیروسیا در عجیبی بود، مرد بچم پشت سر هم نس میخورد که خدا به قران به آسمان، به زمین یک بوجی آرد از ماه اردیبهشتی عم میگت از برای خدا چرا نامحس نس میخورد، هر نس بوجی از آرد من که همین چند لحظه قبل از موتربایین کردم و از هزار نس با خسه بود آرد، ام میوام تارته نسوه منزلت بین، زیرا موتربیکه بوجی آرد بوجی آرد و در موترب ب

هارا آرد همینجاتی خالص نمون، منتظرین موتربیکه نس اما آن شخص نس و قران میخورد که (بالا سره کت) این بوجی از خودم است و توچار بوجی را به بخلوبین بایین کردی، خلاصه به میانگیری یک حاجی موسفید ه آن شخص گتند تو حاجی نس دست را بالایی بران مجید بگا ریب و نس بخوری که این بوجی از نس است! گت بلی من حاضرم و چنین کرد. آن مرد بیچاره بوجی آرد و در موترب ب

انداخته سوپ کارت نورفت مردم از آن فرد بیکر برسید نس تراجه خدا راست میگت که این بوجی از نس است، گت: بیاید در خودم فریب بد از گت نس بوجی آرد خانه می برد نس خوردم که از ه این چسرا و تیکه خرد بونم در مسجد درس میخواندم شنیده بودم که برای نه ات دادن جان نس خوردن رواست و بوجی آرد آن نس را به دست انداخته سوپ منن خون رس.

شما هم خبر شوید

تعبیه کننده: احمد غوث زلی



حالا که پرسیدید پس بخوانید!

انیمه محسن بوهنخی و تزئین بوهنخون کابل:

س: برای مدت کوتاهی در نشرات تلویزیون تغییرات خوبی بدیده آمد اما بعد از گذشت چند شب، دوباره نشرات مسیر قبلی خود را گرفت، یعنی اینکه اصلاح قابل دیدن نیست، چرا چنین شد؟

ج: میگردید، در جویبیکه آب رفته باز میروید!

س: چرا بعضی از هنرمندان مویع خواندن، چشمان خود را پت می گیرند یا به اصطلاح با چشمان پت می خوانند؟

ج: به خاطر اینکه می خواهند جو سر خود را نبینند.

شادیه کارمند محمی یکی از شناخته ها:

س: آیا ساریان سخت خود را باز یافته، یا در ستر مریضی فرزند دارند؟

ج: ساریان به گفته شما کارمندان جی، شریان مغزی کفانده و یا تا ست از سرت راست بدن فلج بوده در ایار شانس در ستر مریضی فرزند دارند محمد شریف از یلات چغان، نود هائیلی خیرخانه مینه:

س: چرا بعضی از هنرمندان هنگام بستن در تلویزیون مسی لرزند؟

ج: آنان نمی لرزند، حتماً جو سر خود را نبینند.

شیشه تلویزیون شمالی است یا چشمانتان نقص پیدا کرده، حتماً به داکتر دندان مراجعه کنید.

گلای محمدرئیس:

س: برنامه عسارویک گپ تلویزیون که متواتر هر شب نسر میشد چه شد که یکی و یکبار نشراتش دسغ شد؟

ج: این خود یک گپ از هزار گپ است!

سبعین از مکروریان س:

س: خبر شدیم که سیمیا ترانه پنج انگشت سوخته چرا؟

ج: کسی گفته بود، سیمیا بقیه در صفحه (۸۸)

اسد بدیع از طبابت دست می کشد



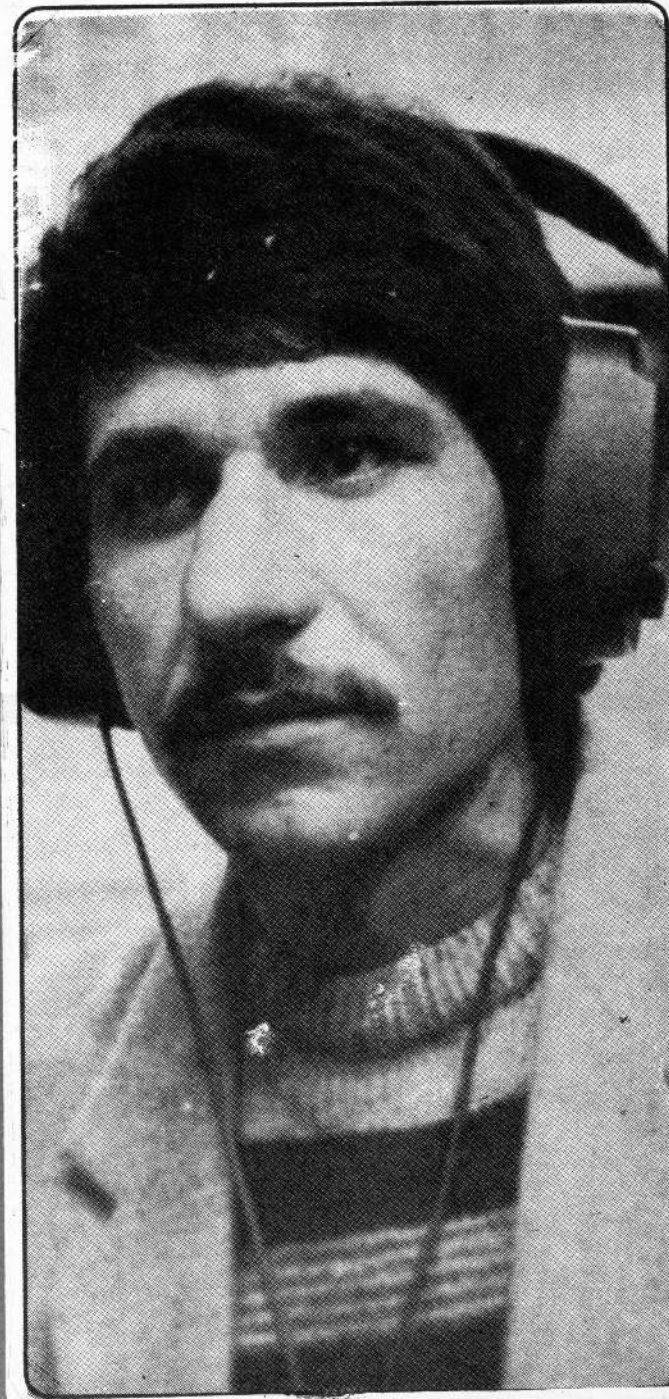
آوازخوان، کمپوزیتور، شاعر، ورزشکار، نظامی، ریسورسور، نویسنده و بالاخره تا آخر این اسد بدیع

تلو یزین دیدیم که جهست گرد اندگی برنامه سفینه رادیویی آمده بود، غمسه موسیفات رشایعاتی راه در مسورد او شنیده بودم برای نسه کرد که بعد از شنیدن و تین بسیار آرام و شمرده گت: زلی جان همیشه این حرفها درع است تو باور نکند گت من که باور نس کم خد اکند خوانندگان عزیز هم باور نکند خندید و گت دست اختیار ارب و من برای نسه ای کردم ازین فرار میگردید شخصی بود که فکر میکرد تانه گتیم است، اورا دست تد اوب ه اساینگاه می بردند و لکتور

ان مجرب روانی اورا تحت معاهده قرار دادند و زیاد زحمت کشیدند، رزب نکتور موسیفات اورا نسرد خود خواست و گت: بران رتو اگر تانه گت نیستی، تویت مسرد دستی یک مرد کاملاً عسار بی وضحتند از تانه لیاپت، سو میتوانی عروس کنی و با صاحب اولاد و نواسه شوی، تو میتوانی صاحب یک خوبی باشی و سه مردم خدمت نمایی و بازیس جمله حرفها مرید یاد دت خا سسخندان نه کتور اسندید در اخیر به وی گت: تشکر دارم صاحب من هم قوس میکنم که من دیگر تانه گت نیست اما خدا گتند که مریدنا نسر گتند.

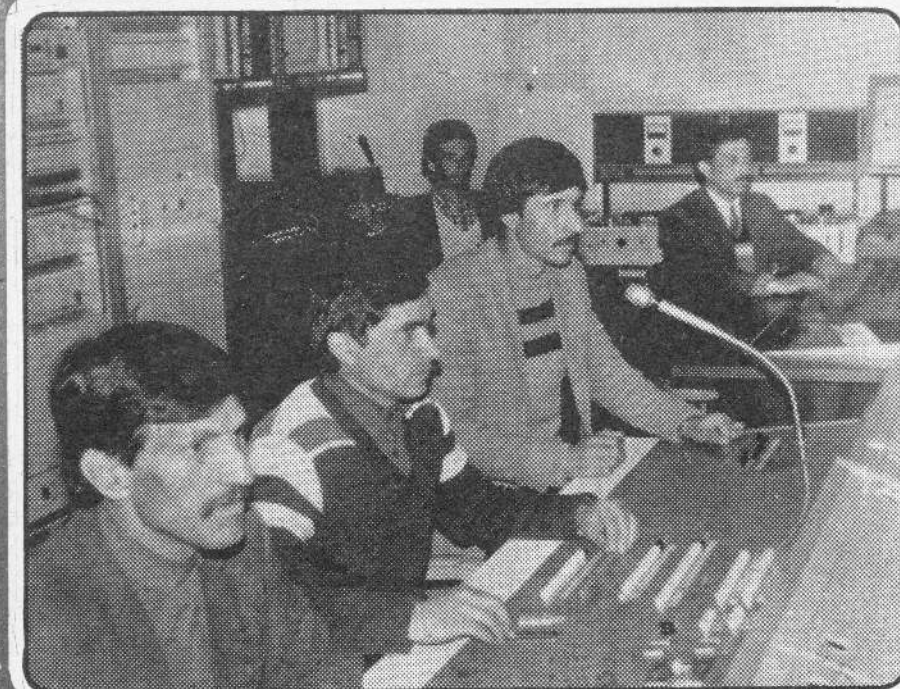
مجله ناولوژی

مصاحبه از اسد بدیع



سی از یک دهه

گفتگوی بانجیب ساکب ژورنالیست نویسنده و دایرکتور مستعد که از هفت سال به این سو برنامه ناولوژی می نماید



که راه بروم مستعد در دین برنتو شده * کارگردانی در همه آنها هست، بازاری ندارد * از اصطلاحات هژ * این سلسله گرفته تا بسیاری دیگر از آنرا هان فنی کار، کلا خلاصه - میشود به چند تکلیف و اصطلاحی (شاید درست شاید هم نادرست) که از سوی برخی از کارگزاران - غیر مسلکی، تدوین شده است * اما، کارمن و حتی کارگروه کمی از دایرکتوران تلونین، مبتنی است بر تجاری که حین کار و عمل بدست می آورند، اینجا اصول میزان - مؤقت یک کارگردان بستگی دارد به ابتکار، دید هنری و استعداد شخصی او، که در هر صورت و در همه جا، لازمه * اساس کارگردانی برنامه های تلونینی است.

س - تحصیل اصلی شما در کدام رشته است و چند سال است که پارادیو تلونین همکاری دارید، کدام برنامه ها راتمه کرده اید (البته جدا از مجله * تلونینی) و آیا با کدام ارگان دیگر نیز همکاری دارید؟

ج - من تراکیری رشته ژورنالیزم را در سال ۱۳۵۸ در دانشگاه ادبیات و علوم بشری به پایان برنم و از سال

در تلونین، در ایلام داشته های هم جان واپخته (روشن سازی هنری)، برنامه * (مجله تلونینی) یگانه برنامه نفس کی وزنده * هنری ادبی است که صیقل معقول سلامت آرایه مؤثر را دارد بیشتر برای رفاهان و رهپهان هنر و ادبیات درخور قبول پذیرش است.

بانجیب ساکب، دایرکتور جوان و آگاه برنامه (مجله تلونینی) که خود، ادیب، نویسنده و شاعر است، نوشته ها و کارهای دهنق هنری - ادبی اش، صداق لبند صیقل روشنگرانه اش میباشد، گفت شنودی تهیه دیده ایم که پیشگی شما شود:

س - اما در رشته * دایرکتوری تلونین بهره در زمینه برنامه سازی - تحصیل شخصی کرده اید؟

ج - کار در تلونین طویبت که معایب و روابط خصوصی در رابطه با دایرکت برنامه ها، از قبل تدوین شده است. من به اقتضای تخصص مسلکی ام، کم پیش چیزهایی در دانشگاه و هم از لایبلای کتابها آموخته ام. اما در تلونین ما، همانطور که اشاره کردم، بسیاری از مواردی

۱۳۶۰ تاکنون یعنی مدت هفت سال است که با تهیه، نوشته و دایرکت برنامه * مجله تلونینی پارادیو تلونین همکاری دارم کارمن در - تلونین، اساساً در دو جمعیت هژ، شکل یافته است: کارگردانی برنامه ها و نویسنده کسی متین هنری - ادبی.

در بخش دایرکت، علاوه بر مجله تلونینی، برنامه * کتاب را نیز برنام ((برگها)) اساس نهادم که نویسنده کی و کارگردانی اثرات تهیه مده داشته * جدا از آن، دهها برنامه * فوق العاده هنری - ادبی و نمایشهای تلونینی راتمه و - دایرکت نموده ام * البته در حاشیه، از نوشته * سناریوی فلم داستانی ((سهند)) تئاتر تلونینی ((طلوع سانه ها)) بخشهایی از نخستین سهال تلونینی انقائی، چند داستان و شعر نیز میتوان یاد کرد.

س - کی هادرتمه برنامه * مجله تلونینی شما راهگاری میکنند؟

ج - گرداننده گان برنامه * مجله تلونینی همانطور که اصول تهیه آن ایجاد میکند، با مست مشکل مهود، آنک یونیت وسیع مشخص در تمام بخشهای فن و

هنری اما با در نظر داشت محدودیتهای فراوانی که در برابر خود داریم، در زمینه * پرو دیوس، صرفاً * مستر حکم فرمود ما من همکاری همراه است که لازم مدهائ از سمت بدین جهت حاصل ما دقتاتش بسیار گزاف کم.

و اما در زمینه نوشتاری از سال سوم برنامه بدینگونه مسئولیت برنامه * کلا بدوش من گذاشته شده، علاوه بر نوشتن بخش های درونی، بنا بر عدم موجودیت نویسنده * پشتو در اداره * ما نویسندگی بخشهای پشتووی برنامه را نیز به شکل ناگهانی انجام مدهم.

در گذشته نویسنده گان - دیگری چون شهره داء، زین انیسو، و اکبر کرگر (در بخش سخن هفته) نیز آسوده و آصف معروف نیز با من همکاری بودند که اکنون صرف مستر سرپرانی همواره برای هر برنامه ام یک مقاله خوب می نهد.

س - حقیقتی وجود دارد که یک مجله به نوشته های شخصی - سهک هژ تشراتی خود، تشراتی میکند، آیا مجله شما در کدام خط تشراتی رهسپار است؟

ج - بنده های برنامه * تان بیشتر بی - کسانی هستند و اگر شما بنده * مجله

تان باشید، کدام بخشها را - بیشتر می پسنید؟

ج - برنامه * مجله تلونینی یکی از برنامه های اختصاصی تلونین است که در سطح بلند هنری ادبی انتشار می یابد * طبیعتاً این برنامه بنا به ضرورتی ایجاد شده است و اهداف مشخصی را دنبال میکند، در گام نخست این برنامه با اشاعه بخش ایجاد مختلف هنرهای مختلف و جهان جنبه های فرهنگ کشورهای مختلف پر دازد، مطالب مجله * تلونینی انکسوسه معرفی و شطاسی هنری خرم کلی و هم آن به مثابه یک نیاز حتی عاطفی و روانی انسان - اتکا میکند و از جانی دیگر، به تحلیل و وارنهای فواض و جواب قابل تامل آن، دست می یازد، تا بدینوسیله ضرورت وارنشدنی هر هنر را برای خود، با زتاب داده باشد، یکی از مده تین اهداف برنامه، پیش کشیدن موضوع - ((پرویش هنری)) است آهنگهایی که در برنامه برگزیده میشود به همین هدف است، یعنی خوتین آهنگ ها، در جایگاه یک اثر هنری - مستقل - مثل یک پارچه شمر

مطبوعات - با انفسه در برنامه گنجایده میشود تا از این رهگذر نیز در تظیف ذوق بیننده های خود سعی داشته باشیم، چنین برنامه بی طرف توجه و علاقمندی تشریخاص از بینندگان تلونین هست، چون مجله تلونینی در جایگاه یک برنامه * اختصاصی هنری - ادبی در سطح نسبتاً بلندی ارائه میگردد، بنا به بیننده های برنامه نیز در برگیرنده تصاویر گویا و صدف یازدهم مکتب الی بالتهن - سطح دانشی است که البته هر بیننده بی با در نظر داشت اندازه - آگاهی و علاقمندی خویش میتواند به نسبی با پرداخته های برنامه، موا شود.

س - در سال جدید چگونه مجله بی راهبری تلونین پیشین هستید و آیا حالا کدام کنی و کاستی در آن اساس میکند؟

ج - تصمیم دارم این ساله را با بیننده های مهربان برنامه ام در جهان بگذارم، یعنی با راه اندازی یک همه پرسنی از طریق خود برنامه هفت اتوا در سال بقیه در صفحه (۱۱۰)

دوست میدارم و را

قند جویی ، بند جویی ، ای جناب
 هرچه میجویی بجو
 بیکران بحرست ، گزهر بیحساب
 هرچه میجویی بجو
 فارس گویی ، دري گویی و را
 هرچه میگویی ، بگو
 لفظ شعرو دلبري گویی و را
 هرچه میگویی ، بگو
 بهرمن تنها زمان مادر است
 همچو شیر مادر است
 بهر آن تشبیه دیگر نیست ، نیست
 چونکه مهر مادر است
 زین سبب چون شوخیهای دلبرم
 دوست میدارم و را
 چون نوازشهای گرم مادرم
 دوست میدارم و را

مومن قناعت

کاسه

بلبل به فغان چه کار دارد
 نه که خبر از بهار دارد
 قمری به طلوع صبحگاهی
 جشنی به چمن هزار دارد
 چشمش ز شراب ناب امشب
 پتگرکه چنان خمار دارد
 مردم زنگاه آشنیش
 گلگونه قبا ، نگار دارد
 اندام ظریف و نقره فامش
 بردل هو من شکار دارد
 آید بیم ز راه شوخی
 حیف است به غیر نظر دارد
 صید کشته بود و بناز و رامش
 خون شهدا ، وقار دارد

مشوش

من مرغ اشم
 شب را بزیر سرخ بر خویش میکشم
 در من هراس نیست ز سردی و تیوه گی
 من از سپیده های دروغین مشوشم
 سیاوش کسرای

این شیشه ، دل ز سنگ روزگار
 نشکست ولی غبار دارد
 پژمان شده اسپیر زلفش
 صد همچو منی بتار دارد

بچه دیور

داکوشی ستا بر سپین مخ خوری وری شوی
 که ز ما بر سیاوون تیاری خوری شوی
 ستا دسترگود خیال سیوری چی بری ولوید
 پرورشوی دارمان توری تیاری شوی
 ستاد بزند و گنو تکه نه وه ، خه وه
 ورسره می چی اسری خاوری ایری شوی
 درسی شوی دادی خیلی پیسرا گانی
 نه چی زما دعاوی تالره نیسری شوی
 چی ترکی تلی ستا دادا گان سو
 هغه لاری زما ستا تر منعه پسری شوی
 دما بنام له تیکی تیخ دهلال ووت
 د هسک مورگی د شفق به وینوسری شوی
 چی ورتل به سرولمبو لکه اور پینتی
 به هغو بلهارو لکی هد پسری شوی
 چی د مینی د محفل بلی لوی وی
 خاورو لاندی خه بنایسته نیگی خیری شوی
 بیا به و سپری رسی د سرو رید سو
 که به سرو وینو خر وی می میری شوی

پوهاند زیار
۶۷۲۲۲

بچه تو در کجاست

فسرده روح مرا با گل و بهار چکار
 ز نو بهار چه گویم به لاله زار چکار
 بین زکان طبیعت به که سار سبزه
 مرا به دشت و دمن بی تو گلزار چکار
 ببر کنسید و چمن جامه نگارین خوش
 مرا به گلشن د بیای مرغزار چکار
 صبا نسیم تو آورد طرف لافه من
 جدا از وادی عشقم به جویبار چکار
 د مید صبح بهاران رسید وقت طرب
 مرا به بیک فریبند و خمار چکار
 فغان و ناله مرغان خوش ترانه شنو
 مرا بی باغ و به گلگشت نوبهار چکار
 بیا که شوق رخت در دل جوانه زند
 قسم به تار دوزلفت به شام تار چکار
 د رخت و باغ و چمن بین چه جامه زین
 مرا به سپروسفر سوی گل بهار چکار
 خروش موج بد ریاحه مستی هادارد
 شکسته شیشه قلبم مرا قرار چکار

مته، نیت

گرتویند اري دل م را حزتو یاري هست . نیست
 یاغم را غیر مهتر نمکساري هست . نیست
 گر بگویم سینه از دست تو بر خون نیست . هست
 و بر پرسی گرتو در خاطر نمباري هست . نیست
 گر کسی گوید که درد نیا به دوش زنده کسی
 سخت و سنگینتر زه جریار یاري هست . نیست
 بیش تیرت گر بگویی دیده برهم زد . نـزد
 چشم مست را از این دل به شکاري هست . نیست

غزل

ماد خیل سرویش خکلی دی به دی کوخه کی
 به مائل کانی وریدی دی به دی کوخه کسی
 به ما دینس او وفا زیادنی ولسی کوی
 تامل خندلی مائزلی دی به دی کوخه کی
 ستا به غضب غضب کاته نوي خبره نه ده
 داسی می لیرد پرخه کتلی دی بعدی کوخه کی
 سترگی خمار شوندی مسکی انگلی ولونه ولسونه
 خه خطرناک قاتلان نیگلی دی به دی کوخه کی
 ستاد بهار بهار بخوانی شراب به جا وریزی
 مائل د هجر زهر خنلی دی به دی کوخه کی
 توتی توتی کچکول بی مه زاری دژوند ملگرو
 سائل د زره توتی شیند لسی دی به دی کوخه کی

ابوالقاسم لاهوتی

دخوانی گلونه

زیاد مینی نیگلی نیگلی پسانسی
 چی د سپرلی نیگلایری نیه نیگاریده
 به مومر نیولپو خوب ته بی سرنه تیتاوه
 د بنبشش عظمت نینه بی
 برته خته کی وه
 دغه غرور بی د پیری بیرونو
 مات نه شوکر ای
 کره صدقه بی له زلفانو
 دخوانی گلونه
 خودغه تورماران بی
 کله د غاری امیلونه نه شول
 چایی دیانور زیدل
 به شپه کی ونه لیدل
 به جوانیبرگی مینی
 د جاخماري نازینیی سترگی
 باندی نمجنی نه شوی
 خودخوانی گلونو
 د جانا زکوبینوته
 باسته فرشونه جور کرل

رحمت شاه سائل

پروانه ها

پروانه های پروانه ها
 پروانه های خوشنما
 پروازتان بس دلنشین
 بر آسمان و بر زمین
 کالای خوشترنگ شما
 رقم شما، جنگ شما
 روی گل و روی چمن
 روی علف های دمن
 مستانه بال و پر زید
 بر روی من بر پر زید
 گفتم بگیرم بالکت
 آن بالک خال خالکت
 از دست من گشتی رها
 رفتی سوي تخت هوا

رازن روپین

قتیل خور یانی
کابل ۲۰ مه ۱۳۶۲

شبه

شب التیام زخم تن تاب دار خویش
 در شام تار طرز صدایش نخواند است
 اما
 زلفان تار دختر شب
 روی ماه را
 در چنبر طلسم سیاه کشید است
 اری !
 شاید که زنده کسی
 يك انتظار دخت شب خوابدید ما ست

حمید مهرورز

برادر خدا

دست بر از نیاز من و بارگاه تو
 آه ای خدای من!
 چون شاخه های خشک درختان
 در آستان درگه * تو با کمال عجز
 از فرط یک نیاز
 سر بر کشیده از تو طلبگار حاجت است
 دستم تعی مدار
 آه ای خدای من!
 و این قلب من که جایگه ذات پاک توست
 و اینسان غمین مدار
 هرگز رواندار خدایا که قلب من
 در این زمان که اوج جوانی زنده گی است
 از غم بمیرد و شود خالی و تنه
 هرگز رواندار خدایا که چشم من
 در شمری فروغ جدایی شورسپاه
 مرضیه عدیل

شهباز

هر شب که آسمان خیالم درین دینار
 با چلچراغ روی تو چون روز می شود
 هر شب که دست باد از آن سوی کوهها
 بوی تراب کلبه ای من می بیاگسد
 من، لوح خاطرم:
 با قاف قامت تو،
 دل انگیزی کنم
 با یاد پادشاه تو،
 شهبازی کنم
 محبتی "سوزن"

لیون

د عشق زخوره شول لبه لیون سی
 تو رو تباروی شول د یوه لیونی
 میگی ی خود د ن هدا و یکی ناخسی
 بگی د یوه نه دی هغه لیونی
 د اچی بی د ریغه بری قدم زدی آشنا
 کلی گی نه شته دی بیوجه لیونی
 د عشق په توری به د ا روه بحر وی
 کله کوی جاته سجده لیونی
 زهیز به کوریه لبی پلی وی لا
 ترخوچی پاتی وی د ا (دوه) لیونی

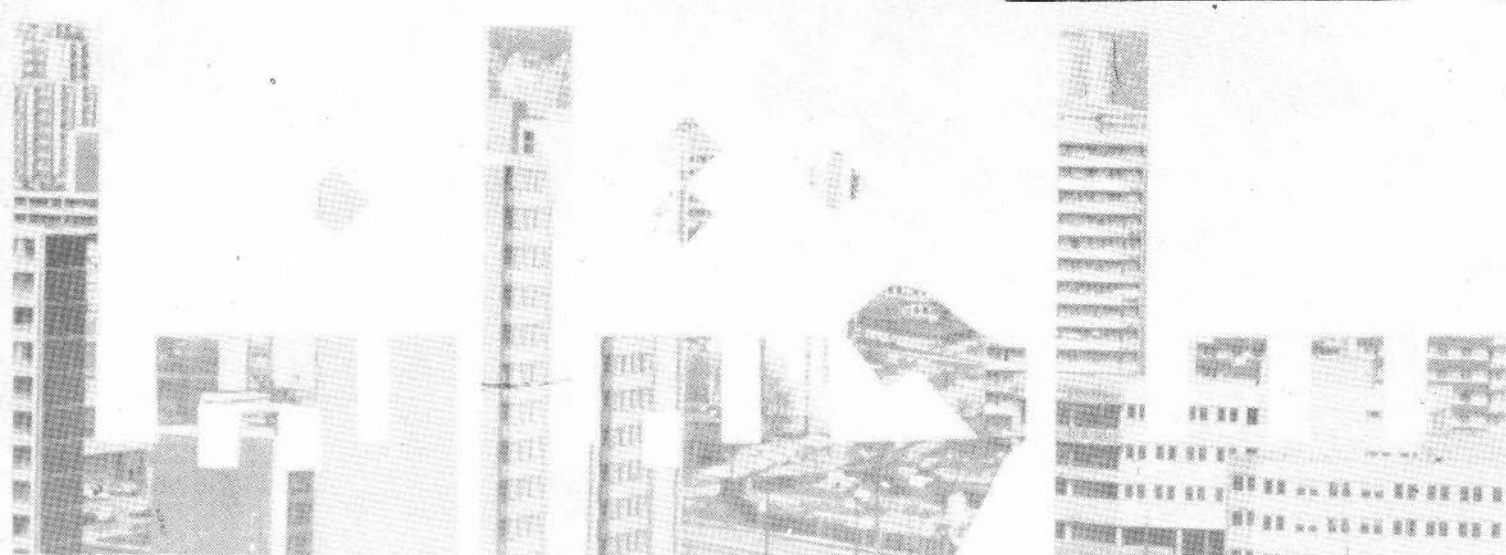
السمعیل

شبنم پاک سحر

واضح باز میانند
 نشان شیخ اندامت
 به دیوار دل پادم
 که می آیی به سوری من
 به دیت ابروی صفا
 و یاد ستان البرزانی
 خدایا، نه، چرا سر زان
 که شیخ است این که میگرد
 نه دستان سید مریم تو
 تو در شمع سکوت و خلوت خواب سحر گاهم
 مثال شبنم پاک سحر گاهم
 در آغوش نرگس
 که جوان د ستاهای کودک شیخ چمنزاران
 به رویت باز میگرد
 ارسالی: محمد اسماعیل برهان اندالی

بهار و یار

یک عصر تو بهار
 من باشم و نگار
 درختان شکوفه یار
 بازان ریزه ریزه وهم مست و بیقرار
 من با ادب بوسه بچشم زلف او
 او از رواج ناز شود سرخ و شرمسار
 وانگه بجام چشم اوستای من بنیاد
 یک عصر تو بهار
 من باشم و نگار
 (لومان) تویی خنار
 ارسالی: محمد طیب (لومان)



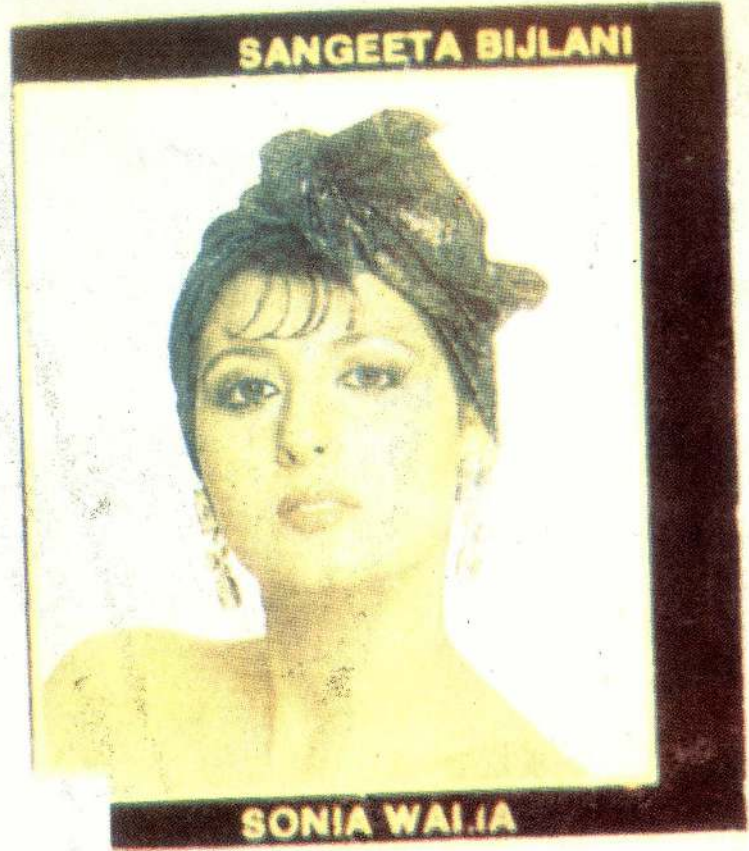
سربه آسمان میزنند

ساختمان ها و مزارع سه سه
فلك كشيده در جهان آنقدر نهاد
نمست • مزارع آسمان خراش از -
همان آغاز مورد تعجب و حیرت مدتی
زیادی مردم میشد ، این نوع معماری
نشاندهنده اوج ترقی تختک
دین هیا آن مرحله تاریخ است •
در آغاز چنین مزارع یک چیز
کاملاً لوکس حساب میرفت و ملتی که
آنها بنا نهاد ، نبود به آن افتخار میکرد
ولی امروز مزارع آسمان خراش نظر
به ضرورت اعمار میشود ، کمبود مسکن
، کوشش برای داشتن مراکز بزرگ -
خدماتی و ادارات دولتی از عوامل
اعمار چنین مزارع سه فلك كشيده
میشود •
حساب آسمان خراش ها هرچ
های بلند در جهان به هزارها
میرسد ولی فقط نام بعضی از آنها
زمانی دهن به دهن میگفت و آنها
را بنامهای بزرگترین ، بلندترین
••••• تهن می نامیدند • از ساختن
های بلند ترین اول یکی هم بلند
تین اهرام مصر است که بنام کوفی
(Cheops) یاد میشود • این
ساختمان سنگی ۱۶۶۱ متر بلند
بوده و از سال ۲۶۰۰ قبل از میلاد

تا امروز با برج ایفل پیوسته است حتی
انسان امروزی از دیدن این هرم -
دست تحریر به دندان میبرد •
انکشاف واقعی ساختمانهای
بلند از زمان گوتمک آغاز میشود •
دین زمان در تمام جهان کلیساها
و اماکن مقدس که باید بگفته نشود
در عرض و طول ، بلکه در ارتفاع نیز
رقابت مینمودند ، اعمار شدند •
کفایت میکند که کلیسای پتر مقدس
را در شهر رم که ارتفاع مناره آن به
۱۳۳ متر میرسد مثال آورد ، هم
چنان باید از قصر گوتمک در شهر
کولن آلمان یاد دهانی کرد که
۵۷ متر ارتفاع دارد •
بها دگاره های تاریخی همگون در
زمانهای بعدی رومانتیزم و کلاسیسم
نیز در پیوستیم ، ولی همان آمدن برج
ها ، آنتن ها و آسمان خراش های -
مصری با استفاده از تکنالژی جدید
بستگی مستقیم دارد •
اولین برج فولادی با ارتفاع
۳۰۰ متر که مدت نهادی در جهان
بگانه برج از نوع خود بود ، برج مشهور
در شهر پاریس است که همه ما آنرا

نبر نام برج ایفل پاریس می شناسیم •
این برج طی مغل مجالی بمناسبت
تعیینگاه بین المللی در سال
۱۸۸۹ افتتاح شد بنام مهندس و
طراح آن گوستاف ایفل منفی شد •
این برج به جز جدا ناپذیر پاریس -
تبدیل شد و در اکثر نقاط جهان -
مادل های این برج گایی و اعمار
شده است •
بکار در برج ایفل مدت نهادی -
شکستنده شده ، بالآخره در سال
۱۹۳۰ زمانیکه در شهر نیویارک آسما
خراش کولمبیا بلدیگ (CHURCH
BUILDING) ک ۳۰۶
متر ارتفاع دارد ساخته شد ، بکار در
برج ایفل نیز شکست • بعد از مدت
نهادی مقام اول را در داشتن ساختن
های بلند منزل نیویارک کایی کرد •
مزارع امپایر سٹییت بلدیگ
(EMPIRE STATE
BUILDING) این مقام را برای -
نیویارک گزینی کرد ، این ساختمان
بدون آنتن که بالای آن نصب است

۳۸۱ متر ارتفاع دارد •
آنقدر زمان دیری نمی گذرد که -
ارتفاع فوق راسختمان دویچ مرکز
جهانی تجارتی (WORLD TRADE
CENTER) ک ۴۱۲ متر -
ارتفاع دارد ، نیز گرفت • ارتفاع -
۴۱۲ هنوز هم نتوانست به بلند -
تین ساختمان جهان که در شهر
شیکاگو واقع است برسد • ساختمانی
که در شیکاگو واقع است دارای -
۱۱۰ طبقه (منزل) بوده و ۴۴۲
متر ارتفاع دارد • این ساختمان بنام
SEGRS TOWER یاد میشود •
در طولی ساختمانهای بلند
منزل ، آنتن های پخش امواج رادیو
و تلویزیون به ارتفاعات بلند تر اعمار
شدند •
در سال ۱۹۶۴ ارتفاع ریکوردی
را برج تلویزیون شهر توکیو که ۳۳۲
متر داشت به دست آورد • این برج
بقیه در صفحه (۷۴)



SONIA WALIA



از دنیای مود

توسعه و عالی



حرف‌هایی از دومودل معروف

تازمانی که فلم

((خون بھری مانگ)) به معرض

نمایش قرار گرفته بود اندیشه ((سونوالیا)) به شابه طلوع و غروب آفتاب آکنده از سایه ها و روشنی هابود ، گا هن تھین امیدوزمانی توام بادلھرہ جاس ۔ برای آتھ قہل ازاین فلم ، درنلم های ((تیرئ - شھرین)) و ((آگوشن)) نیزظاھر شدولی شمئ ازککار خود نگرفته بود ۔

وقتی اورادرد ((پانسوتی)) که زنده گی میکنسد

ملاقات کردم در برابرپوشی گت :

((بدون تردید فلم ((خون بھری مانگ)) برای - ثبوت اھلیت هنری من ، وجہ تعیین کننده یسی داشت)) ۔

ایمعدانھک وقتھ کوتاه ، به دنبالہ حرف ہایش افزود :

((خوشحال استم ازاینکه ((راکش روشن)) درنلم خود برایم فرصت کار داد ہا این زمینہ سازی، شناختی

بین ماپدید آمدوموقع یافتم تا مردم برای ہنرواستعدادم

تھمتی قایل شوند وازنمایش فلم به اینسوہ روزی رابہ یاد ندارم کہ زنگ تیلفون به صدا نہاید وازکارکرد -

موقعیت آمیز من حرفهای نرتند برایم تھیک نگیسد ۔

عدہ میں راعتھدہ براین است کہ ((راکش روشن)) کارگردان فلم ((خون بھری مانگ)) ازمن به شیوہ نا-

جایزی استفادہ کردہ وکارحوش شنا با لباس های ((سکس)) مرابہ انظارجلوہ دادہ است ولی اقتصاد

من این است کہ اگر درکارحوض شناہ لباس شنا رابہ تن داشتہ ام کہ به مقتضای صحنہ فلم است این چه گناہ کبیرہ است کہ ازان حرف نامی بافتد ؟

آیا توجھ یک بہتندہ این است کہ درکارحوض شناہ دخترئ با لباس سوراپا مستور جا-ر شود ؟ ایادرمحل-

شناہ پوشیدن لباس شناہ امرکاملآ طبیعی ہست ؟

اگر کارگردان مراد درکارحوض شناہ با لباس های

کہ ((سونم)) درنلم ((وچی)) ظاھر شدہ است و ارد ہکرت بدون تردید این حرکت کارگردان از لحاظ هنری جغای بزرگی بود کہ برمن تحمیل میشد ۔

درنلم ((آگوشن)) نقش نیک خنومند به نام رسیدہ میں رامتھدہ ہونم ، نقش نہایت پرازنوامش وایدامات بود ولی کارگردان ، مرانشیوہ کار را آموخت و مرآ خوب یاری رسانید ۔

درنلم ((تیرئ شھرین)) نقش کوچک داشتہ یک فلم هنری بود ودر تلویزیون ہم به نمایش گذاشتہ شد ۔

((سونوالیا)) درنلم های نهادی ، درنقش های مختلف ظاھر میشود ، درنلم های ((جین داتا))

و ((مھاسنگرام)) یا ((ادیتہ پنجولی)) ودرنلم

((نمئری آدمی)) با ((متھن چکروتی)) درنلم

((ستروسنسر ۴۲۰)) با ((راج بھر)) ہمبازی مہاشد ۔

منافہ براین ، یک عدہ ازفلسازان جنوب ہندوستان نیز رغایت او رابرای بازی درنلم های جنوب حاصل کردہ اند کہ وی صممانہ ومعدہ ۔

ھمکاری به آنها دادہ است ۔

دراین بارہ اوصوف هایی دارد یہ این تحصیل : ((من عجلہ میں ندارم کہ دھل ان بہ اچ شھر

برسم ، برای تسخیر وتعاھجہ این مقام تامل وشکوبایی

فراوان دارم ، برای تعدد قرارداد بازی درنلم های

ہم دلچسپی فراوان ندارم ، ازاینکہ ہمہای من

کہست ، بسیار نمی اندیشم ۔

برایم بسیار ہیں تفاوت است کہ درنقش مقابل من کی قرارداد ، مثلیکہ قہلا گتہم درنلم ((تیرئ شھر

میں)) در برابر ((مارک نیئر)) ودرنلم ((آگوشن)) مقابل

((اکھرخان)) ودرنلم ((مھا دیو)) با ((ونودکنندہ))

سازو بہ بازی شدم ۔

من بہ دراست وجرا ت این موضوع را تھید

میکم کہ بہ خنومندان نام نهاد ولی نامدار درگز تکیہ

نمی نمایم ۔

حالی کہ ((سونوالیا)) دروازہ کاروبار مود را -

بستہ ودرنمایش لباس های - نمیکرد ، خودش می

نہد :

((موقعیت کتونی حکم میکند کہ بعدازین ، سینما

وھنرمنا می مرکز تمام توجھاتم باشد نہرا نقش راکہ

درنلم ((آگوشن)) ایذا نمودہ ہونم رھ معرفتہ قناعت

بخش نبود وچا کہ فلسازان معروف بہ من چشم

امید دوختہ اند لایم است من ہم تلاش های فراوانی

ازخود نشان دھم)) ۔

درخجس دنیای مود ونیشن ((سونوالیا)) عکس-

العمل خودداینگونه تھازم مھدہد :

((اگر ہیشنہادی درمورد نمایش لباس برایم ہوسد

ردنی کم مشرولہ براینکہ طبع ونحوہ نمایش قابسل

تاجهان سینما

سونووالیا و سنگیتا بجلانی چه میگویند؟

توجه باشد تصمیم گرفتیم بهر نوع پیشنهاد سونووالیا
حم نیک و لوکه از ایشاد بولی ، قابل توجه میباشد))
«سونووالیا» از آنانی که در عین اوج حرف هائی
نایاب من گویند ، در یو خون داشته میکند :

((نمیدانم چو آمده بی به عزتنامه و دیگرگون من
اعتزاز میکنند ، تردید ندارند که در لسان انگلیس
مهارت کم تغییر دارم ولی نباید انکار کرد که از انسان
صحنه اردو دهند هم بهره و غیر کالی دارم ، روی
این اصل توانم نیکم به انتقاد انانی که عقیده -
ندارند ، اردو را به شیوه آمخته با انگلیسی اداسی
کم یادگیرین بنامد آهنگ دارم .

اعتزاز میکنم که حضرت ارجهان مود به دنبال
سینما خالی از اشکال نیست ولی این ادعا درست
نیست که میکنند مود را لباس هاتراندند و هنر
ندارند)) .

((سونووالیا)) که از کار روزنامه نگاری حاصل
قام ((دخترهنگ)) پیوسته به ترقیات قابل آمده
میکند : ((والدینم در هر قدم مشور کارهایم بودند
به استثنای شمول در کارهای هنر سینمایی ، تا آنکه
سوانحار آنها را تمنع دادم و رعایت شان را در این
مورد حاصل کردم)) .

برای اینکه ، دین فرصتیکه من راه خود را در
سینما شخیر میکنم ، آرزو ندارم در محدودده ، نقش های
منفی گیر شوم زیرا به صراحت میگویم که نقش هائی

منفی مورد علاقه من نیست

در این اواخر رزمه بی از عشق و داستان عشق او
با ((وتودکنه)) بجز هاسرید ، در حالیکه از این
رزمه ها کاسته شده است و او به راحتی نفس تازه
میکند ، در این باره تصریحی ندارند این شرح :

((من با ((وتودجی)) در ظلم ((معاذی)) در -
مسئله ((اوق)) صرف بازی بودم ، چون ((وتودجی))
مرد مسیح الصدر بوده و در بسیاری از موارد اندیشه بی
یک سان داشتیم اینه خاطر اینکه با دیگر تازه کار
بودم ، به حیثیت هنرمند تجربه کار را سوخته ،
شماره خود را در اختیار من میگذاشت و برای بازی میرسانید
که از این سلوک انسانی او خبر نگاران بدون در نظر داشت
حقیقت موضوع ، دست به شایعه پراکنی زده سانه
را به شوه داستانهای تحلیلی انعکاس دادند .

این رهداد در حالیکه روی احساس ما ، تأثیر
ناگوار بی جا گذاشت ، هر دو تصمیم گرفتیم به اشکال
همکاری دوستانه بی شایه خود خاتمه بدهیم .
نوا مقاومت در برابر شایعات غلط و اتهامات بی اساس
که با شایخ بیگ های فراوان سمت دهن میشود حوصله
و شکیبایی خازر الماده می خواهد)) .

سونو والیا میگوید : ((من به خود باور دارم که در سال
های آینده ، به عنوان یک ستاره شناخته شده و
موفق عرض وجود کنم با این تلقی ضمن بران دارم نقش
های را بازی نمایم که دارای نرم احساس باشد تا
هفت احساس نقش را به صورت متوازن انعکاس داد .
بخوانم .

من عقیده دارم که با تمویل هر نقش بیت هنرینه
میتواند پول قابل توجه ذخیره کند ولی برای هنر
خدمتی را انجام داده نمیتواند از این دست که با هر
نوع نقش دلچسپی ندارد و اگر چنین میگردم امروز
در مقام یک مجری می بودم و در یک ((پانسیون)) زندگی
نمی کردم)) .

و اما در مورد ((سنگیتا بجلانی))

شهر هر مود را لباس در جهان سینما ، موفقیت

قیه در صفحه (۷۸)



برفراز تياتر ويا سينما

— سينما يك شاخه با اهميت فرديست —
 هنگ بشمار ميرود ، دست بازي دن
 بدان جرات ميخواهد وايشان
 جلايش جنين بيكره زيبا و انساني
 منحصر به ذكور نيست بكون طبق
 حكم زمان ، اناك جامعه ما
 ميتواند در رشد ويشتد اين
 بد يده والا از اهميت با ارزشي
 برخوردار باشند .
 — اگر همانند همه زنان كه
 به سلام اين بيگنره رجوع كردند
 وبعد بلاد رنگ و داع كردند چي ؟
 — شما ميديد كه جامعه ما يك
 جامعه عقب مانده و رويه انكشاف
 است و از جاني بد يده سينماي
 ما تا هنوز نتوانسته هويت ملي
 خود را كسب نمايد و استند عد ماي
 كه بنا بر تخيلات واهي گرا يانه ويا
 ممكن اشكالات ناشي از تعصب و
 رباي باي خود را از عرصه تعاليت
 باز ميديارند . ولي من بسد ان
 مي انديشم كه نبايد عقب گرا بود
 و سوي سايه رفت ، سايه بيگنه
 سيرش به تاريكي و لغزند ه گسي
 مي انجامد . چرا ، خرد مندانه
 به سوي خورشيد گام ، بگام پيش
 نرفت و از خورشيد بيگنه اشعه
 پر فروزش همگاني است ، سود

به جست
 — خورشيد جان عقيد ه شما در
 رابطه به داشتن يك سينماي
 خوب چيست ؟
 — بعد از لحظه بي درنگ افزود
 بايد براي يافتن سينماي خوب
 اولترازمه در جستجوي فرهنگ
 مليتها بود . در يك فلم نيز بايد
 انديشه بران داشت —
 محتوي از يك تفكر اصيل و فردي
 هنگ جامعه كدران زند هني مي
 نمايم ، ما به داشته باشد .
 — ستم شما در بهتر شدن سينماي
 افغاني از چه قرار است ؟
 — من بعنوان يك فرد درين عرصه
 نميخواهم بصورت ديگري تفكر کنم
 فقط تلاش ورزيده ام بانها ايست
 صميميت و بي الايشي به اجرا گير
 فتن كر كرسپرد ه شده ، روايت —
 نظم وديسيلين — داشتن اخلاق
 خجسته و احترام متقابل ستم خود
 زاتاهمين اكون با صداقت تمام ادا
 نمايم .
 — ميخواهم بدانم كار كرد هاتي
 سينماي شما از كم فلم و
 چگونه آغاز شد ؟
 — من با پيشينه كار را دي
 ام با علاقتندي كه در
 بقيه در صفحه (11)

خورشيد



این بار در رابطه به ویژگی
 های هنر و شناخت بهتر هنر
 مندان سینمای افغانی، با ی
 صحبت هنرمند مجرب و مستعدی
 که پیشینه کارکرد هایش از مواج
 راد یو آغاز و در زمره نخستین
 اکتریس های (هنرپیشه گان) تیاتر
 سینما — تلویزیون با درخشش
 چشمگیر جا گرفت و در آثار راد یویی
 تیاتر، سینماي و تلویزیونی موفق
 از آزمون بد ر آمد و تلاش بیگير
 و علاقه وافر از زمره موفق ترین
 چهره های سینمای افغانی در
 سطح کشور شناخته شد ه می
 نشینم .
 این چهره پرد رخشن محترمه
 خورشيد است كه دعوت ما را با
 علاقتدي و محبت پذيرت ايك
 توجه عزيز خواننده گان گرانقدر
 را به گفت و شنود اين هنرمند
 معطوف ميديارم .
 — ميخواهم نخستين سوالها
 چنين طرح کنم :
 — در نظر شما موجو
 ديست اناك در بيگنه
 سينماي نو پيا خواسته
 ما ، از چه اهميتي
 برخوردار خواهد بود ؟

همینکه اثری از خود به جا میگذارم برایم افتخار است
 استعدادها باید به موقع کشف گردند

اسرار خوردنی ها

بادرنگ از جمله سبزی های بسیار معمول بوده که نوع آن خیلی نهاد رایج است. بادرنگ تا به سر سردکننده و طراوت بخشی داشته و تقریباً حاوی تمام عناصر است که برای بقای سلامت و زیبایی ضرورت است.

بادرنگ به انواع گوناگون با تفاوت شکل، اندازه و رنگ وجود دارد. رنگ آن از سبز کم رنگ تا سبز تیره است. بهترین نوع آن بادرنگی است که تازه و سخت بوده و شکل منظم و رنگ سبزه تیره داشته باشد. پوست بادرنگ نعلبختی می باشد. نهراتصام نکبات و متصامین هاداران موجود است. از این رو بادرنگ را نباید پوست کرد.

در علم گیاه شناسی آنرا بنام کوکویز ساتهواز می نامند. بادرنگ را صوری ها، یونانی ها و روسی های

قدیم می شناختند و در قرن ششم قبل المیلاد در چین پیدا شد. اکنون این سبزی عهد در سراسر جهان کاشته میشود و از آن استفاده میکنند.

ارزش های :

از نگاه تغذیه، بادرنگ حاوی نسبتاً مقدار نهاد منرال هاست. تحمیل این صوره سبزی مانند نشان میدهد که در صد گرام آن (۱۶۳) فیصد رطوبت، (۴) فیصد پروتئین، (۰) فیصد فایبر، (۰) فیصد کربوهیدرات موجود است. مقدار منرال ها و متصامین های آن حاوی (۱۰) ملی گرام فیصد، فاسفور (۲۰) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۳) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۲) ملی گرام فیصد متصامین سی (۰.۲) ملی گرام فیصد می باشد. ارزش آن از نگاه

کالوری (۱۳) است. علاوه بادرنگ منبع با ارزش پتاسیم، سدیم، منگنز، سلنیوم، منگنیکان، کلرین و آهن است.

خواص طبی :

بادرنگ حاوی مقدار (۶۴.۰۵) فیصد منرال های القلی ساز و (۳۵.۹۵) فیصد منرال های اسید ساز می باشد. از اینجاستون خاصیت معالجه و درمانی این صوره رادرنک کرد. بادرنگ در حفظ القلیت خون خفید است. علاوه بادرنگ از بهترین مواد ادراور آور طبیعی بوده که دفع وجهان ادراور را بهبود می بخشد.

نکته :

بادرنگ دارای مستقل ضد قضاویت است. کمانکه به قضاویت دچار اند می توانند با خوردن روسی دودد بادرنگ از فوائدان مستفید شوند.

اختلالات معده سی :

صا ره بادرنگ در معالجه هلیپر اسیدیته و زخمهای معده و

باد رنگ

مترجم انجنیر حلیم

سبزی مفید برای صحت و زیبایی

انتفاخ خفلی می باشد. در چین مواردی هر دو صفت به هم دیده اند. تا (۶) اونس آن تجویز میشود. از اینک بادرنگ حاوی (۱۶) فیصد آب بوده مقدار صا ره آن بیشتر است. بادرنگ سبزی مفید را خفلی زود بر طرف میکند.

بیماری های رایج :

صا ره بادرنگ در معالجه هلیپر اسیدیته و زخمهای معده و

هنگامیکه با شهردلمه مخلوط شود بوی شکستادن و جل ساختن سنگ در مجاری ادراور و تقلیل اسید ادراور می باشد.

باید که با آب تازه تازگیل مخلوط شده به مقدار یک یاد او ص هیک ساعت بعد دوی خفلی خفلی بوی روسی ششکی در هنگام حله کولسرا مسوب میگردد. این صا ره مخلوط توانی مایع الکترولیت را که در اسه بیماری کولرا مشتمل گردیده، حفظ میکند.

جوش ها و داده های روسی جلد :

صا ره بادرنگ در بر طرف ساختن جوش ها و داده های روسی پوست مؤثر ثابت شده است. به منظور اخذ نتیجه بهتر صا ره های زودک و کاهو را با پوست صا ره بادرنگ ملاه کرد. اضافه کردن مقدار کم صا ره شهردلمه بعضی موارد قدرت درمانی این ترکیب را بیشتر می سازد.

بادرنگ بخانه ماده حفظ زیبایی

ماسک بادرنگ رنده شده روسی صورت، چشمها و گردن بوی (۱۵) تا (۲۰) دقیقه قوی خفلی بوی صورت صورت است. بخاطر استفاده اعطی آن با پوست تازه تازگیل ماسک بوی جلد با قیمت دراز می کشد. استفاده منظم بادرنگ از بهداشت جوش ها و چین و چروک و خشکی صورت جلوگیری می نماید. صورت را با طراوت و شفاف می سازد.

بادرنگ را میتوان با سبزیجات، حبوبات، صوره جات و صلا د مصرف کرد. معمولاً از بادرنگ بعنوان صلا د به شکل ترکیب با زودک، لبلبو، باد نجان روسی، ملی، کاهو و سبزی های دیگر استفاده می نمایند.

اضافه کردن شهردلمه به این صلا د آثار خوردنی لذیذ و آرازش فزاین می سازد. همواره باید آنرا خام مصرف کرد نهرا ارزش درمانی آن در اثر پخت از بین می رود.



پونم ...

بقیه از صفحه (۱۲)

رسیده باشد در غیر آن شکلات نهادی موجه خواهد گردید. به هر صفت تاردوانند مناسب نیست. صداقت و وفاداری جوهر انسان است با چندین مرد در یک زمان دوست بودن مقلان نیست. به نظر شما دوستی های افراطی ممکن است؟

ج - چرا نه، دوستی یک زن با یک مرد میتواند ابعاد گسترده تری از سکس داشته باشد. من در فضا شغله رهنوردی می نمایم. مردن گیر می آید، چه می کند؟ ج - واصل، دیوانه خواه شد مخصوصاً اگر از آن مرد خوشم نیاید در چنان حالت خود را به آب پوت همک تا از آنجا فرار نماید و لو بداند شاره ها زنده بلعم می کنند. من شما در نگاه انسان خفلی معصوم و پاک جلوه می کنید، آیا

دنوروزیه ...

د (۱۹) مخ پاتی

نوبه سی. ارد نوروز سندی و ایسی داجی: خوانده بیاد بصرلی کس له وجه پاکد لونگوبوی راختینه د بصرلی به و رخواش چنی تورتکری د رته کیزدی و غورویه حیوانان هم به دغه و رخ بنگلی او نوبی کالی اغوندی خیل توستک را اخلی. تا کلیومیله خایونوتسه یسی. اتیونه کوی، بنی ولی او. سلنگی وهی چی د نومور ولوبو اتسل ته دکلی د سبب ز پیری له خوابه گوته شوی بگری د پالی به توگه ورکول کیزی به خینوسپورکسی حیوانی بیغلی خیلونامزاد شوپو ملگروته هگی ایشوی، نقل، نیسی او توتسه هغوته ورکوی)) د هزاره سیمه کی برعمومی دود و نوبسیربولی خانگی د دودو ته هم ترسترکوزی به دی باب د هزاره ملیت یوتن و ایسی

د حیوان اتل) دراتگ به انتظار به تال کی کینی د هغه دراتگ لار بخاری اوبه گزار کارخانن رنگوبی خوله بده مرنه چی به تال کی بی خوب روسی او همداسی وید به پاتی کیزی. داهم اسطوره ده چی د بصرلی طلسم بی به جادوی خوب خوبولی کوی د. نوروز حیوان راخی اوتیزیزی به باغونو او راغونوکی او گلزارونو. د بصرلی د گلنوبد ناویونیزی ته خان روسی. خونوروزی بی بی خوارکی چی کله سترکی برانیزی گوری چی ددی له بی بروایسی خنجه بی یارد نوروز نیزی و کسی لویدلی دی. دغه حال نه نس زغملائی. د لیونوتوب خیره پری راخی او بخان له تال خنجه اجوی. که چیری به اوبوکی لویدنه نوهغه کال مسوزاد برکتونو کال ویا و که چیری بی به وجه کی رلویدنه هغه کال بیاد و جگالی او خواری کال وی. د همدغی فولکلوریک کیسی برینستی هیله من بوی سز کال به اوبوکی لویدلی وی خوسز نس کال موز ته برکتونه اوسوگالسی د پالی کری.

خورشید بر فراز ...

بقیه از صفحه (۱۹) زمینه تمثیل داشتیم در سال ۳۰۰ راه موسه آر یا ناقلم راد ریش گرفتیم و سا آشنا سی مترم انجنیر لطیف محترم عباس شیان، محترم نوربالی شفق در فلم های جون: سیاسی و جلالی، غلام عشق، دام سرگ مزوره سبز، مرد هار هوقول اس، گام های استوار، فرجام صبور، سرباز، فرار، گناه، برنده های مهاجر، مسافر و سفر نقش داشتند داشته های تلویزیونی ام میارند از: فلم هنری کفر، نوای قشلاق زن عروس، د لمره لور، شمع زن، د هک، من و شما، شماها و تیا تر تلویزیونی: غم مانی، زهره وید الله، امضا و زیر زن، زمین، مرگ المازوف، آدم هسا، عروس، اشتباه عبرت انگیز چند دیگر ...

واقعا، فعالیت های سینما بی فرهنگ شما ارزشمند است، می شود از افتخارات آن در ایسن باب نام ببرید؟ - همینکه کار می کنم و از خود اشرفی بجامیگدارم، برایم افتخار است ولی در این باب افتخارات از بابت اخذ مدال و جوایزی به خصوص بدست ندادم. ولی در سال ۱۳۶۶-۱۹۸۷ ایسه مسئول سینمای منعقد مسکو، شهر نیازی اتحاد شوروی در فلم سینمای (ا برنده های مهاجر)) بلعده بی از هنرمندان شرکت جست که خاطره آن برایم فراموش ناشدنی است.

مند افزود: - من از همقطارانم صمیمانه توجع میبیم تا صرف نظر از بد در ایسن ها و آوندیشه بخود داشتن ها چی بهتر که در یک وحدت از کا - نیکه دست به دست هم داده، گام بگام در راه رشد و انکشاف هنر هفتم (سینما) قدم می نایند. بخاطریکه میتوان به این نکته باور داشت و هم بدان تاکید کرد، که در کشور ما در همه رده های هنری و درین شمار هنر سینما - استعداد های آفریننده بریاقا - بلیت باوروی و شگوفایی فراوان اند، استعداد هاییکه اگر موقه مناسبی به کشف آیند، بد رستی رهبری و مستند می گردند، در اندک زمان شگوفه میدهند و هنرمند ما بیه آفرینش های قابل بقایه با آثار جهانی نایل می آید. به امید آنکه همه توانایی های خدمت رنده استعداد ها و ظرفیت های هنری بکار افتد.

مرد ها را خواستند

40 مینرنا

آیا فحاشیهای فیزیکی خصوصاً زنده گی زنانه را اصله میزنانه

جهنیکولوژی خاخر نشان میسازد که هرگاه یک زن ورزشکار بیش از دو ماه قاعده نشود در زمینه باید اندیشید و بعضاً تعویق قاعده کی راجحاً یک عادت پذیرفته اند ، ولی در تشخیص ساله ، پرابلمهایسی عرض وجود میکند ، زیرا خانم کریستیانسین بدون اینکه فهمیده شود ، سه ماهه حمل داشت . داکتر معالجه متردد بود که شاید عامل عمده در زمینه خسته کی باشد . متوقف شدن قاعده گی اولین علامه حمل است . ولسی کریستیانسین قبلاً نیز عادت دانت که بعضاً قاعده کی این بس تعویق بیافتد .

مینمانسیکیستهای گونه کوتی در مورد توقف قاعده کی زنان ورزشکار وجود دارد که یکی از آنها کسی شحم وجود است . شحم بدون - هورمون اندروجن را ، که از غده های ادرنال تراوش میکند ، در نتیجه تغییر کیماوی به نام اروماتایزیشن به ایستروجن ، که هورمون جنس مونث است ، تبدیل میکند . این ترکیب جدید ضمیمه ایستروجن میشود که توسط تخمدان به وجود می آید . (چاقی اضافی در جنس مذکر ، علامه زنانه مانند جمع شدن شحم در اطراف پستانها را با خود دارد .)

برای آنکه سطح ایستروجن را به گونه قناعت بخشی در زنان حفظ کرد ، شحم وجود آنها باید حداقل ۲۰ فیصد وزن بدن شان باشد . به صورت نورمال در زنان خانم

بقیه در صفحه (۷۷)

اندروجن بر رشد عضلات تا شیر میگذارد و در نتیجه آن پالای وجود زنان موی بیشتر میرود و عضلاتشان قوی میشود . سابقه های زیبایی اندام ، در حالی که بیشتر سابقه کننده ها از نظر فیزیکی جذاب اند ، این تصور نادرست را از بین برده است . به هر حال بازی با وزنها نوعی از مقاومت رابه عضلات میباشد .

هرگاه این ساله که اجزای تمرینات با وزنها سنگین به بزرگ شدن عضلات می انجامد ، مورد قبول باشد ، استفاده از وزنها ی سبک و تعریف متواتر ، به انفر شدن جسم می انجامد و این میتود است که اگر زنان آن را ترجیح میدهند .

چقدر باید وزن سنگین (یا سبک) باشد ؟ در زمینه کدام قاعده قابل ملاحظه می موجود نیست . ولسی مطالعه ساختمان وجود مردان و زنان بر مبنای گزارشها کی از آن است که به صورت اوسط بزرگترین مقدار وزن در تمرین عضلات سینه برای مردان ۱۶۶ کیلوگرام و برای زنان ۵۰ کیلوگرام میباشد . این گفته چنین معنی میدهد که برداشتن وزن بیشتر از صد پوند آسیبی به زنانه کی نخواهد رسانید .

داده اند . چنین وضع زنان دیگر را متیقن میسازد که بسیاری از آنها ها در مورد حامله گی و خطرات - نریسهای فیزیکی رایی اساس بشمارند ، البته در این نوشته ما خواهیم - کوشید که حقایق را در بین زمینه روشن سازیم .

نیمه دوم قرن بیستم نسبت به سالهای قبل از آن با زنان بیشتر مهربان بوده است . البته این هم نتیجه مبارزه سر سخت زنها برای رسیدن به یک سطح بلند زندگی میباشد . امروز زنانی که دل مرد ها را میبایند و هم از نظر فیزیکی جوان اند ، رویه تزاید است . از ((راکل و لاش)) گرفته تا ((ریکا)) همه بر نرم سازی وجود تاکید میکنند . بعضیها معتقد اند که تمرینات با وزنها ، بعضاً خصوصاً ت زنانه کی زنان را از بین میرد این پندار مرد شدن را از دیاد سطح اندروجن (نوعی هورمون جنس مذکر) تشکیل میدهد . هورمون

کریستیانسین یک زن پرکار است . در سابقه هایی که انجام میدهد ، همیشه مقام دوم و سوم را حاصل میکند . او به نسبت ولادت سپورت ((دوش)) را مدتی متوقف ساخته بود ، ولی بعداً آنها از سر گرفت . اگر چه او میاند که مادر شدن او را از دست قهرمانان بیرون کرده است ، ولی چنین نشد . او در سابقه هایکی بعد دیگری به پیروزی رسید و تا اکنون هفت ریکارد های پنجهزار متر و ده هزار متر را حفظ کرده است . مثالهای دیگری نیز وجود دارد که بیانگر حالت زنانه است که بعد از حامله گی ولادت نیز لقب قهرمانی رابه خود اختصاص

نیمه آدم نیمه حیوان

اسرار جاودان ابوالهول



چهل و پنج قرن قبل زمانیکه فرعون ((خفرن)) دستور داد که اوزار رکاب گیزه به شکل ابوالهول (سفنکس) (نیمه آدم - نیمه حیوان) جاودان سازد، از همان زمان تا حال این ترکیب عجیب هنر فنانان راه خنود مشغول ساخت و به متابعمای بدون جواب و سرگنج کند مای باقی مانده.

مرد جوانیکه بدون کدام انگیزه مهم کسی را به قتل میرساند به شهرتیوانزد یک میشود. پیش از آنکه به شهر برسد در کوه صعب العبور و مرتفع نیکون بسا موجود عجیب و بیرو میشود، شیر بالدار با کله زن، که معای را از جوان میرسد، چیست آن در روی زمین یکی باد و دیگری با سه پا و یکی هم با چهار پا که بنده یک نام یاد میشوند. یگانه موجود است که بر روی زمین، در هوا و آب حرکت میکند، تغییر چهره میدهد. باتمام این یاها وقتیکه حرکت میکند سرش کم است.

موجود عجیب از همه همشهریان تبا، این سوال را می پرسید و بسیاری از ساکنان باید قربانی میشدند - زیرا جواب گفته نمیتوانستند.

ولی مسافر بنام اود پی معمارا حل کرد و در جواب گفت: ((انسانیکه توازن هن خود داری)) در ابتدای زنده می زمانیکه هنوز کودک است و راه رفته نمیتواند به چهار پا راه

میرود. بعد از یاد و باواز طرف شب به اسباب قانون حکمت متصل به پای سیم میشود.

و موجود عجیب و وحشی که شهر نیوارا به خطر مواجه ساخته بود و جواب معایش را بدست آورد - بود و محکم به مرگ میشد از کوه به پایان میافتد.

اود پی مورد نوازش قرار میگردد و سیه یاد شاه یوکاستارا نصیب میشود. بدون آنکه بداند که با مادرش ازدواج میکند و حکمران کند و رمیشود.

یونانیان قدیم هیچ وقت در - پیدا این موجود اسرارآمیز: جنس سره، نیمه زن، نیمه مار ایخید، سنگد و سزه اوتروس و غیره هم عقیده نبودند. همچنان در باره ترکیب زن و شیر عقیده دیگر نیز موجود است: که از طرف رب النوع خیر از حبشه برای محازات شهر تبا فرستاده شده.

موجود عجیب که بر بسیاری از گله های یونان باستان تصویر گردیده بابرند، آن اود پی بگمان اغلب در یونان از طرف بحیره مدیترانه آمد، زیرا ابوالهول تقریباً ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد یعنی ۵۰۰ سال قبل از ابوالهول کار تبا قدمت دارد.

دو حیوان انسان نام بسیار کم با هم شباهت دارند. موجودیکه در کوه نیکون - جاداشت زن است با تنه از شیر، باقیافه زن و داریا -

لها و ابوالهول مصری بالندارد و به اساس نظر ابوالهول شناس، هانیس و میش نما یا گستر یاد شاه به شکل زمین روی با تقدس خدایی میباشد. در این چهره او جانشین رب النوع آفتاب میباشد که سمبول زمینی آن شیر است. فرعون خفرن ۲۶۵۰ سال قبل از میلاد دستور میدهد که قله بی از یک بلاک بزرگ سنگی به شکلی ابوالهول تراش گردد. ابوالهول خطوط چهره فرعون را میگیرد و بنا نوار عنقوی شاه میبندد. در حائیکه بدر خفرن، خیسویس دستور داده بود که سنگها را بر روی داخل اهرام که بنام خود شرمسی است، بقراند. حالا حیوان شاهن مرتبه بزرگ شده بر روی زمین دراز کشیده ۲۱۰ متر درازی و ۲۰ متر ارتفاع، در طول سده ها، رنگ های بیابانی یادگار خفرن را پوشانیده بیود. در آخر قرن نوزدهم بود یک قسمت آن از خاک برآید و از سال ۱۹۲۶ است که ایسن آدم - شیر را به شکل بیمنم که در اول بود - ولی روی ابوالهول زیاد ضرر دیدم زیرا در قرون وسطی توسط یک سلطان با توپ زده شد.

هیچ فرعون دیگر مانند خفرن با این عظمت جاودان ساخته نشده و این مجسمه نیمه آدم نیمه حیوان برسد، های مابعد خود زیاد مورد تقلید قرار گرفت. بعدا

نه شیر در مصر قیافه زن را گرفت. بسیاری از همین نوع مجسمه ها به شکل نگهبانان در پیش روی دروازه های اماکن مقدس گذاشته شدند، که اکثر آنها با کله های از قوچ، نهنگ و باز میباشد.

از این نوع موجودات، غمناک حکمت مند همی در تشریفات نیز از آن استفاده بعمل آمد. در لوکسور راهروی از این نوع موجودات را ساختند که در طرف راه قرار دارند. همچنان در غرناطه از قرن هشتم راهرو از ابوالهول ها (سفنکس) بنا یافته که کله هایشان از قوچ بوده و تا حال پابرجاست.

برای توضیح ایده و شکل ابوالهول هانس ویشین اسناد زیادی را گردآوری نمود، او به هزاره ها انواع اشکال از این نوع مجسمه ها در کتاب خود بنام (ابوالهول) اشاره نموده و تعداد مصر زیاد تراز ۶۰۰ ابوالهول را تثبیت نمود. که زیادتر آن ۲۶ قرن قدمت دارد. صد هاسال بعد در سوپوتا میسا بوجود می آیند و سر از آن در گریست و یونان.

ابوالهول سمبولی از حکمت و نیاید قدیم است که اول از ساکنین شهر تبا و بعد از او پد معمار رسید تا که در آینده خود ش به یک معما تبدیل شد. چطور پیدا شد، چی معنی دارد، ترکیب عجیب کله انسان با تنه حیوان؟

ملک جهانی که بزرگ می‌شود

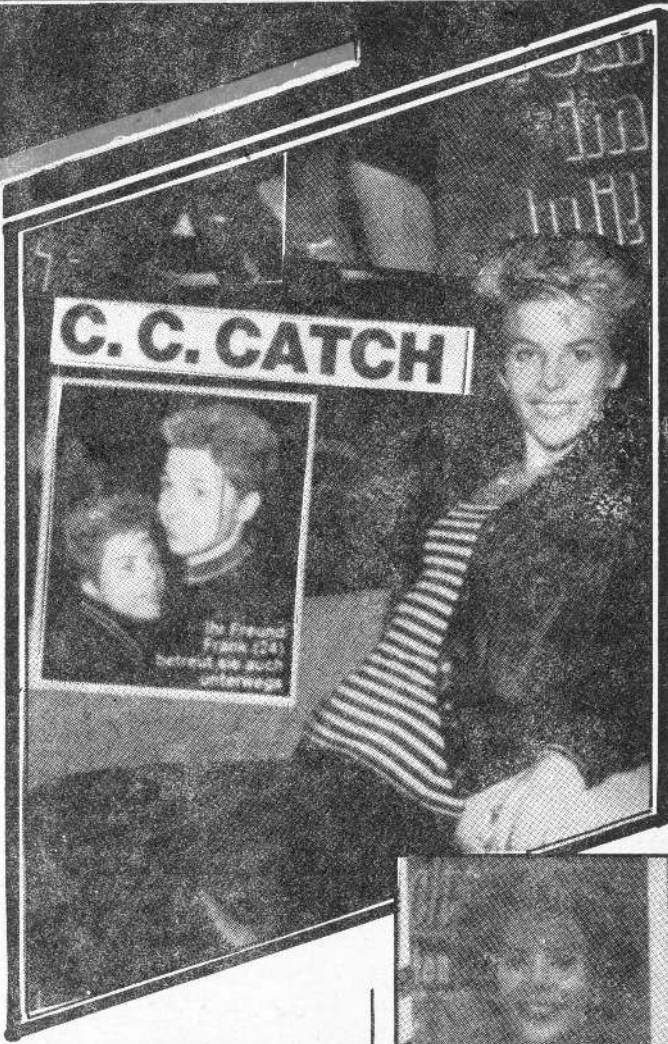
«من می‌دانم قلب خود را قدرتمایم»
آهنگ تازه بی‌ازسی سی تی

می‌کند. کمپوزیتور مورد علاقه اش دیترو بولن از بروک یوسران معروف آلمان غرب می‌باشد، زیاد تر و - همیشه در سفرهای هنری اشتراک مینماید، ریکاد های فوق العاده جالب و زیاد عرصه مینماید که به مجرد رسیدن به بازار فروش میرسد.

قهه به شهرت رسیدن او هم جالب است، سی سی کیچ قبل از اینکه خود را بچیت یگانه خواننده تثبیت نماید، در گروه هنری زنان بنام ((اسی میل)) ترانه می‌خواند، در روز هاییکه خواندن هایش را در رادیو ثبت مینمود، در آنجا همیشه اتفاق می افتاد که از کارهای خلاق دیگر این هنرمند بروک یوسران آلمان دیترو بولن تعجب نماید. تودرن تلاکنگ یکی از بروک یوسران آلمان و تیکه کنسرت آن گروه زنان را از رادیو شنید، سی سی کیچ راه استدیو دعوت نمود، اکنون در تمام جهان از کنسرت‌های او بخاطر غنای آواز زیبا و نرمش که شنونده گانش راه هیجان می آورد ستایش و استقبال گسترده می‌آید. شعرو کمپوزیکه بنام ((بخاطر

اینکه توجوان هستی)) توسط دیترو بولن ترتیب گردید اولین گام موفقیت و سر آغاز شهرت سی سی کیچ بشمار می‌آید. با آنهمه تلاش و فعالیت‌های هنری او بلا نهای در آینده دارد، او همیشه در کلمات این هنرمند آمده است ((در زمان ماستاره های معروف و معروفه های تازه ظهور مینماید که تصور و بینش آن مشکل است))

در این اواخر موسیقی با سیر صعودی روبرو تکامل است که در این راستا خلاقیت و ابتکار سی سی کیچ در شو های تلویزیونی مقام عالی و برجسته را حایز میگردد. تاننا جیان کسرت‌های سی سی کیچ به ده ها هزار نفر میرسد، سی سی کیچ و گروه هنری اسرینام ((کوله فیوز)) نه تنها مورد استقبال علاتمندان قرار دارند بلکه در جهان نیز هواخواه و شهرت زیادی بدست آورده است.



مینمایم.

در یک شب مقبول بچیت هنرمند دیسکو تبارز می‌کنند. خواندن زیبایش با هم می‌توانم قلب خود را قدرتمایم)) مردم را هیجانی و آرام آرام به شور می‌آورد، خواندن های زیبایش از اعماق مردم تبارز نموده بچیت دیسکو زدگن در تمام اروپا شهرت یافتند ریک نمایش تلو - یزیونی که دیسکوی فوق العاده اجرانمود بنام ملکه دیسکوی ای خود شهرت بسزایا کسب نمود. این سی سی کیچ نه تنها در اروپا بلکه در جهان نیز شهرت دارد، نام اصلی وی کسور سولیراست که در سال ۱۹۶۴ در هالند تولد یافته است. در آلمان غرب زنده گی دارد، رنگ دوستداشتنی اش سیاه است و برای لباسهایش رنگهای آبی کمرنگ و زرد را انتخاب



دنیای بزرگ موسیقی همچون بحر خروشان نیست که از امواج پرتلاطم آن انسان این موجود آفرینشگر و مبتکر همه توانمند ی - اش سروده ها و پارچه های رابره میگیرند و آنتی‌نوس های بیکران آنها در نوردیده به سوی شادی های فرج‌بخش و نشاط آنزاده می‌سپارد.

اینکه باد ست یازدیدن به جهان موسیقی - گل خوشه یی را ازین سرزمین هستی آفرین به شناسایی میگیرم و هنرمندی رابه نام من: من کیچ باهمه محبوبیت هایش به شناسمرفسی

لرغونې نوروز او

نوروزي دودونه

د ليمه ليکه



کال له سختيوسره خداي پاماني کوي او نيکمرغيو ته ورژد ي کيزي زموږ په ميواو کي نوموړي - دودونه تراوسه پوري په پوره برتم سره نماخل کيزي او تراوسه لا زموږ خلکونه دي هيرکري له اولسي او اتلسي بيړي راپه دي خوادغه دودونه په لزاو پير تويرسره نماخل کيزي شمير - الدين ظريف صديقي په دي باب وايي ((له کابل کي دغه ميلي لومړي د جبه بياد سياستکي د بابر باغ، د سخ او دنيا لگير داينود لو او زگر د ورخي د ميلو په نامه جوړي شوي او تراوسه پي خپل او پير برتم عهداسي ساتلس دي په عرات کي هم دغه دود په تخت صفر بل مالان خواجه سپاران خواجه صفا ريگ روان په خانکر و ميلواو خوښيو سره نماخل کيزي په مزار شريف کي د گل سرخ ميله جي خلويښت ورخي روانه وي په دغه ورځ ملتهد حضرت علي جنده پورته کيزي جي په گابل کي هم د سخ جنده او د مندي توغ په عهدغه ورځ پورته کيزي

د نوي کال د ميلو په باب غلام محي الدين ملگري جي د خلکود فرهنگ د خانگي مسلکي نمري دي وايي : ((د نوروز په شپو ورځو کي په گند هارکي د شالمار بابا ولي، جهل زيني په گرد يزي کي د (روحاني ما - حب)) په کونړ کي د پير بابا اوسه ننگر هارکي د ولکي بابا ميلس د يادوني ورځي په پښتني سيمو کي نجوني او پيغلي نوي اوښکلسي کالي اتوندي تبيل وهي زيارت ياتي په (٦١)

دغه اوسني تاك ووايموه يي په خپل وار انگور شوه باجاله هغه وروسته د سپرغ د دغه لطف په ورځ هرکال دنيا لگيو کينه لسو دود پيل کړ او داي په گوته کړه چي هرکال بايدغه ورځ د خوښيو او خوشحاليو په جوړولو سره پيل شي .
 د ((سيزه بدر)) له لسو شگومونو څخه يوهم د باران اور پيل دي چي هغه به يي دنیکمرغه قال په توگه ياد اووه په ديار - لسمه ورځ چي دنوروز باي وهم ټول ټول مراسم ترسره کيدل نارينه زويه بهلواني کولي ميلونه به يي وهل زړه وينخوا ويند و په خپل وخت به ندرنو هلنگر نو په تودولو او د خيرات او خيانت په برابرولو باندې تياروه بخوانسې نجوني او پيغلي به په دغو ورځو کي به شيلو کي کزيدي په شيلواو سمور کورونو کي به يي خوښي کولي او د راتوکيد ليوشيلو بايي اوښانگي به يي دنیکمرغه شکم په نيټ غوټه کولي له لگيدلو او بلوښواو وروڼو څخه به يي په خاښوانو زياراد اگانو توپونه جون کله به يي چي وايه سره غوټه کول د هغو غوټه به يي د خپلسي مينې او بلاتي وړ عنوان په نامه اېوله دنوروز په درشل ((سيزه بدر)) کي به د باندې باور و چي ټوک يي دغه دود نماښ او نه يي ميروي هغه د تيارو زار -

لومړي شپي مراسم يي د سندان تيار يي به نيول کيده اووه ټوله ميوه به لند يده اووه شين د سترخوان به وغوړيده چي بيل به اووه سين باندي واوښت پير سيره برهڼو به يي باکي اوسه هم راور يي او د کال د اوښتون په شپه کي به چي اوه وښور يي اوله هغو سره سم به د خوښيو جشن او موسيقي پيل شوه دنه روزبه ورځ به د بزگر ميه هم جوړ يده دغه ورځ د جمشيد ((يما)) پاچا په عصر پوري اړ ونده بولس .
 په دغه باب لرغوني انسانه ده چي وايي : دغه پاچا د ليدني کتنسې ورځ درلوده چي دروازه يي د عامواو خاصو رڼخ برانيسټي وه هوکي برانيسټي وه ځکه چي تر شنه آسمان لاندي په ازاده فضا کي دي ليدني کتنسې صورت نيوي چي دعاسي ميلي بڼه يي نوره کړ يوه د ميلي په خوښواو تودو کي د هما يا سپرغ مارغه له الوتسې راتپت شواو هغه څه چي يي په مښوکه کي وود باچا په قدمونو کسې و اجول او وروڼه يي وغوړول کوم شي چي مارغه راوړي و پوهانو ترخپل نې لاندي ونيول او د نبات دانس يي تشخيص کړي باچا حکم وکړ چي دغه دانس بايد سپين پيري او يوه بزگر په ځمکه کي وکړي د کرلونه ديارلس ورځي وروسته هلته نياگي راتوکيدلي وو چي -

ترکومه خايه چي زموږ د خلکو او زموږ د بلرونو ژوند په باب څرک لکيدلي ((نوروز)) او د هغه اړوند مراسم زموږ په فرهنگ کي د باطرنی وړ لرغونتيا لري ځکه نو دغه مراسم له يوه پښت څخه بل ته اوله بل څخه بل ته ليزد ول شوي او ترموږ پوري رارسيدلي دي د پخوانو اريايانو په زمانو کي به چي کال پاي ته رسيده د کال وروستې چارښه به يي په برتم سره نماخله دغه چارښه د سوري بارښني په نامه سره ياد يده او په هغسې کي به يي ميلي کولي ځکه چي د اد بسترلي د برتم په درشل کي دنوروز د ميلي پيل و په دغه ورځ به يي اورونه چي پات او پيغلي توک و بلول او هغه منگي اوگري يي چي د مني ((مهرگان)) به جشن کي به يي لغلي نه ټکول په دغو ورځو کي به يي ماتول داله ژمي او ارامې سره د خداي پاماني ښه و په استوروسې راغلي دي چي له سوري بارښني څخه ديارلس ورځي وروسته واپه په فارسي ژبه د ((سيزه بدر)) په نامه ياد يزي زرد شتيانود د دود يار لسو زونو پيل د ((اښاد)) او پاي يي د ((پهشتوار)) په نامه ياد اووه اووه دغو ورځو کي به دنوروز ميلي وي له سوري چارښني څخه وروسته به بيا د کال د

شاید خنده گنبد

روزنامه بایین بیاید ، دوم اینکه ممکن است میزان انتشار بایین نیاید ! و در صورت
 ارسال ژولیا (بهارا کبزراده) از بدخشان
 شخص پیراهن را زدید به پسر خود داد که بفروشد ، پسر پیراهن را به بازار برد و از او زدیدند ، دست خالصی مراجعت نمود ، پدرش گفت پیراهن را چقدر فروختی ؟ گفت به همان قیمت که تو خریدی ، بو - دی ارسال محمد ابراهیم هجران

مدیر یکی از روزنامه های معروف ، نویسنده یکی از سر خواننده ترین ستونهای روزنامه خود را خواست و به او گفت : میدانم خسته شده اید ، برای رفع خستگی حاضریم شما را مرخصی به شما بدهیم . نویسنده سرش را خاراند و گفت : از لطف شما متشکرم ، ولی من این مرخصی را قبول نمی کنم به دو دلیل : اول اینکه ممکن است در نتیجه تعطیل شدن ستونی که من می نویسم میزان انتشار



ای یاری وفا ، تو بوکس کو مه دفاع



اخبار سال

خبرنگار اختصاصی ما ، شافل میزاشا خسار که همیشه مصروف جمع آوری اخبار خالص می باشد ، برای این شماره این اخ بار را تهیه دیده است :

* در اثر زرد و خوردی که بیسن احمد خان و برادرش (فرید خان) در اتاق نشیمن شان صورت گرفت ، تمام نشیمن های اتاق شکسته و قسمت اعظم فرش و ظرفی که موجود بود از بین رفت . در این جریان ، احمد خان دست راستش را از دست داد و فرید خان در ناحیه قلبش زخم شدیدی برداشت . بدرفامیل وقتی که حال روز

فرزندانش را دید ، عاجزانه ایشان را به نفاخانه انتقال داد و در نخستین روزنه تمامای تمام معاشین را که بعد از این ماه عرق ریزی به دست آورد ، بوک مصروف نمود ، بلکه پند بین مزار افغانی فرستادار شد .
 خبر می افزایش که برادران زد و خورد میکنند ، بعد از آن که به حال آمدند ، اعتراض کردند که علت مشاعره شانرا نمیدانند .

از تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ می شنویم

انا نسر تلویزیون :
 بیننده گان گرامی ، اخبار را شنیدید ، حالات توجیه تا نرا به تمبره به تعقیب آن به تعاشای راجورتاز معذتوف داشته و در اخیر فلم هنری عنندی به نام (سو ستوری) پیشکش میگردد .
 * * *
 جرنگ ، جرنگ ، جرنگ
 - بفرمایید ، تلویزیون است .
 - اوه نوکیوال ، اول اعلان کردید که فلم (سلطان قلبها) را نمایش میدید ، حالا چرا فلم لوستوری را انانوردادید ؟
 - امر مقامات بود .
 - کدام مقامات .

تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ که تازه در جوات - فجات (۲۲ گام شریک) به فعالیت آغاز نموده ، اخیراً توسط اپریتران فعال خود گفتوگوهایی با البی را ثبت نموده که اینک پیشکش میگردد :

جرنگ ، جرنگ ، جرنگ ۱۰۰
 - بفرمایید ، اداره نشرات تلویزیون است .
 - نشرات تلویزیون است ؟
 - بلی ، بفرمایید .
 - بیشتر اعلان شد که امشب فلم هنری ایرانی به نام ((سلطان قلبها)) نشر میشود .
 - بلی درست است .
 - اما از آنجایی که این فلم را دیشب از طریق وید یوکست در خانه تماشا کردیم ، ام و برای فامیل ما تکراری می باشد ، امرو می کنم ، بو آن فلم هنری

(لو ستوری) را ناسر کنید .
 - ببخشید ، آخران فلم را بنا بر تقاضای مکرر بیننده گان تلویزیون و ضرورت نشرات پیش آماده ساخته ایم ، اما نندار که آنرا ناسر کنیم .
 خاموش با سر مامورت مستخان نکن .
 میدانی ، من یکی از مسؤولین بلندرتبه استم ، من (. . .) استم که امرو کم .
 اوه ببخشید صاحب ، صاحب حتماً تغییرش میدهم ، صاحب ببخشید ، صاحب .



تما با هنر نمیشه



از خود شما

سوال
گفت: يك سوال ميكم، اگر جواب دادی مردی.
گفتم: بگو، تا مردانگی ام ثابت گردد.
گفت: آیا میتوانی برای همیشه خشویت را نزدت نگهداری؟
گفتم: نامردم، جواب نمیدهم.

مادر: انسان با کارهای خوب به بهشت و با کارهای زشت به جهنم میرود.
پسر: انسان چه کار کند تا به سینما برود.

ارسالی هماپرویز از بونهعی
ژورنالیم ویان برویز از ابمه بلخی

((امتحان))

يك سوداگر معروف دریایی از همسرش خواست که تا عشق و علاقه خود را نسبت به او آزمایش عجیبی ثابت کند. مرد به زن گفت: - اگر راست میگویی و حقیقتاً مرا دوست داری برو چشم بسته بر لب بامی ایستاد شو سه مرتبه دور خودت بچرخ بعد به هر طرفی که من میگویم قدم بردار. خانم نه تنها زیر بار این امتحان بزرگ نرفت بلکه آقا را به محکمه کشانید و از وی طلاق گرفت.

((در صنف))

معلم: پنج چیز را نام ببر که صد سال پیش اصلاً وجود خارجی نداشتند؟ شاگرد با کمی مکث: سنجی دست، کارگرد، میناکشی، توپسرا، اندرسن و نواد رامز.

مادر زن یا روزنامه

شخصی به دوستش شکایت کرد که خشمم مثل روزنامه است.
- چگونه زن بد حرف میزند؟
- نه هر روز به خانه ما می آید.

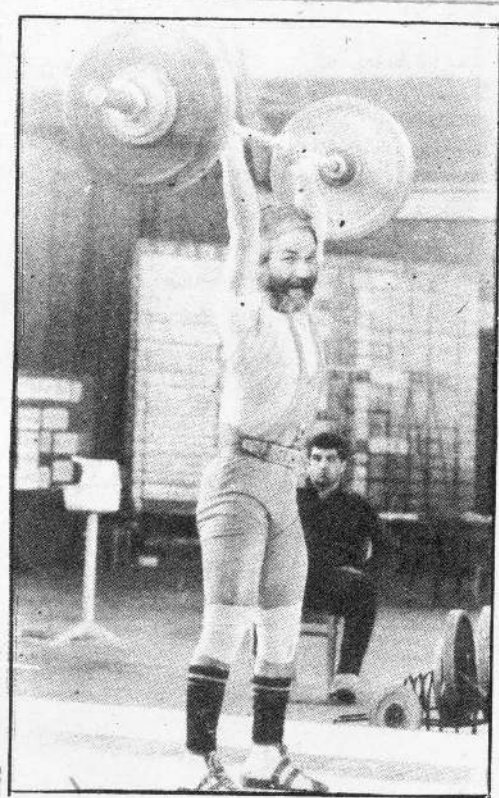
راه حل

رئیس اداره حسابدار است شرکت تجارتي ربه معاون خود نمود و گفت:
- حالا چطور به رئیس عمومي بگويم که تحويلدار پنج مليون فرانك موجودی صندوق را برداشته و فرار کرده؟
معاون: همگام چطور است این ماموریت را به آقای دوران که لکت زبان دارد بگذاریم تا آقا رئیس از جیبان مطلع نشود.

اندرزهای مطابق روز

X بگذار کودکان مکتب را ترک و در مسدود بمانند تا مسؤولین سیل صف منتظران نانوائی قرار گیرند.
X لقب نهرمانی را به دست آرند.
X بگذار تلویزیون شروع گردد و ما را X بگذار انتقادات را مسؤولین پشت خواب ببرند.
X گپ زن که يك جنس به صد نسخ نکنند.
X عرصه گردد تا پارهائی از خواب بیدار X چپ باش تا مسؤولین بخواب روند و شهریان از گرسنه گي بنالند.
X خاموش باش، معازره ناي کوبونی نوشته: جاله

خبرنگار
میرزا شاخسار



معلم صحنه خوب است

همسایه
ببین

د بیوزیک تن از دست پیر...
است کمترین تم به بد از آن که
ن انست د کند از آن د یگر
تا رئیسند با بی انست
همکاری نمایند خود را به خانه
رسانند. خود این نمود.
خبرس از این که خبریان
ک این از این نمود کنی به جانیه
موقع تغییر احب سوسوف
براز خوشی وقت درانی نمود.
از روند انامه این سلسله
در ریاست بد به می باشند.

شخصی نزد دوستش شکوه
میکرد که: میدانی چقدر همسایه
بد دارم دیشب تا ساعت ا شب
بامش به دیوار اتاق میگویند!
دوستش پرسید: آنوقت تو خواب
بودی. آن شخص گفت: نه
خوشبختانه نخواهید بودم زیرا
با اکورد یونم تمرین میکردم.
ارسالی عطیه

مینیاتوره‌های طلایی

اگر اثریست مولف را بد زدی آنرا بد زدی گویند . اگر از چند مولف را بد زدی این دیگر تحقیق است .

به هر اندازه ای که فکت ها کم باشد بهمان اندازه اشکال زیبا می باشد .

چیزیکه امروز حقیقت است فرد انسانی تخریب پیش نیابد .

اگر واقعیت ناخوش آیند و یا غیر منتظره باشد بدان کسی باور ندارند .

بهترین منطق منصفی است که بعداً بوجود آید .

تاریخ برای ما می آموزد که از او چیزی نیاموزیم .

به هر اندازه که بالای اندیشه خود گارمیستی به همان اندازه متیقن میشوی که بیگانه است .

از تمدن گذشته و نواریهای آینده به وجود می آید .

زمانیکه همه چیز گفته شود و عملی گردد زیاد گفته شده .

از اندازه عملی شده .

مادرکلان : عسوی از نامیل که نس تواند از غنود ای بیرون آید .

خشو : مشاور با المقطع در پروم های خانگی .

بیکار : حیوانی که وقت را میخورد عروسی : (عقد) قماریکه مردان در آن آزادی خود را دو میکنند و زنان خوشبختی خود را .

جنگ : دو بیلوماسی بین المللی که مدق خود را از دست میدهند .

دشمنان : مگوری از دستان که نمیتوانیم خود را از آنها دفاع کنیم .

کارتون



طعم است



نیم کاسه های زیر کاسه

مارک تواین روز جمعه را روزی شو میشمرد .
یکی از دوستان روزی برای پیش گفت :
... دست عزیز در جمعه شخصیت های بسیار بد نیامده اند مانند جورج واشنگتن ، تایلین ، شین و کلاستون .
... مارک تواین موافقت کرد : ممکن است ولی فراموش نکنیم شخصیتها مردند .
.....
امیل زولانزد ، اکثری رفت ،
... اکثر پرسید : چه شکایت دارین ؟
... خود را ضعیف احساس میکنم از چند روز است که یک لقمه راهم در دهان نگذاشتم .
... اکثر سر از معاینه برای پیش نسخه نوشت :
... ای تابلیت ها برای ایشته ای تان کت میکند .
... امیل زولانرش را با ناراضی شور داد و گفت :
... اکثر صاحب این تابلیت ها ایراد من کت نمیتواند من اشتها دارم ولی چیزی ندانم که بخورم .

مدیریت باشد کسی دیگر را ندیدند .
محمد سرور خیرنکار که به خاطر تخیله صاحبه نسبت به دیگران رحمت زیادتری را مقبول شده بود به آنشخر گفت :
چند روز پیش مدیر صاحبه برای مامکتور روان کرد که بیاید با ما صاحبه کهد ، ولی حال خودشان تشریف ندارند ، آیا شما حاضرند کجارتی اند ؟
معاون شعبه گلشن را مصاف کرده گفت :
وله راسته بگویم ، من هم نیامم که مدیر صاحبه کجارتی ، مگم دیروز در امری امضا صحه علیا داد کدهه سینما قلم نهند شده ، شاید نمونه رفت باشن .
محمد سرور که گوی خشکیست

بی غم باش لالا

سفر اراخان مدیر تیلیت و ترو صغ فارجه ساخته ای طی مکتوب -
رسمی از خبرنگاران را دیو و تلویزیون دعوت به عمل آورد تا ساعت ۱۰ هتل از ظهر روز دوشنبه به شعبه اش آمده با او جوار امر مربوط مدیر پیش صاحبه نظایند .
روز موجود فرارسید ، مسئولین تلویزیون با هزار جار و جنجال ، موتو ، کمره ، ایت و همکاران شنیکر و فی را آماده ساخته آنجا رفتند .
همون که داخل شعبه شدند به جزارتشخص که پهلوی مدیر شسته و معلوم میشد که باید معاون

شده پوئیسید :
ایا پیر به شعبه خات آمد ؟
معاون جواب داد :
ایره خوب میخام که تی ، به خاطر که مدیر معادلت نداره وقت که بر آمدن پیر بیایسن .
تمام خبرنگاران و همکاران تختهکی در حالی که سخت آورده شده بودند دهناره به ظرف اداره تلویزیون حرکت کردند .
در نیمه راه شهر حسن فلمبردار بیکاره همه را مخاطب قرار داده گفت :
اوسیه ها ، اینها حومه خوب سرگردان کردن ، مام کارز میکنم که تازنده استر یادتان نره ، اوهم ای که برشان میکنم که روزیکنیه آینده آماده باشن ماسی ایم ، باز

متولدین ماه اسد :

خوش شانس شما در اینست که در راه بنامت آوردن مواد بخفته سیلواز خود مقابلهت نشان نمیدید اما ممکن است حین بالاندن به سرسری ملی بس جراحی بردارید که بعد از رفتن نزد دایر این تشویر رفع خواه شد .
متولدین ماه سنبله :

شما دم کم حوصله بی استید به مجرد تماس کردن بایک تینگ یا کراچی روی سرک باد ستغرو - شان برخاطر میباید ولی بایک محتاط باشید که انعام بر - گری کم از شما نیستند احساس استقاد بدی تان را تقویت کنید .
متولدین ماه میزان :

تشویشی که از ناحیه بلند رفتن تکت ملی بر در شما ایجاد گردیده است انقدر جدی نیست در میزان هم نگران ایکی د واقعا تان را صاحب میزند ندیده رستوران اکتر سرزید زیرا مقابل مگر حساسیت دارید .
متولدین ماه عقرب :

همیشه از روند استید تا در هر جا از جمله موتریلی بر موقف خوبی داشته باشید . از همین رو با دید جالبی به لگن موتسری جمله ورمیشوید اما متوجه باشید که جیلک تان را حین رسیدن به هدف کم نکنید .
متولدین ماه قوس :

ادم با اراده استید وقتسی بخواید کاری را انجام دهید بدون توجه به سنگینی آن ، آن

را انجام میدید مثلا شما قادر استید به اس وقت از نانوای نزدین خانه تان ، نان بدست بیاورید اما متوجه باشید که نفع شما درسی واسطه شمس است .
متولدین ماه جدی :

ناراحتیهای که از ناحیه بلند رفتن مواد اولیه طسرف صورت دارد بی فایده است در اینده نه چندان دور شیز - خانه تان را قطنی روغنی رنگین خواهد ساخت براد یوک بشنوسد زیرا مقابل سایل تکراری حساسیت شدید دارید .
متولدین ماه دلو :

فکر مرغ بلورا از خیال تان دور سازید . کتوبه بازار بروید بی نشی ملی بر شمارامتا شر میسازد ولی باید بدانید که این موضوع د پتغادی شده است شما هم مانند مسولین در زمینده معافیت حاصل نمایید .
متولدین ماه حوت :

اگر شما امور دولت استید ، اطفال تان در نانوای صروف اند و شانس کامیابی در مکتب کم دارند ، وظیفه شماست که به معلم آنان واسطه پیدا نمایید که در جمله مشروطان ختم سال ، کامیاب گردند ، حتما بخت اطفال شان بیدار میشود ، تاراحت نباشید اطفال تان را تشویق نمایید که بوظیفه خود در نانوای بگیرانده ادامه دهند . از لیل سعادت



فالی که طنز نویس دیده است

متولدین ماه حوزا :

ارزواییه به خار به دست آوردن کون لیت به مسو میروانید به جزازته و بالادین چندین هفته به تمر نمیرسد به مشکلات زنده تی تان انانسه از این افزوده نمیشود به زودی بوجی اردی به غدومی اندازید .
متولدین ماه سرطان :

شما دم خون خرق استید بوی ونگده گیاه کارسرت در شما اثری نمیکند . ببول صفای راد رواتع معین میگردانید بجز واسطه ها ، واسطه های قوی پیدا خواهند کرد .

متولدین ماه حمل :

امید وارزوه و قیمت کوشت از سر تان به اسمانه ای هفتم پرواز میکند . در هفته که پیشرو دارید روزهای خوشی را در تان تیل سیری مینمایید در باره تخم مرغ کمتر فکر کنید .
متولدین ماه ثور :

همیشه با ما مورین متازه بر - خورد صمیمانه دارید خوبست به خا ر رفتن نان وقت ترا - خواب برخیزید تا اطفال تان کمتر سرنا بنوازند کوشش کنید بی د بار در هفته به دفتر سرزید .

تعمیر باید به صورت نمونه در این شود و تولیدات فابریک هم به قسم نمونه به نمایر گذاشته شود تا از آن چند شات بنهیم ، و در روزی که ماهی آیم ، تمام کارگران و کارمندان مدیریت تان را جمع کنید تا با آنها دم صحبت نماییم و در ضمن برای تان جاشت (۱۲) نفر خبرنگار و پرسونسل تحمکی مسدا تهیه کنید .
 برای سرفرازخان بکجید کارهای را که کفتم حتما باید انجام دهند ماه صورت حتمی آیم .
 معاور گفت : به چشم و حتما برشان هم .
 روز موعود فرارسید اما هیچکس برای صحابه به شعبه سرفراز خان نرفت .

روزی که رسید نصیم . همه در حالی که لهخندن بر لب داشتند قبول کردند .
 همین که به دفتر رسیدند بشیر حسن نظیر در گوش تلفون رایسر داشته به شعبه سرفرازخان تلفون کشیده گفت :
 معلوم صاحب محترم ، از کسه تمیه صحابه از مدیریت شما با تمه مهم اثر ، برای مدیر صاحب سرفراز خان و امیر شعبات شان بگهین (- لبتا یاد داشت کمین) که مارونیک شنبه آینده ، ساعت (۱۱) می آیم ، ماروه برسرفرازخان و آمرهلس باید رهبر موسسه هم دعوت شود ، چند جریده دیواری به تشریفسد ، تاریخچه مفصل فابریک نوشته شده جانر باشد ، بخشهای مختلفه





دوهامه پېژندنه

د راديو-مجلي پسرل
پسې داستان

سرپرست رئيس

نطاق: د راديو جوړېدې پرله
پسې داستان د پروگرام اوږد-
ونکو لوستونکو سلام!
تاسې په تيره گڼه کې ولو -
ستل چې د بېتا توشېنولو د رڼا -
ست ريس د مقاماتو د لزم د پيد -
ياد ناغمې ي له کبله برطرف شو.
بي له دې چې بل ريس وټاکل
شي او ياد رڼا ست د کوم مرستيال
د سرپرستي مکتوب راشي. د ريل
ست د چوکي د نيولوبه خاطر د
اداري اوفسي مرستيال ترمنځ
رقابت او کش وگيرمنځ ته راغی. په
لومړي ورځ له سهاره ترغرمسي
پوري اداري مرستيال به چوکي
پوري نېستی و. خو کله چې د -
پنځو دقيقو له پاره له چوکي پورته
کيزي او د باندې وځي. نو نونسي
مرستيال د رڼا ست په چوکي پښه
پاتې (۱۰) مخ ته



نانوای

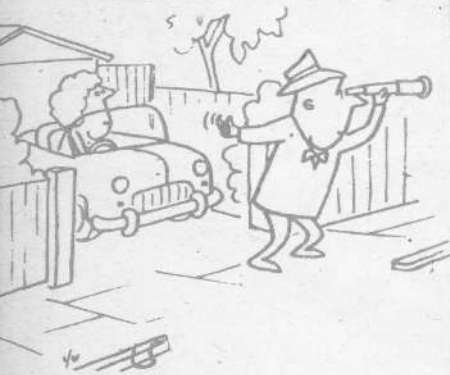
دغه مهم اوحياتي لغت په
معاصرو قاموسونو کې د اډول تو -
ضیح او تشریح شوي دي:
(نان)) د ډوډي او -
(واي)) د واخ مانا لري.
ياني کله چې خوک د پښار په
نانوایانو کې په پنځو ډوډيو پسې
(واخ)) چيځي ورهي او هغه
هم په لاس ورته ورنه شي.
.....
غور خوره. غوري وايه. خو په
غور وڼه تيرونه ا



علمي تخييلونه

هغه خوک چې دغه ليکه لولي غروموسې د نيو نېسي په دوران
کې د نايټروجن دوراني حالت د بېولوژي په کتاب کې ترسترگو
شوي دي، خود لته د نايټروجن پر خاې د يوې بلې ډيرې مهمې
اوحياتي مادې د دوران په باب غږيزو. دغه مهمه اوحياتي
ماده د سر کونوله باسه هغه خاورې او ډوډي دي چې هره ورځ
په زمونږ ښاريان په دوراني ډول دخولي اوزي له لاري سزواو
کولمونه ننه باسي. اودالري ترهغې روانه ده چې خود ښار
په واټونو کې دخټواو ډوډو دغه حال وي.
له دې خبرې سره داخبره بي لا براتواره په ثبوت رسېږي
چې حاده څه ډول له يو حالت څخه به بل حالت بدليزي او خپلي
بقا ته دوام ورکوي.
راغی چې په دې باب په خپله دغه دوراني حالت ته
ورنښوئو:

نردی لیدونتی هیله او د سنځی وریوری



دیو اگانو غونښتلیک

د راپیو، تلویزیون، وریوریا،
مجلو او جریډ و محترم موسولینو!
غوره وړخ وینوا او وړوخی به
تلویزیون او راک یوکی د ماشومانو
او حیواناتو له پاره ځانګړي څېړنوي
څېړنوي او هم به مجلوماتوکس
دغه ډول ګلیښی ترسترګو کړي.
خود یو اګانو څېړنه تراوسه نه
چالیدلی، نه یی اوریدلی او نه
یی هم لوستلی ده. ایا یو اګانو
غوز ونه نه لري، زه ونه نه لري،
اوستری نه لري یی خوب یس
د دې ډول څېړنو هم نه خوږي.
د ایه موسور او بریدلی وی چی:
زاره به خواړه، مرګ یی دی،
سار، خواړه د امانانه لري چی
سړی به مړه کیده، لیتی یا اوکوره
و خوږی، بلکی روحی څېړنه چی
د خولی به ځای د سترګو او غوزونو
له لارې کولموته ننوخی هم اړتیا
ده. هیله کړی چی د دنیس
اړتیا به پام کی نیولوسوه (د بو-
ډاګانو نړی) ایه نوم څېړنه به
څېړو څېړونوکی وړتیا ته کړی.
ستاسی اجزا توتو غوز اوستری
به لاریو.

بریالی اوسی

کاکا سفندرد یو اګانو د تولنسی
سرسرست

وکل شو!

د یو اګانو دغه غونښته به ځای
ده اوله عمدی شیبی وروسته به
د بدجاره هتی هتیاو د یو اګانو
د نړی به نیم یوه توکری به هتس
کی وړتیا ته کړی.

ګندنه

زه مجنون د ګندنی م، ګندنه زما لیلاد ه
به لاسونه راغی ملګرو، کبرجنه بی وفاد ه
اوس بی مینه بازاری ده، له پتی تللی د ګان ته
به مفلس مین شرمیزی، ښکته ما ځنی اجداد ه
د مهران مودی اوز دی شوی، د وصال به طمعه طمعه
زه د یواښت به هیله، تیرم میاشتی ګندنه
داله ځمکی نه عواته، پورته شوی به هوا ده
لاهم وړخ به وړخ جکیزی، یو ځیران رانیتنه شوه
د نړخونو به سیالی کی، ګله ګله له (پامپا) ده
به مړه کیده، عینکله، ماونه خوږه به مینه
د اچی ورکه ده له مانه، نوله ما ورکه د تیا ده
که یی نړخ راکښته نه شی، د خوراک عیله یی به کړه
ای مفلسه حیبت ته کوره، ګله خوراک ګی اشتهیا
بخوانی مینی اوسنه شته، زه د دې عیله یاری کړه
اول نړخ کوره بازاری، ګندنه یی مینی ته سودا ده
غسی نه چی لیونی شی، به کونو به بازارونو
خه به لاسونه درنه شی، د ابله تما شان ه
نورته افریاد ونه کړی، زه مړه کیده، صبر ګندنه
ای مفلس ګندنه خوږه، د ازما درته وینا ده



میزز له میزسره خه خپلوی لری؟

میزخوتول بیژنی چی د دفتر
به کوچ کی به څلور پینو ارام
ولار وی او په رسمی وخت کسی
میززایان ورباندی خپل سرز دی
اویده کیزی.
راعی وګورچی میززاده ته
وایس: میززاده دوه برخو
(میر-زا) خخه جوړ شوی دی
چی دوه لاسونه، دوه پینس،
دوه سترگی او دوه غوزونه لري.
اوس که (میز)، (میر) او
(زا) د وار ه سره یوځای کړو
نوبه به سترګو ویلای شو چی:
میززاهغه (میر) دی چی له
(میز) خخه زیږیدلی دی.
(څېړکی)



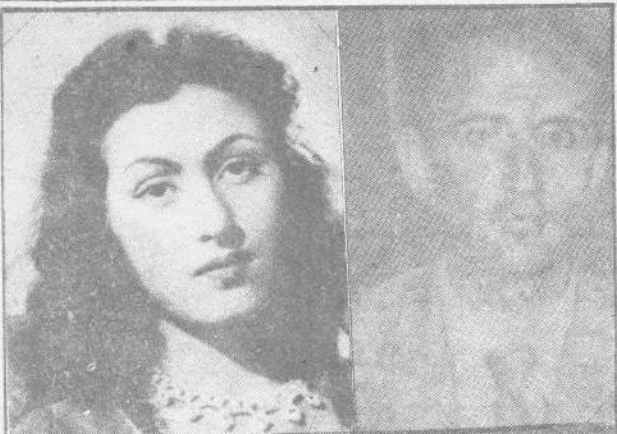
په لاسونو دانه باغیچه کولای شول

په کلاسیک څه کارولای شول

دیو اګانو نړی

د روغ وای وروسته زه چی غا-
سونه لرم، نوبه د وې یی څخه ورسره
وهم لږ دم یی، خودغه بودا غا-
سونه نه لری او د وې یی ژوند یی
ژوند یی تیروي.
یوشن میززاده لار خو خپل بودا
پلارته لیک ورباندی ولیکی، میززا
دغه وویل:
میززا- ښه وروسته ایلارته دی په
لیک کی خه ولیکم.
سړی- سلام... ګرانه پلار...
میززا- ولی چی چی ویی و
سړی- د دې لپاره چی بودا-
پلار یی په غوزونو کړی دی او
ورخبره نه اوری.

یوه اګانو څېړنه به کوره ده
د وې یی ګلی څه باغیچه وړی او
د وې یی چی خور له
د وې د وار وې خوله څخه ورسره
راهه اوس سترګو اوسکی نیولی
یوشن چی د دې عیله یی مینی ته
هتس پتی پتی وکله بودا څخه و-
پوستل
- کاکا خانه (ولی زاری)
- پیچیه بوښته به کوره... نه پامه
خوله کی غا سونه نه شته اوسه
د وې یی څخه ورسره شم وهلا یی.
خودغه ځوان چی غا سونه لری
توله د وې یی راغی رځسره
ځوان چی خوله یی له د وې یی
په ګه وه، به پک سترګو پسرلی
ا و دانګل.



علی مشتری سفر پر ماجرای رابه دنبال عشق خود از سرگذشتانند

مجموعه شعرها

خواننده گان عزیزان در شماره های قلمی مجله باغ و ماهتاب سفر
علی مشتری را دنبال حقیقت در هیاللا به غنای خوانندگی اینک پیش
بهری این همه را برانید

شب فصل بهار و ماهتاب است
نغم باغ رشك شك تاب است
شگوفه دامن افشاده به گلشن
زخون لاله شاخ گل خضاب است
بدیده تان ((ماه در بسا لا))
ز خجلت ماه تابان در حجاب است
نغم آهسته تبرنگ رزگوش
که ((ممتاز جهان)) من بخواب است
درین فصل بهار ای گلشن نساز
زهجرت مشتری اندر عذاب است
مجله کابل هم در یکی از شماره های خود
بیوگرافی مدهو بالا را بطور مکمل تحت عنوان هللی
مشتری و مدهو بالا بدست نشر سیرده که چند
صفحه از آن مجله بصرف و وزیر را گرفته است
چریده انیس هم زیر عنوان ((علی مشتری رایشنا -
سید)) یک صفحه از روزنامه را به بیوگرافی بنده
و عشق عصری قرن بیست و موضوع مدهو بالا تشریح
یحات مفصل داده و هم چنین موضوع روز را اطلا
جمعی افغانستان بود و اکثر روزنامه ها و جراید
درین باره مضامین و اشعاری بدست نشر
سی سیرده که چون مدت و زمان زیادی از آن

تاریخ نگشته و اکثر آنها فراموش گردیده اند
همچنین مجله ننداره که یک مجله هنری
فلسی و ادبی بود در وقت و زمان خود شهرت خوبی
داشته و صاحب و راپور تازی مفصل و نظریات خویش
را بدست نشر سیرده و عکس هائیکه مدهو بالا در آن
امضا کرده و بطور یادگار برایم اهدا نموده بسود
و هم چنین عکس هایی از من در مجله ننداره به
چاپ رسیده

و این است راپور تازیکه در شماره دوم سال دوم
مجله ننداره که مدبرمسئول آن محترم شفیع رهگذر
بودند - نشر گردیده یک قسمت آن بحضور
خواننده گان گرامی سپارون بدیلا تقدیم میشود

((یک راپور تازیکه در لچسپ خوانندگی
گفتگوی با علی مشتری))

((عشق)) امید ((و آرزو)) سه کله خوش
آهنگه سه لفظ خیال انگیز و شاهراهنه و بالاخره
سه معمای مشکل و پیچیده هستند که بدور مرکز
من می چرخند و دل این مایه زندگی و این است
زندگی بهر رنگی که خواسته اوست این هر سه را

بسیار خود می رقصد و آدمی را بدنبال آنچه نغم
عشق و آرزو در وی بوجود آورده است گاهی در
صحاری خشک و ریگ بیابان رگه با پای برهنه
روی خار مغیلان می میدان وطن میدان میدواند
و اهتایی باین ندارد که کف پای آدمی را دردی
وشت پای او را گردی نصیب نموده است
آنچه راهبان اخبار و ناقلان آثار و خوش
چینان خرمن سخن از دوران کهن بدل نسبت
داده اند که اگر غلط نیست عجیب ضرور است
زیرا گاهی دل را خون شده گان مظلم ناچسار
خوانده و هزاران نوع نوحه دیگر برای اوسر و دهاند

در حالیکه همین دل بیچاره عاجز و ناچار ایشان را با خاک و خون کشیده و بعد هم برایش نوحه گری که بوشق نفرین کرده آرزو را محال خوانده و امید را فریبنده میدانند به تعقعه خندیده است. همین دل مظلوم دوست باکتر لوگه ما علی مشتری را دو سال تمام از یاد دور داری و در جایی او را در محافل ادبی و هنری و محفل انس دوستان خالصی ماند، داستان اینکه روی دره یار غربت چها کشیده، برای خود بی کتابی است.

ولی اینکه در سرزمین بیرونیان نمکین و سستی، جهادید و چهارگز برای خوانندگان مجله مسافر و دوستداران مشتری، موضوع معتنا و غنیمت‌سی است که با استفاده از یک صحبت دو ساعته با ارجحی اجالی بخوانندگان نامه خود از آن ترتیب و تقدیم میکنم تا با کمال تعجب بیکار دیگر در یابند که مشتری هم در حالیکه مثل همه ما و شما باز چه دل بوده، باز هم برای دل خود بسیار میسوزد و هر لحظه آهی کشیده، میگوید ((بیچاره دلکم)) با خوش خلقی ((همیشگی مرا پذیرفت و بعد از تعارفات معمول، مانده نباشی اضافه کرد: گمان میکنم در اینجا هم مثل بعضی بیک مشت سوالات تو امثال تو بایسد جواب داد، روی خصوصیتی که داشتیم، خندیدیم و گفتم.

س: جزاین چاره نداری وقتی که حاضر شدی تمام جراید فنی بیگانه را از نظریات و اظهارات عاشقانه و هنری خود بزرگی ناگسری برای نماینده مجله فنی کشور خود هم حرف بزنی. عده زیادی خواننده گان ما ترا می شناسند و دیدن ستن ماجرای مسافرت عشقی و هنری تو عسلا - کنند اند.

ج: حاضرم به سوالات تو جواب بدهم مشروط بر اینکه زیاد وارد خصوصیات نشوی و من برای سکوت اجباری احساس نکم. س: به دیده این قسمت را رعایت میکنم اما تا آن حدی که حس کنجکاری یک خبرنگار بتواند اجازه دهد.

ج: بسیار خوب فرمایید، من حاضرم که به سوالات شما جواب گویم.

س: اولتراز صحبت صحبت کن تا جاییکه من میدانم منظور از مسافرت توبه بعضی در مرحله نخست معالجه چشم بود، آیا بهتر شد؟

ج: خدا را سپاس گزارم یک مدت مختصر تحت تدابری بودم که به زودترین فرصت تکلیف رفع گردید.

دیدن روی عزیزان چشم روشن میکند داری بینایی یعقوب را یوسف کند س: پس چرا توقفان در بعضی مدت دو سال طول کشید؟

ج: خودت میدانم که من به عوامل هنری علاقه زیاد دارم، از روزیکه پای من بروی سنیو بهار شده بیش از آنکه یک شاگرد اهل صالح بسرای طیب باشم، دو دسته دامن هنر و سوانح هنر مندانه را چسبیده ام، ازین جهت خیف دانستم از شهری مانند بعضی که مرکز هنر و هنرمندان کشور بزرگ هند و تقریباً هالیوود شرقی است، بدون فیض

بردن و انداختن معلومات هنری برگردم، طبعاً این کرد شها و کسب معلومات هنری مدت زمان طولانی را ایجاب میکرد و من هم بی مضایقه حاضر شدم، این مدت را فدای اندوخته هایی هنری کنم. س: خوب، البته این مطالعات منحصر به ملاقات با ستاره زیبای آسمان سینمای هند بود و هر لحظه بی که بایکی ازین آفات مفسد و هوش رنده بدیده بازماندی یک انسا یکلویی نوبی از تو بوجود آمد؟

ج: یقیناً این وجهه احساساتی و شاعرانه مطالعات من است، معذراً هر یکی ازین ستاره ها در هر لحظه زیبایی و دلربایی، عالم بخشند و دارای یک استعداد سرشار در پیشه خود هستند.

س: به نظر تو هنرمندترین ستاره های هند کدام عا بوده و آسامی شان چیست؟

ج: به نظرم را جگپور، بلراج سعانی، کمنور ساهو، دلپ کمار، اشوک کمار، بروتی راج و جانی و اگر از جنس خشن، نرگس، مدهوالا، نس، وی - جنتی مالا، نلنی جیونت، گیتالی، کانی کوشل نو باری، از جنس لطیف، سربر آورده گمان جهان سینمای هند بشمار میروند، البته این یک قضاوت هنری و شخصی خود من است و من هیچ گونه وجهه قطعیت و احتیاط به آن قایل نیستم.

س: نگاه شما از نقطه نظر زیبایی روی کدام

ج: شاید تاجیزی درین نباشد مردم از آن چیز هائی سازند، محبت و علاقه من به مدهوالا یک ساله چندین ساله دارد و تماشای فلم های محفل نازنین، ((خانم آتای ۵۰)) در تشدید و تحکیم این محبت سعم زیادی داشته و بعد هم همین عشق و علاقه به او محرک احساسات شاعرانه من شد و توانی در حدود ((ده هزار)) بیت در وصف مدهوالا از طبع من بوجود آمد، گرچه علت اساسی مسافرت به هند طوریکه در بالا گفته آمد یک مسافرت هنری و ورزشی بود، معذراً آرزوی باز دید ازین محبوب و معشوق رویا ها و تخیلات نیز درین مرحله سعم زیادی داشت.

س: بعضی از جراید چاپ بعضی مثلاً اداکار آرزو و غیره ضمن راپورتاژ هائیکه از تو طبع کرده اند حرفهای نیز در مورد ملاقات تو با مدهوالا و اهل خان بد را و بچاپ سپرده اند، چاک از اینکس مدهوالا به ازدواج با توبی میل نموده، ولی پدرش دو صد هزار کله در هندی جمعیت مصرف عروس برای بستن زبان مردم از تولید انوا هائی اساس مطالبه کرده است، آیا این مطالب حقیقت دارد؟

ج: بی شک دیده ام مدهوالا از نزدیک یک تضایی قلبی من بوده و بعد مدتی انتظار روکشش توانستم اوراد رفتارش که یکی از زیباترین مهارت حوالی بعضی است، ملاقات کم درین ملاقات از هر دری سخن راندم و طبعاً از دل بستگی و علاقه پی که بوی داشتم نیز سخن بمیان آمد، مدهو برخلاف

مدهو بالا وینوس شرق است

آنچه در زلم هاملاحظه میکنم یک د ختر خلق و محو است، بنابراین وقتی سخن بدینجا کشید، گونه هایش از شرم گل انداخت و در حالیکه نمیتوانست بمسوی من نگاه کند، گفت، برین موضوع بهتر است با یسد صحبت کنید، شاید راه حل درستی پیش پای تان بگذارد، ملاقات با اهلوالله خان نیز در استان دورو درازی دارد ولی مختصراً همان است که جریده آرزو و بگر جراید هند نوشته اند.

س: و طبعاً تو این پول را نتوانستی تعمیم کنی زیرا سرمایه بی که با خود برده بودی یکی هنر و دیگری یک دل شوریده و پرورد بوده که ایسن دو نمیتوانست خان را اقناع کند و نه خان نمیتوانست بدان وسیله زبان دراز مردم را کوتاه کند.

ج: این قسمت را به اجازه تو مسکوت میکنم و امیدوارم طالب هیچ گونه توضیح بیشتر از آنچه میدانسی نباشی.

این قسمتی از صحابه بود که در مجله ننداره به طبع رسیده بود و کلکسیون مجله مذکور هم در کتابخانه عامه کابل موجود است، علاقه مندان میتوانند بقیه در صفحه (۱۱)

یک از ستاره های هنری مخصوصاً توقف میکند؟ البته ذوق و سلیقه خوانندگان را باید در نظر بگیرد.

ج: سوال ضد و نقیض و عجیبی میکنی، اول میکنی نگاه خودت و بعد سفارش میکنی ذوق خوانندگان تو باید مد نظر من باشد، اگر این جنبه را رعایت کنم تا گریز سختی برخلاف آنچه دلم خواهد گفت، گفتم ام زیرا دل من و نگاه من فقط یک ستاره زیبا، طنازود لریا در آسمان سینمای هندی شناسد و من بیند که آنهم ((مدهوالا)) وینوس شرق است، غیر از او هر کس هر کس را میخواهد برای خودش زیبا بگیرد ولی نه آنرا قبول میکنم و نه میتوانم تأیید نمایم.

س: پس چیز هائیکه مردم راجع به تو علاقه مفرط به مدهو بالا میکنند، زیاد بین اساس نیست؟

ج: مثلاً چه چیزها؟ س: مثلاً میکنند علت اصلی مسافرت توبه هند دیدار نزدیک ازین ستاره آشوبگر هند بوده و در چشم و کسب معلومات هنری که هم اکنون از آن صحبت میکردی، حرف مفت و بهانه بی بیش نیست؟

لی غم باش لالا

مدیر صاحب ، سزای قسوت
 ((ا)) گرم
 هفته گذشته ماره سرگردان
 ساختن ، ما آمدیم شمانودین ،
 خیالی دیدیم که چلو صدخوده
 گرفتیم که یک هفته شماره به خاطر
 صاحب صرف ساختیم ، آخر
 هم دیروز نامدم
 سرفرازان که این حرف ها را
 شنیده ، خنده ، تمسخر آمیزی
 کرده گت :
 بی غم باش لالا ، ما دیروز هم
 نبودیم .

بقیه از صفحه ۱۲۷
 شوهر من فلمدارک در من
 حال به حیت بدبختی نگاران -
 تلخهون ایفای وظیفه میکرد ، یک
 روز بعد گوش را برداشته سزای
 سرفرازان که همان روز در شب
 بود تلخون کرده گت :

بقیه از صفحه (۷)

مصیبت اعتیاد

ج : همین شخړ صاحب به
 وابستگی مواد مخدر و رانمیتوان به زور
 و فشار تد اوی کرد با وجود اینکه
 تمام تسهیلات آرمانی موجود د
 باشد ، رضا و رغبت صاحب به
 تد اوی شرط اول تد اوی است .
 برای تد اوی معتادین باید برنامه
 های وسیع تبلیغاتی نیز در رنر
 گرفته شود ، نمایش فلم ها و نمایشنامه
 های توانده موثر باشد . برعکس
 فلم های تشویق کننده یک
 جایا مواد مخدره از طریق تاجران
 مواد مخدره خود اعتیاد را بیشتر

می سازد ، در برنامه تد اوی باید
 خانواده ها و استادان مکاتب
 و همروسه زیرط سم بگیرند
 یعنی منظور این است که اولاً
 برنامه و قایون داشته باشم
 نه معالجوی . بسیاری از صاحبین
 می توانند داخل پسترس شوند
 اغلباً دیده شده که آنها از
 طریق همیره های سابقه به مواد
 مخدره کشانیده شده اند .
 ج : طوریکه قبلاً گفتم تد اوی
 اجباری این انفراد مفید نیست
 و معلوم کردن معتادین هم چندان

لیزاروی

بقیه از صفحه (۲۱)

نمایشنامه ((اودن نیست))
 بعضی نمایشنامه های تلویزیون
 و رادیویی نشانه های داشته ام
 - لیزارجان کونکه به آرزوی تان
 نایل آمده اید و هنر پیشه سینما
 شده اید ، فلم جدیدتان کدام
 است ؟
 - فلم جدید اینکه من در آن
 نقش برارنده ام ، ((سفر))
 نام دارد به کارگردانی سعید
 ورکزی وهم اولین بار است که
 رضایت کارگردان را جلب
 کرده ام چون نقش یا کرکتریکه من



باز رایت و هوشیاری با سح
 داد :
 - از هنر ، هنر زنده گی کردن
 را موخر ، نه تنها به درسام
 میروم بلکه در منزل با مساد
 نیز کمک مینمایم و زمانیکه تسهیلات
 خود را بی پایان رسانیدم ، آرزو
 دارم ، در آسمان سینمای افغانی
 ستاره باشم ، آگاه و پردرخش ش .
 - ما بشما این بیروزی را قبلاً
 تیریک میگویم .

آنرا اجرا میکریم نهایت خوش
 آمده بود و از سوزی شرح و کسار
 دقیق کارگردان و اعضای یونت
 فلمبرداری ما سبب شد که من
 بهتر و خوشتر در قالب کرکتر سیرده
 شده قرار گیرم .
 - قرار اطلاع شما شاگرد ممتاز
 مکتب خود نیز هستید آیا به هنر -
 پیشه گی تان ادامه خواهید
 داد یا چطور ؟

به شعر جان میبخشد

بقیه از صفحه

- پلی شما درست میگوید من در حدود ۲ هزار پارچه
 موسیقی را دایرکت کرده ام .
 - وجه تعداد اشعار را دیکله کرده اید ؟
 - شاید در حدود دوهصد پارچه بوده باشد .
 - پس در بخش دایرکت باید تسهیلات همه جانبه داشته
 باشد میشود از تسهیلات تان بیروم ؟
 - نسبت مشکلاتی که داشتیم نتوانستم بیشتر از ۱۲ صنف
 تحصیل کنم اما در بخش دایرکت از طریق تلویزیون دایران یک
 کورس ۱ ماهه را تمقیب کرده ام .
 - در بخش دایرکت نیز میامرد کدام یک مؤفق تراست ؟
 - سه نفر من مؤفق تراست .
 - چرا ؟
 - زیرا که زن میتواند بخصوص در حوضه رنگ لباس و آرایش
 دقیق تر باشد .
 - میخواستم بیروم دایرکت آهنگهای استاد هوشیور
 وسیمه ترانه ، کار کدام دایرکتراست زیرا لباس و آرایش خواننده
 با فضای که خواننده در آن قرار دارد هم آهنگی تلم دارند ؟
 - کار من است .
 - پس به این صورت بیشترین ضرورت شما در تلویزیون است ؟
 - فعلاً در خانه .
 - چرا ؟
 - مشکلات دارم .
 - در نظای مؤفق تراستید و یا در دیکله اشعار ؟
 - فکر میکنم شعر را خوبتر میخوانم .
 - گاهی بخارج از کشور سفر داشته اید ؟
 - بل در فنشوال و در گاه ماسکو سفر کرده ام و یکبار هم سفر
 شخصی به کشور هند داشتیم که در ضمن پاکستان راهم دیدم .
 - فعلاً کدام پروگرام را پیش می برید ؟
 - پروگرام زن و جامعه را .
 - و در اوایل که به تلویزیون آمدید کدام وظایف را پیش
 می بردید ؟
 - از سال ۱۳۶۰ برای ۱ سال مدیر عمومی موسیقی تلویزیون
 بودم .

آیاتصادم زمین با ستاره

بقیه از صفحه (۲۹)

امکان مشاهده اثر و نشان این
 حادثه تیل از وقوع نبشند اجرات
 دفاعی در برابر آن اتخاذ میگردد ؟
 یکی از شاگردان پروفیسور (پول -
 ساندرف) از وی چنین سوال
 کرد : چگونه میتوان زمین را از
 تصادم و آرهانید در صورت تریکه
 هشت ماه به تاخیر وقوع این
 تصادم نمانده باشد ؟ آیا میشود
 راکت های دوگلوله ای را غرض
 انفجار ستاره به خارج فضایی
 میراث سوزن بکار برد ؟
 بعداً ساندرف اظهار داشت :

دفع کردید در نتیجه چهره عالم
 تغییر یافت ، زمین لوزه ها ، انفجار
 در که های بزرگ و تواننا به وقوع
 پیوست ، طبقات غبار سنگ های
 ضخیم یوز هوا را احاطه کرده و
 مدتی چند در همانجا باقی ماند و
 حبابی در برابر اشعه آنتاب
 گردید . درین میان به اثر توقف
 ترکیب نور هزاران هزار موجود
 زنده با مرگ مواجه گشتند .

برخی از دانشمندان معتقد اند که
 خطر تصادم زمین با یکی از ستاره
 های یک امر کاملاً حقیقی به شمار
 می آید . ۱۰۰۰۰ لیکن میتوان آنرا کاملاً
 ضایل نیز کرد . طبق اقتصاد
 (شویسکر) ستاره ای که قوت
 انفجار معادل هیرمز را دارا باشد
 امکان تصادمش در خلال صد هزار
 سال یکبار مت و راست . اما ستاره ای که
 متادل تو انفجارش فقط یک میگان
 باشد امکان دارد بعد از هری سال
 داخل یوز جوی زمین گردد .

انفجارات هولناک
 در سال ۱۹۰۸ برفراز جنگلات
 دور دست سالیها جسم طمعی با
 طاقت انفجار هایدروجنی دوازده
 میگاتن عبور کرد این حادثه سبب
 تولید امواج زلزله در منطقه
 تانکوسکا شوروی گردید ، اشجار -
 قطع و به سانه ، پنجاه میل دور
 انداخته شدند ، غبار و تند بساد
 ها مناطق وسیع دنیا را فرا گرفت .
 از همان وقت تا امروز از طماد در ساره
 سبب این انفجار و شش ناحیه
 تانکوسکا سوال میشود آیا جسم
 مذکور رأس متلاش شده ، مذکور
 (یکی از سیاره ها) یا ستاره ، سخنر
 ایست ؟ گویی از دانشمندان با
 این سوال مواجه اند آیا در صورت

ستاره های پرواز کنند :
 مای بیهم بعضی از زمین
 شناسان را که این کار را نهاد
 موجب اظهار نسی دانند . . .

ساختمان ها

سریر

آسمان

بقیه از صفحه (۵۱)

به مناسبت بازهای المپان توکو
 امارشاد . چنمین زلزله را از سر
 گذشتاند . در سال ۱۹۶۷ این
 یکبار به سکونت انتقال یافت . دهن
 شهر اتن تلخون استانکون -
 بالارهاغ ۵۴۰۷
 متر امارشاد . این اتن تلخون
 جمعه ۵۵ هزارتن وزن دارد .
 در ارتفاع ۳۲۵ متر این اتن
 رستوائت واقع است که چن مخود
 این رستوائت منظره بسیار زیبایی
 به شهر مسکو نصیب مارجم -

گفته شد کاری ساده نیست. اداره ماصرف درحالاتی میتوانند آنان را تحت تدایمی بگیرد که از جانب خانواده های شان یا بطور داوطلبانه از جانب خود شان مراجعه صورت گیرد. س: آنانیکه بعد از تدایمی معتمادمی شوند آیا بازهم چانس صحت یابی را دارند؟ ج: آنانکه دوباره بعد از تدایمی به مواد مخدره روسی آورند کسانی اند که باز نخست به زور تحت تدایمی قرار گرفته اند.

و طبعماصاب شدن شان بسیار دیگر خطر ناگهانیست زیرا برای ترک اعتیاد تصمم و اراده قوی و تلاطمندی شخصی باید وجود داشته باشد. س: معتمادین چی نوع برابلم هاراد رجامعه به میان میاورند؟ ج: برابلم های ناشی از معتمادین وسیع است. از نظر جسمی خطرات جدی بیماری های کشنده را بوجود می آورد مثلاً بیماری های ریویم و خطرناک جگر که از استعمال

مکرر مشروبات الکولی پیدا می شود. خطر سرطان نزدیک سانبیکه عادت به دود کردن دارند. بوی دهن چنین افراد سبب از پتد یگران می شود. زرق داخل روبرودی مواد مخدره زمینه افتقار وانتقال مرض خطرناک ایدس را بر وجهه می آورد. حادثات ترافیکی ناشی از همین موارد می باشد. از نظر روانی نیز مشکلات بوجود می آورد. از نظر اقتصادی چنین انحصار کارایی کمتر داشته و باید شانرا راصرف مواد مخدره می نمایند

طبعمه خانواده ایشان دچار تنگدستی می گردد آنها بیشتر اوقات خویش را با دوستان همردیف خود گذراننده اطفال شان از مبر محبت شان محروم می گردد. گاهی اطفال شان نیز مصاب به این موادمی گردد. سانبسات خانواده گی آنها نامطلوب گردیده سبب ایجاد جنک و جنجال هابالآخره به طلاق و جدایی منجر می گردد. انسانها ثروت جامعه اند طبعمه انسانعامتد ازین ثروت کاسته می شود. رجای

زنده گی برای آنها محدود میگردد بهضمناً بخاطر بدهی است گورده پول غرض خرید آری مواد مخدره آنها مرگب جرم و جنایات مختلف می شوند. حتی تا مرحد قتل و زدگی های بزرگ معتماس اینک برابلم ناشی از اعتیاد طبعمه وسیع دارد که برای درمان آن مبارزه بزرگ بکاراست چی ضم ماداران و اطفال مسول جوانان و سرانجام مصیبت هک جامعه ناشی از اعتیاد به مواد مخدره می باشد.

نقطه مرگ ...

بقیه ازصفحه (۲۹) کوریایی چنانکه سوطون عمر را کوتاه نماید میشود وشامسل ۱۲ نیمی است که از نباتات و حیوانات بدست آمده و هیچ عنصر منجمی کیمیایی در آن وجود ندارد. عبارتند از: عصاره جمجمه، سنگ پشت خاور دور، عصاره شاع کرگدن، خسته های نباتات Armenacae Juulperus-Rioids لیمو چینی، خسته قیسی و شنبو ته های که در کورسوما نیز پیدا می شوند. و از روزگاران پهلوی سینای بلخی مورد اعتقاد قرار داشته اند. از نامبرده برتنش بعمل آمده که: آیامکن است که عمر را طولانی ساخت؟ اینگونه پاسخ میدهند: بل، با قویه سیستم های قبلاً ذکر شده ممکن است. زیرا تضعیف فعالیت آنها باعث بیری میگردد. طول عمر سورا میتوان تا ۱۲۰ سال وحتی ازان هم بالاتر برد. بالای اشخاص بین سنین ۶۵-۷۵، که وظایف تمام سیستم های شان تضعیف شده بود، تجاری انجام دادیم.

با انکفالمیت جنسی آنها از ۵۰-۶۰ میگذرد گاهی سافتسمود توانستیم که آنها را با نرسدایمی بحال نورمال برگردانیم. برای اینگونه تدایمی عموماً تطبیق دو یا سه کورسولان استه قسمی که کورسولان تا ۱۰ بار تطبیق میگردد. و تطبیق پیچکاری. هاجند روز را در بر میگیرد. در حله اول پیچکاری ها در نقاط فعالی صورت میگردد که بیماری از آنها شکایت دارد. چیزی هم در تطبیق این سیستم است که نقطه مورد نظر جد نیصد پیدا می شود. در حالیکه درسوزن زن سادی تقریباً ممکن نیست. داری تزریق شده خود بخود زیر جلد انتشار یافته و خود را به نقطه مورد هدف میرساند. کورسول تطبیق پیچکاری در ظرف ۲ تا ۶ ماه نتیجه میدهد و نتایج کورسول های بعدی معتد ر و بهتر خواهد شد سپس نظریه وضع چهار کورس تطبیق پیچکاری بعد از یک سال یا دو سال و یا سه سال تطبیق گردد. بعضی اشخاص در اولین تطبیق پیچکاری صحت یاب میگردند. تلاش طبیبان کوریا به تزریق دروا نقاطلان طول عمر محدود نموده درصدد پیدا کردن نقطه مرگ نیز استند. داکترونگ برامون نقطه مرگ چنین عقیده دارد: در یک حیوان بزرگ بحری بنجام

اوختابوس یک چشم سوی نرس وجود دارد که ازان هر موزون مخصوص بنام هورمون مرگ ترشح می کند. هرگاه این چشم سوی ازین برده شود آن حیوان برای همیشه زنده خواهد ماند. فرض کنیم که پیر شدن انسان هم که معلول نرسایش انساج و حیره ها میباشد. از هورمونی بنام هورمون مرگ سرچشمه گرفته باشد. هرگاه بتوانیم ترشحات این هورمون را زایل کنیم و یا لااقل کاهش دهیم به جلوگیری یا کاهش برده بیری نایل خواهیم شد. همانطوریکه هر عضو بدن یک نقطه فعال در روی جلد دارد به احتمال قوی هورمون مرگ هم باید نقطه فعالی در روی جلد داشته باشد. به نظر او این نقطه بالای خطی موقعیت دارد که بنام خط طول عمر پداسی شود و از گلو شروع شده بپن از جوسوزن ازمعه و ناف به آلات تناسلی ختم میگردد. بین ناف و استخوان جنسیخ نقطه طول عمر، که از قدیم ها تصریف گردیده، موقعیت دارد. معتدین آنها نقطه چمبانگ است. داکترونگ نقطه جدیدی را هم کشف کرده که ۲ تا ۴ سانتی به طرف پایسین ناف موقعیت دارد و بنام خود روی قسمی است در تحقیقات بعدی خود تصمم دارد که نقطه مرگ را هم درین منطقه پیدا کند.

بقیه ازصفحه (۲۹) حیواند انسان را از نظر اشعمه باورای بعضی حفظ کند. درجهان حیوانات و نباتات چه اثری خواهد داشت؟ هنر سوات را تمعا از ضلعین سوی حیوان صورت گیرد. هرگاه انسان بتواند خود را تا اندازای بی از تشعشع صافضه کند. کی آنف بر حیوانات و نباتات اثر گذاری خواهد نمود. طوطال، سطح حاصل دمی حیوانات غیر نقایه ۲۰ نیمه حاصل خیزی بعضی نباتات ۳۰ نیمه کاهش خواهد یافت. شد تشعشع ماورای بعضی امکان دارد نفا را بگونه مناطق صنمق به آلود سازد. اگر این امر ممکن نیست بهش از ۵۰ سال صورت گیرد و تمام در صورتی شاور ماندن انسان در برابر آن. طبقه معلوم است در سالهای نزدیک بنظر نگهداری از این از خطر تهیه اقداما ضروری در نظر گرفته شده است. آیا بعضی بیضی خوش بنانه شباه صل دانگی شیه نیست که از بعضاوش مرض جدی او را بهمان نگهدارد؟ گنه های من نه تعیابانسته های تبار طبی هویطنام بلکه برتلیج پژوههای جهانی اشوار است، تبار و آزمایش های چندین ساله پروگرام انگسانی مل متسد (UNDP) سازمان مترو لوژی جهانی میانگرچنان تطبیق است. از ده سال در هر پایه بالان قطب جنوب شکاف آژوی پدیدار میگردد، طت چیست؟ در برابر این پرسش هنوز پاسخ قناعت بخش وجود ندارد. با انعم در زجه این فرضیه ها تمام گردید است: شکاف آژوی شاید زاده جهان کیمایی با همیان دنیاکی با هردوی آن باشد که بالان توصیف صورت میگردد. بعضی هالین موضوع را با اهتزازات رقم حرارتی و همچنان بانعمال شدن خوبشید پیوند میدهد و همچس تا کین به تسبیح مناسبه آن تخویق نیانته است.

آژون

پژوهها و آزمایش های بیشتری در کاراست. تحقیقات بشرک شوینی، آلمان، دموکراتیک، بلغاریا، منگولیا، کوبا، هند و ایالات متحده روسی است. در سال حاضر چه پیماه مواد تهیه کننده ازین درجهان تولید میگردد؟ تهمتی روسی ساله در حدود یک طلیون تن (۴۰ نیمه دان در ایالات متحده، ۳۵ نیمه دان در آمریکا، ۱۰ نیمه دان در جهان و شوینی) تولید میشود. فاکتورهای تانده در شوینی، ایالات متحده بعضی کورهای دیگر مواد التزیاف آن تولید میگردد. در کورانس موتیهای چه صحابی اتخاذ گردید؟ صحام حق قبل ازان در سال ۱۹۸۰ در ایالات متحده گردید. چنانچه طبق آن تحقیقات سراسری جهانی رویدت گرفته شود در پروتکل آن ۵۰ کوراضه کننده تصمد سپردند که تولید مواد تهیه کننده ازین واقع نمایند. تاچه وقت هکدام پیماه از تولید مواد ضربه قطع خواهند شد؟ در کورانس صحم گرفته شده در سال ۱۹۹۳ از تولید نوی روسی ۲۰ نیمه در سال ۱۹۹۵ به اندازه ۵۰ نیمه کاسته شود. آیا کاهش های در نظر گرفته شده کافی است و چرا تا ختم شده جاری بنظر کاهش بیشتر اند؟ هرگاه برنام وضع شده تطبیق گردیده و تولید مواد تهیه کننده ازین افزایش نیابد پیماه تهیه شد کشور این پایه نگاری نخواهد بود. با کورهای یک پروتکل موتیهای راهبردی اضامه کرده اند چه معاطه صورت میگردد؟ نظریه موافقه موتیهای تکمیلیی روشل تولید نوی روسی در اختیار آنها گذاشته نخواهد شد. البته متخلین با ماضیات جدی اقتصادی سرزیش خواهند شد.

رستبروات میشود. این حرف تخنیک به شهر توتو کانادا اطلاق میشود. ازیال ۱۹۷۵ دین شهر برج بزرگ طوهون با ۵۵۴ متر ارتفاع خود انبزرگترین ساختمان جهان از نوع خود میباشد. در ارتفاع ۳۴۴ متری این برج رستبروات می کورای ۲۷۶ چوک است. معانات بوده و واقع است. معانات این رستبروات توسط لفت کد در کار

بج واقع است و طرافش را شمشع اسطه کرده انتقال داده میشود معانات می توانند از لفت به منظره نما که به شهر توتوها میشود لذت ببرند. شاید برایتان غیر قابل قبول باشد اگر بگویم که درجهان تاحال دهبار از سرحد ۶۰۰ متری ارتفاع تجاوز شده. این دو ساختمان - مرفع تجارت انباهه های طوهون بوده که یکی در اوکت شده الی در

ایالات متحده امیکالک ۸۸۸ متر ارتفاع دارد و دوی پایه تشواموج را بصی دشوهر و روسی پولند است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد. ارتفاع ۶۴۰ متری فعلاً قطه این را گذاشته و وی منتظر بلند بود که ازین حد ارتفاع چه گاه می باشد اسان ها از بیگ هان شد. به همین الان پوره هان پروگرام است که در صورت اسارار آن ارتفاع هزار متر در نظر گرفته شده است.



جواد عبر چهره جوان موسیقی در بالخ

اولین بند بربق

مرجوری جویت بل نخستین امریکایی بود که در سال ۱۹۱۱ - به کابل آمده و اجازه اقامت یافته بود (در ۱۸۸۰ پارک ملی بدریار امیردوست محمد خان رسید - بود)

انجنیر بل توسط امیرحبيب - الله خان برای تاسیس دستگاه برق آبی در جبل السراج استخدام گردید . هر چند برای یکسال - آند ه بود اما هشت سال زادن سر گرفت تا کارش تکمیل گردد .

کارها توسط فیل انجام میگرفت کارهایی از قبیل انتقال سنگهای بزرگ و اجسام سنگین فن و غیره چیزها .

سامان لوازم همه به پشت اشتر حمل میگردد . البته این سامان آلات از مالک خارج چون هندوستان و غیره همه بواسطه اشتر و فیل حمل میشد . بل در سال ۱۹۲۵ از میان رفت . یادداشت های او زیر عنوان :

انجنیر امریکایی در افغانستان در سال ۱۹۴۸ از طرف یونیورسیتی منیسوتا منتشر گردید . این کتاب که شامل ۳۳۵ صفحه است مشتمل بر نکات دلچسپ درباره وضع مردم افغانستان در آن روزگار است .

مخاضل خوشی میخواهم و هیچوقت هم مانع دروسم در یوهنخی نیباشند . میخواهم در آینده هم در تعلیمی رشته بی که تعیب مینمایم به حیث آواز خوان باقی مانم و زیاد میکوشم نرفروش نباشم .

وی در مورد سوال دیگر گفت : در مورد انتخاب شعره کمبوز و تلفظ کلمات خودم سعی بنده گی ام راه خن میدهم و از اهمل ادب کک میگیرم همیشه دیوان غزلیات شمس تبریز را میخوانم و میالم به اینکه حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی به دیار ما تعلق دارد .

می پرسم آیا آهنگهایت از عشق رنگ می خورد ؟ میگوید : تا حال عاشق نشده ام ، اما زیاد میکوشم آهنگهای رنگی داشته باشم تا طرف قبول واقع گردد . به امید موفقیت های زیاد

ورقایت های سالم جواد عمر در ساحه درس و هنر وای خدا حافظی مینمایم . زلمی

از خود بکنم که خوشبختانه طرف تایید فرار گرفت . و از آن روز به بعد به تقلید از جوانان آوازخوان گاهی شرقی و گاهی هم به سبک غربی میخوانم ، اما زیاد میخواهم غزل خوان باشم زیرا دوستانم به این عقیده هستند که غزل را خوب تر میخوانم از همین سبب است که به صدای فرهاد دریا بعد از احمد ظاهر علاقه مندم .

جواد در مورد سوالی گفت : در شهر مریه تن دیگر از هنر - مندان آوازخوان هنرنمایی دارند که به همه شان احترام دادم و میخواهم رقابت سالم باهم داشته باشم . خودم گروه هنری تشکیل دادم که در -

در شهر مزار شریف هنرمند بر آوازه بی محاضل خوشی شهریان دیار مولای رانگیر ، سرمی سازد که صدای خوب ، گم و گبرایش شنونده - گانی دارد ، او جواد عمر نام دارد و محصل یوهنخی ادبیات یوهنتون بلخ میباشد .

خواستیم با وی صحبت کوتاهی داشته باشم ، میگوید از مدت پنج سال به اینطرف نظره علاقه خاصی که داشتم به موسیقی رو آوردم ، آواز هنر - مندان خوب را شنیدم و روزی جرات نمودم عقب ارمونیه بشنیم و صدای بی

مردمها نخوانند

بقیه از صفحه (۶۴)
مقدار شرح بیسن
تا ۲۲ تا ۳۰ نمیدو وجود
شان در تغییر است.
در انهای کبده دوش
عادت کرده اند، شحم
بدن شان تا ۷۰ درصد
پایین آمده میتواند،
درین صورت از آنجایی
که مقدار استروژین کم
است، بنا بر آن درجه
پایین تر است.

سطح رحم میتواند که زمان کوتاه
قاعده کی را توضیح کند .
میکنیم دوم عبارت از اینست
بودن سطح هورمون $L.H$
(Luteinizing Hormone)
هورمون که از غده های منحنی
تراش میشود، سطح آن در زنانی
که به ورزش دروس اشتغال دارند،
پایین است، بلند رفتن بیکاره کی
این هورمون به خاطر خارج کردن
تخمه از تخمدان در نیمه دوره -
قاعده کی ضروریست، خارج کردن
تخمه از تخمدان به کوله عادت
علت به وجود آمدن دروس از جنرا
در محل تخمه خارج شده از تخم
دان است که هورمون دیگری را به
نام پروژسترون میازد، کوتاه
اینکه مقدار کم هورمون $L.H$
معنی آن را میدهد که تخمه در -
تخمدان به وجود نمی آید، بنا بر

در تخمدان پروژسترون وجود
ندارد که در نتیجه زمان قاعده کی
تعمیق می افتد .
پروتی میامون دالری در اینجا
وجود می آید که آیا به تعمیق
افتیدن قاعده کی خطری دارد و
یا خیر؟ ما هم میدانیم، پس
شده است که استروژین برای
محافظة استخوانها در زمان
غروزیست، پایین آمدن ها کاهش
استروژین بعد از توقف قاعده کی
به نرم شدن استخوانهای انجامد،
مطالعه آنهایی که به دوش -
اشتغال دارند، نشان میدهد که
محتوات منزالی استون فقرات شان
کتر از آنهایی است که به دوش
اشتغال ندارند .
مادرمورد خاصی قهلا صحت
کردیم که شجاعت وی بعد از مادر
شدن تنه اثبات رسیده است .
روانشناسان و دوکتوران تلاش

کرده اند تا این پدیده را توضیح
کنند، در زمینه چندین نظریه
وجود دارد، نخست اینکه یک
زن که تحمل شدیدترین درد -
یعنی درد هنگام ولادت، را -
دارد، میتواند در اثنای آن
تمیمن بالایی خود فشار را تحمل
کند، زیرا با این خود اطمینان
تحمل درد را دارد، دوم اینکه
زنی در اثنای اجزای تمیمن شاید
کمتر خود را ناگسخته محکم
گیرد تا به زنانه کی اش آسیمی
نرسد، ولی بعد از مادر شدن
میتواند سخت تر تربیت گردد، -
نیز از آنجایی امتحان زنانه کی خود
را گذرانده است، سم اینکده،
تغییرات هورمونی در اثنای حاملگی
امکان دارد که اندازه حرکت
پایا را در اثنای دوش تحمیل کند .
بالاخره چنین مطرح گردیده که
هورمون پرولاکتین که بعد از ولادت

تولید می شود در فعالیت میکند،
تا اثرات موثر روانی را با اثرات
مقاومت دارد که تاثیر آن مندر
نبادی دوام میکند .
به اصطلاح نوروردن میجاد
زمان حامله کی خضران است،
ولی در آنهایی که متواتر به دوش
عادت دارند، بتدریج اندونکلیف
های مانند فشار خون را ندارند،
خطری به دنبال آن نیست، در
ایالات متحده آمریکا بسیاری زنان
تا روز ولادت به دوش ادامه
میدهند .
گدام تمیمنها را باید از زنان
انجام بدهند ؟
در پاسخ باید گفت که هر
نوع تمیمنهایی که خواسته باشند
پیاده گردی، دوش، یوگاها
ورزشهای دیگر، ولی مهم این
است که از آن لذت ببرند و پسر
مقد شوند .

جهان بعد از قاجار ...

بنیه از صفحه (۷)

ارکانهم حار زنده را از شمع ماوراء بنفیر مخلوط نگه دارد در اشد
پرتاب، تومار آتشی ناشی از انفجار تخمیر خواهد شد .
شمع ماوراء بنفیر که زمانی محراب و انگیزه زندگی روزی زمین
گردید میتواند بعد از معانه موجهات نسبتی آنرا نیز فراهم کند، این
شمع خیره کوبنده ی را خاصیت پرورد ایثاروار خواهد ساخت .
چنانچه اکثر ارنانهم حار یک حجره وی را که حلقه صده یی را در
زخمیر غذایی موجودات بنفیر - تشکیل میدهد ازین خواهد برد، و
بدین ترتیب زخمیر محتوی بودی سایر حلقه های زخمیر راصاد خواهد
ساخت، نه تنها در این باغات ازین خواهد وقت بلکه شمع ماوراء
بنفیر مالیکول های را که مشخصات ژنتیک مربوط به انسانیت
تخمیر خواهند نمود، در قسمت سلولها تکمیل پست پایره های شان
در برابر شمع سیر گرد و ولی قادر نخواهند بود چنان شانوار -
امان نگه دارند جهان بسوی ناپیدی خواهد رفت .
میلیونها پرند گان و جانوران نابینا در چشمجوی آن ودانه سر
گردان خواهند بود انسان قادر نخواهد شد با آنها کمک کند زیرا خوش
نیز در وقت شباهی قرار خواهد داشت، نیکولو بوچکو، دانشمند
ژنتیک اکادمی علوم جنی استاد شوروی واقفید، بر آنست که در چشمی
شرایطی معلقه نخواهد بود تکرر بشرد را از نگاه ژنتیک ها ادامه
پروسه تکامل انتظار داشته باشیم، ایندهنش شمع مواد رادیهو
اکتیف تحولت زیادی را در تمام ملیکورارکانهم حار بازمانده، نباتات
و حیوانات بشمول انسان بوجود خواهد آورد، چراشم کاملاً بی ضرر
خضرات مرکبای را متوجه انسانها خواهد ساخت .
مازه بر آن، کمکت تغییر بازمانده شرفیت تکر را به علت اینکه شمار
آنها به سزای تمیمن سطح پایین کاهش خواهد یافت، از دست
بدهند، نه تنها اختلاف ژنتیک به حداقل خود کاهش خواهد یافت بلکه
جلوکوری از خجتمیمنی با همی غیر ممکن خواهد بود در نتیجه خطر -
تغییرات تعایی ظاهر خواهد گشت و با همایها فشار آرشی که بشر در
طول دوره، تکامل خوش بدوش کیده است موامل جدیدی که یقیناً
نیل بشری راه سوز نیستی خواهد گساده، اضافه خواهد شد .

فردین موزیک

انواع مختلف کسهای موسیقی افغانی، هندی و غربی را به علافتندان موسیقی پیشکش مینماید. آدرس: مارکیٹ جمہوریہ

خوله در دهه نهمه فنی مرستیال
به جوکی کیده اولی و . اداری
مرستیال جس دانه جوکی بی د
خان منلی حق باله به خیسل
بخوانی دترکی بی دریاست
بول صلاحیتونه به خان بسوری
و تنل . له بیل خوا اداری او
فنی مامورین هم له دیوید او پرو
نخه کم نه وو . خک جس دیوتن
به ریسرکید لو سره دیولو به
جوکی او بستونوکی تغییراته .
که حیره فنی مرستیال رییسر
شوی وای نو د فنی خانگی د -
پنجواکونانو د تیره کولو موسی
مد برد فنی مرستیال جوکی او
بست تراسه ناه او د همسه
مرستیال به به خبله د موسیسی
مد بریت جوکی وریاتی و . حس
به دی لول تروریستی مامور
جوکی درنه حق خبل حقدارته
رسیده .
دعمی وخت و جس دلور مقال
له خوا د سرپرست رییسر مسکوب
د ارنشیف مد بریت ته راو رسیده .
مسکوب مخکی له دی جس بخبله
د ارنشیف مذ بری و گوری . ه هغه
مامور باکت حریبری کر یو او د
مسکوب متن بی لوستی و کلمه

جس د ارنشیف مد بروکوب دیلوس
له مسکوب سره یونای بی د خیلی
ایناه کاری بیستهاد هم له میز
خان راه اوست ایوه د اس حال
کی جس در ریایت خندا بی به
شونو و خبره و . د اداریسر -
ستیال د دستر به لور و خویده .
(لوسونکی دی د خوشیو
له باره یوست موزیک و فتر وی)
نصاق : د رنولوسونکو (ناسی
خه فکر کوکی جس به مسکوب کی به
خه لیلیکی وی . د ارنشیف مد بر
دخه شی له باره د خیلی ایناه
کاری بیستهاد له مسکوب سره
یونای اداری مرستیال ته بیور .
ایاد ارنشیف مامورین له خیسل
مد بری خده مخکی بی مسکوب
لوسنکی و فنی مرستیال به له
موضوع خیر کر کی او که نه ؟ او هم
داجس دریاست جوکی به د خا
به تعیب وی .
د اهنه بویشتی دی جس د
برله بیس داستان به درسه
اوروشتی برده کی جس به را -
رتلونکی که کی به خبره شی حل
کند و نکی دی . اورنو د خدای
به اما ن . روغ او حونج حال
اوسسی .



موکیش

از دنیای مود...

(بقیه از صفحه ۵۰)

شهرت را با خود همراه ندارد. هر (ثبت امان) (رگبی گانکر) آسمان سینما را می‌تواند ببورد.

در سینمای هند، مودل های فراوانی مرخص وجود کردولی به عدم توفیق خود واقف دیدند. اما در این مجبوره ((سنگیتا جلائی)) نام پر درخشش و استیلا کاشده ایست که از دو سال بر سکون موقعت ششم مهر قلمرو سینمای هند حکمفرمای میکند.

او از مدت‌ها به این سوقاضای فلما سازان راستورد میگرد برای اینکه علاقه بی چندان برای بازی در فیلم ها در خود احساس نمیکرد و از جانب دیگر نمیخواست از زین مقام اصلی اش که سخت به آن علاقتد بودتجاشی کند. چه او از اتصال به این طرف یگانه مودلی بود در عرصه نمایش لباسهای که مودم او را ((چراغ)) - خطاب میکردند و در این دایره از شهرت فراوان بر - خوردا بود. ولی سرانجام به نام سینماگران افتاد. در جهان فلمبرداری فلم ((قاتل)) که تمهین یک رقص رابا ((انیمه پنچولی)) منمود، در گرو صحت شد و در برابر یک سوال گفت:

((به پیشنهادات و تقاضاهای سینماگران ظهور در پرده سینما کوچکین علاقه مندی احساس - نمیکردم برای اینکه در قبال کارم به عنوان ((مودل)) شهرت، مصیبت و ثروت فراوان حاصل بود از اینسرو مودلی نبود که مرابه سینما متقابل بمازدولی حالا دیگر شده که شده)).

((سنگیتا)) نهایت پاکیزه، نظیف، خوش لباس و خوش ترکیب است که در برابر هر سوال با کساد و دهن و تواضع لب به سخن می کشایدولی هر گاه در سبایل شخصی او سوال دویزنده، آن وقت مثل کرم ابلهش که خودش را در تارهای باهک تنیده اش سخن میکند، او هم خودش را در لابلای حرف ها، کلمات می بیچاند.

هنگامیکه ((جی، پی، دت)) یکی از کارگردانان مشهور، پیشنهاد بازی را در فلم ((هتیار)) به عوض ((دمیل کادیا)) به وی نمود، او از تومن غیرورتکبر فرود آمد و این نقش را بیدهن پذیرفت در حالیکه تا قبل از آن هر نوع پیشنهاد را قاطعانه رد میکرد. انگیزه این پذیرش را ((سنگیتا)) این طور توجیه میکند:

((نزد من)) (دت صاحب)) یک کارگردان توانا و آگاه است از اینرو پیشنهاد او را احترام گذاردم ولی تصور نمیکردم که بعد از این پذیرش، در موقعیتی قرار بگیرم که حساب تراراد های بازی در فلم ها برایش شکل شود و کار و بار فلم سازی در قلم هامش شکل تر از آن.

در حال حاضر ۲۴ ساعت در شفت های منتظیف صرف استم برای بازی در فلم هاییکه تراراد آنرا قیلا بدون سنجش اشاف کرده ام. شما باور کنید در این اواخر در عرصه فلسفی که قرار داد میشود، دهکی آن پانزگرا اول من انتخاب میشود تنها با ((سنی دت)) و ((متن چکورتی)) هشت فلم در دست تهیه دارم.

بقیه در صفحه مقابل

بقیه از صفحه (۲۱)

سرانجام آهنگ در کوشش نخستین، بدون آنکه ضرورت به باز خوانی بیافتد، ثبت شد و در فضا میلودی ((راگ درباری)) (دل جلتاهی توجلی دی) پیچید. عمه موکیش را با سیگل عوض گرفتند و ((انیل بیسواس)) به موکیش توصیه کرد تا زمانی که قسا در به کسب هویت مستقلانه در آواز خوانی شود از سیگل بجزدی کند. این آهنگ موکیش را به اوج شعسرت رسانید.

تمرینات اساسی زیر نظر ((جگه نات)) به آواز موکیش نریش ضروری را برای سرودن میلودی های ریتماتیک داد. اکثر آهنگهای راکه در آن زمان خوانند بشهرت رسیدند، ولی آواز ((پ))، موکیش از عبق گلپوش اداه میکرد، بطوریکه قسمت های حزن آلود آهنگ مطول شده غم ازان میتراود. ادای آوازهایی طولانی یک بدیده نسبی است، ولی در مقامیسه با سایر آواز خوانان، موکیش توانایی محدود در کشیدن چنین آوازها را داشت. در بسیاری حالات حین ادای آواز های طولانی صدا را بیشتر از طریق بینی اداه میکرد، لکن اینها را کمپوزر ها به اغراض مینگر بستند و راضی بودند که موکیش را نسبت به عکس دیگری دارند.

((شیروراجانی سلوا)) نقش اساسی را در شهرت رسانیدن موکیش بازی کرد. شهرت او بین سالهای (۱۹۴۸-۱۹۵۱) زمانیکه نزد یک به یکصدوسی آهنگ را در ظرف چهار سال سرود برقی آسایود. بعد از لحاظ تعداد آهنگهای موکیش به رکورد مواجه شدند. چنانچه در ظرف هفت سال مابعد یعنی تا (۱۹۵۸) وی پنجاه و پنج آهنگ سرود که خوانند نهایی فلمهای ((اه))، ((سری ۴۳)) و ((ده هوماتی)) از شهرت نوی العاده برخوردار شدند. فلم ((معضوفه)) شاید یکی از بدلا - یل این رکورد باشد، زیرا برود یوسر فلم با موکیش به توافق رسیده بود که تا پنجایش گذاشتن فلم ((معضوفه)) او نیایست آهنگ تازه برای فلم دیگری میسرود. فلم ((معضوفه)) که در (۱۹۵۳) به نمایش گذاشته شد، زمان طولانی را در برگزنت تا تکمیل شود. با استفاده از همین فرصت رفیع و طلعت سبقت جستند، در سه سال (۱۹۵۰- ۱۹۵۴) رفیع دو صد و شصت آهنگ و طلعت بیشتر از یکصد و شصت آهنگ خواندند. دلیل دیگر در این رکورد شاید ترجیح کمپوزر های مورد علاقه موکیش مانند ((روشن))، ((انیل بیسواس)) - ((شنگر - جکشن))، ((راتی)) و ((نوشاد))

به دیگر آواز خوانان بوده باشد. دلیل هر چه بوده موکیش از پس این اجماعات باشایستی بنا آهنگهای فلم ((یهودی)) در (۱۹۵۸) بد ر شد. بازیکر فلم ((یهودی)) دلپ کمار که همیشه در - فلمها آواز های طلعت و رفیع را با سنگ میکسرد اصراوی و وزید که قبل از اجرای آن از شنونده ها نظر خواسته شونده. شنونده ها عمه با اتفاق هم به موکیش ارج گذاشتند.

وقتی ((بعالت رام)) و ((رام چندرا)) موکیش وارد کردند وی خم به ابرو نیاورد. به موکیش هیس چیز بیشتر از یک آهنگ خوب که منظم مانسند نظم عقربه های ساعت سه سوراخش می آمدند، ارزش نداشت.

با گذشت زمان کهنه کاران جهان موسیقی هند یکی پس دیگری یاد شدند. وقتی موکیش آهنگ ((الوداع الوداع)) را در (۱۹۶۵) سرود در واقع وداع اشک الودیا ((انیل بیسواس)) و ((موتی لال)) بود که برای آخرین بار کار مشترک شانرا انجام دادند.

با انکشاف وسایل تخنیک در سینما، موسیقی در فلم هانیز مد رتیزه شد و آرکسترهای کلان با آلات جدید موسیقی بکار گرفته شد ولی موکیش مثل همیشه بدون تغییر همانطور ساده و بی تکلف باقی ماند. آهنگهای زیاد با موسیقی دایرکتوران چون ((لکشی کانت - بیاری لال))، ((سلم چودری))، - ((کلیانجی - اندجی)) و دیگران خوانند که برخی از این آهنگها با لطف خوشی که دارند ماندگار شدند. زیاد ترین آهنگهای رابا ((کلیانجی - اندجی)) در فرستی خوانند که آنها در آریسه بهترین نمایشان فرار داشتند.

یک دهه پس از مرگ موکیش به این واقعیت متوجه می شوم که این تعداد آهنگهای موکیش نیست که اسطوره او را جاویدانه نگه داشته است بلکه این صمیمیت وی آلیشی آهنگهای او که آنگده باغم اند دلیل جاوید انگی آنهاست.

وقتی معجزه موکیش را به ازایی میگیرم تا قبل اعمیت است بخاطر بیایرم که مانند آهنگهای سینگ وینک ملک یکصداد زیاد آهنگهای حزن آلود موکیش مستقلانه بدون ذکر نام کمپوزر ها و با قلم هاییکه این آهنگها برای شان سروده شده اند، در آن ها شنونده ها باقی مانده اند و آنها را محفوظ می سازد، و این به نوبه خود سیاس و - امتنان به خواننده بی است که آوازش قدرت تداومی خاطرات شاعرانه روز گاری را دارند که نمران سروده شده اند.

آشیان بزرگ ترمیت‌ها



بزرگترین آشیان ممکن
ترمیت‌های استرالیاراداشمندی
بنام ستین بیوان در جنگل‌زاری
که در ۱۷۰ کیلومتری داریسین
موقعیت دارد کشف نمود.
ارتفاع این ساختمان بزرگ
به ۶،۷۰ متر و قطر محیط آن به
۷۳۳ متر می‌رسد. این آشیان
آشیان عظیم دانشمندان این
ساختمان‌ها را چنین مسمی
نموده‌اند (چهار میلیون ترمیت
زاد خود جاداده است. آنها
شبه مورچه‌گان در یک نظام خوب

ما زمان یافته، حیات بسرمیرند
حتی در مناطق، شهرهای نیز
از این ترمیت‌ها وجود دارند.
دیوارهای ساختمان‌های بعضی
از این انواع به حدی محکم ساخته
شده که تخریب شان تنها بوسیله
ابزار خیلی قوی میسر است و پس
این حشرات همه چیز را می‌خورند
و این کارسالیانه ملیونها خساره
وارد می‌نمایند.



ازینجا و از آنجا

و یا سال‌های مینویزه به ظهور
می‌رسد.
ولی همچنان انجم‌زنده‌گی
جنسی نیز اسباب بدیده کلیمانی
(عقد و گزنگی روانی) را فراهم
می‌آورد.
منتها مرد هانیز می‌توانند
از نقطه نظر زندگی جنسی منجمد
باشند، پس چرا آنها دست
به سرقت نمی‌زنند؟
روانشناس هامبورگی بنام
زیله ویبر در پاسخ می‌گوید:
زنها بیشتر ناخوشی بوده و کمبود
عاطفی و جنسی رایج و عیاشی
در آن احساس می‌نمایند، در
حالیکه مرد هاندت عاقل‌امو -
خته‌اند که چگونه عواطف خود
غله حاصل نموده و مانع بی‌روز
ان گردند. مرد هانیز تریباری
های جنسی مبتلا میگردند.
نباید از نیراند اخت‌که
زیون یعنی دزدی رعایت -
خاطرمی بخشد. در جریان
دزدی انرژی تشنج روانی از او
شده کشیده‌گی و گزنگی انباشته
شده از میان برداشته می‌شود.
و بالاخره انگیزه رعب و وحشه
که از ناگهانی ترس میان می‌آید
با احساسات لذت‌آور جنسی
می‌تواند ارتباط داشته باشد.

دومین نفر معروف به سرقت
چیز شده‌اند.
رعیت بیشتر در دزدی -
اجناس از قبیل، عطریات، لوازم
آرایشی، زیورات، ریکاردهای
موسیقی، فرآورده‌های چرمی
والیه سود ریز که بی‌بزه مسود
یستند خان‌ها قرار دارند، دید
می‌شود.
رواقعا خانها، با وجود
اینکه در مقایسه با مرد هانکشر
مرکب جرم می‌شوند، به اصطلاح
در بالا رفتن دزدی مقام اول را
احراز مینمایند.
در اطری منتشره وزارت عدل
ریاست نورد اینوست فالن آلمان
غرب چنین آمده است: ((در
دزدی مغازه‌ها زنان و مردان
نسبت ۱ - را بخود اختیار نموده
که عدد بزرگتر مربوط زنان است))
علت آن چیست؟
روانکوی از دوسلدورف بنام
داکتر هانس یواخیم شوین،
هرمون‌های زنان را مقصر شناخته
و می‌نویسد: ((عقد و گزنگی
های روانی در رابطه غلی
با اختلالات غده‌ای قرار دارند
که در مراحل نوجوانی (۱۲ -
۱۶ سالگی)، قلعه‌گی، حمل

بازی با ترس

هر دو مین تشخیص بازی با ترس
را انجام داده است. از تحقیقی
که در شهر هامبورگ آلمان
فدرال صورت گرفته، روشن
میگردد که چرا تعداد کثیری از
زنها در مغازه‌ها به دزدی می
پردازند. ((نورا برمن چیروگی
یافت و خطر را در جیب پنهان
کردم))، اهتراف ویژه و تهیه یک
زنی است که در فروشگاه‌ها به
دزدی می‌پردازد.
زیون اجناس گسترش
نییابد و طوریکه تازه ترین آمار
نشان میدهد (۲۰۰۰۰۰ -
مرتبه در سال، باشندگان
آلمان فدرال دست به سرقت
اجناس مغازه‌ها می‌زنند و این
تعداد فقط انعامی را در برمی
گیرد که ابتدا بدستگیر شده‌اند.
طوریکه تجارت برچون
فروشی وانمود کرده، تعداد
واقعی انعامه‌الی بیست برابر
بیشتر از عدد فوق الذکر است.
از برسن هم گمانی که در
شهر هامبورگ بعمل آمده، هر



از دنیای مود...

بقیه از منحه مقابل
در خصوص اینکه در بیست‌فلمی که ((امتا بهر))
فعلا روز آن کار می‌کند، دزدی از آنها، نام ((سنکیتا))
خوانده نمیشود و مطلب قابل توجه است:
نخست اینکه هنرپیشه‌ها از تازه‌کار به قدری
صروف‌اند که هر یک از آنها از بیست تا سی فلم در قلم
قرارداد دارند که مابه‌انصراف فلانسان از آنها
میشود.
دو دیگر اینکه ((سنکیتا)) انقدر جوان و شگفته است
که همبازی شدن آنها ((امتا بهر بچن)) هیچگونه
ظرافت هنری را ایجاد نمیتواند.
مگر در هر صورت ظاهر این دو، در پرده فلم
انقدر هابمید از امکان نیست. ((سنکیتا)) در این
مود می‌کشد:
((آرزو دارم به عنوان یک بازیگر خوب مقیم
برای خود کماش کم هر این طرز تلقی که، می‌کنند
(مودها)) هنرمندان خوش‌آزای در نمی‌آیند و
خط بطلان یکم تا دیگر گشته شود که ((مودها))
مودل‌اند و جسم‌های غیر متحرک را مانند
اگرچه در فلم ((هتیار)) ظاهر شدم ولی فلم
اولی من ((قاتل)) است که بی‌صبرانه منتظر مکرر العمل
مردم در برابر هنرمندان ام می‌باشم.
داستان این فلم پر از فواض و چیدگی‌های بیست
که از لحاظ اصطلاح سینمایی میتوان اثر انگده از
(سنیس) خواند))
به عقیده ((سنکیتا)) بین هنرپیشه‌گی و مودل
بودن چندان تفاوت قابل ملاحظه وجود ندارد.
او می‌کشد: ((بین این دو حرفه، یک تفاوت کوچک
موجود است و آن اینکه در نمایش لباس‌ها یک محصول
به معنی فیزی قرار می‌گیرد در حالی که در سینما
تخیلات یک نموده، خلاقیت کارگردان، مهارت
کامه بین به صورت یک مجموعه توسط هنرپیشه
موضه میشود.
اگرچه در فلم‌های هندی رهموضه نقش حساس
برای یک هنرپیشه، به ندرت محسوس میشود ولی
تلاش خواهم کرد تا چنین نقش‌های را در بام))
((سنکیتا)) فعلا حدود پانزده فلم در اختیار
دارد که آنها را طی یکماه اول سال محسوس قد نموده
است.
اگرچه در این‌واخره داستان مشقی ((سنکیتا)) با
(آسیانان) روی نماند ولی او موع را اینگونه
جلوه میدهد:
((در زنده‌گی من فعلا هیچ مردی سایه
ندارد. اگر کسی نایبانه به من مشق می‌ورزد
مرا دوست میدارد باید تا زمانی انتظار بماند که
به آرزوهای که در قبال بازی در سینما دارم موقانه
نایل آیم)).

بدنیست اگر بدانید

بیشترین ورزشکاران هنگری در تیم های خارجی عضویت دارند، همین اکنون ۱۸۰ ورزشکار هنگری در کلوب های مختلف ورزشی چهار قاره جهان ورزش می نمایند، که بیشترین آنان را فنبالیستها بعد از هند بالران، والیبالران، بیسبال، یانک بازان، وواترپولسو تشکیل می دهد، و ۷۰ فیصد از عایدات ورزشکاران به کلب های مربوطشان در هنگری انتقال داده میشود.

XXX

الینیت معروف ایتالسوی نخستین انسانیت که ۱۴ قله کوه یورست را فتح نموده است، او در نظر دارد قله ۸۵۰۱ متری یورست را تا قسمت جنوبی تسخیر نماید، تا حال هیچکس قادر به چنین کارنگردیده است. ورزشکار ۴۳ ساله به خبرنگاران اعلان نمود که در سال جاری در کوهنوردی بگرنیز او را همراهی خواهد نمود.

XXX

فدراسیون بین المللی باسکتبال بزرگترین مؤسسه ورزشی جهان است که ۱۷۲ کشور عضویت آن را دارد و در آینده قریب نیم های باسکتبال بعضی کشورهای دیگر چون تانکسو، موناکو، ایسلند و بعضی کشورهای دیگر نیز جدیداً عضویت خویش را در کمیونیکس فدرترکزی اعلام نمیدارند.

فدراسیون وسیع و بزرگ است که در سال ۱۹۱۱ ابداع و انداختن مسابقات بسکتبال از صدمین سالگرد خویش تجلیل بعمل می آورد.

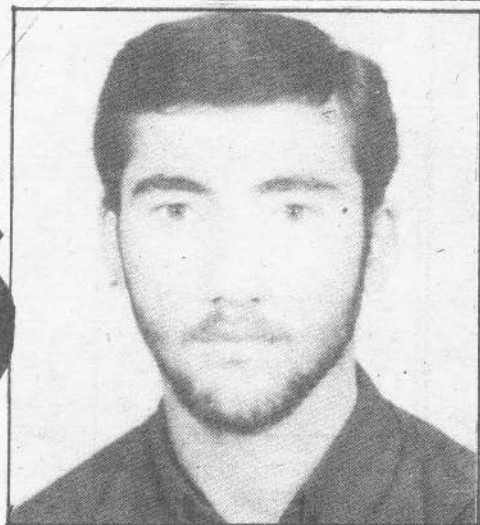
زمینه والیبالر

* زمینه ورزشکار مکتب نمبر ۱۴ مکرویان :

تمرینات ورزشی ما پیش از وقت درسی میباشد و باعث عقبمانی دروس مانی شود، در فستیوال جوانان و تورنمنت های بهاری و خزانسی مکتب ولیسه های دختران جای اول را کسب نمود، ام مشکلات عمدتاً مانع از میدان و لوازم سپورتی میباشد، معلمان ما نسبت به سپورت اهمیت خوب ندارند با ما برخورد نادرست می کنند که شاگردان تنبل و بازیگوش هستیم، غرض بهبود وضع ورزش به مشکلات ما رسیدگی صورت بگیرد، و در زمینه تهیه لباس و عرصیه ورزشکاران را کمک نمایند.



ورزشی



قوی ترین

مصاحبه از منیره

ناصر هوتکی ورزش

در ۱۱۳ آن سیک بومسه و در ۱۴ کشور سیک هیانگ رایج است. در تیم کواندو به عکس سایر ورزشهای رزمی مانند کاراته و کانگو ۸۰ فیصد حرکات روی باها استوار است و هر ضربه یا قدرت معادل پنج ضربه دست را تولید میکند.

در کشور ما شمار زیادی از جوانان به این بازی روی آورده و کلب های ورزشی آن را ایجاد نمودند. استاد تریگرکپ ((تی کواندو)) سه ((محتدم عبدالناصر هوتکی)) است.

خواستم تاباوی بیرامسون کارش صحبتی انجام دهم، موصوف چنان شخصیت گیرایی دارد که

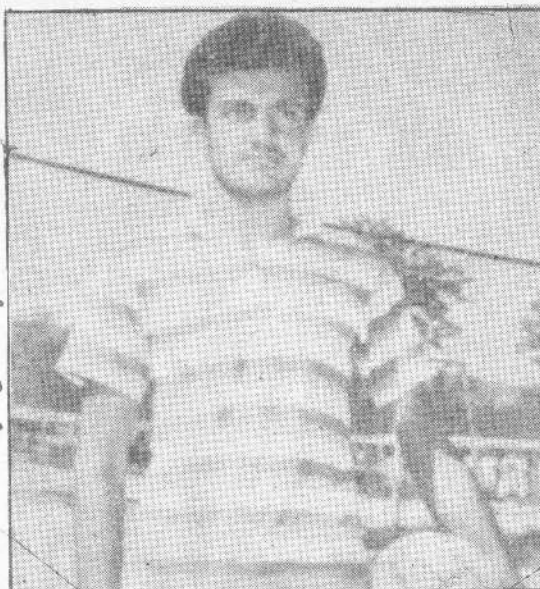
ورزشتی کواندو در جهان به عنوان کامل ترین و قوی ترین سبک دفاع از خود شناخته شده است. این بازی برای نخستین بار در کشور کوریا جنوبی بوجود آمد که کاملاً مجزا از کانگویی چین و کاراته جاپان است و فعلاً به عنوان یک ورزش عصری و بین المللی در شراسرد نیابنداشته میشود. تی کواندو از سه کلمه کوریا یعنی (تی) ضربه زدن و جهیدن با یا (کوان) به معنی دفاع کردن و (دو) به معنی روش مشکل است. این بازی دارای دو سبک شناخته شده است. تی کواندو و هیانگ و تی کواندو و بومسه میباشد و از جمله ۱۱۷ کشوری که این ورزش در آنها معمول است

از چشمانش مهر و حوصله میبارد، وی با قدرت و لوازمی به حرکات پسران تمرین کننده مینگرد، او باورمند فردایی درخشان شماست. از جابجایی می خیزد تا حرکت نادرست یکی از پسران را اصلاح کند، یک بای خود را بلند مینماید و دست خود را به عقب برده به اندازه دو متر بلند

همایونج باسکتبالر

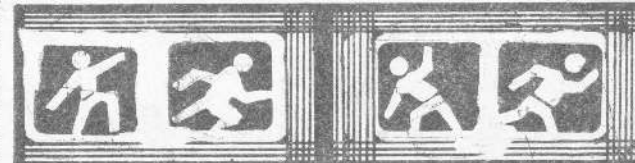
* در میان چهره های ورزشی جوان مکتب شهریکی هم همایون باسکتبالر لیسه انقلاب است ، وی سرنیم مکتب خود است اوصاف یک ورزشکار خوب را چنین بیان نموده است :
 ورزشکار باید جدیت ، تکلیک خوب و بازی ماهرانه داشته باشد .

وی در مورد موفقیت های خود گفت : اشتراک در همه مسابقات دارم و در سال ۱۳۶۲ ، تیم مکتب ما در ناحیه مقام اول را حایز شد . راجع به مشکلات شان در زمینه ورزش مورد علاقه اش - میگوید : لباس مناسب ورزش ، توپ کرکچ ، - عصریه ، اینها همه نیازهای است که شاگردان برای پیشبرد امور ورزشی بدان ضرورت دارند .



درخشانترین چهره های ورزشی آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۸

به اساس نظر پرسی سالیانه آژانس خبری پرسنالاتینا ، هاوسر سوتوما کیویا ، برجسته ترین ورزشکار خیز بلند امریکای لاتین در سال ۱۹۸۸ بوده که جایزه این آژانس برای بهترین ورزشکار مرد امریکای لاتین را برده و - همچنان سیلویا پول کوستاریکایی در آب بازی جایزه مجله پرینسا را درین عرصه بدست آورد .
 در جمله ده ورزشکار خیلی هاسا معروف یکی هم دیگوارماند و - ماریادونا از کشور آرژانتین در فوتبال ، دیگوری اتانید پلینا کیروت ، از کیوبا ، در دوش ۴۰۰ تا ۸۰۰ متر استند .
 و اما در مسابقه پرند هاسا ، طوطی آرژانتین در نمایشی در نزدیکی شهر بنکاک بیشتر از همه قطاران خود نظر تماشاگران را جلب کرد ، این پرند ه بزرگ از جمله چند پرند ه تربیت یافته در تایلند بود که با مهارت های هیجان آورو حیرت انگیز خود تماشاگران را به شورش و شغف در آورد .



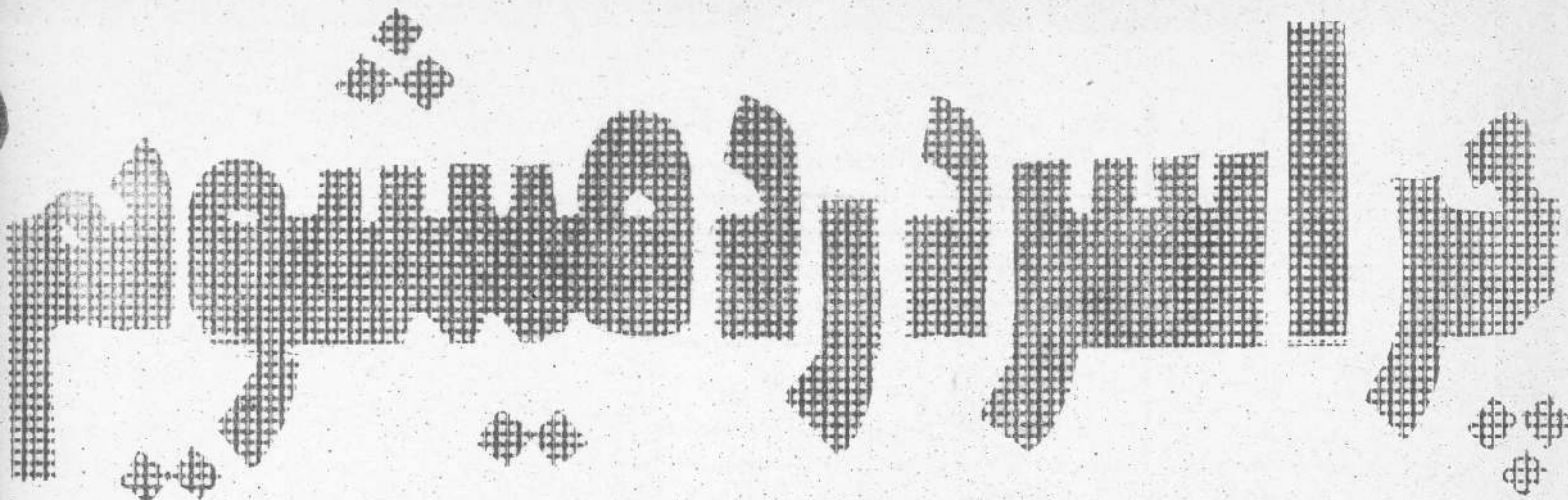
سبک فاع

بازگشتم و کلب ((تی کواند و پوسه)) را ایجاد نمودم .
 از جمله شاگردانم هفت تن کمربند سبز ، بیست و سه تن زرد و بیست و سه تن سفید گرفته اند ، من میخواهم هر آنگاه که در مدت پنج سال تعیین موخته ام به آنها منتقل سازم برای شاگردانم بر علاوه تی کواند و طریق استفاده از سلاح های سرد مانند نان جیکو ، زنجیر ، چوب د راز ، شمشیر ، سامورایی ، پرتاب چاقو و پرتاب میخ را نیز می آموزانم ، فعلا به جز کار در کلب که ام مصروفیت دیگری ندارم ، چون امتحان کانکور پوهنتون را گذرانیده ام ، امیدوارم سال آینده به پوهنخی طب کابل تحصیل کنم ، در اخیر به امید موفقیت های هر چه بیشترش با وی خدا حافظی میکنم .

معلومات دهد ، اود زمینیه اینگونه آگاهی میدهد :
 ((برای اولین بار در صنف نهم مکتب به ورزش بوکس روی آوردم و مدت دو سال تحت نظردرم این ورزش را موختم و سپس نظر فعلا - قه بی که به ورزش های زینیه داشتم به تی کواند روی آوردم و در سال ۱۳۶۲ نظریه عواملی به کشور ایران رفتم و در آنجا تحت نظر ((قدراسیون ورزشی ایران)) موافق به اخذ کمربند سیاه شدم و در ضمن مربیگری کلاس رانی نیز تعقیب کردم ، در آنجا با رهسا در مسابقات اشتراک ورزیدم چهار بار به کسب مقام اول نایل آمدم که غمه اسناد آن نزد من موجود است ، در سال ۱۳۶۶ به وطن

چهره جوان تکواندو

میود ، پسرانی که همه مجذوب حرکت او شده اند ، به دورش جمع میشوند و وی به تشریح حرکت خود میبرد از .
 بعد از اینکه تمرین آنها ختم میشود به وی که جوان بلند قامت و موهوبی است نزدیک میشوند و صحبتی بعمل می آوریم و میخواهم تا پیرامون آغاز کاروسا پر مصروفیت های شریه من



دیدن بعضی تصاویر، استفاده

از عینک‌ها و کلاه‌ها

بعضی تصاویر سردی

ترجمه ستانک

چه چیزی موجب حمله میگردد؟ سردی یا گرمی زیاد، کار بیش از حد یا خواب ناکافی، میگردن میتواند بعد از ماندن زیاد در بوسه اطاق دلتنگ کننده یا مبلوازدودیه وجود آید، نقش صده رادر زمینه حالت روسی بیمار بازی میکند. شکل اصلی حمله چگونه است؟ خون از هر دو سمت از طریق شریان های قوی سیات (شاهرگ ها)، چه داخلی و چه خارجی به سر میرسد، حتی جریان ثابت خون در شاهرگ میسر میشود دفعاً از طریق سیستم - شریان های داخلی و خارجی باز-توزیع شود، در مرحله نخست، افزایش سیخ جریان خون در شاهرگ داخلی بوقوع می پیوندد که با این کار آنه عمل رساندن خون به بخش های دیگر دماغ بهبود حاصل میکند. این کار بعد چشم و شنوایی را خیلی نیز تقویت میسازد و فعالیت عمومی بدن را پیرایه سه مرتبه میسازد، همزمان به آن، جریان خون در مجاری متسع شده شریان سیات خارجی (شاه-)

یکی از معمولترین علل سردی دردی صرف الکل است، شریک الکلی نشان مخاطی بدن را میسوزاند و در جریان عبور از مری آنرا نیز سوزناکیده و به داخل معده میبرد و از آنجا به جریان خون داخل شده و در سر تا سر وضعت انتشار مییابد. تمام اعصاب و مجاری به سم خوش بعضی کمتر و برخی بیشتر از آن را میگیرند، حساسترین آنها در مقابل الکل حجرات حسی و مجاری مغزی است و گنگه میشود که معوم شده اند، این حجرات و مجاری خیلی زیاد دچار اختلال شده و جریان خون مغزی به هم خوشرا از دست میدهد و برخی از این مجاری تا اندازه بی منقبض گردیده و بعضی دیگر اتساع پیدا میکنند. همینکه تا شیر الکل از من رفت زمانیکه وضعت بسختی اثرات انرا خنثی میسازد، مجاری برای یک مدت طولانی در حالت غیرمادی باقی میماند ولی دقیقاً باید توجه کرد که بازم همین مجراهاست که دوران مایع فقراتی مخ و فشار روی زوهای مغزی و همچنان بالای خود راتا همین میکند، در چنین یک حالتی چه چیزی را میتوان انتظار داشت؟ بهترین چیزی را که باید انتظار داشت سردردی یا احساس سنگینی در سراسر است.

رگ خارجی) متاسفانه بطور آتی گذر می شود، صورت بیمار به سرخی میگرداند این نشانه یک حمله محسوب میگردد و در واقعیت امر نخستین مرحله میگردن است. مرحله دوم بیماری باعث پائی توزیع سیخ دیگر جریان خون میگردد و در این حالت صورت بیمار رنگ باخه بنظر میرسد، زیرا انجاری سیستم شاهرگ خارجی تنگتر میشود، در این حال، مجاری مربوط شاهرگ داخلی بطور آتی منقبض شده که دقیقاً موجب سردردی میگردد. حادثه این تغییر در مجاری زوده های دماغی به مشاهده میرسد و بالای گیرنده های درد حساس میگردد، سردردی غیرقابل تحمل میگردد، این تغییرات در مجراها

همچنان فشار داخل جمجمه بی را بالا میبرد، در نتیجه برای بیمار بعضی پدیده ها استوار است دست میدهد که به تمهید آن حمله صلا به پایان میرسد و این حالت است که مایع اضافی دیگر از بدن خارج شده است، کاهش دوشار سلول اتفاق می افتد و استقامت لسی تا حدودی در زوده های دماغی از بین میرود. اینست آنچه بدن بخوش کک میکند ولی بدبختانه صوف وقتی این کک میسر میگردد که تهبانی حله رنج نهادی را متحمل شده

در مرحله دوم دواهایی که موجب تنگ شدن مجراها میگردد - اسامه میتواند حمله را برطرف سازد ولی بهتر است از وقوع حمله جلوگیری بعمل آورد بهترین راه برای این کار غسل پاها با آب گرم است - هم چنان بهتر است دستان را در آب خیلی گرم غوطه وریخت - پلاسترو مرهم خردل میتواند تا شهرشاهی داشته باشد - تجهیز مقدار کم ادویه های انبساط دهنده مجاری - (صنایع پ پ ، پایا وین و غیره) برای یک مدت طولانی میتواند در راه مقابله با نخستین حمله تنگن با تنگتر ساختن مجراها مفید و سودمند تمام شود .

ولی طبعاً جلوگیری از مسکون همچنان شامل رژیم درست منظم - خواب ، استراحت و تغذیه و تفسیر اجزای تمرینات جسمی و حتی - پرورش و تربیت مجراها میگردد .

تصاویر، مثال ها ، منک ها و کلاه های شب پوش

از سالهای خیلی قبل یعنی زمانیکه هنوز مصل بودم داستانی را که از طرف یکی از استادان مادر - باره داکتران معروف شوروی و - قدرت قابل ملاحظه شخصشان قصه کرده بود بخاطر دارم - این قصه در باره داکتر معالج و معروف پروفیسور ماتوی مودوروف است - یک روز زمستانی در اوایل قرن نوزدهم از جمله تاجرانیک در کپلین مسکو کار بهار مغازه داری را پیشه کرده بودند ، مغازه داری نزد مودوروف مراجعه و از سردردی های شدید شکایت میکند ، بعد از معاینه پروفیسور از بیمار میپرسد ، ((از کدام مدخل به مغازه ات میروی ؟)) بیمار میگردد ، ((از مدخل سیاسکیا)) . داکتر به بیمار توصیه میکند ، ((از - امروز به بعد باید از طبقه مدخل بوروئیسکیا داخل کپلین شوی)) با این کار سردردی بیمار برطرف میشود ، بعدها از پروفیسور ملت را می پرسند زیرا سردردی ها با اظهار نظر یا سلمه با شهرت داکتر که - تدایون نمیشد ، توضیح داکتر -

مودوروف خیلی ساده بود ، در آن روزها بهر آنی مدخل سیاسکیا - مثال حضرت مهیم را اوختند بودند . این تاجر با مودوروف مدخل بمجودیکه پیشش به مثال می - افتاد ، کلاهش را بر می داشت و بدین ترتیب سوش خنک میخورد ، بهر آنی مدخل بوروئیسکیا چنین مثال می وجود نداشت .

چنین بنظر میرسد که عمدتاً سردردی های تاجرانیک از بیماری ضلالت کوچک و نازک واقع در حشره های موجوده است ، هرگاه تمام اینها آنا منقبض شوند ، طبیعتاً میگویند ، می ایستند یا بلند میشوند در وقایع بیماری های التهابی و - خنک خورده گی ها این ضلالت دچار درد شدید میگردد و چنان تصور میشود که تمام سردرد میکند . باری این یک بیماری خیلی معمولی بود ، بخصوص در موسم های سرما در اخیر شب بخاری ها و همراه با آن اطاق ها خیلی سرد میگرددند - کلاه شبانه محض جنبه نشن رادر بر نداشت بلکه آنرا همچنان بعلم کاملاً دقیق طبی توصیه میکردند - این روش معالجوی آزمایش شده - زمان میتواند حتی امروزه با نورمال نگهداشتن دوران خون در فسیح سردردی ها سودمند و موثر واقع شود . این کلاه شبانه بایست سبک و بقدر کافی بزرگ باشد ، در ضرورت منطبقه نفس در پوست سر - متوقف خواهد شد و موجب گرمای - بیش از حد خواهد گردید ، در - صورت امکان ، این کلاه را از نشم نرم یا فانیل باید ساخت . این یک چاره ساده ولی نهایتاً موثر - وضع سردردی است .

ولی گاهیگاهی اینگونه پیشدینی ها واقعا پر ایلم های زیادی را بیمار می آورد بخصوص اگر تنگ باشد و سر را در ضیق نگهدارد و آنرا چون جالی تنگ احاطه کند یا در موسم مناسب آن پیشده نشود . محکم هستن کالهای تنگن که حرکات گردن را - محدود ساخته و بهر مجراها فشار را در

می گذختن اگر این فشار کمتر هم باشد میتواند موجب سردردی گردن نتیجه آن درد ، احساس سنگینی در سر ، گدیی در تنگن و کاهش واکنش - هاست . در تها تریا کفرانس ها انواع مایلند کالرها یا تنگن های شانسرا بست نمایند ، با این کار فوراً احکام آراش و بهبود میکنند .

اتفاقات ، سردردی هائیش از استعمال منک ها نیز میباشد ، یعنی تجهیز نادرست منک یا نرم ها که میتواند با این بینی یا شقیقه ها فشار وارد کند . در اثر آن بالائی - شریان های صدغی (شقیقه) فشار وارد میشود .

نمک و تتیاکو

باری در رشد موسم گرما بسیار زی را که در حدود ۲۵ سال عمر داشت به شفاخانه آوردند . معایناتی که انجام شد نشان داد که آب بدنش سرد و یا صایع شده است . داکتران معالج فوراً به تدایون - لازمه پرداختند و همچنان سعی - ورنه نداشتند تا او را به نوشیدن میسور سازند ، برای حفظ فعالیت منظم قلب او سعی فراوان بخرج داده شد . ظرف یک ساعت وضع دمائی اش بهبود یافت و سردردی اش برطرف شد . ولی بیمار ضعیف و ناتوان باقی ماند . چه اتفاق افتاد ؟ بهر صورت ، بیمار تنگن کرده بود .

جرم اینهنه ناراحتی بدیش - ماهی خشک کرده بود ، در هوای خیلی گرم ، مرد جوان دلش بسرای خوردن چیزی نمکی تنید ، بدون - اینکه واقعا فکر کند ، بصورت تدبیری در حدود یک کیلوگرام ماهی خشک کرده را خورده بود ، سرد احساس تنگی نمیکرد ولی فوراً - توانایی اش را از دست داد ، فشاری را روی شقیقه هایش احساس کرد و در وقت بدیش پیداشد و سوش را نیز بشدت درد گرفت ، بقیه اش را نمیتوانست بخاطر بیارود . صرف مقدار نهاد نمک در هوای

گرم زمانیکه اطراح مرق خیلی نهاد است موجب بهبود سوج آب در بدن تراکم خون ، کاهش در مایع فتراتی مع و در نتیجه باعث پلین ابتدائی در فشار داخل قحفی میگردد . ضمناً نتیجه مشابه از کاهش آنسی صرف آب نیز بوجود می آید . - انسان بایست مقدار مایعاتی را که میگیرد صرف در حدود معین قابل قبول کاهش بدهد .

اعتیاد به سکرته یکی از صده تنین عواملیست که موجب سردردی میگردد ، با گذشت زمان بقایای - تتیاکو به نه های چسب و فسای آکسیجن در واقعیت امر کاهش می - یابد ، این عمل با این مجازی سر تا شهر ناگواری دارد طبیعتاً دهک جالین مجراها در حالت تنج و در جای دیگر در حالت اتساع قرار می - داشته باشد ، بدین ترتیب در نتیجه سردردی های دوامدار دامن گیر شخص میگردد .

انادرموروتیک مایلند سکرته را ترک بکند ، نباید هنگامیکه به کدام بیماری خاد یا مزمن صاب - هستند این عمل را انجام دهند زیرا ترک آبی سکرته به عدم توان مؤثری سیستم وایی منجر شده و حالت شخص را بدتر میسازد . درین صورت باید یا داکتر مشورت کرد .

عامل دیگر

عوامل صبی در ایجاد سردردی هائش خاصی را بعهده دارد ، هر - گونه جارو جنجال خانواده گی وضع فوق العاده وحاد درجهان کارو - فعالیت روزمره حقی یک مناقشه اغشی میتواند اضطراب روسی و بارها - سنگین روانی را که موجب ایجاد وقایع مختلف ضعف اعصاب میگردد و بنام اختلال صبی وایی معروف است ، بهر آرد . افرادی دارای کرکتر های قوی میتوانند احساسات شانرا فروشانند و آنرا نزد خود نگهدارند ولی نمیتوانند اختلال عصبی وایی را که یکی از علل صده سردردی های معمول بدون ((دلیل)) است بر طرف سازند .

درسهای موسیقی برای همه

در تعریف موسیقی

قبلاً مجله سبازون سلسله درسهای موسیقی را آغاز نمود. به اداره محترم مجله نامه که بنا بر مشکلاتی انرا در نبال نتوانستیم در سال جاری محترم انجنیر صدیق قیام که در این زمینه دسترس دارند و عده همکاری را داده اند با سراز این شماره درسهای موسیقی را در نبال خواهیم نمود.

در میان علاقمندان هنر موسیقی غرض فراگیری اساسات آن تقاضا به سطوح مختلف وجود دارد. یعنی یک عده شایسته ضرورت دارند تا از الفبای موسیقی و آشنایی با مروج ترین آلات موسیقی (هارمونی، طبله) به شکل تدوین شروع کرد و بعد به دیگری شاید در جایی به شناخت راکه ها و تال و اطلاعات ترانه و غیره و بعد هم شایسته به نوشتن و تفاوت های موسیقی شرق و غرب و بالاتر داشته باشند که همه به یک بار مشکل است.

بدین ترتیب نظریه تقاضای اداره محترم مجله سبازون مستند به نامه هایی که به آن اداره رسید و ناگزیر از الفبای موسیقی شروع کم و به تدریج امیدوارم به ذوق همه تاحد امکان معلومات ارایه نمایم. تقاضایکم تا وقتند آن محترم کمک نموده یا نظرات پیشنهادی و سؤالات خویش

شکوه دلیر! نیرومند که نه باید هیچگاه فراموش شود و موسیقی های بیگانه جای آنرا بگیرد.

ولی فراگیری نوشتن به سبب غریب یا تقسیم و دسته بندی راکها و تال ها به سیستم هندی نباید با موسیقی ما بیگانه تعبیر شود بلکه سواد موسیقی است برای هر هنرمند فراگیری آن لازم و ضرور است.

همانطوریکه برای فراگیری هر زبان دانستن الفبای آن در قدم اول ضرور است به همین ترتیب در موسیقی هم دانستن الفبای آن گامی است در فراگیری آن.

قدیمی ترین الفبای موسیقی در چین و برای اولین بار الفبای موسیقی به زبان سانسگرت در هند به وجود آمد. این الفبا در چوکات هفت سر یا هفت لغت یا هفت صدا این که از تکامل سرود های مذهبی به وجود آمد بود نامگذاری یا ریخت گردید.

الفبای مذکور که به الفبای طبیعت انتخاب و به موسیقی داد شد هر یک معانی بخصوصی دارد:

- ۱- شاجده به معنی صدای طبل و صد رفته است.
- ۲- رشابد: سرود یکی برود و بنام چنگا.
- ۳- گنداره: مانند صدای بز.
- ۴- مدایاه: مانند صدای مرغ ماهی خیز.
- ۵- پنجاه: آواز ناخسته.
- ۶- دیوات: ترنم بقه در موسم بارانی.
- ۷- نشاده: ترنم آواز نیل.

همچنان یک نوع نامگذاری دیگری که منشأ آن سرود های

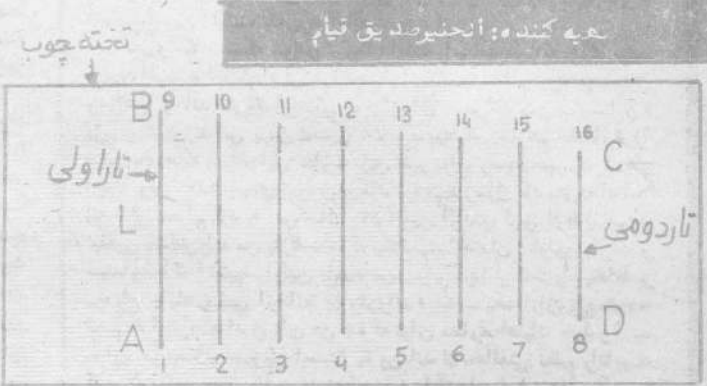
مذهبی است قرار دین:

- ۱- براتاما: تون اولی
- ۲- دیوتیا: در دومی
- ۳- ترتیا: در سومی
- ۴- چتوریا: در چهارم
- ۵- پنجاما: در پنجم
- ۶- سیتا: در ششم
- ۷- سیتاما: در هفتم

ولی در غرب برای اولین بار فیتاغورث ریاضی دان یونان به استفاده از هفت صدای فوق که در شرق مروج بود و به انگلیسی ریاضی و صوت اله موسیقی را به وجود آورد که هفت صدای هفت سر فوق به آن تطبیق میگردد و یا گفته میتوانیم که مذکور اولین بیانی ساده ابتدایی بود صرف دارای برده های سفید بقایه بیانیهای امروزی. ناگفته نماند که بیانیوت اله موسیقی تازه آراست و بعداً آرایه زبان یونانی نام گذاری کرد.

موصوف تجربه خود را آغاز کرد با استفاده از اینکه اهتزاز یا فریکوئنسی از روی دفعات فی ثانی اندازه گیری می شود. مثلاً هر قدر که دفعات اهتزاز آواز در فی ثانی زیاد باشد به همان اندازه سطح سوه آواز (زیر) می باشد و همچنین به استفاده از قانون دین:

- ۱- تاریخچه ریاضی از یک جنس مشخص باشد.
- ۲- بارگیری باشد.
- ۳- در کتب زیاد قرار گرفته باشد.
- ۴- نامبرده برای اجرای عطیه خود نخته جوی و انتخاب کرد و سبب ثابتی را به آن کوفت که نقطه مذکور را (A) نام گذاری می کنیم.



و بعداً در نقطه (B) میخ متحرک را محکم نمود و انحصار های تاری را به دو میخ B و A بسته و توسط میخ متحرک کش نمود طبعاً با تماس صدای به وجود آمد. مرتبه دوم عین تجربه نوق را در نقطه C و D نمود یعنی نقطه D میخ ثابت نقطه C میخ متحرک بود ولی موضوع مهم اینکه این بار فاصله DC طول تار AB بود. بعد از کش نمودن تار توسط میخ متحرک C مشاهده نمود که صدای تار CD و AB با هم مساوی ولی تفاوت صدای تار CD و چند صدای تار AB بود که این موضوع را شمد هارمونی های دوسره خود دیده و میتوانی وقت یکی از برده های هارمونی را فشار مید مید بطرف راست و گاهی به طرف چپ برده هشت نیز با این میشود که عین تیوری فوق است. حال طول تار سرهای دیگر بسیار مساوی پیدا میشود قسمتی نامبرده فاصله AD و BC را به هفت یا رجه مساوی تقسیم نمود بمالای نقاط ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸ میخ های ثابت را کوفت و مقابل آن بالای خط BC در نقاط ۱۰-

سیلا نوروز

میخوانم و نه آهنگ کنی پیری را
من فقط از سبک بزاد بر پیروی می کنم
با همه آواز خوانانی که خواسته
باشند من امتحان میدهم استند
آواز خوانانی که صبح شوق آواز
خوانی به سرشان میزند و شب بیدار
روی برده تلویزیون می برانند باور
کنید از طرف فامیل ها و خویش تویم
شان باران یو تلفون می آید که
آواز او را بشنوند و یاد برود گرام
کاروان حله با او مصاحبه نمود
پس شما هر ساعت و هر لحظه
در آتش حسادت سوخته آید
بسته من نسبت به کسی حسادت
ندانم ولی بر روی واقعیت نباید
پرد کشید

چرا همین استادان و وزید
نعلاد را زبانی آهنگها سبب
میگیرند؟
حالا این همه سهولیت به
دوش استادان جوان گذاشته
شده است.
بالاخره با آنچه که گفتید وضع
موسیقی کشور ما چگونه است؟
وضع موسیقی ما خیلی خراب
است. ما چارنج نفر نوازند
پس شما هر ساعت و هر لحظه
در آتش حسادت سوخته آید
بسته من نسبت به کسی حسادت
ندانم ولی بر روی واقعیت نباید
پرد کشید

موسیقی شرقی و فلکورا موقعاست
گاهی آواز خوانان ما از طریق
راد یو بخصوص تلویزیون آهنگهای
هندی هم میخوانند نظر تان چیست؟
در جواب شما به غیر از آنکه بخندم
دیگر چه میتوانم؟
حالا اخره تصمیم آخری تان چیست؟
بالاخره اگر اجازه ثبت آهنگ در
راد یو تلویزیون برام داده نشود
تبله جازیند و دهل و هارمونی
شما قبلاً به این مطلب اشاره
نمودید که امتحان آواز خوانانی
دادید و موفق شدید یکی ها از شما
امتحان گرفتند؟
استاد هاشم موسی قاسمی غلام
در امتحان ما استاد محترم
استاد هاشم موسی قاسمی غلام
نمی خلاصه که ۴-۵ تن از استادان
و وزید حضور داشتند.

کاسی جهان نما

عکاسی عکاسی جهان نما
رنگه و سبب و سفید می بدین
در شهر مزار شریف منتمس
شفاخانه ملکی شمار روزه تریب
تلفون ۰۲۲۱۴

سندی عکاسی جهان نما

عکاسی عکاسی جهان نما
رنگه و سبب و سفید می بدین
در شهر مزار شریف منتمس
شفاخانه ملکی شمار روزه تریب
تلفون ۰۲۲۱۴

زند و اولاد از بدو چه میسر می آید

و در یکی از این شبهای منحوس - چرکین و لعنتی بود که مالک آب - تلخی را برایم داد تا سیرکتش - قیلا - میدیدم که شیشه ها از شر آب به خلقم رفته - این معامله گران انسان تهنی میشدند اما آنشب در - برکه غرق شده و زنده نمی آید - کی میتوانست مراد رک کند ؟ دست و پا زان و بیخود خندیده گریستم - کی میتوانست مراد رک کند ؟ دست و پا میتوانست گشود - ام ربه من بازدهد ؟ کی میتوانست آنچه را که ازین رود شده بود ، باز دهد ؟ کی میتوانست برایم روزهای کودکی ام - مادرم - عفت دامن را ببارساند ؟ هیچکس - هیچ چیز هیچگاه - روزها و شبها میگذاشت و من دانسته بودم که وسیله مساعد در آمدن پولی صاحب است - کم کسی از مهربانی هایشان بهره میگرفت - یک روز مرا نزد خیاطی بردند و فرمایند لباس برایم دادند - لباسیکه - شایسته یک روسی باشد - شایسته بی یک زن هرجایی - لباسی که زیاد تر مورد توجه مردان و لگن و میانش باشد ، و خیاط دانست که من کی باید باشم قبل از اینکه لباس را بدوزد با مالک معامله خریدن را سربراه کردم مرابه خانه اش کشاند خانه میکند دست کسی از خانه قبلی ام ندانست و علاوه برین عده دیگری زنان روسی و بی خانسه نیز را اینجا مصروف خدمت و پرداخت جنسی مردان (مشتتری) در این مارکتی انسان فروشی بودند

فکرتی اتفاقا هنوز آفته باد و دست مگرت و مخدرات و الکل بود ، اینها محافل فحشا درسته جمعی گروهی بود همه محرم بودند ، در این خانه من به مثابه زن نوجوان به تمرین رقص انتخاب شدم و مدتی کسی گذشت و شریک شریک یا هام در سالون ها - اتاقها و حویلی هاییکه جمعی از مردان عیاشان - قمار باز و وحشی جمع بودند طنین انداخت روزها و شبهای دیگری نیز چنین گذشت با این تفاوت که هزار بار رقص ها گاه میخواستند برهنه برقص وسیله ایمن حراب را در من با شراب و جرس تقویه میکردند و بدی نگذشت که یکروز از این روزهای فحیح همه ما همراه با (خانه والای) مانعم به نجای و فحشا پشت میله های زندان رفتم - زندان این باشگاه آزادی ام - زنان محبوس را اینجا طوری به من نگاه میکردند که میشویدم - شاید با خود میگفتند این دخترک احمق بد بخت تر از ما است ، چنانیکه یک زن جوان وحشی با چشمهای همیشه از حدقه بدآمده اش میگفت : (سرماره از پشت خار) ، تعاروتها یک زن در زندان به همه داستان گذشتند ام علاقه گرفت و زنیکه به اتهام معامله گری روسی ها محکوم به حبس شده بود و مدتی را که در توقیف بودم یاد نظر داشت بی کسی ام به من زیاد کنکها کرد بجه بعد از زندانی شدنم دیگر خوشی از معامله گران خبری نبود که احوال را بگیرند بگر محبوبین (با یواز) ها داشتند و اما من جزو هر لحظه سرگردن دوساره (با یواز) نداشتم ، زنیکه از واقعیت زنده می آید ام آگاه شده بودم که آزاد نشد ولی همواره خبر را میگریفتم و بعد از یکماه منم یکروز مقامات زندان برایم اطلاع دادند (توصیه راستی و مطابق قانون) نباید توقیف بمانی و در همین روزها آزاد خواهی شد و من که در اینجا یکسال و شش ماه (کیوها) سپری کرده بودم ، خبر آزادی ام رابه همان خانم - مهربان هر مسلم که در زندان آشنا شده بودم بازگفتم و او آدرس منزلش را داده گفت بعد از آزادی با او زنده می خواهم کرد - به مجرد ورودم در منزلش که جایگاه فحشا بود ، دریافت که تقدیر چنین بوده که من نباید در واز نجای باشم ، آخر غیر از چنین جاهایی کجا میتوانست بناگاهم باشد ؟ کی میتوانست مرابه خانه اش فریاد چنین اشخاص معامله گر دادند ؟ هیچ جا و هیچکس - چرا نتوانستم خود - کشی کنم ؟ زیرا نتوانشرا نداشتم - زیرا میدانستم که از فعالیت معامله گران برای روسی ساختن دختر دیگری جام را باید برمیگردم معلومگویی میکنم

اما اینبار بعد از مدتی که در این خانه زنده می میکنم ، صاحب خانه (با همان زن) به خاطر جلوگیری از بندی شدن من و خودش سرا به عقد نکاح بسرزن که مردی بود از قماش مردان ذلیل و ست فقرت - در آورد و در پیش این نکاح من یکی از اعضای فعال گروه عیاشی این خانه شدم ، و این وقتیکه که این خانم برایم محوطه نویسیه خاطر عرضم حسم جوانم به مردان وحشی خدمت که در برابر پشت پولی شیی وساعتی را کنار سرمیکردند و من به تنهایی ناگزیر بودم ، پرداخت آنها را طوری بکم که در لندن میخواست ، وقتیکه باید بداند آن اشخاص مرضی های جنسی در وجودم از این فعالیت (با) میوزم محکوم به اخراج همه امیر خانه میشد - خانه بیکه همیشه مهمانان بیگانه و مشتربان وحشی با آن سروگردا شتند ، شوهر که اصلا در زندان زاده شده بود و بعد بی از اعضای فامیلش آنجا زنده می میکردند مرابه اینجا انتقال میدهد و دوباره ازین فحاشی میخواهد و اما حال دیگر مسرفی

بدش جنسی دانگم شده بود که باید ابا میوزیدم و کارهایی که باید در آنجا انجام میدادم ، بالاتر از توانم بود - باید زیاد تر زنجیر می گسی در میان ناگهان دین صفت ترا خودم را میکشیدم - روزها از درد و سوز سوز بالاتر از زنجیر نباید میداشتم - ناگزیر و بیکار بودم ست به دروغ میزدم ، یعنی فرار میکنم - با تقبل دهه های شوی و بی عشق راه کابینل را میپیمیدم ، در کابل هر شب را باید نزد معاند آزادی گاه در منزلی - گاه در سرسرای - و گاه در در کانی سرسرایانم ، برضی ام شدت پیدا میکردم من مرده بودم و از روی بد فون شدنم رانینا همه احساس سر رسیده می یافتم و چندی بعد دوباره راه خانه ماد روشهر را میپیمیدم ، اما بعد از اینکه تضرع برای معاف ساختنم از روسی گری میکنم و برضی ام را دلیل من آورم از توجه و مهربانی های بهترین بی بهره می شدم

این اختراع بود که وادانم به فحشا کرده بود - اجتنابیکه تنها از کثافتنهای آن بهره داشتم ، هرگز کسی ازین دعوت به پاکن بستن نکرد ، هرکسی به دست نظیر سلام دانگم بخاطر فروشی جانم و بد بختی به خاطر برداختنهای جنسی اش - و من در رانینو از نیازهای منستن - این بزرگترین اشتباه اطلاع بوده ام

د بختی نگذشت که شوهر دوباره از زندان آمد همراه چنگ بود - لیس دادند به اتهام اصلی ام (فحشا) بلکه به اتهام سرقت پول و جواهرها زخانه اش و اینبار محکوم به جارسال حبس گردیدم و دوساره زخم محدود زندانی برین تحصیل شد - محیطیکه هنوزم انتظارها را دارم ، محیطیکه در آنجا بی تفاوت ترین خبر برایم رسید ، خبر مرگ شوهر ام بود و من بعد از سروری نمودن میخانه توقیف در منزل مادرش به ادا زنده می میکنم گردیدم و کمال بعد از این آزادی کسی از طریق تلیفون عشقش را به من بازگفت - کسیکه نمیشناختمش - اولین بار در سینما و ده گذاشتم - اولین بار یک مرد برایم از عشق گفت و او بخاطر ازدواج با یک روسی از خانه پدرش رانده شد - بعد از ازدواج متوجه شدم که او توان دادن نان من چه که توان مصارف احتیاج خود را - ندارد او معتاد هیروین است ، بدون آنده که مخالفی نظرم را تایید کرد که برقص پول بیاورم ، بد تیرا در اینجا و آنجا در این محفل وان - محفل رقصیدم و اما نمیدانستم که باید برای رسیدن نیازها نامسه داشته باشم - به کشته گتورفتم بعد از شرایط لانم برایم کارت دادند - که تا حال به اعتبار همان کارت در حلقه مردان مست و سی خود چرخ میخورم - پول میگیرم و براسم ظلم را که هنوز کدک یکساله است ، بنام میدهم و به تکه های میچم ، چرخ میخورم پول میگیرم و شوهر معتادم را مرفوع میسازم

من حالا (کل بی بی) نیستم - او در دوازده سالگی مرد ، من ((سهیلا)) شده ام ، ((سهیلا)) بیکه شرم سرخروی ((سهیلا)) هاست سهیلا بیکه شرم هر دخترترین است

شبهات برقص روزها میخوابم - بد رکود کم از هر اس جلیب نظامی و عسکری در خانه رامین رانگاه میکند تا بنده می شد ، او بیخود تر از من است من بر یاد رفته ام و از فرقی در بر یاد ی اعتقاد است

بگذر حالا دیگر که در غریبترین یک زن - بی حجاب زنده می اش را چنین قصه کند که ، دیگر زاده از این برای رسوایی چیزی باقی نمانده من در پیشری بزرگ شدم و پیشروی عادت شده ، پس از چه باید شویم ؟ چرا باید هراسید ؟ تعمان نگاه نکرده ام ، احتیاج و انسانهای سنگدل و معامله گرش بر من ظلم کرده و نگاه کرده اند ، اما حال دیگر شاید بد زنده باشد و از قصه ام آنقدر رنج ببرد تا ببرد ، کاش چنین باغی میبود

مردانیکه در دستم خوابیده اند از قصه ام سوخی خواهران نوبالغ همسران شان کنند کاش چنین نیرو پیدا شتند (معامله گران از قصه ام دست به کیسه هایشان میزنند و دیگر از معامله انسان آنرا برکنند کاش چنین تقوی میداشتند

و من از قصه خنده کم - آنقدر خنده کم تا بهیچ ود دوباره زنده شوم و تقدیرم بیکه اشن باشد کاش چنین خوشبخت میبودم

من سواد ندارم اما زبان سواد زنده می آید - زنده می آید - بزرگترین اشتباهیست که مجازاتش را با خود دارد و از گردن شزبان من در دهانم یاد دست دیگری در رگهای گانگ ترسم می شود

من نه گم نه اصلاح - نه زنده و نه مرده - تعمان بی انسانیت که میسازد بر من است و منم در بزرگ شرافت و خوشبختی است از من کوچیده ، شاید خدا چنین خواسته که این بد و خوشبختی و شرافت رابه انانی از زانی بدارد که توان م فون شدن در زین و جها و آشوب بی عشق راند از زند و باز روسی ها که این توان را دارم - بر ما تا اوقت این آشوب روایند داشته شده که چون فریاد از ستاری زمین تا بیکران نایبند شوم ، زنده می طومار آماز شدن است و بیگانه طومار زنده می و من آغاز شده ، انجام شدم ، مانند آن قناری که زبانش (زنده می اش) را - گرفته اند و اینش را بی شوجده میفریند و گوهر خود را میقتدر حرم میکند



آیاتاسی و خیل میرمن یاستی

دغه
ازمایش ساعت تیری
ده، مگره بحان بوری
بی هم باید وتری
حتما تاسی ته خیل
د کجکاو ی حسن اجازه نه
درکوی، ترخو موخیل بحان
نه و نی ازمایش کرمی چی
ترکوم اندازی بسوری د
کورنی له بحیرکو میرمنوخچه
شمیرل کیزی

۱- فرض کوچه تاسی به کورکی
خو ضروری شیان نه لری، او د
بازارخچه یوازی یوشی رانیولا
شی، کم یوشی به تاسی اول-
واخلی.

الف - یخچال ۳۰ نمری
ب - تلویزیون ۵ ۵۰ ۵۰
ت - د کالیود مینه معلوما شین
۲۰ نمری

ث - بالابوش ۱۰ نمری
۲- آیاتاسی همیشه خیلند کالیو
الماری تنظیموی.

هو
نه
۳- آیا هر هفته خیل کور همیشه
به هغه معینه ورخ جاروکوی.
هو
نه
۴- آیا مخری له دی چی میلانه
موکورت راشی، کولای شی تمول
خوراکی مواد به اشترخان کس
تیار کرمی.

هو
نه
۵- آیا کم وخت داسی تصادف
واقع کیزی چی خیلو، میلنو ته
سوی بوپوی، مخ ته کیزی دی.
هو
نه
۱۰ نمری
۱۵ ۵۰
باتو به ۹۳ ۵۰

کلیسیونهایم راه دوست دارم

ساخته و برایم امکان داده اند که
مناسبات گسترده با رادیوهای -
خارجی بخاطر گشتوش پسته هایم
داشته باشم.

زمری علاوه بر کلیسیون پسته،
دو صد و بیست نوع سکه های تازه
از افاضه از سی گورجهانرا که متجاوز
از چهارصد سکه میشود نیز دست
آورده، دسرکه های این کلیسیون
نوجوان سیمای تانخ سرزمین هاو
طل درازنه، تانخ چه درسیکه
خط وجود داشته وچه قبل از آن
برجسته است.

زمری سهارضیراز این سکه ها
از بیست و پنج گورجهان یکصد و بیست
نوع بانک نوت رانیز در البومها تکهدا
میکند.

اوارزو دارد تا با کلیه کلیسیونان کور
تماس، تبادل و تعمیم تجارت
داشته باشد چه تازه از دو سال به
اینسوراه برادرش ابراهیم سهار
زاد بخش کلیسیونسازی ادامه
داده و بارهنمایی و شهنق مستقیمش
به حفظ و تنظیم این کلیسیونها دست
یافته.

کلیسیونر مابین سال آموزش را -
پهوسه اول نمره، موموی وصفی بوده
از ذوق و سلیقه، عالی برخوردار
است.

کلیسیونهایم هر کدام تصویر
و قسه بیست از تانخی و دورانی وطنی

منعنه، کلیسیون سازی
در کورما پدیده بیست نو، معدود
از کلیسیونان کست، گوگرد، عطریات
شبیخ، سگرت، پسته، سکه و
بانک نوت و ۰۰۰ را سرانجام دارم.

زمری سهار نوجوانی که متعلم
صدف پنج لسه، انقلاب است یکی
از این کلیسیونرها میباشد، وی پسر -
پست هوشمند و دقیق، او اکنون با -
کمال علاقه مندی سه هزار پسته
مهر خورده، اضافه از ۴۰۰ کور -
جهان را با سلیقه، لازم حفظ مینماید
بسته عایر که با نظم خاص در البوم
ها تنظیم شده اند، سببهای -
اند از عرصه ها و حیوانات گوناگونی
جوامع مختلف بشری.

زمری سهار که از شهنق و
حمایه، فامیل، بخصوص برادرش -
ابراهیم سهار برخوردار است، در
حفظ و نگهداشت کلیسیونهایش
سخت دقت دارد و میگوید:
(کلیسیونهایم را مانند کتابهای
درسی ام دوست دارم، این پسته
ها مرا با همه سرزمین ها و ممالک آشنا

سه هزار
تکت پستی
در یک
کلیسیون

اختراع پاپیروس

و دلتای نیل در آن هنگام فراوان یافت می‌شد، مصریان مخز این گیاه را بصورت نوار می ساختند و نوارها را دولا و سه لای بصورت چلیپایی روی یکدیگر می‌گذاشتند و پس از سر کردن آنها را با فشار بی‌یکدیگر چسباندند و سپس آنرا صیقل می‌دادند و آنرا به صورت کاغذ نوشتن استقا د می‌کردند.

ناگفته نباید گذاشت که کاغذ های راکه امروز استعمال می‌کنیم، بسیار بعد تر از پاپیروس اختراع شده اند.

درجه اهمیت قرارداد داشتند اما آثار طولانی ادبی نیازمند نوعی کاغذ بود.

مصریان باستان مساله نیاز به کاغذ را با اختراع پاپیروس حل کردند، پاپیروس ماده نوشتن مناسبی بود که از مغز علفی بنام بردی Bardy بدست می‌آید و دریا تلاقها

حظنویسی انگاهی ارزش اجتماعی خود را بتمامی اشکار ساخت که انسان توانست ماده بی را اختراع کند که به فراوانی و ارزانی در دسترس باشد. واضح است که تا زمانی که خط نویسی منحصر در آن بود که خطوط را روی سنگ حک کنند، استعمال آن محدود و به اموری می‌شد که در نهایت



میزند و باعث آسیب دایمی یا شروع تشکیل سرطان میشود. یکعده از سلول های که از این طریق مورد حمله قرار میگیرند شجریه بیماری کشنده لوکم می شود که سالها بعد ظاهر میگردد. به همانگونه که سالها پس از انفجار اتمی در هیروشیما، موارد آن پیدا شد.

که علت آن احتمالا از اثر اختلال عمومی میتابولیس سلولی است. سبب تعداد بیش از حد ریشه چه ها یا رادیکالهای است که در کارواکنش های انرژی وقفه ایجاد میکند، مقدار کمترین اشعه که البته بازم خطرناک است. میکانیزم (سنتز اسید نوکلئیک) پروتئین لطمه

نشر بیش از حد اشعه اتمی که فی المثل بر اثر تصادف در حمل و نقل (پیل) هسته ای تراوش میکند، یا بر اثر تماس مستقیم با بمب ها و یا از سقوط آنها ناشی میگردد، و اکنش های شدید در همه سلول های آسیب دیده ایجاد مینماید

تأثیر اشعه اتمی بر موجودات زنده

کنید

س از شهر مزار شریف:

س: خانم نام که بسیار کم خلی، بد برخورد و بدگذاره است زندگی راتلج نموده شما گویند چکار کنیم که زندگی را به خوبی آرامی بگذرانم!

ج: برادر عزیز! خانم نام بگیرد تا خانم اون نام سرعفس بیاید.

چرت عروسی خود میباید که به چرت بوره هم نمیشود.

راسیه احمدی از کلوله بشته متعلم است. ۱:

س: به گفته بعضی دوستانم سواد چندانی هم ندانم قلمرو ام بدگو نیست، آواز را چه عرض کنم، میخواهم نطق شم چکنم؟

ج: همی، واسعه پیدا.

حالا که پرسیدید... حومه خواندن دروس خود را - هم ندانم!

ج: کلان ۱۹۸۱ را بید کنید.

خانجان از صوفی مویل:

س: محشر ستار نواز خوب ما مجرد است اگر نیست پس چرا خوب من نواز!

ج: محشر نامزد است و در

بقیه از صفحه (۴۵)

است و حالا کامران مدت بسیار و چار دختر دارد، خودش میگوید تعداد بچه ها و دخترها باید مساوی باشد ورنه برایم شوم است مرسیه از بوهنتون لایل:

س: چه کنم که علاقه به مطالعه پیدا کنم، حالانکه حتی

است. اینها انواع منسوجاتی را از لباس شبانه گرفته تا خیمه مخملی هندی که با برگه های طلایی تزیین یافته در بر میگیرد. فرانسیسکا گالووی آمرییکایی - صنعت اظهار میدارد: ((در پنج سال گذشته بازار منسوجات رونق گرفته است. تازه ترین منسوجات در لجنی لباس قرن بیستم است، که در حال حاضر موزم ها خیلی زیاد مایل به خریداری آن اند.))

موزم استرالیایی بخاطر پیراهن ساده، دراز و چین دار ابریشمی و جاکت بخلی که کار طرح ونیس اقای ماریانو فورتونی بود مبلغ (۷۰۰۰) یوند پرداخت.

انتونی سپینک بانگامی اخترا آمیزه گذشته ها اظهار میدارد: ((برای بیش از سیصد سال جنسیت و کیفیت اساس فعالیت ما را تشکیل داده است. آنچه که موجب خوشی من میگردد اینست که مسترد و معیار مانست به گذشته بالا رفته است.))

مرگاه بهترین

بقیه از صفحه (۳۹)

در منزل فوقانی اند ریولیترا ند باید الهایی سروکار دارد که از فتوحات معروفی از قبیل ترافالگر و واترلو و مبارزاتی که سالها قبل به باد فراموشی سپرده شده است از قبیل جنگ جین (۱۸۴۲) - اوی سینا (۱۸۶۷) جمووکشمیر (۱۸۹۵) سودان عهد خدیف (۱۸۹۶) نماینده گس میکند بروی اکترمد الهایی برتانیوی نام گیرنده مدال، رتبه و رشته خدمت او موجود است، برای علاقمندان جمع آوری کننده مدال تاریخچه برنده مدال وکای روایی های او بخاطر کسب مدال دلچسپ است.

یکی از دلچسپی های تازه سپینک تک باب -

قو طاسیه فروشی

علی گلرین

متصل کلینیک مرکز

ادیان عمده هند

۲- ریشه و اصل تلم ریج ها در تناف آرزو نهفته است
 ۳- هشت راه برای زدودن ریج و درد وجود دارد به این شرح ایمان درست، اراده درست، گفتار درست، کردار درست، معیشت درست، آگاهی درست، اندیشه درست، خلصه و حال درست.

این آیین در سیلون و بنما به شکل ساده تر بنام ((هینیا نه)) باقی ماند، در کوریا و جاپان به نام ((مهایانه)) و در تبت به بنام ((لاما)) وجود دارد.
 در هند و چین مذهب جدیدی به نام آیین کائود ایا بود یسم جدید رواج دارد که مقدسات سایر ادیان را نیز مقدس می شمارند.
 ۳- جین

یکی از ادیان است که در قرن ششم قبل از میلاد، همزمان با ظهور دین بودیسم رواج یافت. اصول اخلاقی این آیین مبنی برین استوار است که به هیچگونه جاندار، هیچگونه بدی و آزاری نباید روا داشت.
 آیین جینیسم از پیروان خود، زهد و خود فراموشی طلب میکند و برای روز ارزش فوق العاده قایل است، بر اساس این آیین هرکس برای رستگاری باید سه گوهر معرفت، ایمان و تقوا را رعایت خود فرار دهد.

شبه جزیره بزرگ هند سرزمین فرهنگ، عبادت و مذاهب مختلف است به قولی دین سرزمین در حدود سه صد کیش و آیین وجود دارد. اما عمده ترین ادیان سرزمین هند عبارتند از:
 ۱- برهمنی

دین اکثریت هندی هاست، این دین منحصر به ریشه هندی دارد، شاید آغاز این دین هشتصد سال قبل از میلاد باشد، بزرگان و کاهنان برهمنی - برعین نامیده میشوند، کیش تلیت از برهمنی شروع شده (ویشنو - برهما - شیوا) است، به همین دلیل خدای خود را به صورت انسان دارای سه سر انتخاب کرده اند، رسالت این دین با برهما (رشن) است، که از زنده گی آن اندکی آگاهی وجود دارد.
 ۲- بودایی

آیینی است که پیروان آن تابع بودا هستند، این دین ابتدا شبیه به برهمنی بود ولی ظاهر پر دازی کمتری داشت. اصل اساس این دین عبارت از اینست که حیات ریج است و هوس زاید و ترک نفس تنها وسیله رهایی ازین ریج میباشد، کمال مطلوب دین بودایی عبارتست از وصول به ((نیروانا)) و یاخنا.
 اصول عمده بودیسم عبارتند:
 ۱- جهان سراسر ریج و عذاب است.

بقیه از صفحه (۸۵)

درسهای موسیقی

ولی در هند قبل از قرن نهم الفبای موسیقی ذیل مروج بود: کهرج، رکهب، گندار، مد هم، پنجم، دهیوت، نکاد یا نشاد که با وجود آمدن موسیقی غربی - بندانی، نوع موسیقی کلاسیک تا امروز الفبای اختصاری بوجود آمد که آواز خوانان کلاسیک معمولاً در آثاری خوانند نوع اختصاری آنرا سرگم میکنند مانند: ساسری، گه، مه، به، ده، منی، سا، نوت؛ وقتی خواننده در آثاری آواز خوانی نام از الفبای فوق میگیرد آنرا ((سرگم)) میگویند همچنان یک نوع الفبای موسیقی در ایران هم موجود است مانند: برده، اورده، میانین، زینمایا، نمایان، روزنمایان، محسوس، هنگام.
 این بود خلاصه از ظهور الفبای های موسیقی که زیاد تر امروز در دنیا مروج است و جمعا این هفت سر را به نام سرهای طبیعی یا Natural tone و در سانسگرت به نام بلاول یاد می شود

کارته نو تعمیر سینمای اقبال

قطاسیه فروشی ارزان

دیوارهای (۵۰۰) ساله

و مقبول سما نمودند.

بقیه از صفحه (۲۷)

دیوارهای کرملین بیشتر از دو کیلومتر طول داشته که با در نظر داشت شکل اراضی منطقه به روی خط منکسر طوری که از هر برج میتوان تمام نقاط دیگر را مشاهده کرد، اعمار گردید.
 تمام برج های بیست گانه کرملین سیمای هستند اصلی خود و نام خود را دارد. دیوارهای برج های کرملین از خشت های خوب تکمیر شده سنگ ساخته شده که هر کدام آن تقریبا هشت کیلومتر وزن دارد. معموره چلیپا مانند از مصالح ریج و آهک دیوار ها را عملا محفوظ نگاه داشت گرچه آنها نیز بخش های مشکل سار بوی تمام قلعه را: حملات، حریق ها، فیرهار توپخانه، انفجارات، و تبق ها را متحمل گردیده اما با حملات رهاروی هیچگاه متصرف نگردیده بودند.
 این دیوار نیمه ای از هزار ساله ایستاده و بعد از صدمت های مختلف هر مرتبه محتاطانه پوشش ها و خشت های آن تجدید ساختن گردیدند.
 واقعا که ارمن ها، گورجی ها، بلغاری ها، - پولیتدی ها، سنگ کاران بهمارخوب بودند اما با آنهم برای بار اول جهت اعمار این دیوار استادان روم قدیم دعوت گردیدند.
 دیوارهای کرملین به محافظه گاه معمولی - گنجینه معنوی جهانی، مبدل گردید. در کرملین سکواتار هنر و باستانی استادان بزرگ هنر حفظ گردیده است. کرملین سکو - همین انسامیل روس - در شکل معنی و مفهوم معمول وحدت بدون اعمال به زور و تشدد شدن بیشتر مردم روسیه و دیگر مردمان روز زمین گردید.
 دیدن کرملین توجه جمعیت گهیر مساحیان، نقاشان، شعرا، و اشخاص دارای حرفه های مختلف را بخود جلب نموده و برای ایشان لذت بخش میباشد. حتی در قرن شانزدهم خارجی های که از سکو دیدن نموده بودند کرملین را یک قصر بزرگ

سیر درد

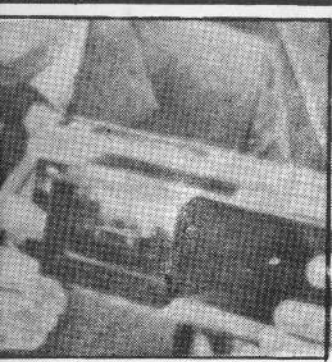
بقیه از صفحه (۸۲)

در هم پیوراد، انبه های سکن که پالان میراها شکر خوردن داشته و احساس درد را تخفیف میدهد ولی طبیعت انسانی آنطوری که هست باقی میماند یعنی نمیتواند کرکتر و احساسات خود را تغییر دهد. وضعی که موجب بیماری میگردد در استخوان مواردی است که چگونه در شرایط خاصی با آن برخورد صورت میگیرد همیشه تغییر یافته نمیتواند برخی اشخاص حتی میباید خیلی با- چیز را هم بشمارند و اینرا خیلی جدی تلقی میکنند. بعد از گذشت لفظه ای این بیماری خواهد گفت: (بساله را - کاملاً درک کردم ولی نتوانستم چیزی

احساسات را بگیرد) ولی در واقعیت امر چنین کاری را نمیتوانست - سرا ساختار خوش وضع زوسی اوچین است. سردردی ها با بسیاری بیماری ها از قبیل بیماری های معده، جگر، کلیه ها و ... همراه است. - اغلباً سردردی هاستی تری تولید ناراحتی های متین قنرات بخصوص قنرات ناحیه رقیق، رما تیزم بیماری های کولاجن تلیس نیز میزند میکند. در واقعیت امر، تمام - بیماری ها سردردی را با خود دارند و از همین جهت است که دانستن طل آن لیتقیر مهم تلقی میگردد زیرا یادردن طت آن راه درست تدای وی را دردی میباید. در اغلب حالات، ظهور سردردی برای بیمار آشناست. به عنوان یک قاعده، بیمار رژی - های خیلی خوش را برای مبارزه با سردردی دارد. این رژی های تدای صوف شکل طوی نداشتند. بلکه اشکال خوب فلکوری. همسر وجود دارد. بیمار شکست برای لخته کتاه قسمت خارجه، جوف

اف (بالای بینی) را با انگشتانی محکم بگیرد (برای یک دقیقه در فضای آزاد) بیمار با این کار احساس بهبودی خواهد کرد. این عمل را میتوان تکرار کرد. یا اینکه سر را می توان بایک تکه نازک مکس بست. این تکه را تا ابرویان و - کوشاگن کبید و پوست پیشانی - کش بکشاید. این کار با بسیاری بیماری های سردردی های ناشی از اینهمه آمدن فشارخون دارند که نهاد میکند. در سردردی های مزمن با مثل با ها در آب گرم بپوشانید. هر چند از آب خیلی گرم نباید استفاده کرد. در صورت آن تهیه مگس آنچه که مطلوب است بدست خواهید آمد. از پلاسترهای خردل میتوان در پشت گردن و بین تخته های شانه یا روی قفساق ها استفاده کرد ولی این پلاسترها را نباید یکباره روی تمام این قسمت ها گذاشت. ساز خودی قسمت های - مختلف سردردی میتواند مفید ثابت

شود، چین فشار متوسط بر روی نقاط دردناک سر می تواند بوده است استفاده از مرهم ها مانند مرهم پلنگ تشان روی پیشانی و شقیقه ها میتواند خیلی مؤثر باشد. گاه گاهی با بپوشیدن بعضی سطحات و ماساژ ها یا بخار آمونیاک سردردی برطرف میشود. هرگاه در حالیکه روی جاده راه میرید چه سردردی دچار شده که شکست ناشی از نوشیدن روی پیشانی باشد. شال یا کلاه تا آنرا تا ابرویان تا پایین بپوشید. گرچه این کار جذاب معلوم نخواهد شد ولی خیلی بهتر از آنست که به سردردی ناشی از خنک خوردن کی مبتلا شده که میتواند شکست دوامداری را برای آن بار آورد. یاد چارندن به سردردی ها معمولاً میدانم که چگونه با آن برخورد کنم. ولی اگر سردردی برای بار نخست باشد یاد وام پیدا کند و وضع بدتر شود پس در آن صورت باید فوراً با - دکتر مشورت کرد.



پرده شفاف تلویزیون

الکترونیک شوروی آخذ و تلویزیونی کوچک را بپارده - تصویری که از کریستل مایع ساخته شده و فقط دارای ابعاد ۶۸۱۰×۲۰ سانتی متر

مجله تلویزیونی

بقیه از صفحه (۷۷)

نوه مورد سوال قرار دم - هر چند که طریح های در زنده بهبود آن همین اکنون هم در سردارم. - ایام عصم افراد اید که مجله تلویزیونی به یک مجله ترقی و خانوادگی بدل شود داشته مجله هزه - هنر؟ ج - هرگز! هنر تلویزیون برنامه های فراوانی برای خانواده ها دارد: برنامه زن و جامعه کودک و اطفال، جوانان نمایش های تلویزیونی، برنامه های ترقی و ترقی، علم، سیاه و ... - چه بچهار اوشکالی در راه ساخت برنامه، ثان وجود دارد و اما طریح و تهیه برنامه چقدر به اراخ روان و آرامش زندگی ثان صده هزند ج - تهیه برنامه بی چون مجله تلویزیونی هر چند که درگام نشت و سهل ساده به نظر میرسد، اما، حقیقت این است که دشواری های فراوانی دارد. این دشواری ها اگر از یک رهگذر امور تهیه برنامه را در بر میگردد تنها مربوط - تهیه کنندگان برنامه میشود، از سوی هم، محدودیت ها و امکانات اندکی هست که روال بهبود برنامه را صده هزند از کم بودن وقت محدودیت ها بودن امکانات و عدم منابع - تصویر ضربه که بگذریم، گاهی زینر دست و پاگیر پالیسی و توجه ها سیاسی، اقتصادیه، کار و ابرویان ماسدود هم از کم بهتر است از

سردرد

بقیه از صفحه (۳۱) مرحوم (سید) طی دوره کارش بیست و هفتاد و نه روز برای هنرمندان و دست اندرکاران سینمای کشور لکچر های نیز تهیه می نمود. مرحوم سید قبل از مرگ اش شش سناریو آماده کرده که دو سناریو یان را عباس (شیان) کارگردان ورزیده سینمای ماکسیم وینام های (ستاره گان نمسی میزند) و هیرت (فلس تحت ساختار است ویک سناریوی دیگر ان تحت نام (تلاش) بوسیله موسسه هنری قیس فلم در جریان فلمبرداری قرار دارد. دکتر غلام محمد سید سید در شان سه شنبه مورخ ۲۹ حمل ۱۳۷۲ ساعت ۲-۷ دقیقه در حالیکه

دو ساعت بعدی ان ماشا همد نشانای صحبت وی بهرامون صدمین سالروز تولد ی نایفه سینما - چارلی چاپلین از وری نشرات تلویزیون جمع - سوری افغانستان بودیم به عمر ۴۳ سالگی وفات یافت. آخرین کارهای او به سان اشکهای که در رخساره شمار می بندد و خشک ویه گونه - لبخندی ناتمام به تمام شدن زندگی او ناتمام ماند. ترجمه نسا پشته تیا تری او بنام (بدن شکست را خورد کنند) برنده جایزه اتحادیه هنرمندان گردید، این آخرین یاد اش بود که هنر برای او اهدا کرد. وحی غم انگیز است این برای کسیکه با هنر زیست و در راه هنر و جلاش آن تلاش ورزیده و سر انجام حباب اکسا بر ستر

حسری از نفس انتاد - اعظم جوهر هنرمند شناخته شده را که یو تلویزیون و سینمای ما در رابطه به شخصیت فرهنگی مرحوم سید گفت: (مرحوم دکتر غلام محمد سید گذشتگان بیکه خواهر زاده من بود دوست بسیار صمیمی من نیز بود. مرگ ناگهنگ او برای من نیز سخت رنج آورده شد. دکتر سید انسان خوش برخورد، خوش قلب، متمدن، با دانش متواضع و صمیمی بود صحبت ها و معلومات های علمی وی در سخن های مختلف برای علاقمندان هنر و فرهنگ ناب است. استفاده بود - من شخصاً در سخن سناریو نویسی از مشوره های سودمند وی بهره میگیرم، مرحومی دارای دو فرزند، یک دختر و یک پسر بود دلپسنگی

نظم معده

بقیه در صفحه (۹۱)

یک نوع بکتریا را در معده اتویسی شده و بعداً در ۱۹۴۰ Fred Berg این بکتریا را در انسان معده مرض گسترگستگویی شده، دریافت نمود، در ۱۹۲۹ در استرالیا G. R. Warren در شفاخانه Rogalpearl این میکروب را در شیعی معده تشریح نمود و کلچر نمود و بالاخره تدقیق بیشتر یک ترکیب Blomulk + Cimil + line Tinidazole + Amoxycillin تولید کرد که بکتریا را محو میکند. با درن این واقعیت دیگر تداری گستریت عا و زخم معده، نه فقط به اساس تنزیل اسید معده که ممکن در اکثرها مرضیان قیلا کم باشد، میشود بلکه با محو و نابودی عاجل این ارگانیسم از معده و تعقیب مرضیان، تداور گردند و ناگفته نماند

مریضانیکه با محو و نابودی مکل این میکروب و تدای مکل جواب نمیدهند، ممکن علت مرضی شان چیز دیگری غیر از زخم معده باشد، ممکن فقط حجای حاجز و ابز و فسزیت و سندرم ایتزیال باول و غیره باشد و ناگفته نماند که بعضاً مرضیان ناقل میکروب بیلورن صاحب سیمی نفخ و گاز هلو توسر و بدی بوی دهن، توسع پطن بعد از غذا - عارق زدن متد ام بوده که با تدای میکروب تمام امراض از بین میروند. در اخیر باید اضافه شود، گرچه اسید معده در تولید قرحات رول دارد ولی تنزیل تخریب مقاومت میکرو زایعه در ارتعاش توسط بکتریا بیلوری برای تاثیر فکوریته و بقت اساسی قرحات گستریت امی مزمن میباشد. (دکتوریوس اللوریان)

تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۲۱)

کرده و دست نشن مردم، از آن به بملصورت تدریج تصویر برداری را آموخت و پس از آن برای تهیه زاینه‌ها به ولایات کشور عزیز و همچنان در مورد به کشور های اتحاد شوروی هندوستان ویتنام، کمپوچیا، چکوسلوواکیا نیز پارک سفرهای داشته از هر یک کتاب را برقرار تنظیم و آماده کشور کرده است.

در اجرای امروزه کم می‌توان تصویربرداری استفاده کرده - اینست

- از می‌تواند تصویر برداری - تلویزیون و امکانات نیز کمترین - تلویزیون هم از تبادل نظری و تجارب دیگران استفاده اعلی حاصل آورده ام
- با امکانات محدود کمره تلویزیون، آیا تلم های نیز فلور - داری کرده اید ؟
- بله کارهای در تصویر دارم و توفیق امروز اولین محترم امروزه فرهنگ تهیه آموزش بهتر بود - شترنگ اشتن و سایلنر چه سفر تکنیکی برای کاربرد تصویر برداری و تصویربرداری ها و خانه بد و نشی فرهنگیان شان مساعدت نموده تا با نیروی هر چه تمام تر در اجرای امور این بیشتر به تیرد از

که نوشته ام در پی ح زبانی ، هنر آکت و تمثیل بود - بالا و هم چنین اشعار شعری میباشد . امید دارم تمامتان را حاصل نموده باشم - بر این من جانب من میباشد لیاقت کشوری تا و در زنده گی شما در افغانستان هنر انگیز برای همه که چون نه اشک در صورت آن شخص برآید که همه اشعار تا تری در صورت شخص من مای هوایا سروده اید

«اولاً اینکه عشق به اشعار خود را هم نیست و این نگارنده است و کارهای دول هم از قدرت و راه - معز انسان خارج است چنانچه حرکات غیر لزومی و در دوران خون قلب خارج از اراده و انداره انسان است و نتیجتاً سلطان عشق بر زمین دل به خیمه زده منطبق و استدلالات کنی میکند و حضرت سلطان کنیزای عشق امیران سلاطین العیالیان و ملوک و پادشاهان میگرد و در میانه خورشید در خفاش همه چیزهای دیگر را از زمین برده تا یکی های گوشه های بدل را در زمین ساخته و خورشید کینه و دلاویز و همسر ت مایا از زمین قلب تحفه میکند

«ثانیاً اینکه بزای صورتی اشعار خود بیک شیخ العالی ضرورت داشته همیشه فکر میکردم چیزی را که کرده ام و کمبودی بی در خود احساس میکردم مانند یک آتش فشان منقرض شده در حالت قبیل از لفظه انفجار خود را احساس میکردم و این شیخ العالی باید حتماً زنده باشد و چون از کثرت هنوز زخم جملات در لغات انسان صورت نگرفته بود و مشکل میشد شیخ العالی بر خود اید حتی نامی نبود و از جانب دیگر چون به مرده زنده زنده داشتیم مانند جوانهای دیگر بعضاً علم های هنری و ادبی را راهی دیدیم که در نتیجه بفرهنگ بالا براد زلم حاصل شدیم شیخ العالی خود را پیدا کردیم و بقصد استان را بخودشان می‌آید

نماینده درین شعر در گزینریایی کدل خود به ملک دیگر میفرستیم یک چشم ندیدیم که از آن چشم کرموست این شعر چه شعریست که میخوانند

بقیه از صفحه (۱۷۰)

مجنون قرین

بقیه از صفحه (۷۲)

بقیه این ترانه را در مجله مطالعه نمایند و نگاهته نمانند تمام جزایه روزانه هائیکه گفته آمد با نزدیک خود موجود است و یاد رکاب خانه خانه کابل در صورت لزوم آزاد بده می‌توانید

یک عمر می‌توان سخن از زلفایار گفت در زیند آن می‌شود که مضمون نموده است و اما راجع به نشرات مطبوعات هند طوری که قبلاً هم بعضی رسانیده شد، آنرا ترجمه کرده و در یکی از شماره های آینده می‌بارون منتشر خواهیم شد البته در صورت موافقه اداره سایرین و خوانندگان گرامی

س: سخن علمی مشتري آیا بر سیده می‌توانم که شما برای بدله در هندی تان اشعار می‌نویسید اید یا خیر، انشا الله خود خفه نس شوید ؟

ج: بلی صاحبه اصلاح شطربرای دلدار هندی ام شعر سروده ام یک و دوی صد و در صدی بلکه هزارها یعنی ده هزار شعر سروده ام که در جوان شعر بند کور بنام ریخوس شرقی یا قد هولایا میباشد و اشعار بیشتر زیاد هم درین باره نوشته ام که در مجلات انجمنی و زیاد تر آن در جزایه و مجلات اردوی هندوستان به نشر رسیده که خدمت تان تقدیم است در بیوان اشعار مذکور را به مدعو بالا تقدیم نموده ام اگر نمونه ازین اشعار را بجهورتان تقدیم نماید بقیه اشعار تر نخواهد کرد زیاد رصاحه گذشته صورت شعر را شا خواستید من گفت نوشتیم، متاسفانه اشعار تر کرده ایم که دلیل آنرا نمیدانم شاید بسه ترم و تراکم مضمون و شعر در چار می‌تواند البته تمام اشعار اید که در سیاه و پنجر میرسد بسیار عالی و استادانه هست که شعر ناقص من محتوا و ناچیز و اولان ندانستید که در جمله وین تان نشر شود و اکنون که از من سؤال کرده بد در چه مورد شعر سروده اینده لایم بود یک نمونه آنرا برای تان مرض تمام اماب دلایل فوق از اظهار آن صرف نظر نسوم البته اشعاری

میباشد جدیداً اختراع نموده اند - قطر این سرده تلویزیونی ده سانتی متر است - این وسیله بر اساس عینی سر - کسین استوار است باشد که سلاید رنگه است - منتها درین جانر عوض مع قشر مواد عکاسی رنگه سطح آبی موسمی که انعام در ترکیب شعری چهرنگ را میسازند (سه قشر کرسپتل مایع را که سه شفافیت خود را در اثر تفاوت پوتیمیال برقی تغییر میدهند) نگار برده اند

بوده جدید تلویزیونی درین امر پاینده های معمولی تلویزیونی متعاین متعیرنگه بوده جدید با مضروفوق البعاد کهرق کاسر کرده و همچنین تصویر تلویزیونی رنگه گونه سلاید در مقابل رویشی بیستون مشاهده نکردم در این جا از روشنی عادی روز نیز اعتداله شده من توانم اینچنین اخذ ه های تلویزیون هنوز در هینچ عالی تولید نمی‌شود

ولانندی زیاد از حد غافلیتان بد اینست ولی سخن در شصت هائیکه باور و اشتیاق چیز ران در میانتم همه به همیشه در زمانه طولانی در تلایم بود وین هموار میگردید تا بر سطح اینرا خاصیت سازد البته چه رنگین و چه در زیند دانستیم انرا هرگز به کسی نگفت در دست زدن آنرا با همده سنی واحد نظری کار کردن روزی و سنیما شلم کرده بود خوشحال به نظیر می‌رسید ولی با تائیر که مسترک به سرافرا اند در اثر شکیسه قلبی چشم از جهان بست و بار در صوبه خود بنماید بجای دکتر غلام محمد طه بد برای همیشه در قلب ما و در جمع ما خالی است و یاد ها و خاطره ما این در ذهن ما ماندگار روحش شد

موسی راد شش

بیشتر و در نتیجه جنگی بیشتر به خشد با وجود اینکه باید اعتراف کرد که او یکی از چهره های بود رخش سینمای هند و یکی از با فرهنگ ترین مردم ترین خورش بر خورد ترین افراد فرهنگی است در جهان نماینده امروزی او به همان بیمانه می‌که در روی برده سینما (اید) جنبه مینماید به همان بیمانه در خارج از هند به سینما (خوب) شناخته میشود باز خود پیشبرد نقش های کثیف در باره دست داشتن او در کثافات کاری های رسوایی بخش خرفی زده نشده است فلمازان جرات آنرا ندانند که با این ایدان و بیایلی یکشدند مردم در باره آن حرف صد نفی برزند بعین نسبت در روز و بیرون صنعت فلم سازی از محویت تراوان سر - خور اراست

گرمی یابد که به عرض حلت توجه نشانگر به بریم جویره نیز نفس سبارد - چنانچه علم های (ایرانی) و (سینما) بر همین منوال بنایافته است تا حال برود پیرسان نتوانسته اند کسی را بد آنجا بنهند که حالگین بریم جویره پمارتند آنها بیکه میگویند درین روزگار بریم جویره بیشتر خضری خورد و ادعای نمایند که استعمال در تمثیلی از به جلال است بد اند که اگر خورشوستی و انانند گشته رویه انرا این نیست ولسی رویه کاهش هم نیست بعین سبب با رجوع شلوع بودن بازار فلمازان از غیر بیخه گان از نیایز با ویک زده هم کاهش نیافته است برود پیوسرها بر عکس تلاش میوزند که در روز های خود او را نیز نشان نمایند زیرا انعامی اند که فروین فنراویس از هر فلم بالاتر رفته میروند حتی یک سینما روحانی ندیده می‌تواند که او مانند امیتا به چن با ترقیه هر فلم جدید

بریم جویره

پیرامون فلم کالا بقا را بیک تیم اشکارا بریم جویره راجعین ستود (در وقتنگه فلم برداری فلم که بریم جویره در آن حدیث اکثر در وقت نفس داشته باشد خیرت برانگیز است زیرا حضور او رلم چنان اثر انگنده است که اکثر دیگر ترا و امید آرد تا سویه غیر تمایی در چرا ا جرای نقش خود را بالا ببرد و خوب کار بریم جویره در آنست که نمیخواهد فنرین تقلیدی ویک نواخت حلوه کند او در هر فلمی چیزی دیگری اصنامی در قالب کتر سرده شده چنان حال میگوید که او را زنده میسازد و نشانگر او امید آرد که آن محنه را میزویس از واقعیت آن در این مونسو حقیقت دارد اگر برود پیوسر یک جفت ستاره (عشر پیشگان) تازه استخراج میکند خود را

مرد خشن

بقیه از صفحه (۲۱)

(جان واین) سه بار از ده واج نموده و نمره آن هفت نژند و (۱۸) نواحه میسازد و در شن (۵۰) سالی که مزین سرعان در چار شده مدتی تباری گردیده و کسار امروزمی را در هنر فلسفی از اید ستند اولی بتاریخ ۱۱ جون ۱۹۷۱ در شاخه بیونیوس متسولا انجلس اعنه مرض سرطان گردید و چشم از جهان بست

سازمانت کودکان

چه مالک خوبی!

بود و نبود دخترکی بود
فرخنده نام ، فرخنده خروسی
داشت و خروسی هر صبح زود از
خواب بیدار شد و دیدگون
بانگ می کشید :

کیکرکی ! صبح بخیر صاحب !
پس از آن سویی فرخنده دیده ،
از کف دستش هان هان هان هان
خوشی چید و آرام بروی دراز
چوکی که جلو خانه شان قرار
داشت ، کنارش نشست .
خروس برهائی رنگارنگی داشت
و طوری جلایش میکرد که گویا همه
بارون جرب شده باشند ، روزی
از روزها فرخنده نزد زن همسایه
ماکیانی را دید و از ماکیان و
بسیار خوشش آمد ، به زن همسایه
گفت :

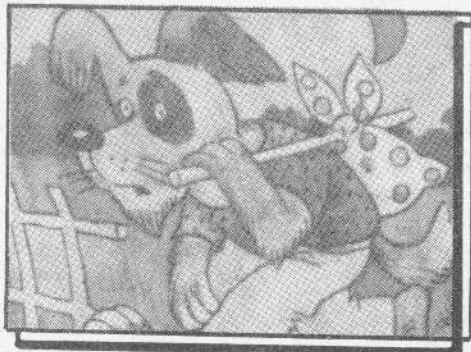
ماکیان تان را به من بده و من
در بدل خروس را بشمامید هم ؟
باشنید این حرفها خروس
تاجش را به پایین آویختند
و سرش را به زیر انگند ، چه
این خود مالکش بود که میخواست
ویرا به کس دیگری بدهد ، زن
همسایه با فرخنده این تعویض
را قبول و ماکیان را در بدل خروس
به فرخنده داد ، فرخنده
به زودی با ماکیان دوست شد ،
ماکیان با پرهای سفید خود
احساس گریس و آرامش نمود ،
همه روزه یک بیضه تخم میگذشت
گنگ ، گنگ مالک عزیز ، از زومندم
تخم ، را با اشتها و مزه زیاد صرف
کنید .

فرخنده تخم را نوش جان میکرد ،
همواره ماکیان را در آغوش گرفته
و بروی برهائی زیبایش بصریانی
دست می کشید .

یکی از روزها زن همسایه
رو بروی شان همراه پایک مرغابی
به دیدن فرخنده آمد ، فرخنده
وقتی چشمش به مرغابی افتید ، از
مرغابی خوشش آمد و از زن -
همسایه خواهرش کرد :

مرغابی تان را به من بدهید
و من در بدل ماکیان خود را به
شما خواهم داد !
ماکیان از شنیدن این حرفها
نمگین شده و از تان ترسیدند
با الهایش جانب زمین آویخته
گردید ، با تأسف ، چاره بی جز

ترجمه : م ، رهتاب



تسلم شدن به سرنوشت ندا -
شت ، چه این مالکش بود که
من خواست وی را به کس دیگری
بدهد .

دری نگذشته بود که فرخنده
با مرغابی دوست همیشی شد ،
یا هم یکجا به دریای رفتند و در
آنجا مرغابی در کنار فرخنده شنا
میکرد .

گنگ ، گنگ ، گنگ ، مالک عزیزم
آنقدر رها دور شناسم ، زیاد را
در آنجا زرف است (با این صدا
دخترک دوباره به ساحل دریا
بر میگشت و مرغابی از او می آمد
یکی از روزها همسایه بی باک
کوچک و دوست داشتنی خود به
خانه فرخنده هان هان هان را به
آمد ، فرخنده هنوز سگ را به
قد رکابی از چشم نگذشتند بود
که گفت :

سگ تان را به من بدهید و در
بدل من مرغابی خود را به شما
خواهم داد !

وقتی مرغابی گفتا فرخنده را -
شنید ، بالهائی خود را از روی قهر
به هم زده و از منقارش آواز -
اند و هگینی لرزان ، لرزان بلند
می کشد ، همه بی فایده بود و
چاره نبود ، همسایه مرغابی را زیر
بغل گرفته و با خود برد .

فرخنده بروی سگ مقبول دست
کشید و گفت :

خروس داشتم که با ماکیانیش
تبدیل کردم ، ماکیانی داشتم و آن
را در مقابل مرغابی به کس دادم
و حالا مرغابی را داده و سگ
قشنگی بدست آوردم ، همینکه
این سخنها به گوش سگ رسید ،
دم خود را جمع نموده و به زیر
در از چوکی خانه فرخنده خود را
پنهان کرد ، در تاریکی شب
هنگامی که فرخنده در خواب
شیرین بود ، دروازه را آهسته
باز نمود ، و بایک خیز به بیرون
خانه جست و یابه فرار نهاد ، در
راه این سگ دوست داشتنی
زیر زبان زوزه میگرد :

با همچو مالکی نمی خواهم
یک جا زنده گنم ، وقتی
دخترک بیدار شد خود را تک و
تنها یافت .

آیاتناسی د . . .

- ۶- آیامیلانه دې خوښيزي
هو ۱۵ نمرې
نه ۶ د
- ۷- آیامخکي لدې چی د کور
خخه د خوراکي موادو د رانیولو
په غرضوړي د نوموړو موادو -
لست نیسی .
هو ۲۰ نمرې
نه ۳ د
- ۸- آیاهمیشه خپل کورنۍ ته وړي
په ټاکلی وخت بخوي .
هو ۱۵ نمرې
نه ۸ د
- ۹- آیاد خوراک پخولونوي آشوزي
د ستورونه استعمالوي .
هو ۱۲ نمرې
نه ۵ د
- ۱۰- آیاهمیشه تاسی د آشه زخانو
سامان آلات منظم په الماری کور
کیزدي .
هو ۲۵ نمرې
نه ۵ د
- ۱۱- آیاد کوربه کارونوکي ستاد
گوزوند ملگري کمک کوي .
هو ۱۲ نمرې
نه ۶ د
- ۱۲- آیاتاسی پخجال د کور د پیر د
ضروري شیانو خخه شمیري .
هو ۴ نمرې
نه ۱۶ د

په لاسو راوړل شوي نمرې جم
کیري .
د آزمایش نتیجه :
تر ۱۵۵ نمرې پوري :
که غواړي چی د کورنۍ د خیرکو
د میرمنوله جملی خخه وشمیرل شی
باید پخپلو کارونو کی نور هم د
تجدید نظر وکړي ، تر ټولو د مخا
باید د دې چی د وخت په موند -
اقتصاد ي وواسی ، اوبه ښه صورت
سرخیل کارته سازمان ورکړي .
د ۱۵۶-۱۹۵ نمرې پوري :
تاسی کارکه یاستی ، هر نسی -
ستاسی په کورکی خپل مشخص تعای
لري ، که چیري تاسی کوم وخت خخه
شی باید ولټوي د لدې کیله چی
تاسی تراوسه پوري د کورنۍ ضرور -
یات په ښه توگه ندی زد وکړي .
د ۱۹۵ نمره خخه پورته :
ستاسی په کورکی د استقیما خیالی
دی ، همیشه یوخه شی مینعی ، یا
کوي اویا جاروکوي ، اما اعتبار ولري
چی د کارونه لاندوره هم په ل -
قدرت اوبه کم وخت کی تراوسه
تر سره کولای شی ، لدې کیله
لحا نور سوي ترخوجه وخت لري ،
اما باید هرڼه کړي چه بدون د
کورنۍ مشکلاتو خخه نور مصرو -
فیتونه لکه تیاتر ، سینما ، کتابونه
اولمگري هم شته دي .



خانواده سوگواراست

فایده . . .

بقیه از صفحه ۳۵
بعد از نسخ نامردی همیشه
فامیل ما از طرف آنها تعهد یس
میشد ، دوسین که صاحب منصب
اند همیشه آنها در وظیفه
میوند فامیل ما مورد تعهد یس
قرار میگرفت هولی من هرگز به سران
چیزی نمیگفتم موضع را بنهان
میکردم تا مباد امینان آنها بر خورد
صورت گیرد ، بالاخره بتاریخ
۱۱ حوت سال ۶۶ روز سه شنبه
ساعت ۲ آن حادثه المناک
رخ داد ، آتش جاوید بسرس
بخانه آمده بود ، صبح چند یس
بار صدایش کردم گفتم مگر رگد ار
خوایم ، نمیدانم چرا خوابم بوره
میشود ، وقتی در زده شد
ما رینا د ختم رفت تا ببینند
کیست همراه بایاز شدن د روزه
صدای د غمخواری و فریاد
د ختم شنیده شد ، بجای آمد
وارخطا از خواب برخاست
بطرف بیرون دوید ، د ختم
انیتا که بیشتر از برادر خود شی
را به قاتل رسانیده بود ، مور د
اصابت مری قرار گرفت و لسی
برادر خونش را سپر خواهر
ساخت که یک مری در جان
خواهره ۸ مری در جان برادر
جای گرفت ، وقتی من به نزدیکی
بسیم رسیدم خواهر و برادر هر دو
د راغوش هم بودند برادر با وجود
آنکه سوراخ سوراخ شده بود
میگوشید خواهر را از افتادن
مانع شده ولی بعد هر دو بزین

انتانند ، من بای لی و سولج
عقب قاتل میدویدم او بطرف
سورک میدوید وقتی به سورک
عمومی رسیدیم ، زیر سینما
اقبال همراه یانه و شارندوی
اورا احاطه کردیم ، چون در -
دستش سلاح بود کسی جرئت
نمیکرد نزدیکش شود ، گفتم
اورا بگیرید تفنگچه مریسی
ندارد و بایند شده در غیران
من تا اینجا زنده نمرسیسدم
درین اثنا دو وظیفین حوزو
رسیدند و اورا گرفتند ، او را
دوباره به محل حادثه آوردند
به جن خود اترار کرد همه جاها
را نشان داد ، گفتم باز هم می آیم
همه را میکشیم و دختر را میبرم .
بسیم راه شفاخانه بردیم
ولی او مرده بود ، طب عدلی
۸ مری را در وجود او نشان
داد .
ولی من همان لحظه بخون
فرزدم سوگفت یاد کردم او که بس
را ظالمانه گفت من اورا توسط
قانون میکشم .
دو دختن زخمی شدند یکی
در کرده و دیگری در رطن .
درین یکسال چقدر دویدم
روزها بالب و دهن خشک بایس
ویلا تا دویدم یکسال مدت کمی
نیست .
در طول این مدت بارها
از طرف فامیل نعمت الله هغه ما
تعهد یس همدم . بارها گفتند شما
که خون ربا خون می شویسند
ما همه تا ترا نابود میکنم .
ولی هرگز از تعهد یس آنها
نترسیده ام زیرا در صورتی که
نعمت الله اهدام شود چانس
سپم خود را برای نابودی فامیل
من از دست میدهد ، اینک نمر
مکتوب را بدست دانه که نعمت الله
د ولد نورعلم بتاریخ ۱۱ ار ۱۲ ار ۱۳
به اهدام محکم شد .
با اهدام او دم اندکی آرام
خواهد گرفت دیگر جسم سوراخ -
سوراخ شده جاوید که فقط
۱۸ سال داشت مقابل چشمانم
مزارها بار جان نخواهد داد .

نقش جدید من . . .

بقیه از صفحه ۳۱
من در فلم سفر نقش مصطفی را
بازی میکنم که با گروپ از جوانان
که برای سواد آموزی به قریه
دور افتاده میروند فلم نیز از همین
جا آغاز مییابد . و حوادث فلم
یکی بی دیگری اتفاق میافتد و -
گروپ از جوانان به شمول مصطفی
باین حوادث درگیر میشوند و -
قهرمان متن باد یگر جوانان
با شجاعت و پای -
مردی با ان دست و پنجه نرم
میکند و در مجموع فلم نمایانگر
آنست تا آدم ترسو و زبون نبوده
و بدون ترس با شجاعت بهتسو
میتواند به هدف دلخواه خود

چاپخانه

بنیة ازمنحه (۲۲)

سنت يك تلاشگر ایدمه ال بود
با ان هر چه نیکه ماندنید اگر -
خنده دار بود از دل می -
خندید، سهم نگاه میکرد و می
مخندید و آنس خنده بخود
میلزید. این کاری مراجعات داده
به تویح تمیم پرداختم.
سنت بی مقدمه خطاب به
دیگران گفت: ببینید این آدم هر
کاره است، ولگرد، آقا، شامه،
ایید وار، تنها چاشق پیشه و -
ماجراجو، او میتواند شما را مقاصد
سازد که عالم، مونسین، اشرافی
و بانگر پولواست و در زمین حال از
بوداشتن تم سوخته سگرت و -
شیرینی برخاک افتاده نگ ندارد.
- خوب من او ریسه خود را
به پایان میرسانم میدانم که وقت
و شرایط برایم بسیار مناسب بود.
محبوب مردم سراسر جهان شدم.
هم دوستم داشتند و هم از من
نفرت میکردند.
بلی زنده گی ازودیمه هایش
خوبترین و بهترین را بمن ارزانی کرد.

البته يك کی از ناملمات راهم
تلاشچان چارلی بیشتر چه
ها و کارگران بودند، و برخلاف تصور
همگانی فلماهی تا سال ۱۹۲۰ -
هنوز مورد علقه امان و اشرفان
تزارنگرفته بود، زیرا آنها هنوز
خام و عوام پسند بودند. شاید -
تقاضای زمان بود که آنهاوش رنگ -
ماهیانه داشته باشد. طبقه با
سواد و تحصیل کرده کی در بر تهره
چارلی علقه مند شدند و بنابراین
نتوانستند او را منحرف سازند. از
(ولگرد) ۱۹۱۵ گرفته تا (کوچه)
درام) ۱۹۱۷ و اودوش نگ ۱۹۱۸ -
و (پسوک) ۱۹۲۱ او (زایر) ۱۹۲۳
و (جستجوی خلا) ۱۹۲۵، او -
(روشنایی شهر) ۱۹۳۱ او (صفر
جدید) ۱۹۳۶ آنچه به نظر میرسد
نه دگرگونی بک زرفیابی و کامل -
شدن شخصیت (ولگرد) است. حتی
لباش که اتفاقاً برای بعد از ظهر
بارانی تدارک شده بود کم کم معنی
خاص مییافت. در این لباس زنده -
پوشی از نگاه نجبا، لوکس
از نظر فقرا، نقش مبرد
فقیر بی همه چیزی را بازی میکرد که
باشجاعت تمام واقعیت تلخ فقر و تهی -

دستی خود را نادیده میگرفت. چارلی
نمونه مردم بی همه چیز و فقیر شد.
برای تجسم روحیه ((مرد کوچک)) از
حیله های بصری و تبدیل ناگهانی
اشیا که در قلمهای نخستین به
کار میرفت استفاده میکرد. مثلاً در
(پسوک) وقتی چارلی دستکش بی
انگشتش را بیرون میکشید تا هم سوخته -
بی را از قوطی سگرت (قوطی سارهن
است) بیرون آورد این حرکت عادی
را ظوری انجام مدهد که مانند
تغیسن بسیار ضعیف و گرانجا به
نظر میرسد. در (روشنایی شهر)
چارلی در مهمانی مجلی ایشیا را
بی بلند و از درون شکش صدای
صهل شنیده میشود و نیز در کاره
وقتیکه توشه های کافذ با مگروشی
مخلوط میگردد. این دو واقعه هر
يك عموه بر اینکه به جای خود بسیار
خنده دار است در ضمن تعایشگر
است که چگونه چارلی از در و جان
میکشند تا هرگز جماعت شود. تا
میلوونان، دختران، بانوان خوبی
لباس او را در جمع خود بپذیرند و بی
چارلی بخیی میدانست که کوچک
مردی هرگز نمیتواند هرگز این -
جماعت شود. سرنوشتش چنین است
که همیشه در تاریکی به امید و انتظا

بسرزد و همیشه با همی دوری نسا -
امدی را از خود دور براند.
شاید در اینکه چاپلین در روز -
گاراتی که مردم به سن و رسوم
جامعه گردن نهاده بودند -
شخصیت ولگرد خود را جل دهد
معناي خاص نرفته باشد. شاید
چاپلین دیگر (صردک کوچک) به
نهر و ایستادگی اش در برابر اجتماع
ایمان نداشت و شاید احساس میکرد
که رسانیدن پیام به جهانسان
بمان صبح تر و مستقیم تر از ایجاب
میکند. وان اتکا به نفس و ملامت
نروانی چارلی ولگرد دیگر برای -
این منظور کافی نبود. حتی ارسال
۱۹۴۰ به بعد با فلم ((دیکتاتور
بزرگ)) چارلی شخصیت خود را کنار
گذاشت، تا ازته دل پیام امصد -
واری دهد و دلگرم کننده اش به
گوشه های مردمان خورد شوند. در
نیرسا و ظلم و استبداد برسانند -
در فلم بعدیش ((سپوورد)) -
۱۹۴۷ چارلی ولگرد بکل ناپدید
شد. در این فلم، که شاید -
صهان امیز تهن فلم باشد، قاطعی
در دفاع از خود میکهد که جنیت او
اصلاً گناه نیست بلکه قیاسه
آن وحشتناک است. ((قتل یسک
تن انسان را چینی تارک همساز و لسی
قتل چندین میلیون تن باعث افتخار
است.))

از وی. تاسی و لوستل جسی
اداری مرستیال ددنی نیسی
ورخی صلاحیت به زور. تولسو
د فترتونه دخیل خان د سر -
پرست والی رسمی اطلاع میرسوله
اود هائی ورخی له فرمی و روسته
چی فنی مرستیال ترجمی خان
ورساوه. نوتولود فترتونه بی د
خیل کالت متحد المال مکتوبونه
ولیزل. به دوهمه ریخ سعار
اداری مرستیال بنغه جسی
موسی ته رخی. حال داجسی
فنی مرستیال له بیبسی ناخبره
به اووه جسی تمکی موثرکی له
نوروما مورینود مخه خان موسی
ته راروسی. خوگله چی خوکیدار
ورته وای چی اداری مرستیال
ترده دمخه راغلی دی. نونسی
مرستیال د موسی به عومنی
د روزه کی لکه ریخ لرگی به خای
ریخ کلک باتی کیزی. اوسر به
وگورچی دغه لویه د جابه کتبه
راخرخی.
(یونیم اواملا موزیک دی به
خیله لوستونکی و غمز وی)
راوی: که فنی مرستیال
موسی د روازی به خوله کسی -
لرگی غرنی ته تکیه نه وای کری.
نونسی له شکه به به خمکه راغور -
نخیدلی وای. دومره ویرسره
بخت یاری وگرمه چی دما مورینو
موتونه ویرا رسیدلی. که نویسه
دغمی وضعیت د فنی مرستیال

لیدل کومه ریخ خبره نه وه هغه
د اداری مرستیال به دغه موتسی
برلاسی ناامیده نه شو. او نیخ
خیل دفتر ته لار. فنی مرستیال
ددی له باره چی اداری مرستیال
بی به راتلو یوه نه شی. خییل
بو تونه بی دد هلیزه د روزه کی
و ایستل اولکه د چرگانو دغله
غوندی دگوتیه خوگوخیل دفتر
ته لار.
(د فنی مرستیال د ورو ورو -
قد مونوبمگرونوکی دی محترم
لوستونکی د قمرگلی دغه مند ره
چی: ((و رو و رو کیده قد مونسه
اشنا)) له خانه سره زمزمه کری (ی)
به دغه ریخ اداری مرستیال
د ویره دروند دریاست به جوکی
باندی ناست و چی به ار مونو
به هم جانه وای ورخنی ار ولی.
دغرمی و پوی بی هم دخیل گارد
میزله پاسه و خوره اوته دا لویه
ریخ کی بی ترمازد یگره پوری به
جای روزه هم ماته نه کری.
د فنی مرستیال خانه سامان
حضرت میر چی یورخ دمخه بی
دکم غرووی کارله باره له فنیسی
مرستیال خخه اجازه اخستی وه.
به دغه ریخ کارته نه و راغلی.
کله چی اداری مرستیال له دی
بیبسی خبر شو. د اجیرانوجا -
ضری بی دفتر ته ورو نویسه اوسه
خیل قلم بی ((نیم روزه)) غیر -
حاضر کری. فنی مرستیال به دغه

ریخ د جوکی به نه نیولود و سره
خپه نه و لکه دخیل خانه سامان
غیر حاشیه لوجی به قهر کر -
دوه د ری خله بی تیلون ته
لاسر و تیر کری. خود تیلون له
لاری اداری مرستیال به بی ابه
کری. خوهرخل به بی یسه
شیطان لعنت کی او دغه کلمات
بی بل وخت ته برینود. هغه
پوهیده چی اداری مرستیال د
ریاست به جوکی پوری مییخ
شوی نه دی. او غروو به یو وخت
چی نیویته شی. هغه وخت
چی فنی مرستیال بی فال به
زیه کی نیولی د رسمی وخت
پای ته رسیدل وو. کله جسی
رسمی وخت پای ته ورسیده. نو
فنی مرستیال د اداری مرستیال
د غالفکیر کولو له باره د نورومامو -
رینو به خیر له دفتر ته راویت او
به لوی لاس دریاست د دفتر
د کر کی ترخه تیر شو او هداسی
حال کی چی اداری مرستیال
دریاست د جوکی له سرنه ورته
د سترکولاندی کتل له موسسی
ووت.
اداری مرستیال رسمی وخت له
پای ته رسید و روسته بوره یسو
ساعت لا هماغسی تینک به جوکی
پوری نبستی و. کله چی دخیل
رقیب به تللو پاوه شو. نو
د روزه بی به خییل لامرکولپ
کره او کونجی بی به حیث کی له

خانه سره و اجوله. خو خیرنه و
چی فنی مرستیال به کونجسی
لا بیون ترلاسه کری وه او هم بی
د دیوال له لاری موسی ته د -
بیرته رانوتلونیت کری و.
(دلته دی یوازی دریا یوه
لنده نغمه د خوتانیوله باره -
و فرول شی).
فنی مرستیال د ما بنام پوی
به کوکی و خوره اود سهار له
باره بی یوه وجه پوی او خبو
ایشیدلی هکی له خانه سره
به بکری و اجولی. د ما بنام
به خره کی د موسی به دیوال
ورواست او به بیخه زره بی د
ریاست د روزه و خلاصه کری ایه
خرخی جوکی شیز اووه خرخه
هاخواد یخواتا و راتاوشو. که خره
هم دشپی د خوب او بلاستی
له باره به دفتر کی یوغت او -
مناسب کوچ هم بوته و. خوله
دی ویری چی سهار دی ویده
ونه او جوکی بی اداری مرستیال
ونه نیسی. نویسه بی به هماغه
جوکی سبارک ه (دلته دی لوستو -
نکی داس فکروکی چی گوندی
چرگان بانگونه کوی اوله دغسو
بانگونوسره یوخای دی د صحنی
بیلولو یوموزیک هم ویرسویزی وی
سهار اداری مرستیال بیلا
دخیل رقیب له ویری به هماغه
پورینی وخت موسی ته راغلی.
باتی به (۷۷) مخ

چاپخانه

۹۱۵



مجنون قرن...

قیمه از نسخه (۹۱)

راجع به ملاقات های رسمی و شخصی
تان با ناد هویلا میخوامم بدانم

ملاقات ها که زیاد دست داده اما یک بارتی
و یا ملاقاتی که در منزل مد هویلا تقریباً صورت
رسمی در حضور اکثر هنرمندان فنی و ژورنالیست
های هندی ترتیب شده بود که کمی از آن رحمت
منام - ترتیب بارتی در خانه مد هویلا بود -
(بندره) بعضی صورت گرفت که از جمله
هنرمندان در آنجایی، نیویاری، دلیپ گماز
نوروزان بلراج سمانی و چند نفر دیگر هنرمندان
معروف و علاقه مندان مد هویلا تشریف داشتند
راستی در سفر خترافان که دو خواهر بود رسید
و حدیثاً در جهان فنی شروع بکار نموده بودند
البته از طرف من درین دورات اشتراک داشتند که
اسمهای شان، شاه گل و ملکل بود - بر علاوه روز -
نامه نگاران تایمز اندیا، سکری، اداکار، آنزو
و چندین ژورنالیست های ران یو هند و کهنکشان
فلم ستار، شمع دهلی، فلم نیوویو، حضور هم
رسانیده بودند - دعوت ساعت چارم شروع شد
همگی حاضر شدند - دو هم شیره مد هویلا، کیتیز
و جنجل هم دروازه از مهمانان پذیرایی میکردند
موجهر شوهر همشیره مد هویلا هم تشریف داشت
که او هم یک هنرمند جهان شناخته شده فلم بود
عکاس موفقی گرفته بودند این دعوت رسمی را مد هویلا
بافتخار من ترتیب داده بود - بعد از صرف عصره
بسیار عالی و مجلل سخن از هر دو آغاز شد
از کابل و هوای آن و سوه جات تازه و خوشک
افغانستان که مخصوصاً بسته وادام، کشمیر
و انکور و خزر بوزه افغانستان در هند شهرت
فوق العاده دارد - آهسته آهسته سخن بجاهای
جسارت و بیاریک کشیده شد - ژورنالیست ها را شما
می شناسید - از خدا می خواهند مومنی برای شان
پیدا شود که آدم را سوال بپرسد و سوالا مختلف
یکی میگفت چند رمدت بود که ماد هویلا دوست
میداری بد یگری می برسد - سبب و عوامل این عشق
چینت گری می میگفت چرا مد هویلا برای محبت
انتخاب کرده بی و بد یگری می رسید معنی عشق چیست
و من باید همه این سوالها جواب میگفتم، بعد و ن
آماده گی پیش بینی شده یکی به انگلیسی سوال

میکرد یگری به هندی و من به اردو و چارمی
هم به زبان دری - من در بین خیران و سرگردان
مانده بودم که اولتر یکدم شان جواب بد هم
همچنان مد هویلا را میوال بیج کرده بودند که
آیاتوهم علی مشیری را دوست میداری یا اینکه
عشق او کلهه است اما یگری میگفت چطور است
با او ازدواج کنی ؟
و من درین گمرو دار درست آنرا پیدا کردم که
کتاب ((وینوی شوق)) را که برای مد هویلا نوشته
بودم و شام ده هزار بیست میباشد - با تشریفات
مخصوص بحضور تقدیم کنم که این صحنه از طرف
حاضرین با یک زده تهای زیاد استقبال کرد -
چون این کتاب را بقلم من نوشته بودم و هر صفحه
آن میناتور و دیباچه جداگانه داشت و چندین قطعه
تصویر مد هویلا را رسم کرده بودم که از جمله یک
رسم مذکور مد هویلا را در لباس انسانی که مخصوص
افغانستان است نشان میداد - بنابراین کتاب
دست بد شدت گرفته بود - و باره بدست مد هور رسید
که او کتاب را پوشیده بالای میز مقابل خود گذاشته
گفت ((این یک کتاب مقدس است برای من که باید
تقدیس شود - بر علاوه امتیازات معنوی آن - این
کتاب و نویسنده آن شهرت فوق العاده من بخشید
که شعرت برای یک ستاره فنی ازین نوع العاده
دارد)) - مد هویلا ضمن بیان خوش اخلاصه
نمود: ((تو من لقب وینوی شوق را دادی که این
لقب نه تنها در مطبوعات هند بلکه در جمله فلسف
دای - جست آمریکا هم من بیوگرافی من منتشر
گردیده و اینک مجله مذکور را برای من هم فرستاده
است -
من از تو بسیار گدادم که قدر و منزلت مرا
آنگذری - بر دی که به ستارگان آسمان رسانیدی
و این برای من راستن مایه افتخار و مباهات است
خیال کنی که من قدر و قیمت تو را شعاع ترا
نمیدانم و یا حق ناشناس و ناسیاس هستم))
مد هویلا افزود: ((در یکی از جراید فنی بعضی
خوانندم که ترا مجنون من بیست خطاب کرده -
بودند و من این را نمانید نمیکم - اگر به معنی جنون
آن باشد و اگر به معنی وفاداری، فداکاری و عشق
باید اریاشده جزای ؟
زیرا تو شاعر هستی - نویسنده بود اکثر هستی
من توانای مجنون عاقل نامید تو سمبول و رهنمای
عشاق هستی - تو نمونه عن و زاده آهنین و تعمیر
عالی هستی - تو توانستی با تمام مشکلات بدست
و نجه تم گش و ناممکنات را ممکن سازی، هستند
در بعضی هزاران نفر که میخواهند با ستارگان فنی
از نزدیک ملاقات نمایند و این برای شان امکان
پذیر نیست و تو بر علاوه اینکه از افغانستان
تالیا (میدی) آمدی بعد از کدام حادثه
بود که مرا وادار کردی تراه نزد خود بپذیرم - هر
صورت از این همه زحماتی که در راه من کشیده
ای باز همه اشعاری که برایم نوشته ای بیکبار دیگر
ساز و شکران خویش را در حضور همه این هنرمندان
دایرگروه، ژورنالیست ها و مدبران جراید بتو
تقدیم میدام - امید رام بد پرته گردانم - در اخیر
گفتار و بیانیه مد هویلا در وقت از قسمت آخرین
کتاب را برای من چنین خواندم - یعنی بعد از ده هزار
بیست که سروده بودم - گفتم :

هو کن گریمن جسارت کرده ام
ازم در یک اشعارت کسره ام
نیت نگاهشتری مفتون تو
گشته عالم غرق در آسوس تو
مد هویلا فوراً گفت : من غرق در آسوس تو
در اینجامد بر مسوول محله کهنکشان گفتم :
(زمانیکه فردوسی کتاب مشهور شاهنامه را برای
سلطان محمود غزنوی بفرویش سلطان نوشت
سلطان غزنوی در بدل حریت یکدانه اشرفی برایش
بخشید یعنی در عوض شصت هزار بیت که سروده بود
شصت هزار طلیبی اشرفی برای فردوسی داد - و او
درین اثنا طرف مد هویلا نظر انداخته و خاموش
ماند - مد هویلا گفت : ((من قدرت برداخت
ده هزار طلا را با هم و این مبلغ را برای داکتر هلی
بفردا)) - من گفتم : ((قبول نمیکم - زیرا فقط یک
شکر تو برای من از ده هزار طلا بیشتر ازین دارد))
گفت : ((من میدانم و تو شکر موازیات ترا زده -
هزار طلا میدانی)) - مد هویلا همیشه مرا با هم
خدا میگرد و من هم او را مد هوی - و گاهی متاخرم
میکردم - محفل تا ساعت یازده شب دوام کرد - مجلس
اشی بود - همه نوع موزم در آن اشتراک داشتند
در وقت بد شدن حسین و رقیب - بعد از صحبت
بموسیقی شروع و چند پارچه رقم محلی هندی
و سپس طعام شب - و بعد از آن هم محفل پایان رسید
همه مهمانان خدا حافظی کردند و رفتند - درین
وقت من منتظر بودم که چنگ که بلراج سمانی سرا
از تر بد بیرون کرده بگفت : ((بیا همراه من برویم
زیرا هتل محل رهائین تو از اجازت یاد دور است))
درین وقت مد هویلا مداخله کرده بگفت : ((بهتر
است صبحی شب همین جا ماندگاریم)) - و من این را
از خدا میخواستم - و از هم بردا بعد از صرف ناشتبا
در کتابچه با دست خود نوشتم :
خداوندنا چه منزل بود شب جاییک من بودم
هر سورقم بسمل بود شب جاییک من بودم
بوی پیگر نگار سوز قدی لاله رخساری
سرا یا آنت دل بود شب جاییک من بودم
رقیای گوش بر آواز او در ناز و من حیوان
سخن گفتن چه مشک بود شب جاییک من بودم
- به هر حال اکنون که ماد هویلا عزیز شما
جهان فنی را و داغ گفته کنون عاشق کی استید ؟
من قیلا هم گفته ام که عذف شما از مطرح
نمودن این گونه سوالا بیرونا بودن جنجال
و مشکلات برای من است که میخواهید حتماً سرا
توسط کسی بی آب سازی - هر صورت جوابتان
را میدهم زیرا باشما وعده کرده ام که بسوالا
تان جواب گو باشم
پس گفتم :
ما من خداداندولی در شانه من بینم
که از سودای کیسوی کسی دیوانه خواهم شد
در پایان صحابه اگر سوالی دیگری داشته
باشید از شمارایی رحمتتان که با من این صحابه
را انجام دادید اظهار سپاس منبام - با تقدیم
یک راضی علامه اقبال :

ببای خود من زنجیر تقدیر
تو این گنبد گردان رهی است
اگر باور خیزد در سبب
که چون پروا کنی جولانگی است

در ارتب نامہ ہائے

درین ماه بازم از دوستان خود نامہ های بومحبت بدست آوردیم ، ما از نظریات و انتقادات تان استفاده می کنیم ، تشکر از همه شما .

یاقین احمدی ، فریدہ امید ، برشنا نظری ، محمدعارف شمانی ، محمد شاہ آشنا ، سلیم زادت برچی ، حمایت قیسی ، یلا شیم ، اسما زینت فرشته ، نسیمہ میرگل ، خسرو محمد ظاهر عزیز ، محمد صابر رحیمی ، مسعود توخی ، حمیرا تننا ، فتح محمد فتاح ، سجیہ آریائینی ، شمع حسن ، زرمینہ دانش الهام الدین نعیمی سید فراخزینی ، دیاناویس فریبا وین خیرصافی ، احمد نویدہ احسان الدین ، تمیم صادق سیحیل فرملی ، محمد داود فرملی رحیمہ معین

مریم دانش ، نظیفہ بیروز مسل ، هوالطیف ، حیدر دانشجو عادلہ انور عزتی ، فلورا اتایی رویا مشعل ، صدیقہ فریبا سریزادہ ، عمایون ، سید محمود شرفی ، نیلہ فروغ ، رابعیہ ، دیبا اثر ، شرمیلا ازلیسہ سوریا ، بریالی شرفی گارمند شوراب زبیر حسینا غزال ، رابعیہ ربایسی محمد مصطفی مستور ، مسعود توخی ، لیلما عمراخین ، فریدہ فرملی ، سونیا اسلمیار ، زمرہ بول ، فرزانه سیدالی ، شکریدہ نادیا رضایی ، ناجیہ ، ختابہ نور ، احمد شکیب ، عبدالرشید و حیدر اللہ ، احمد فرید سرباز صاف احمدی ، روشانہ ، نظیفہ ابراہیمی محمد نذیر شکیب انسر ، روحانہ اعلمیاری ، خالی مومند ، فرزانه

عطیہ ، رشیدہ ، فرزانه ، شکریدہ ، حنین ظفری ، عبدالوہاب راسخ ، هنگامہ ، رابعیہ راح ، جمیلہ کوهستانی ، فائزہ یادگار محمد آصف مراد ، گل آفا راعب کرام الدین نیاسی ، فوزیہ نوایی عوث اللہ ہمدرد ، سید قاسم سعیدزادہ ، مسرورہ دوریش محمد زیار وزیری ، رابعیہ وفا ، فاطمہ ، رقی اللہ فدایی ، ژولیا ، بهار اکبرزادہ ، فائزہ مارینا عبد المجید یزدان برست گل علی نعیم ، نصرت اللہ فریدہ نیلاب ، فریدون خرم سید احمد شاہ حسینی ، کشکشا عبد الخالی تفتیق ، بہرام علی خالدہ شعب ، محمد آصف فاطن ، فائزہ شهاب زرمینہ فقیر یار ، محمد سالم ، نجیہ امید ، الا اناعرفان ، عادلہ

اختر ، غلام عباس شاکری ، نفیسہ رحیمی ، محمد عارف تنہا ، مومند ، نوربہ میرزاد ، داکتر ملالی شریف محمد ظاهر خورشید ، نیاز محمد حمیدی ، خیال محمد عبیدی ، ماریا ، شکیب نیلہ انور ، مارینا خوشہ چین احمد شکیب کوهستانی سید امید کوهستانی ، نادیا یوسف زئی ، غلام داود محمد یار سمیرا اثریفتلی ، محمد داود سید امراللہ ، اصغر یق یار امید ، فیز محمد متین ، لیل سعادت خیال محمد حمیدی ، فاطمہ نورزاد ، مارینا انورونی احمد شکیب ، سید اسد اللہ نقشبندی ، محمد داود حساس ، سید موسی عباسی ، احمد سیاہ صبیح سرباز خاندونی و امنیت دولتی سروان

وسید نجیب اللہ عاشق محمد امام حزین محصل سال چہار پونہنخی فارسی بوہنوں کاس دوستان خوب از کسارت ارسال تان تشکر و توفیق مرید شما را تمناء ارم رضوان ساحلی از مراد شریف چہار نامہ تان سر بہ سر رسیدہ کہ ہایتان قبول ، اما باید بداند کہ در میان مطالب سیاسی ہم چیزہای دلچسپ وجود دارد . عبد الاحد ثابت ، معلم میشود شہام آدم برکاری ہستید لطفاً اگر تون خبرنگاری دارید یا خلیلی حکیمزادہ از ولایت ہلمند ، کامیابی بیشتر نصیب تان ، چرانسی ان ماہم میخواہد سیاہون را اول بہ شما فرستیم ، حتماً در نظر داریم کہ بہ ولایات محلہ برسانیم .

مود و فیشن یا سرنوشت مہین

شمس علی شمس محصل استیقت حب علی نامہ بی این مطلب را بہ ما نوشتہ و صفا تذکر دادہ اند کہ اگر چاپ نشود ہمکاری ام را قطع می نمایم .

((بہ سرنوشت مہین خویش می اندیش))

چہ زیباست تا جوانان ما کہ آیندہ سازان کشور خویش اند بہ جای آنکہ در انتخاب رنگہای سرخ و سبز لباس ہای بد روز دقت نمیشوند بہ چہاران خزان زدہ مہین شان ببندیشند زیرا مردم از روشن تقاضای خدمت را دارند و نمی خواہند در نزد دشمنان اشک السود شان قامت آراستہ بہ لباسہای خلاف فرهنگ ملی شان جلوه نمایند اگر صفحہات پسران و دختران مجلہ سیاہون را دقت شوہم حرفی ہم از احساس جوانان در برابر اجتماع و مردم شان نخواہیم یافت بلکہ فقط مود ہا را می بینیم و رنگہا را برمی گیرند . اگر این صفحہات را از مجلہ جدا ساختہ و کلکسیون نمایم فکر میکنم کرد آوردہ ہای بہترین راہنامی در گرگش زنگہا در چہان مود و فیشن خواہد بود و ذوق ہای گوناگون جوانان ما با شک ہای گرسنہ و در انتظار نان سوسنق ہمہ ذوقہا محسوس خواہد گشت .

سرسیزی و شوگوانی مہین بہ تلائم جوانان متعلق است نہ بسہ بیاریہ گوناگون آنها . ومن فقط بہ سرنوشت مردم و جامعہ خویش می اندیشم و از ذوق ہای کودکانہ و نابہ هنگام امتناع میوزم زیرا این دقت (بہ مود و فیشن) بہ یک پژوهندہ علم و معرفت زیندہ نیست .

(براد عزیز ! درین صفحہات خلاف نظر شما مسائل اجتماعی نیز مطرح شدہ و ہتازہ اینکہ نمیتوان ذوق و زیبایی را از جوانان گرفت حتی در شرایط جنگ چہ انسان نیازہای دارد کہ باید انرا در نظر گرفت)

پایسج ہمای کوتاہ

محمد نعیم ولی عزیز اولی محصل در بلغاریا !

براد عزیز وقتی ازین راہ دور نامہ می فرستید لطفاً از ہترین مطبوعات بلغاریا چیزی ارسال

کنید ، نہ از دیوان ہمای کہ فراوانتر ارم . احمد جاوید مجید بخشیریی نامہ تان رسید اما چرا اینقدر گلہ و گداری ہنکاری تان را بدین موشوم بہ ما نامہ بنویسید .

از نظریات شما تشکر

دوست گرامی احمد اللہ داغ از ہنر کندز ، سلام ہا ہا ما را ہم بندداشتید نظریات شما را بہ مجلہ سباز مود توجہ ما را از گرفتہ تشکر از دوستانی چون شما کہ با صحت تان ما را یاری میرسانید ، سواد شماره مار یک تا ششم شان مواردی است کہ وقت آن گذشتہ و اما در بارہ شعر جوانان حرف تان میتواند تأثیر بدی بر ما باشد .

چاپ شماره اول کارمکن ہم نیست و ہم است ولی از لحاظ زمانی برای چاپ دوبارہ آن فرصت نداریم ، ما کہ نشر نشدن نام آہنگ سازان کھدات را بدین ترتیب و تلویزیون مانتیت چیز است مربوط بہ خود آنها اما نشر است و کجا اما نظر اداری مجلہ ما نیست کہ بفرماید ما ہر کسی ہر آواز خوان نام آہنگ ساز تشکر یاد نمود . از شما تشکر .

بہ ما در تماس شوید

براد عزیز برشنا دوی ، نظریات شمارا در مورد داستان بازگور سرکرد ان در نامہ ارسال تان خواندم . تشکر از توجہ تان اما در مورد این کہ داستان مذکور از داستان دیگری تحت عنوان بازگور در نوشتہ الیور گولسد اسمیت چاپ شماره سم سال ۱۳۴۹ مجلہ سخن کابی شدہ برای قابل تا مل است . اگر چنین چیزی واقعیت دارد لطفاً شماره متذکرہ مجلہ سخن را بہ دقت بر محضہ بیاورید ، از ہنکاری شما صمیمانہ سپاسگزاریم .

پایسج تان را بخوائید

بعد از عمر سلام خدمت تان باید عرض کنیم کہ جوانان ما چرا در برنامه ہای مختلف را بدی تلویزیون ہمانان در مجلات نامہ ما ارسال میکنند . اگر منظور اینست کہ باید این مطلب یا آن مطلب درایسن یا آن برنامه بہ نشر برسد ، تعیہ کنندہ گان برنامه مطالب آنرا نیز تعیہ میکنند ، چرا جوانان اینقدر نامہ ما ارسال میکنند . با ارسال کردن یک یا چند نامہ

باید گفتہ و رزند جوانان دیگر کنورما بلا ، بہ این فکر نیستند کہ باید بہ رادیو تلویزیون نامہ ہا ارسال بکنند ، جوانان کشیر ما خوب دارند کہ فقط اسم و آدر خود را از طریق رادیو و تلویزیون بشنوند و در مجلات نام شان بہ چاپ برسد .

تعیہ کنندہ گان برنامه ہا ، برنامه ما را بہ مردم تعیہ میکنند و مردم ما میتوانند بدون ارسال کردن نامہ ہا بہ برنامه راتعقیب بکنند ، و بشنوند .

این دیگر فقط یک مصرف اضافی است ، ہم وقت خود را تلف میسازند و ہم وقت مسؤولین برنامه ما را .

امید دارم نامہ مراسلتا بہ نشر رسانید کہ جوانان ما در این بارہ چہ میگویند .

فوزیہ و صادقہ فارغ التحصیل لیسہ عالی مکریم .

خوانندہ گرامی ! ارسال نامہ بہ مجلات و برنامہ ہا رادیو تلویزیون در ہمہ کشورہا بہ عمل است آنچه کہ درین نامہ ہا آورده شدہ در انتقادات و نظریات خوانندہ و شنوندہ ہاست ، ارسال مطلب یک امر حتی است .

مطالب ارسالی شما

نقش ناخنها در تشخیص کرمکتر

دانشمندان اخلاق انسانها را ازبانه چشم وموي سرودست بالاخره ازندان واندام ورخی دیگرکردارعمل تشخیص واززیبی نموده اند ویکش از دانشمندان اخلاق اشخاص را از روی ناخن تشخیص نموده .

۱- اشخاصیکه روی ناخن دست های شان نقطه هایی سفید است به جنس لطیف (زن) علاقه مند اند ولی این علاقه مندی زودگذر بوده ازیک زن دلسرد شده وبه زن دیگری علاقه گرفته دل می بندند .

۲- اشخاصی که دارای ناخن کوتاه میباشند ، انسان هایی برو باره متحن وبرهیزگرگالی میباشند ودر مقابل مذاقات ومضاکلا حوصله فراوان دارند .

۳- کسانی که ناخن طویل ونوک تیزطبیعی دارند ، دارای خطوط زیاد ومسایب باشند برای تعلیم وترتیب ومعلمی مساعده ومعلمی برکاروشایسته معرفی گردیده اند .

۴- کسانی که ناخن بیضوي ((گرد)) وصاف وشفاف دارند مردمان بر حوصله ، آرام وصلح دوست وصلح هستند .

۵- ناخن دست راست انده که کم رشد وکم باشد معمولا اشخاص شکم پرست وبرسرف هستند وبالاخره همه اروزند ار خود را به شکم صرف کرده وبدر بساط چیزی نمی گذارند .

۶- کسانی که دارای ناخن فرمزی رنگ وروشن هستند مردمان مهربان ، خوب قلب خوش مشرب ، شیرین کلام ودوست داشتنی هستند .

۷- بالاخره انهایی که در موقع ناخن گرفتن ناخن های خون را به یک اندازه معین ((مساوی)) به دقت می چینند انسانهای باعزم سریع وثابت قدم به شمار میروند .

روشنه ((زین)) ازگوزن کابل سنتر

زبان پوستر

چطور از طرز چسباندن - پوستر بر روی بایک از دورن - فرستنده آگاه شویم ؟

۱- پوستری که راست چسبانیده شده باشد ، مفهومش این است ((فکر سوار لم بیرون است))

۲- چنانچه پوستر قدردی متقابل به سمت راست باشد مقصدش این است ((بمن اطمینان داشته باش))

۳- چنانچه پوستر را افقی ودر بجانب چپ چسبانیده ، مفهومش این است ((دیوانه وار ترامیرستم))

۴- اگر سر پوستر قدردی متقابل به سمت چپ باشد مفهومش این است ((ترا دوست میدارم))

۵- اگر پوستر بطور معکوس ومتقابل بر است چسبانیده ، مفهومش این است ((دیگر ترا دوست ندانم))

ارسانی : حلیه

نگته ها

۱- کم دانستن ویراگفتن مانند پول نداشتن وزیاد خرج کردن است .

۲- مانند مرد عمل ، عمل کن ومانند مرد فکر بیندیش .

۳- جدیت وشتکار آدمی را بفضله نزدیک میکند .

۴- از نیکی چاره فرزتوان دانست که بی مغز است .

۵- خوشبخت ترین مرد کسی است که برای تضایق دیگران ارزش قائل شود واز شادی دیگران انقدر رشاد میشود که گویی ایسن شادی مربوط به خود اوست !

۶- در جمع آوری دوستان وهمچنان در دوری از انسان حمله کن !

فرستنده : شریف نورین

مستوره محبت نامری (استعداد تاز ، راد ریخشهای دیگر هنر تجربه کید تنها نامری بیشه نیست) بلقیس احمدی از بوهنی علم طبیعی (بیسی از گردید) تان :

رنگی ز صفا نیست درین خانه خدایا
برخیزم از خانه به میخانه گرم
سایره شکیب از ولایت جوزجان (باره کردن حملات ومصراع وارنوتستن شعر نیست) از شعرا ی متقدم زیاد تر شعر خوانید . (۵) شکلا ازلیسه " آنه " فدوی (خوب است اگر بجای شعر داستان نویسی رایبشه کنید) (۵) احمد شاه کامکار از ولایت جوزجان یکی از دو بیته های تان با کمی تصرف :
الله یارجان بگیرم اصل نامست
کبوتری میگردم به با مست
اگر یکبار بگویی یار شیرین
شوم ندقه همونوک زبانت
(نام) و (بام) با (زبان) قافیه نمیشود . حالات فعل بی جهت از حال پاینده تغییر میکند - مصراع سوم نیز زیاد است . (۵)
خالده خرم اقل " مهم :

استعداد خوب شعری دارید ، مگر در استعمال کلمات دقت نموده قوامد سنتی شعرا بیشتر آشنا شهد " بندری از سروده " تان را با کمی دستکاری چاپ کردیم :

خواهر ارام بگذرید از مد تو ارقش ندارد یک دو جو
تو مکن تقلید از هر بیگانه
ابروی خود میزبان رایگمان
کی توامد خوب و نه با همکد
بسل تو این کار رسوا همکد

هنزه نوین از نوسوالی بلخمری :
دوستی های که به نام ((تک بیته)) فرستاده بودید رسید در نقل آثار هنری دقت کنید .
سفروکدی به شهر دور دستی
دل نازکتر از جام شکستی
بهارتوک وناکن ((بیوه)) چنان
به هر آیین وهر طبع که هستی
ترک وفا نادرست است باید ترک چفا باشد .

لیدا نارام از پ . اقتصاد :
((نارام)) راه منظر که مانوشتم بنهسید ، منتظر آفیده های خوب تان هستم .

عبدالرزاق حسن یا ماز تخنیک ساختمانی :
برادر عزیزه اوقات بیکار را کارکده و نه شعری راکه به مجله می فرستید بنهسید از کت ؟ از شما هاکس دیگر ؟

مللی محبت : نامه ات رسید ، مگر شعر ازکی بود ؟
فرده احمد فاعل : رابعه بلخی : شعر ((در خیال)) شما کاستی های فراوان دارد .
جستن معشوق از طرف شاعر و در شعری ، ((سنی)) نه خواهد ، همینطور رسم است . در قسمت شعری می توانید از کاتبین ادبی نهسندگان جوان رهنمای شهد فرهاد حاجب ازل " خبیبه :
به املا وانشا توجه کنید . بیته اشعر تان :
دیشب که به خواب تو خیالات پتان بود .
در کلبه " فزده گان اه و فغان بود .

ماریا رحیمی ازلیسه دوستی (خواهر عزیز ، دیوان حافظ را که مام دارم) . نوبه عطا (تجربه تان را در شعرهای بیوزن توسعه بخشید ، استعداد خوب دارید) . سمیرا نجیب سادات و خاطره های بیوزن بیزاد ازلیسه " مهم (دوستی تان قابل نشمر نیست) . عادل اخترازی از وزارت امور عودت کندگان (شعر انتخابی تان را گرفتیم یک بیت آن :
بی عشق ای طبیعتی نیست در جهان
تا بیره درد کمر نشناسی دوام کن)
سخن مراد مسکین امسوق " غ ولایت مزار شریف (شعرتان کاستی های دارد با آنهم دوست آنرا نشمر کردیم استعداد تان را با مطالعه بیشتر پرورش دهید :

کنون از حال زار من مبرسید
که فرم دوستان در عالم خود
خراب یزار و حیران نمودی
بت شیرین ادا می از غم خود ()
شکیلا نور از بوهنی علم طبیعی یک بیت از شعر انتخابی تان :
ای قاسد آرزو نامه زد ل از ندراری
از هر تسلی زبانش سخنی ساز
لینا نارام ازلیسه آریانا (خواهر عزیز) ماد راد بیته در ری ژانری به نام طرح ندارم به املا دقت کنید)
اینه مقبل بنه آرزلیسه " مهم (دوست عزیز شاعر ارسالی تان زنده باشید :
ای صبا یا شهنه سالک از فلسفگی
از فراق نان سیلو جان ما بر لب رسید
برود یوار شورا این سخن باید نوشت
تا یکی این زهر تلخ جنگ تحمیلی شید)
میروس نژاد ازلیسه انصاری (دستوزبان) و زن قافیه ود دیگر معاییر شعری را با موزید " رباعی تان لغزشهای فراوان داشت) ، فرید احمد امید از مزا - ر شریف (استعداد خوب دارید بیشتر زحمت بکشید آینه " روشن شمارا استقبال میکند ، دوست از نزل تان :
باز فصل باغ بوستان میرسد
لبیل دل در گلستان می رسد
سبز میگردد چمنزار امید
نوعوس باغ خندان می رسد)
شکیلا پوهس از مزار شریف (طبع روان تان را روان تر میخوانیم سه بیت نزل تان با یاد داشت کوچک ما :
باز فصل نوهاران آمده
فصل شوق مند لیان آمده
باز گلگهای فریبا و قشنگ
سوی بوستان و گلستان آمده
من شکیلا خوانم هر دم این سرود
لبیل غیلم نزل خوان آمده)
وازه بوستان در مصراع جام ثقیل است اگر ((بوستان)) بسازم این نغمه رفع میگردد مصراع پنجم را به خاطر ثقل واژه هر دم این طور سازید خوب است :
((هر زبان خواند شکیلا این سرود)) . آری از طب کابل (شعری در رسا وجود دارد ، فقط بیشتر زحمت بکشید و شعر مطالعه کنید) . مارچه " ک . ازلیسه رابعه " بلخی (حرفهای که به آری جان گفتیم در مورد شما نیز صدق میکند) . تورن عبد - الصادق ((هارون)) از کینناری بگرامی (دوستی های تان را به برنامه های فولکلوری راد یو فرستید)
شکیلا نجیب ازلیسه آریانا (نامه تان با چها ر چشم رسید یک بیت از گردید های تان :
چشم اگر این است ابرو این و ناز و شوه این
الوداع ای صبر و تقوی الوداع ای عقل و دین)

براساس فال گزینیم

متولدین ماه حمل

موفقیت‌های شایانی پیش‌رو دارید، اما دقت کنید که متکبر و خودخواه نشوید. از صحت‌تان مواظب‌تر کنید. بادوستان مهربان‌تر باشید. دیدار تازه در تغییر سرنوشت شما نقش خواهد داشت.

متولدین ماه میزان

ملاحت ساختن دیگران برای برائت خود کارشایسته نیست. باید شهادت آنرا داشته باشید که خطاها و اشتباهات خود را ببینید و با پیشانی باز آنرا جبران کنید. کودکان عزیز می‌توانند شما را خوشحال کنند. مجردها به ایجاد زندگی مشترک تا چند روز دیگر آغاز می‌کنند.

متولدین ماه ثور

عهر شدن و خصمانیت بی‌مورد عمر شما را نهم می‌سازد. از مصروفیت و کار بیشتر همیشه لذت می‌برید و این نکته بی‌است که متوجه آن نشده‌اید. قضاوت هرگونه میباید شما همانطور زنده‌گی نمایید که استید. ضرورتیست مطابق میل هر یک باشید.

متولدین ماه عقرب

ضعف بزرگ شما، ضعف اراده‌تان است که نمیتوانید تصمیم عاقلانه بگیرید. دوری شما از خانواده و وطن کار نادرستی است. اعتماد شما نسبت به خانواده‌تان به جاست اما آنها بدون شما احساس کمبود مینمایند. مجردها دیدارهای خوبی در پیش دارند. دقت کنید انسان را با تمام ابعادش باید بشناسید.

متولدین ماه جوزا

امیدهایی که برای خوشی و خوشبختی در خانواده بزرگ شما ایجاد شده به واقعیت می‌پیوندد. یکی از مسافران شما به زودی نزد شما می‌آید و دیدار تازه شما با یک عزیزم کرده برای تان بسیار پر لذت خواهد بود. فضای خانواده تان را همواره شما نگه دارید سعی نکنید آنرا وقت و ناوقت از دست کنید.

متولدین ماه قوس

بسیاری از عزیزان انتظار دارند تا شما با آنها مهربان‌تر باشید. کودکان بزرگ تان بیشتر به محبت نیاز دارند. کسانی که متاهل نیستند به فکر ایجاد خانواده میشوند ولی بهتر است از مصارف اضافی صرف نظر نمایند. درس بزرگ زنده‌گی برای متولدین این ماه تحمل و شکیبایی است.

متولدین ماه سرطان

تصمیم شما برای تحمل دشواریها و مشکلات عاقلانه است. زندگی باغم‌هایش زیباست. دیدار تازه‌ای که دارید برای شما امیدهای جدیدی میدهد. بدبینی و کدورت را از خود دور کنید و با امیدهای بزرگ خانواده‌تان رانیز جرات بخشید. آرزوهای تان برآورده میشود و انهم در همین روزها.

متولدین ماه جدی

خیالات بزرگی در سر دارید که با کار و پیگیری جدی میتوانید آنرا به واقعیت تبدیل سازید. هیچگاه با شاگردان تان رویه‌نا درست نکنید آنها به محبت و آموزش نیاز دارند اگر آنرا درست تربیت نکنید عذاب وجدانی بزرگی شما را از پت مینماید.

متولدین ماه اسد

انتخاب دوست و یاور زنده‌گی تان کار معقول است. تشوشت روانی خود را دور سازید. خوبست که دل‌بسته‌گی‌های تان به کار زنده‌گی افزایش می‌یابد. بیشتر به فکر آموزش باشید. آنچه را که در رویاها تصویری کنید واقعیت خواهد یافت.

متولدین ماه دلو

یا حق و ناامیدی را از خود دور سازید. تصمیم برای دوست داشتن یک کسی عاقلانه است. یک دوست خوب میتواند یک ثروت هنگفت و عظیم باشد. قدر دوستی را دانستن، قدر زنده‌گی را دانستن است.

متولدین ماه سنبله

سفری در پیش دارید که برای تان بر خاطره و جالب است. نامه‌های دوستان تان را بی‌پاسخ نماند. همسر تان را از خود دور سازید چون آریگانه پناه خود را در وجود شما می‌یابد.

متولدین ماه حوت

به صحت‌تان توجه داشته باشید. ورزش مصروفیت بسیار خوب برای تان خواهد بود. نگذارید کسی از شما بی‌جهت آزرده شود. دیدار عاشقانه بی در پیش دارید. امیدوار باشید که بخت با شماست.

تهدیدهای فضا

تهدید بود که سیاره بزرگی با کره زمین تصادم نماید

بافتد . سیاره مارا بارچه بارچه ساخته چنان خاک و قیاری تولید میکند که ماها اتوسفیر را خواهد پوشاند و مانع رسیدن شعاع آفتاب خواهد گردید که در نتیجه یخبندان انسانها تلف خواهند شد و نباتات از زمین خواهند رفت . در باره جلوگیری از چنین حادثه منجمین نظر میدهند یک راکت مجهز با کلاهک هسته ای میتواند چنین سیاره ای در حال تقرب را نشانه گرفته و پیش از آن ل شدن به جو زمین از بین ببرد . اما درین صورت نیز بارچه های سیاره به زمین خواهد ریخت . نظر بهتر آنکه در سال های ۱۹۸۰ آرایه شد میگوید به جای نابودی سیاره خونتر خواهد بود اگر مسیر آنرا توسط مواد منفجره انحراف دهیم .

ترجمه حسن نیر

بت خواهد کرد و یا با حرکت در لهره آفرین و تخریش اعصاب از نزدیکی زمین عبور خواهد نمود . حتی اگر سیاره اف سی ۱۹۸۹ به زمین نخورد سیاره مشابه بالاخره به آن اصابت خواهد کرد . سیاره های با عرض نیم میل در سیستم شمسی در حرکت اند و طور متوسط در هر ۱۰۰۰۰۰ سال داخل اتوسفیر زمین میشوند درین میان سیاره های بزرگتر به عرض پنج یاده میل وجود دارند که در هر ده میلیون سال یکصد میلیون سال به زمین اصابت میکنند که به تمامی سیاره ها خطر بزرگی را متوجه میسازد . همین سیاره ها به عقیده بسیاری دانشمندان ۶۵۰ میلیون سال پیش سبب نابودی حیوانات عظیم الجثه در روی زمین شدند به نظر عده ای از ستاره شناسان اگر این اجرام سماوی به زمین

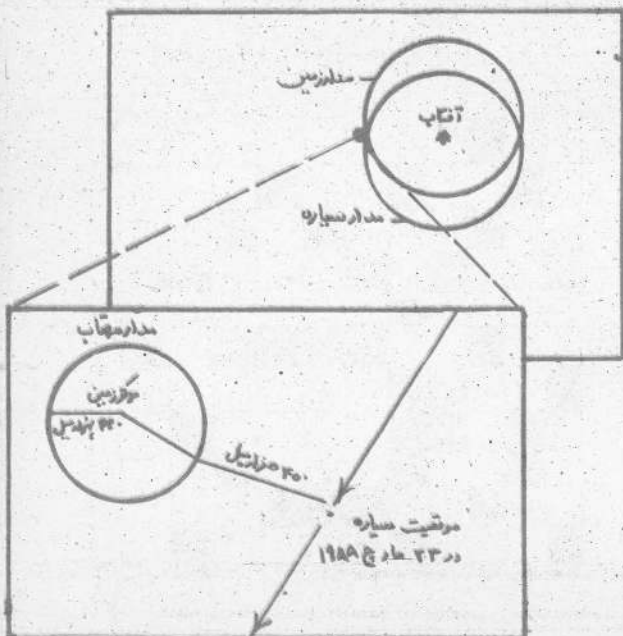
اریزونای شمالی کشف شد و ایسن درست او اسط مارچ بود که سیاره مذکور با مصونیت از زمین دور میشود . اقای هولت عکسهای این سیاره را که توسط یک تلسکوپ ۱۸ اینچ در رصدخانه بالامور در جنوب کالیفورنیای تهیه شده بود مطالعه کرد . گفته میشود عرض این سیاره شاید صد یارده بوده باشد و اگر به همین بیانه کوچک هم بوده باشد در صورتیکه با سرعت ۵۰۰۰۰ میل فی ساعت به زمین اصابت میکرد . حفره ای به بزرگی یک میل که چندین صد فوت عمق میداشت ایجاد میتوانست یعنی گودالی به همان وسعت که در حدود ۴۰۰۰۰ سال پیش در اریزونای شمالی توسط یک سیاره ایکه به زمین افتید بود به وجود آمده است . اما چنین حادثه ای اگر امروز اتفاق افتد کافی است که مرکز عمده برجستگیت رانا بود کند . ستاره شناسان میگویند اف سی ۱۹۸۹ بر خواهد گشت . مانند زمین که به دور آفتاب گردش میکند منتها به عوض ۳۶۵ روز ۳۸۰ روز را در مدار سیاره دریاه اپریل دوباره از نزدیکی زمین بگذرد غالباً در یک فاصله مصون تر قرار خواهد داشت . اما منجم بریان ماریسن از رصدخانه هاروارد سمت سونیان که بر مبنای تخمینات هولت محاسبات خود را آرایه داشته میگوید در صورتیکه محاسبات ماد قیق باشد این سیاره میتواند با زهم خطری به وجود آورد یا اینکه به زمین اصابت

شبه بیست و سوم مارچ (۳ حمل) کجا بودید . خارج از منزل . همراه بادوستان یا مشغول تماشا یا برنامه های تلویزیون . به هر حال شما نمی دانستید که در همان لحظات در چند قدمی شما یک فاجعه قرار داشتید . شما ازین خطر آگاه نبودید . اما یک سیاره بزرگ به چنان فاصله نزدیکی از زمین به سرعت عبور کرد که در ۵۲ سال گذشته سابقه نداشته است .

اگر این صخره عظیم به زمین اصابت میکرد فاجعه ای مانند انفجار هزاران بم هاید روجن می آفرید و ملیونها انسان را نابود میکرد و در صورتیکه این سنگ آسمانی به بحر می افتاد امواجی به بلندی صد مایتر ایجاد میکرد .

پیش ازینکه شمار زیاد به هراس بپفتید لازم است بفهمید که نزدیکترین فاصله این سیاره از زمین در حدود ۴۵۰۰۰۰ میل بود یعنی در حدود دو چند فاصله زمین با مهابت . با انهم در شرایط و محاسبات کیهانی امکان اصابت این صخره زیاد بعید نبود . از سال ۱۹۲۲ به اینسو هیچ سیاره به این بیانه با زمین نزدیک نبوده است . در آن سال یک سیاره کوچک به قطر تقریباً نیم میل از عین فاصله از نزدیکی زمین عبور کرد .

این سیاره جدید که مطابق سیستم نمره گذاری رسمی اتحادیه بین المللی نجومی اف سی ۱۹۸۹ نامیده میشود . نخست توسط پروفسور هنری هولت از یوهنتون



مسطرين

سفید بازی را شروع می کنند
و در سه (۳) حرکت مهره سیاه را
مات می کنند .

سفید بازی را شروع می کنند
و در دو (۲) حرکت سیاه رامات
می کنند .

پرسش ها

جدول ضرب المثلها

عمودی :

- ۱- نقر - لباس خر
- ۲- معکوس ان قوت است - جور برانگنده - بوی نیست .
- ۳- غم نداری انرا بخس - قوغی کمر - دزدی بی پای - معکوس ان اواز خر .
- ۴- ان بود برکتش نی - ی خ س
- ۵- ... حول بالله - نوشید نیست - بدون ان غذا لذتی ندارد .
- ۶- مزین به در کس به انگشت که نزنده ... معکوس ان شکایت .

- ۷- پروا (اصطلاحی)
- ۸- تکه ناکاره (اصطلاحی) نفس اصطلاحی - کاری کن که نی ان بسوزد نی کباب .
- ۹ - یکی اواز صاف و رسا دارد و دیگری ای ... دارد - زیر بوریا .
- ۱۰ - جنگ ... سر ... عدد شروع جدول .
- ۱۱ - بایش رابسته کن همسایه ات را زد نگیر - استم - همان خوک و همان ...

انقی :

- ۱- نام همین جدول ان را خدا کریم است .
- ۲- می گویند ... برادر ندارد - ... مردان دیر پخته می شود .
- ۳- تاک - برای ادم تبیل می گویند که ... تخی است - شل بی پای .
- ۴- بوج های بلند - پدر پدر کلان .
- ۵- دنیا را آب بگیرد اورا تانید بایش است - بالق لق سنگ مردار نمی شود .
- ۶- کوزه شراب - عربها

چقدر پول دارند

سه دختر قرار گذاشتند که سینما بروند هر کس باید می گفت که چند انگانی با خود دارد . شکیبا گفت : من انقدر بیسه دارم که اگر با پول ماریا، $\frac{1}{3}$ پول شعلانی جمع شود . ماریا گفت : من انقدر پول دارم که اگر با پول شعلا، $\frac{1}{3}$ پول شکیبا نیز جمع شود . شعلان گفت : من ده انگانی دارم ولی با این ده انگانی $\frac{1}{3}$ پول ماریا را نیز جمع کنید . حال شما گویید هر کدام انها چه اندازه پول با خود دارند

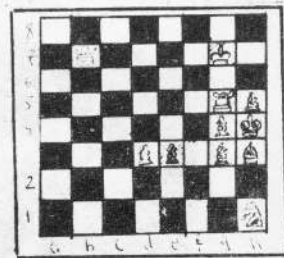
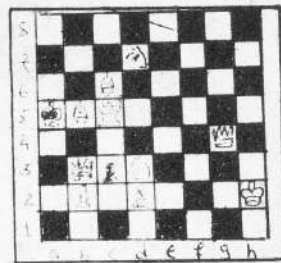
مخاسبه کنید

می گویند که عمر اسپ رابه اساس دند انها پیش تعیین میکنند ولی بیایید ما و تمام رینجا قابلیت ریاضی خود را یکار بینه ازیم . ان اسپ چند سان عمر دارد در حالیکه $\frac{1}{2}$ (یک بر دو) است

جدول ضرب المثلها

	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱											
۲											
۳											
۴											
۵											
۶											
۷											
۸											
۹											
۱۰											
۱۱											

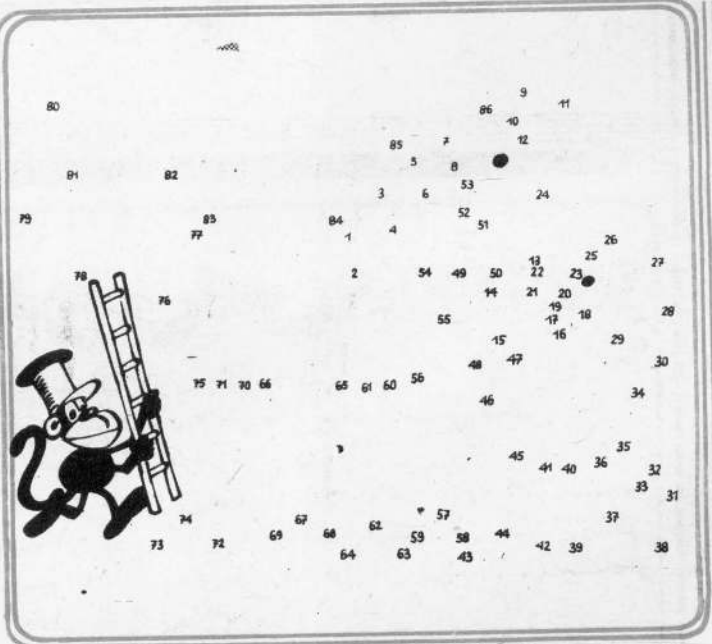
سرگرمی‌ها



پیش ادبی

حل کنید جایز بگید

برای اطفال



اگر میخواهید بدانید که برای زینه چه صورت است اعداد را به ترتیب باهم وصل نمایید

درین شماره مجله ما پرسش های ادبی را مطرح می سازیم؛ دستداران مجله بخصوص علاقمندان عرصه ادبیات فرصت دارند تا یکی دو ماه درین مورد مطالعه نموده و سپس پاسخ های ما را ارسال بدارند. البته ما جایزه های عالی برای آنها در نظر داریم. میتوانید پاسخ هارابه زبان های دری و پشتو ارسال نمایید.

۱- مولانا جلال الدین بلخی کی بود و چند اثر ادبی از او جامانده است.

۲- سنایی چگونه شاعری بود و چند دیوان شعر دارد.

۳- کتاب فیه مافیه یک ارزیابی و نتیجه گیری کلی در یکی دو صفحه تهیه نمایید.

۴- فهرست نویسندگان معاصر افغانی را با نام آثار چاپ شده آنها آماده بسازید.

۵- شهادت نامه آثار یکتا از نویسندگان معاصر افغانی یک تحلیل و نقد صرف به حیث خواننده تهیه نموده بمانفرستید.

۶- آیا شهادت نامه نویسندگان قبایل آزاد معلومات داریند؟ لطفاً درین باره بمانویسید.

۷- آثار رحمن بابا و خوشحال خان خټک کدام هاست؟

۸- دوره های ادبیات را در افغانستان چگونه مطالعه نموده اید؟ درن خود را ازین دوره ها بنویسید.

۹- چه وقت وضع ادبی در کشور ما درخشندگی بیشتری داشت.

صحنه گان

دینی الله عمرخیلی، فریده امید بلقیس احمدی، مریم دانستن، امیلا لطیف وردک، جاوید احمد زکی، محمد وکیل نایب، مسعوده توخی، احمد نوید وردک نورجان ضیایی عادله انورعزتی، شمیم حسن حمید، انیس نایل انزهرا تفتح محمد فتاح، سلم دانستن لیلیا کاروز، خواجه ابراهیم نادره سیما، فرزبان جویان سیدعزت الله مجید، سوما فران فاطمه شریف، نادیه، معروفه درویش، سیدعزت الله مجید، گل علی فقیه فدایی، محمد فریدون خن، گل علی فهیم، سید احمد شاه حسینی، نصرت الله صحت، سید امرالله ناچه شکره انور، محمد عمرعزیز عبدالوهاب راسخ، وحید الله ابراهیمی، وحید الله حبیبی، رابعیه رحمانی، محمد مصطفی شرمیلا شریفی، فاطمه یادگار سونیا اسمعیار، مرعیه محمودزاده احمد شکیب کوهستانی، صادق احمدی.

به اساس فرقه محمد وکیل نایب و فریده امید، مستحق جایزه شناخته شدند.

قابل توجه هوپطان!

فرقه کئی جوایز بوی های فروشگاه بزرگ افغان به تاریخ ۱۸ سرطان صورت می پذیرد.

ادرس اعلان شرکت ترانزیتی صفحه عقب را چنین تصحیح نماید:

ادرس: شعرنو مقابل پارک سړک نمبر (۷) مارکیت جاده عقب زین ننداری
نمبر تیلون (۳۰۲۶۲)

شرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی هرات



**باشرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی
هرات در تماس شوید و مشکلات
تان را به سهولت حل سازید**

آدرس: شهر نو مقابل پارک نمبر بیست و یک مارکیت

هوس تیس HOSTESS

یک نام آشنا برای خانواده ها .
صابون ، شامپو ، جلائی موی و مواد ظرفشویی هوس
برای هر وقت برای هر کس ، برای هر جا .
این اجناس را طور عمده از جاوید لهند ، کوچی مارکیست
نماینده کی ان در کوچی مارکیست دکان موهن لعل و همند کانهایی
شهر ولایات بدست آورید . همچنان این شرکت صابون ضد بخار
(DM4) را تازه وارد نموده است .

نیازمندان عجله نمایند :
تلفون نمنا (۲۰۰۰۹ - ۲۲۶۲۹)

وحید الله پلاستیک

وحید الله پلاستیک هر نوع اسناد و کارت های شمارا توسط
ماشین بوش می کند . همچنان قرطاسیه مورد ضرورت د و ایسر
و طلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد .

آدرس: میر و ایسر میدان مقابل بانک تیس

فروشگاه ارزان

آدرس: شمس‌نو مقابل زینب نداری



ارزنیام تازه ترین
اجناس مورد
نیازتان استقاده
نمایید ارزان و به
مفادیتما

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی مجلات و سایر جراید کشور را به سترس شما قرار میدهد همچنان هر نوع قرطاسیه مورد ضرورت دوايروطلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد.
قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی توسط ماشین بصری اسناد و کارت دست داشته شمارا بونس میکند.

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی چوک میرو سیر میدارن نماینده کسب در چوک جاوه میونه متصدت جبر افغان

صنایع ملی را تقویه نمایید

فروشگاه

بزرگ افغانان

بزرگترین مارکیت فروش بوتها ساخت وطن

۱۰ هزار افغانی جایزه

فقط با خرید یک جوره بوت

و بار هم

۵۰ هزار ۲۰ هزار ۱۰ هزار

افغانی جایزه نقدی

صرف با خرید یک جوره بوت

بوتهای ساخت وطن با بوتهای خارجی رقابت میکنند
بخرید و امتحان کنید

مشتریان محترم بله های خرید را نگهداری کنید و
در روز قرعه کشی که بعداً اعلان میگردد آنرا با خود داشته باشید



بزرگترین فروشگاه همیشه در خدمت شهروندان است
قدای خوب قیمت مناسب

کتابخانه دیجیتال

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**